



وزارت امور اقتصادی و دارایی  
اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی  
معاونت اقتصادی

# نگاهی بر توسعه اقتصادی استان خراسان جنوبی

(جلد اول)





جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

عنوان: نگاهی بر توسعه اقتصادی خراسان جنوبی (جلد اول)

نام پدیدآور: اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی، معاونت اقتصادی

مشخصات نشر: چاپ و نشر امروز خراسان جنوبی - ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۲۵۹ ص. متن، جدول و نمودار.

شابک:

مدیر و ناظر پروژه: مرتضی ذاکریان نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان

تهیه و تدوین: محسن مودی، یعقوب فاطمی زردان، حسین شرفی

با تشکر از همکاری؛ کارشناسان معاونت اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان و

همچنین کلیه کارشناسان دستگاه‌های ذیربط که ما را در تهیه و تدوین این مجموعه یاری نمودند.

طراحی جلد: صادق نوری مقدم

ناشر: چاپ و نشر امروز خراسان جنوبی

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ و لیتوگرافی: چاپ و نشر امروز خراسان جنوبی

شابک:

کلیه حقوق این اثر متعلق به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی می باشد.

حق چاپ محفوظ است.

توسعه اقتصادی مفهومی کلیدی و یکی از عوامل اصلی حکمرانی خوب در پیشرفت کشورها است. در حقیقت، توسعه اقتصادی فرآیندی است که در طی آن، زنجیره‌ای از تحولات و تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به‌منظور دستیابی به اهداف مهمی مثل بهبود کیفیت زندگی افراد یک جامعه، افزایش ثروت، ارتقاء رفاه جامعه (و ریشه کنی فقر) و ایجاد اشتغال به‌وقوع می‌پیوندد. بنابراین، دستیابی به بسیاری از اهداف توسعه استان، بدون توجه به مقوله توسعه اقتصادی امکان پذیر نخواهد شد و این موضوع خود بدون تجزیه و تحلیل عملکرد واقعی بخش‌های اقتصادی بر پایه آمار و اطلاعات جامع و شفاف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره و بکارگیری آن در سطوح مختلف برنامه ریزی های اقتصادی میسر نخواهد بود.

استان خراسان جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با وجود ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالایی که در استان وجود دارد، هنوز چالش‌های مهمی نظیر زیرساخت‌های ضعیف، تامین مالی اندک، بحران های آبی و خشکسالی های پی در پی، تجارت اندکی با وجود مرز مشترک بالا و مواردی از این دست باعث شده است رشد و توسعه استان کند پیش رود. از طرفی انتخاب استراتژی مناسب برای توسعه اقتصادی از چالش‌های اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می باشد. مسلماً با مطالعه و بررسی وضعیت موجود و شاخص های اصلی توسعه، می توان نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و مشکلات موجود را شناسایی و به تبع آن راهکارهای اجرایی لازم را جهت استفاده از توانمندی‌ها و رفع این چالشها اتخاذ نمود. با توجه به الزامات از پیش گفته شده، خوشبختانه این کتاب می تواند به شناخت شرایط بخش های مختلف اقتصادی استان و هدفمند کردن تصمیم‌های سیاست‌گذاران و مدیران استانی جهت شکوفایی هر چه بهتر اقتصاد استان کمک نماید.

در پایان جا دارد از زحمات و تلاش‌های بی پایان جناب آقای دکتر ذاکریان مدیرکل محترم امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی و همکارانشان در معاونت اقتصادی این اداره کل که با تلاش خود این مجموعه را گردآوری نموده اند، تشکر و قدردانی نمایم. امید است با چاپ این کتاب، فرآیند رشد و توسعه در استان بیش از گذشته شتاب یابد.

**جواد قناعت**

**استاندار خراسان جنوبی**

یکی از مهمترین وظایف اقتصاد توسعه، بررسی امکان رهایی کشورها از دور باطل فقر است. اقتصاددانان اعتقاد دارند که برای رسیدن به این هدف، باید ابعاد مختلف توسعه در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیرساختی و غیره مورد توجه قرار گیرد و صرفا توجه به یک بخش نمی تواند توسعه اقتصادی را رقم بزند. در حقیقت، توسعه اقتصادی از دو منظر سخت افزاری و نرم افزاری قابل بررسی می باشد. حوزه نرم افزاری مربوط به چالش های قانونی و موانع تقنینی پیش روی توسعه اقتصادی برمی گردد و حوزه سخت افزاری مربوط به زیرساخت ها، تولیدات صنعتی، تجارت و مواردی از این دست می باشد. عملیاتی نمودن اهداف و تحقق چشم اندازها، به شدت وابسته به میزان شناخت دقیق و جامع مدیران، برنامه ریزان و سیاست گذاران استانی و کشوری از وضعیت موجود استان می باشد. بدون شک، سیاست گذاری و برنامه ریزی صحیح و ارائه راهبردهای موثر بدون شناخت کامل و تبیین مسائل موجود، امکان پذیر نمی باشد. مخصوصا برای استان هایی مانند خراسان جنوبی که وضعیت مناسبی در توسعه اقتصادی ندارند. بنابراین، اهمیت و شناخت دقیق شرایط استان و عدم وجود مطالعات کافی در این حوزه از یک طرف و وضعیت نامطلوب اقتصادی استان از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا به مطالعه دقیق و بررسی جامع اقتصاد استان از منظر توسعه اقتصادی بپردازیم و راهکارهایی را برای برون رفت از وضعیت موجود ارائه نماییم.

در تدوین کتاب حاضر سعی شد در ابتدا و در قالب یک فصل، شرایط موجود استان در شاخص های مختلف توسعه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و در هر بخش چالش های موجود آن حوزه به صورت سوال مطرح گردد. در ادامه، چهار عامل اساسی اثر گذار بر توسعه اقتصادی شامل تولید، تجارت، زیرساخت ها و تامین مالی در قالب چهار فصل بطور مفصل مورد بررسی قرار گرفت. در هر صورت، تدوین این کتاب، می تواند گام اساسی در مسیر شناخت شرایط استان برای مدیران و تصمیم گیران باشد. با این حال، از آنجائی که تدوین و تالیف کتاب با بهره گیری از آمار و اطلاعات موجود و در دسترس صورت گرفته است؛ این امکان وجود دارد که به صورت جزئی اشکالاتی در کتاب وجود داشته باشد که از کلیه اندیشمندان، محققان، مدیران و صاحب نظران محترم تقاضا می گردد ما را از پیشنهادهای و رهنمودهای ارزنده خود بهره مند نمایند. در پایان، پس از حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال به دلیل توفیق انجام این تکلیف، لازم است از استاندار محترم جناب آقای دکتر جواد قناعت به خاطر حمایت همه جانبه از توسعه استان و تهیه کتاب "نگاهی بر توسعه اقتصادی استان" و همه مدیران و کارشناسان دستگاه های اجرایی که نقش مهمی در تهیه این کتاب داشته اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

### مرتضی ذاکریان

نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

## فهرست مطالب

فصل اول: مفاهیم توسعه اقتصادی و جایگاه استان خراسان جنوبی.....	۱
مقدمه.....	۲
بخش اول) آشنایی با مفاهیم توسعه.....	۲
چیستی توسعه اقتصادی و تفاوت آن با رشد اقتصادی.....	۲
مفهوم رشد اقتصادی.....	۲
مفهوم توسعه اقتصادی.....	۳
وجه تمایز بین رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی.....	۷
سیر تحول اقتصاد توسعه.....	۸
بخش دوم) بررسی اجمالی شرایط استان خراسان جنوبی در شاخص‌های توسعه.....	۹
اهداف بنیادین توسعه استان بر اساس الزامات آمایش سرزمین.....	۹
چشم انداز توسعه استان.....	۱۰
ماموریت های توسعه استان.....	۱۱
راهبردهای پا برجای استان.....	۱۲
ویژگی‌های سرزمینی و اقلیمی استان.....	۱۳
حسابهای ملی.....	۱۷
الف) تولید ناخالص داخلی.....	۱۷
ب) تجارت به عنوان محرک رشد.....	۲۳
ج) سهم استان از بودجه دولتی.....	۲۸
رفاه اجتماعی استان.....	۲۹
زیرساخت‌ها.....	۳۶
الف) انرژی.....	۳۶
ب) آب.....	۳۹
ج) بازارهای مالی.....	۴۱
د) حمل و نقل.....	۴۲
ه) انبارداری.....	۴۳
و) ارتباطات.....	۴۴
دموگرافی یا جمعیت شناسی.....	۴۷

۴۷.....	الف) جمعیت.....
۵۳.....	ب) نیروی انسانی.....
۵۸.....	ج) مهاجرت.....
۶۲.....	جبر جغرافیا و شرایط سخت محیطی.....
۶۳.....	شاخص توسعه انسانی.....
۶۶.....	آموزش.....
۷۰.....	بهداشت و سلامت.....
۷۳.....	کشورهای جهان سوم و کاربرد نادرست این واژه.....
۷۷.....	فهرست منابع.....
۸۰.....	<b>فصل دوم: تولید.....</b>
۸۱.....	مقدمه.....
۸۲.....	بخش اول) کشاورزی.....
۸۲.....	معرفی اجمالی بخش کشاورزی استان.....
۸۵.....	بررسی کشاورزی استان در بستر اقتصاد توسعه.....
۸۸.....	بررسی بخش کشاورزی استان در قالب اسناد آمایش سرزمین.....
۹۰.....	چرا کشاورزی استان خراسان جنوبی نیازمند توجه ویژه است؟.....
۹۱.....	مدل های توسعه کشاورزی.....
۹۱.....	۱. مدل توسعه روستایی.....
۹۲.....	۲. مدل اشاعه.....
۹۲.....	۳. مدل انقلاب سبز.....
۹۳.....	۴. مدل نوآوری القایی.....
۹۴.....	۵. مدل جامع توسعه روستایی.....
۹۵.....	۶. مدل نیازهای اساسی.....
۹۶.....	کدام مدل برای توسعه کشاورزی استان خراسان جنوبی مناسب است؟.....
۹۷.....	توصیه های سیاستی این بخش.....
۹۹.....	بخش دوم) صنعت و معدن.....
۹۹.....	ارتباط توسعه صنعتی و توسعه اقتصادی.....
۱۰۰.....	تعریف و تبیین استراتژی توسعه صنعتی.....

۱۰۱.....	ویژگی استراتژی توسعه صنعتی مناسب.....
۱۰۲.....	ضرورت تدوین استراتژی توسعه صنعتی.....
۱۰۴.....	نمای کلی صنعت و معدن استان خراسان جنوبی.....
۱۰۸.....	بررسی بخش صنعت و معدن استان در قالب اسناد آمایش سرزمین.....
۱۱۱.....	سطح فناوری صنایع استان.....
۱۱۲.....	ضریب مکانی استان خراسان جنوبی.....
۱۱۳.....	چالش‌های پیش روی توسعه صنعتی در استان.....
۱۱۷.....	استراتژی توسعه صنعتی کره جنوبی.....
۱۲۱.....	پیشنهادهای و توصیه‌های سیاستی این بخش.....
۱۲۵.....	بخش سوم) خدمات.....
۱۲۵.....	مفهوم خدمات و نقش آن در توسعه اقتصادی.....
۱۲۶.....	نگاهی به برخی از مزیتها و توانمندی‌های بخش خدمات استان.....
۱۳۰.....	بررسی بخش خدمات در قالب سند آمایش سرزمین.....
۱۳۱.....	توصیه‌های سیاستی جهت توسعه این بخش.....
۱۳۳.....	توزیع شهرستانی مقدار تولید استان.....
۱۳۴.....	شاخص ضریب ساختاری استان خراسان جنوبی.....
۱۳۵.....	بررسی شاخص بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در بخش‌های اقتصادی استان.....
۱۳۵.....	الف) شاخص نسبت افزایش نیروی کار به تولید.....
۱۳۶.....	ب) شاخص نسبت افزایش سرمایه به تولید.....
۱۴۰.....	فهرست منابع.....
۱۴۲.....	<b>فصل سوم: تجارت.....</b>
۱۴۳.....	مقدمه.....
۱۴۳.....	تجارت و توسعه اقتصادی.....
۱۴۶.....	اقتصاد مرزی.....
۱۴۹.....	آمایش مرزی؛ استراتژی مناسب برای خراسان جنوبی.....
۱۵۰.....	بررسی اجمالی شرایط تجاری استان خراسان جنوبی.....
۱۵۲.....	مهم‌ترین چالش‌های پیش روی استان.....
۱۵۴.....	بررسی تجارت استان از منظر نظریه مزیت نسبی.....

تنوع صادراتی استان.....	۱۵۷
مقاصد صادراتی استان.....	۱۵۹
نظریه تجارت پربیش؛ مطالعه موردی استان خراسان جنوبی.....	۱۶۰
نظریه هکشر – اوهلین؛ آیا این نظریه برای تجارت خراسان جنوبی تایید می شود؟.....	۱۶۲
معمای لئونتیف؛ آزمون نظریه هکشر-اوهلین.....	۱۶۴
استراتژی های توسعه اقتصادی.....	۱۶۵
استراتژی جایگزینی واردات.....	۱۶۵
تقسیم بندی استراتژی جایگزینی واردات.....	۱۶۶
استراتژی تشویق صادرات.....	۱۶۷
استراتژی جایگزینی صادرات.....	۱۶۸
استراتژی اقتصاد باز.....	۱۶۸
نظریه فشار بزرگ یا رشد متعادل(متوازن) اقتصادی روزن اشتاین رودن.....	۱۶۹
نظریه رشد نامتعادل(نامتوازن) هیرشمن.....	۱۷۰
استراتژی سوسیالیستی توسعه.....	۱۷۱
استراتژی بهره برداری از منابع.....	۱۷۱
کدام استراتژی برای توسعه استان خراسان جنوبی پیشنهاد می شود؟.....	۱۷۳
چین؛ سیاست تجارت آزاد.....	۱۷۵
توصیه های سیاستی این فصل.....	۱۷۶
فهرست منابع.....	۱۸۳
<b>فصل چهارم: زیرساخت.....</b>	<b>۱۸۵</b>
مقدمه.....	۱۸۶
زیرساخت ها و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی.....	۱۸۶
(۱) حمل و نقل.....	۱۸۹
اهمیت حمل و نقل در توسعه اقتصادی.....	۱۸۹
مشکلات زیرساختی حمل و نقل استان و ارائه راهکارهایی برای حل آن ها.....	۱۹۲
مطالعه موردی کشور ترکیه.....	۱۹۴
(۲) انرژی.....	۱۹۶
اهمیت انرژی در توسعه اقتصادی.....	۱۹۶

۱۹۷.....	بررسی رابطه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی؛ خراسان جنوبی
	آشنایی با تجربیات مدیریت انرژی کشورهای ژاپن، کره جنوبی، انگلیس؛ نیم نگاهی به
۱۹۸.....	مصرف انرژی نو در خراسان جنوبی
۲۰۳.....	۳) فناوری و ارتباطات
۲۰۴.....	بررسی یک نظریه اقتصاد توسعه در باب گسترش ارتباطات
۲۰۷.....	۴) منابع آبی
۲۰۷.....	آب و توسعه اقتصادی
۲۰۸.....	مهم‌ترین چالش‌های بحران آبی در خراسان جنوبی
	مدیریت بهینه آب؛ مطالعه موردی چاه نیمه‌های استان سیستان و بلوچستان و کشور
۲۱۱.....	فرانسه
۲۱۳.....	توصیه‌های سیاستی این فصل
۲۱۸.....	فهرست منابع
۲۲۰.....	<b>فصل پنجم: تامین مالی</b>
۲۲۱.....	مقدمه
۲۲۱.....	اهمیت تامین مالی در توسعه اقتصادی
۲۲۲.....	برخی از مهم‌ترین مشکلات تامین مالی استان خراسان جنوبی
۲۲۴.....	نگاهی به تامین مالی استان
۲۲۵.....	راهکارهایی تامین مالی استان
۲۲۶.....	تعامل با مقامات در خصوص بودجه‌ریزی
۲۲۶.....	کاهش وابستگی استان به خام‌فروشی و متنوع کردن تولید و صادرات
۲۲۶.....	صندوق توسعه استانی
۲۲۷.....	کشور ترکیه؛ تشکیل صندوق حمایت از صنایع دفاعی
۲۲۸.....	افزایش صادرات محصولات مزیت‌دار و دانش‌محور استان
۲۲۹.....	تامین مالی به کمک بازار سرمایه
۲۲۹.....	الف-انتشار سهام شرکت‌های استانی
۲۳۰.....	ب-صندوق سرمایه‌گذاری استان
۲۳۱.....	ج) انتشار اوراق توسعه استانی
۲۳۱.....	کشور آمریکا؛ انتشار اوراق

۲۳۲.....	اجاره و واگذاری حق امتیاز.....
۲۳۳.....	کشور هند و آمریکا؛ استفاده از قراردادهای واگذاری.....
۲۳۳.....	خصوصی سازی و یا انعقاد قراردادهای مشارکتی (PPP) بصورت داخلی و بین‌المللی.....
۲۳۴.....	مولدسازی دارایی های مازاد.....
۲۳۶.....	لیزینگ امکانات و تجهیزات دولتی استان.....
۲۳۶.....	تامین مالی جمعی (کرافاندینگ).....
۲۳۷.....	تأمین مالی فاکتورینگ.....
۲۳۷.....	انعقاد قرارداد موازی.....
۲۳۸.....	تامین مالی به کمک ابزارهای مالی اسلامی (صکوک).....
۲۳۹.....	اوراق مرابحه.....
۲۴۰.....	اوراق اجاره.....
۲۴۰.....	اوراق مشارکت.....
۲۴۰.....	اوراق سلف.....
۲۴۰.....	اوراق استصناع.....
۲۴۱.....	اوراق منفعت.....
۲۴۱.....	کشور ترکیه و مالزی؛ استفاده از صکوک برای تامین مالی.....
۲۴۲.....	تامین مالی زنجیره‌ای.....
۲۴۳.....	استفاده از معاملات تجارت متقابل.....
۲۴۳.....	الف) معاملات تهاتری ساده.....
۲۴۳.....	ب) خرید متقابل.....
۲۴۴.....	ج) قراردادهای آفست.....
۲۴۴.....	د) قراردادهای تسویه تهاتری.....
۲۴۵.....	ه) قرارداد واگذاری تهاتری.....
۲۴۵.....	و) قراردادهای تعویض.....
۲۴۵.....	سرمایه‌گذاری خارجی.....
۲۴۵.....	سرمایه‌گذاری مستقیم.....
۲۴۶.....	سرمایه‌گذاری غیر مستقیم.....
۲۴۶.....	سرمایه‌گذاری از طریق ترتیبات قراردادی.....
۲۴۸.....	استفاده از منابع بانک‌ها برای تامین مالی.....

حذف و یا تخفیف بخشی از تعرفه ها و مالیات های مختلف برای استان های کم برخوردار و	
محروم .....	۲۴۹
استفاده از تسهیلات داخلی و خارجی .....	۲۴۹
احداث کنسولگری افغانستان در بیرجند .....	۲۴۹
قراردادهای مشارکت بین المللی تولیدات با کشورهای مختلف .....	۲۴۹
تولید محصول و تجهیزات بصورت فرامرزی .....	۲۵۰
کاهش هزینه های دولتی استان از طریق برون سپاری .....	۲۵۱
توسعه بازارهای استان .....	۲۵۲
استفاده از تجار موفق در بخش بازار یابی بین المللی .....	۲۵۲
توجه ویژه به اقتصاد گردشگری .....	۲۵۲
انتقال دانش و فناوری به سایر کشورها .....	۲۵۳
فهرست منابع .....	۲۵۶

# فصل اول:

## مفاهیم توسعه اقتصادی و جایگاه استان

### خراسان جنوبی

#### هدف کلی

هدف کلی فصل اول آشنایی خواننده با کلیات رشد و توسعه اقتصادی و شرایط استان خراسان جنوبی بر اساس شاخص‌های اصلی توسعه اقتصادی است.

#### هدف‌های جزئی

##### بخش اول) آشنایی با مفاهیم توسعه

- چرایی توسعه اقتصادی و تفاوت آن با رشد اقتصادی
- سیر تحول توسعه

##### بخش دوم) بررسی اجمالی شرایط استان خراسان جنوبی در شاخص‌های توسعه

- ویژگی‌های سرزمینی و اقلیمی استان
- حسابهای ملی استان شامل؛ تولید ناخالص داخلی، تجارت به عنوان محرک رشد، سهم استان از بودجه دولتی.
- رفاه اجتماعی استان
- زیرساخت‌ها استان شامل؛ انرژی، آب، حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات و بازارهای مالی
- دموگرافی و جمعیت شناسی شامل؛ جمعیت، نیروی انسانی و مهاجرت استان
- جبر جغرافیا و شرایط سخت محیطی
- شاخص توسعه انسانی
- آموزش و پرورش
- بهداشت و سلامت

قبل از اینکه یک کشور شروع به اتخاذ برنامه‌های توسعه‌ای کند لازم است ابتدا مفهوم توسعه را به درستی درک نماید. درک مفهوم توسعه دارای مزایایی هست که بطور خلاصه می‌توان به مواردی مانند فهم قرار داشتن در مسیر حقیقی توسعه یا صرفاً شباهی از آن؛ جلوگیری از اتلاف زمان منابع و امکانات برای حصول بهترین نتیجه؛ درک بهتر محدودیت‌ها و تنگناها و در نتیجه توانایی بیشتر در فائق آمدن بر مشکلات موجود؛ انتخاب مناسب‌ترین راهکار و استراتژی جهت نیل به توسعه و مواردی از این قبیل می‌توان اشاره کرد. در اصل نخستین اقدام در جهت انتخاب استراتژی و راهکار مناسب در جهت نیل به توسعه، درک این مفهوم و چستی آن می‌باشد (ملایی و همکاران، ۱۳۹۴). در حقیقت، شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند برنامه جامعی در خصوص توسعه برای کشورشان تبیین کنند، همان عدم درک چستی توسعه اقتصادی باشد. بر این اساس هدف اصلی این فصل بررسی چستی توسعه اقتصادی و درک شرایط استان خراسان جنوبی در شاخص‌های توسعه می‌باشد.

## بخش اول) آشنایی با مفاهیم توسعه

### چستی توسعه اقتصادی و تفاوت آن با رشد اقتصادی

ارتباط نزدیک میان توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی همانقدر که مهم است، می‌تواند بسیار گیج کننده نیز باشد. شکی نیست که با ثبات سایر شرایط افزایش ثروت به ارتقا و بهبود سطح زندگی می‌انجامد. بنابراین کاملاً طبیعی بود که نوشته‌های اولیه راجع به اقتصاد توسعه، پس از آنکه بعد از جنگ جهانی دوم به صورت مبحثی مستقل مطرح شدند، تا حد زیادی بر روی روش‌های رسیدن به رشد اقتصادی و به خصوص افزایش تولید ناخالص ملی و اشتغال کل متمرکز شدند (سن، ۱۳۸۶). با این حال مقوله رشد اقتصادی با توسعه اقتصادی متفاوت می‌باشد. در ادامه به بررسی این دو مفهوم پرداخته می‌شود.

### مفهوم رشد اقتصادی

رشد ترجمه کلمه Growth به معنی بزرگ شدن است؛ مثل قد، وزن، سن و غیره. رشد معنی کمی و عددی دارد و قابل اندازه گیری است. رشد تغییر کمی هر متغیر طی یک دوره زمانی معین است. برای رشد اقتصادی تعریف‌های متعددی ارائه شده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- شومپتر رشد را تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی بلندمدت که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پس اندازها و جمعیت ایجاد می شود، می داند (شومپتر<sup>۱</sup>، ۱۹۳۴: ۵).
- کیندل برگر رشد اقتصادی را فقط به معنای تولید محصول بیشتر به کار می برد (کیندل برگر<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵: ۸).
- فریدمن رشد را گسترش سیستم اقتصادی در جهات مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن می داند (فریدمن<sup>۳</sup>، ۱۹۷۲: ۱۱).
- تودارو رشد اقتصادی را فرایند پایداری که در اثر آن ظرفیت تولیدی اقتصاد، طی زمان افزایش می یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می شود، تعریف می کند (تودارو<sup>۴</sup>، ۱۳۶۶: ۸۵۲).
- قره باغیان رشد اقتصادی را افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه کشور از طریق افزایش در نیروی کار، مصرف، سرمایه و حجم تجارت تعریف می کند (قره باغیان، ۱۳۷۱: ۷).
- بعضی از اقتصاددانان مثل آرتور لوئیس رشد و توسعه اقتصادی را به یک معنی به کار برده اند (لوئیس<sup>۵</sup>، ۱۹۵۱: ۵).

در تمام تعاریف بالا رشد اقتصادی به عنوان یک پدیده کمی تغییرات در میزان تولید ملی است. این تغییرات ممکن است مثبت یا منفی باشد. بنابراین رشد اقتصادی هم می تواند مثبت باشد و هم می تواند منفی باشد. در صورتی که تغییری در تولید صورت نگیرد رشد اقتصادی برابر صفر خواهد بود<sup>۶</sup>.

### مفهوم توسعه اقتصادی

توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. در تعاریفی که از توسعه اقتصادی ارائه شده به طور ضمنی به مفهوم بهبود و گسترش وضع اقتصادی کشورها اشاره شده است. توسعه اقتصادی فقط به رشد اقتصادی محدود نمی شود بلکه در بعد گسترده تری مسائل مربوط به فقر، نابرابری، شهرنشینی، مهاجرت، بیکاری، توزیع درآمد و شاخص های اجتماعی را نیز در بر می گیرد. در مورد توسعه اقتصادی تعاریف متعددی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

- 1 . Schumpeter
- 2 . Kindleberger
- 3 . Friedman
- 4 . Todaro
- 5 Lewis

۶. برای مطالعه بیشتر به کتاب توسعه اقتصادی تودارو و اسمیت (۱۳۹۳)، کتاب توسعه اقتصادی محمود متوسلی (۱۳۹۳) و کتاب توسعه اقتصادی و برنامه ریزی محمد لشکری (۱۳۹۲) مراجعه فرمایید.

- شومپتر توسعه را تغییرات مداوم و خود به خودی در کشورهای در حال توسعه که بعد از استقلال سیاسی، تعادل اقتصادی موجود در اقتصاد را از دست داده اند، تعریف می‌کند (شومپتر، ۱۹۳۴: ۵).
- گونار میردال (۱۹۷۴) توسعه را حرکت به سمت بالای نظام (سیستم) اجتماعی دانسته و تصریح می‌کند که این تعریف تنها تعریف قابل پذیرش به لحاظ منطقی می‌باشد. وی معتقد است که این نظام اجتماعی علاوه بر عوامل اقتصادی، سایر عوامل غیر اقتصادی از قبیل انواع متنوع مصرف، گروه های متعدد مردم، امکانات آموزشی و سلامت، توزیع (اشاعه) قدرت در جامعه و موارد عمومی تر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را؛ و در بیانی وسیع تر نهادها و طرز نگرش‌ها را در بر می‌گیرد. میردال<sup>۱</sup> متذکر می‌شود که علاوه بر موارد ذکر شده، باید مجموعه ای از عوامل بیرونی را نیز به این تعریف اضافه کرده و آن‌ها را نیز لحاظ نماییم (میردال، ۱۹۷۴: ۷۲۹ و ۷۳۰).
- به زعم استیگلitz<sup>۲</sup> (۱۳۸۲) اصلی ترین وجه توسعه این است که نمایانگر تحول در جامعه است. وی توسعه را شامل حرکت از روابط و فرهنگ‌های سنتی و همچنین عادات و رسوم اجتماعی، و از روش‌های سنتی مواجهه با بهداشت و تعلیم و تربیت به روش‌های بسیار مدرن می‌داند (استیگلitz، ۱۳۸۲: ۱۸۴).
- آر پی میسر<sup>۳</sup> توسعه را یک فعالیت انسانی و یک ایدئولوژی می‌داند از نظر وی توسعه از فردی به فرد دیگر متفاوت است. وی معتقد است که توسعه دارای جهت گیری فرهنگی بوده و در محتوا و در تبلور خود نمایانگر تغییر و تحولی ارگانیک می‌باشد. وی معتقد است که توسعه باید با شرایط خاص هر کشور و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه تطابق داشته باشد (به نقل از لطیفی، ۱۳۸۸: ۸۵).
- کیندل برگر توسعه اقتصادی را هم تولید بیشتر و هم پیدایش تحول در چگونگی تولید محصول می‌داند. به نظر وی مفهوم توسعه از رشد گسترده‌تر است چون شامل ایجاد تحول در چگونگی تولید و تخصیص مجدد منابع و نیروی کار در تولیدات گوناگون است (کیندل برگر، ۱۹۶۵: ۸).

---

1 . Myrdal

2 . Stiglitz

3 . R.P.Misra

- به نظر فریدمن توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی (فریدمن، ۱۹۷۲: ۱۱).
- والتر بلاک<sup>۱</sup> معتقد است که توسعه اقتصادی عبارت است از دستیابی به تعدادی از هدف‌های مطلوب از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش و فن و مهارت‌های جدید، بهبود در وضع نهاده‌ها و یا به طور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌های مختلف که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد (به نقل از موسوی جهرمی، ۱۳۸۲: ۴۰).
- به نظر جرالدماروین میر<sup>۲</sup> توسعه اقتصادی عبارت است از فرایندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طولانی، افزایش می‌یابد. توسعه اقتصادی مستلزم چیزی بیش از رشد اقتصادی است. توسعه به معنای رشد به اضافه تغییر است. لذا در فراگرد توسعه ابعاد کیفی اساسی تری وجود دارد که فراتر از رشد یا گسترش یک اقتصاد است. میر به این دلیل بر مفهوم بلندمدت تکیه می‌کند که از نظر وی توسعه افزایش مداوم درآمد واقعی (نه افزایش ساده کوتاه مدت آنچه که در دوره پیشرفت چرخه تجاری روی می‌دهد) است. از نظر جرالدمیر توسعه اقتصادی هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای نابودی فقر می‌باشد (میر، ۱۳۷۸: ۳۵).
- برنامه‌های توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) بر مفهوم و اندازه‌گیری توسعه برحسب شاخص توسعه انسانی (HDI) تأکید دارد. این شاخص نه تنها بر پایه درآمد واقعی، بلکه بر اساس شاخص‌های اجتماعی مانند امید به زندگی، میزان باسودای بزرگسالان و سال‌های تحصیلی مبتنی است.
- تودارو توسعه را فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی تمام مردم می‌داند. او به سه جنبه مهم توسعه اشاره دارد: ۱. ارتقای سطح زندگی مردم یعنی بالارفتن سطح درآمد و مصرف مواد غذایی، بالارفتن سطح خدمات پزشکی و آموزشی از طریق فرایندهای مناسب رشد اقتصادی. ۲. ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم شود: از طریق استقرار نظام‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که مشوق شأن و احترام انسان باشد. ۳. افزایش آزادی‌های مردم در انتخاب از طریق وسعت بخشیدن به حدود متغیرهای انتخاب آن‌ها به عنوان مثال، افزایش در تنوع کالاها و خدمات مصرفی (تودارو، ۱۳۶۶: ۸۴۷).

1 . Walter Block

2 . Gerald Marvin Meier

- پروفیسور دادلی سیرز<sup>۱</sup> میگوید در مورد توسعه هر کشور باید به سه سؤال اساسی پاسخ دهیم:
  ۱. فقر چه تغییری کرده است؟
  ۲. بیکاری چه تغییری کرده است؟
  ۳. نابرابری چه تغییری کرده است؟
- وی معتقد است اگر یک یا دو مورد از مسائل اساسی فوق بدتر شده باشند ولی حتی درآمد سرانه دو برابر شده باشد نمی‌توان گفت توسعه اتفاق افتاده است.
- آمارتیا سن<sup>۲</sup> توسعه را افزایش توانمندی‌ها و بهبود استحقاق‌ها می‌داند. بنابراین اقداماتی که توانمندی‌های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش می‌دهد عوامل پیش برنده توسعه اقتصادی است (آمارتیا سن، ۱۹۸۳: ۱۴).
- عظیمی (۱۳۷۷) توسعه را مرگ نظام کهن و تولد یک نظام جدید می‌داند. وی توسعه را فرآیند انتقالی جامعه از یک دوران تاریخی به دوران دیگر تلقی می‌کند. او معتقد است در مطالعات توسعه‌ای، توسعه با شاخص‌های ساده‌ای مانند تولید ملی، بیکاری، اشتغال و سایر موارد این چنینی تعریف نمی‌شود و موارد ذکر شده تماماً از تبعات توسعه می‌باشند و نه تعریف آن (پوریانی، ۱۳۸۴: ۹۳). عظیمی در کار خود با عنوان "ایران امروز در آینه مباحث توسعه" این مفهوم را این چنین تکمیل می‌کند که فرآیند توسعه فرآیند تقابل و تعارض نهادها و زیرساخت‌های تمدن قدیم با اندیشه و بصیرت تمدن جدید است. با توجه به این مسئله توسعه عبارت از بازسازی یک جامعه علی‌الخصوص در بعد ایجاد نهادهای جدیدی است که متناسب با اندیشه و تفکر جدید باشد (به نقل از پوریانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳ و ۱۰۴).
- قره باغیان توسعه اقتصادی را به این صورت تعریف می‌کند که توسعه اقتصادی حاوی تغییرات کیفی در خواسته‌های اقتصادی، نوع تولید انگیزه‌ها و سازمان تولید است (قره باغیان، ۱۳۷۰: ۷).
- متوسلی توسعه را با اصطلاح «توسعه پایدار» تعریف می‌کند. به نظر وی اصطلاح توسعه معطوف به ارتقای سطح کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه است و پایداری آن اشاره به

---

1 . Dudley Seers

2 . Amartya Sen

استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر دارد. بدین ترتیب توسعه پایدار کلیه جنبه‌ها و ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد (متوسلی، ۱۳۸۲: ۵۵).<sup>۱</sup>

## وجه تمایز بین رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی

همانطور که از تعاریف رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی مشخص شد، این دو مقوله دارای تفاوت‌های بسیاری هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

- از آنجا که رشد اقتصادی فقط به سرانه تولید ناخالص ملی مربوط می‌شود، از مسأله‌ی توزیع درآمد ناخالص ملی میان مردم صرف نظر می‌کند. این احتمال وجود دارد که یک کشور دارای درآمد ناخالص ملی بالایی باشد (مانند بسیاری از کشورهای نفتی) اما توزیع درآمد در این کشورها قابل قبول نباشد و ثروت تنها در دست عده‌ای خیلی کمی که در راس قدرت هستند قرار داشته باشد.
- بسیاری از کشورها صرفاً به دلیل داشتن منابع طبیعی خدادادی دارای درآمد و تولید ناخالص سرانه بالایی هستند و از این لحاظ در صدر کشورهای با رشد بالا قرار دارند. اما در زمینه توسعه که یک فرآیند چندبعدی می‌باشد چندان موفق نیستند. به عنوان مثال در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بسیاری از کشورهای نفتی به دلیل داشتن درآمدهای بالای حاصل از فروش منابع طبیعی دارای GDP سرانه بسیار بالایی بودند و حتی از کشورهایی توسعه‌یافته نیز درآمد بالاتری داشتند. اما توسعه در این کشورها اتفاق نیفتاده بود و در بسیاری از جهات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره از توسعه عقب مانده بودند. بنابراین صرفاً بالاتر بودن GDP سرانه و رشد اقتصادی بیشتر به مثابه توسعه بالاتر نیست.
- تفاوت دیگر بین رشد و توسعه، مربوط به عوارض جانبی و عدم قابلیت فروش است. تولید ناخالص ملی صرفاً آن دسته از وسایل رفاهی را تحت پوشش قرار می‌دهد که در بازار معامله می‌شوند که هزینه - فایده اقلامی را که بازار و قیمت ندارند در بر نمی‌گیرد (به عنوان مثال تولیدات کشاورزی که در خانه به مصرف می‌رسند). در حقیقت محاسبه و ارزش گذاری رشد اقتصادی معمولاً برای آن دسته کالاهایی صورت می‌گیرد که بازار دارند و قیمت بازاری آن‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب توسعه اقتصادی تودارو و اسمیت (۱۳۹۳)، کتاب توسعه اقتصادی محمود متوسلی (۱۳۹۳) و کتاب توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی محمد لشکری (۱۳۹۲) مراجعه فرمایید.

نیز به راحتی قابل پیگیری است و برای کالاهای غیربازاری قابل محاسبه نیست. این در حالی است که توسعه اقتصادی جامعیت داشته و همه کالاها را در برمی گیرد.

– برآورد دستیابی به توسعه فقط به سنجش کمی ابزار (رسیدن به) آن دستاورد نیست. مفهوم توسعه باید بر دستاوردهای واقعی متمرکز شود. حتی اگر سایر مشکلات به نحوی مرتفع شده باشند، ارزیابی توسعه، باید کاملاً با فراتر از اطلاعات مربوط به تولید ناخالص ملی بگذارد و علاوه بر مباحث کمی، کیفیت را نیز در برگیرد (سن، ۱۳۸۶). به عبارتی رشد اقتصادی یک مفهوم کمی و توسعه اقتصادی یک مفهوم کیفی است.

### سیر تحول اقتصاد توسعه

سر ویلیام پتی<sup>۱</sup> در سال ۱۶۷۶ بیان کرده بود که «فرانسویها بسیار سریع رشد می کنند». خواه این جمله، یک حساسیت بریتانیایی نسبت به رقیب فرانسوی تلقی شود یا خیر، یقیناً بخشی از نخستین بحثها راجع به اقتصاد توسعه به شمار می رود. پتی توجه خود را صرفاً بر رشد ارقام و درآمدها متمرکز نمی کرد، بلکه گستره وسیعی از مسائل مربوط به توسعه از جمله توجه مفهومی به مضمون دقیق سطح زندگی را مدنظر قرار می داد. پتی در همان زمان که درآمد ملی را با استفاده از روش درآمد و هزینه تخمین زده بود، به مطالعه وضعیت زندگی مردم در محدوده ای وسیع تر، از جمله «ایمنی عمومی» و «خوشبختی ویژه هر انسان»، نیز می پرداخت. پتی، بدون اغراق یکی از بنیان گذاران علم اقتصاد نوین و به ویژه پیشگام در مباحث کمی علم اقتصاد به شمار می رود. او همچنین از پایه گذاران اقتصاد توسعه است. در حقیقت در مطالعات اولیه علم اقتصاد به سختی می توان اقتصاد توسعه را از سایر مباحث علم اقتصاد جدا کرد؛ زیرا در واقع، عمده مباحث علم اقتصاد راجع به مسأله توسعه اقتصادی بود. این امر نه فقط در مورد نوشته های پتی بلکه در مورد آثار سایر پیشگامان اقتصاد نوین از جمله گریگوری کینگ<sup>۲</sup>، فرانکوئیس کوئزنی<sup>۳</sup>، آنتوان لاوازیئر<sup>۴</sup>، جوزف لویی لاگرانژ<sup>۵</sup> و حتی آدام اسمیت<sup>۶</sup> نیز صادق است. کتاب آدام اسمیت با عنوان تحقیق در باب ماهیت و علل ثروت ملل<sup>۷</sup>، در حقیقت تحقیق در خصوص مسائل

1 . Sir Wiliam Petty.

2 . Gregory King

3 . Francois Quesnay

4 . Antoine Lavoisier

5 . Joseph Louis Lagrange

6 . Adam Smith

7 . An Inquiry Into The Nature And Causes Of The Wealth Of Nations

بنیادین اقتصاد توسعه نیز بود (سن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۶). در همین زمینه ویلیس<sup>۲</sup> (۱۳۹۳) رهیافت های اصلی توسعه از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ را چنین شرح داده است: در دهه ۱۹۵۰ رهیافتهای اصلی توسعه دو مورد نوسازی و نظریه های ساختارگرا بوده است. براساس نظریه های نوسازی تمامی کشورها باید از مدل اروپایی پیروی کنند؛ و براساس نظریه های ساختارگرا کشورهای جنوب باید تعامل با اقتصاد جهانی را به منظور فرصت رشد اقتصاد بومی محدود نمایند. در دهه بعد، یعنی ۱۹۶۰ رویکرد نوسازی تداوم یافته و علاوه بر آن نظریه های وابستگی که فقر و محرومیت کشورهای جنوب را به سبب استثمار کشورهای شمال تلقی می کردند، روی کار آمدند. در ادامه در دهه ۱۹۷۰ همراه با استمرار رویکرد وابستگی، رهیافت نیازهای اساسی و همچنین رویکردهای معطوف به زنان و توسعه را مشاهده می کنیم. در دهه ۱۹۸۰ روی کارآمدن رویکردهایی چون نئولیبرالیسم رهیافتهای مردمی، توسعه پایدار و رویکردهای معطوف به جنسیت و توسعه را شاهد هستیم. در دهه ۱۹۹۰ رویکرد نئولیبرالیسم ادامه پیدا کرده و علاوه بر آن رویکردهای فرهنگ و توسعه برجسته شده اند؛ در دهه ۲۰۰۰ مجموعه ای از رویکردها تحت عناوین نئولیبرالیسم، توسعه پایدار، پساتوسعه و رهیافتهای مردمی قابل مشاهده می باشند (ویلیس، ۱۳۹۳: ۳۳ و ۳۴).

## بخش دوم) بررسی اجمالی شرایط استان خراسان جنوبی در شاخص های توسعه اهداف بنیادین توسعه استان بر اساس الزامات آمایش سرزمین<sup>۳</sup>

- توسعه دانش بنیان
- تقویت درونزایی و توسعه اقتصاد مقاومتی کشاورزی پایدار و کم نهاد
- توسعه صنایع مبتنی بر پتانسیل های کشاورزی و معدنی منطقه،
- توسعه گردشگری ارتقای جایگاه استان در توسعه بازرگانی و خدمات؛
- تحقق عدالت اجتماعی و فضایی در ارائه خدمات و توسعه شبکه های زیربنایی؛
- توسعه اجتماع محور مبتنی بر تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی استان
- تأمین انرژی پایدار، پاک، مطمئن و اقتصادی؛
- استقرار نظام سکونت فعالیت متعادل، متوازن و مبتنی بر ظرفیت های محیطی؛
- حفاظت و مدیریت بهره برداری منابع طبیعی و منابع آب؛

1 . Sen

2 . Willis

۳ . بر اساس اسناد آمایش سرزمین و گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی

- تبدیل استان به مرکز هم پیوند بین‌المللی
- افزایش تاب آوری خراسان جنوبی در برابر حوادث و بلایای طبیعی
- ارتقاء سطح امنیت استان از طریق بکارگیری الزامات دفاعی امنیتی پدافند غیر عامل و مدیریت بحران در برنامه‌های توسعه‌ای استان

### چشم انداز توسعه استان<sup>۱</sup>

استان خراسان جنوبی در افق چشم انداز ۱۴۱۵ استانی است توسعه‌یافته با جایگاه برتر در حوزه‌های تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص، فراوری مواد معدنی کشاورزی پایدار بهره‌وری بالا در منابع آب، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، استفاده از روحیه مشارکت مردم، اقتصاد دانش‌بنیان، توسعه گردشگری، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، استفاده بهینه از فناوری اطلاعات و ارتباطات، در تعامل سازنده با کشور افغانستان، ناحیه اوراسیا و استان‌های همجوار که مبتنی بر اصول حکمروایی شایسته و با رعایت الزامات و ملاحظات دفاعی، امنیتی پدافند غیر عامل و زیست محیطی اداره می‌شود. بر این اساس استان در افق چشم انداز دارای ویژگی‌های زیر است:

- با بهره‌گیری از ظرفیت جوامع محلی و توسعه سرمایه‌های انسانی متخصص و کارآمد ضمن خلق رفاه و توزیع منصفانه آن در جامعه، گامی موثر در مسیر فقرزدایی و ارتقا امنیت پایدار و تقویت پیوندهای قومی و مذهبی در چارچوب هویت ملی برداشته است.
- برخوردار از شهرهای پرونق روستاهای آباد و مولد با تاکید بر بازآرایی تعاملات و تمهید ترتیبات توسعه پایدار و متوازن که ضمن توزیع خدمات و زیرساخت‌های هوشمند سبز و پایدار در تامین منابع آب و انرژی خودکفا بوده و با صادرات خدمات برتر و دانش‌بنیان، دارای زیرساخت‌های همبسته با کشور افغانستان به منظور افزایش عمق استراتژیک و امنیت پایدار مبتنی بر تعاملات فی مابین در مرزهای شرقی کشور است.
- دارای جایگاه ممتاز در محیط زیست و منابع طبیعی است. زیست بومی پایدار که با ملاحظات طبیعی و تاب آوری زیست محیطی، مدیریت صحیح منابع آبی و هدایت فرآیند توسعه، شرایط خشکسالی را تعدیل بخشیده و از طریق انتقال آب، بهره‌برداری از آب‌های سطحی و مدیریت مصرف منابع آب پایدار در استان را ایجاد می‌نماید.

۱. بر اساس اسناد آمایش سرزمین استان خراسان جنوبی

- دارای بخش کشاورزی پایدار متناسب با مقتضیات طبیعی برخوردار از فناوریهای نوین و الگوی کشت سازگار با محیط در راستای حفاظت و توسعه گونه های بومی و توانمند در تولید ثروت و تضمین منافع پایدار بهره برداران بخش های زراعت، باغداری و دامپروری از طریق تکمیل زنجیره تولید است.
- یکی از بازیگران اصلی اقتصاد جنوب غرب آسیا و منطقه اوراسیا و بهره مند از زیرساخت های مجهز حمل و نقل و ارتباطات و حلقه اتصال به کشورهای شرقی است. استان با دارا بودن منطقه ویژه اقتصادی و بازارچه های مرزی و قرارگیری در کریدور شرق به غرب، ایفاگر نقش فراملی و رقابت پذیر و دارای جایگاه ممتاز در زنجیره حمل و نقل بین الملل و دروازه تجارت جهانی کشورهای آسیای میانه، افغانستان است.

### ماموریت های توسعه استان<sup>۱</sup>

- حفاظت از منابع زیست محیطی و ارتقاء کیفیت منابع زیست محیطی، آب، خاک، هوا و مدیریت زیست محیطی منابع آلاینده آن ها به منظور پایداری توان های اکولوژیک.
- مدیریت عرضه و مصرف آب شرب و کشاورزی مورد نیاز جمعیت و پهنه های مناسب کشاورزی.
- احیای جایگاه و نقش تاریخی و راهبردی منطقه در مسیر راه ابریشم و سایر شاهراه ها و کریدورهای شمالی-جنوبی و شرقی غربی
- توسعه و نوین سازی فعالیت های بازرگانی خارجی و ترانزیت کالا با تاکید بر فعالیت ها و تمهیدات لجستیکی
- تحدید فعالیت های اقتصاد غیررسمی با اصلاح ساختارها و تقویت بخش رسمی اقتصاد استان

## راهبردهای پابرجای استان<sup>۱</sup>

- متنوع سازی فعالیت های اقتصادی و ایجاد درآمدهای پایدار در شهرها و روستاهای استان
- بارگذاری و استقرار جمعیت با توجه به ملاحظات و ظرفیت های زیست محیطی
- مقاوم سازی سکونتگاه های شهری و روستایی
- افزایش تاب آوری و کاهش آسیب پذیری در برابر تهدیدات انسان ساخت و تبعات امنیتی تهدیدات طبیعی
- نهادسازی، توانمندسازی جوامع محلی و تقویت تشکل های مردم نهاد در راستای پذیرش نقش های تصمیم گیری
- حفظ و ارتقاء هویت فرهنگی ارزش های ایرانی- اسلامی به منظور تقویت ارزش های فرهنگی بومی و تقویت وحدت ملی و همگرایی فرهنگی در پیوند با فرهنگ ملی
- کاهش آسیب های اجتماعی و تأمین امنیت پایدار با گسترش مشارکت عمومی و افزایش نشاط و شادابی در استان
- حفاظت از منابع و زیستگاه های طبیعی میراث طبیعی و تعادل زیست محیطی استان به ویژه ذخیره گاه های زیستی و اکوسیستم های نادر به منظور پایداری توان اکولوژیک و توسعه پایدار بخش کشاورزی
- کنترل فرسایش بادی و بیابانزایی از طریق بهره برداری متناسب با توجه به توان و قابلیت های سرزمین
- ساماندهی مدیریت سرزمین به منظور بهره برداری متناسب با توان های محیطی و قابلیت های طبیعی استان به ویژه منابع آب، خاک و معادن
- حفاظت از منابع آب از طریق مدیریت عرضه و مصرف آب، استفاده از آب های غیرمتعارف و تغییر الگوی کشت متناسب با سند سازگاری با کم آبی استان
- حفاظت از منابع خاک کشاورزی از طریق انجام فعالیت های کشاورزی حفاظتی و کشت مستقیم محصولات زراعی
- توسعه سیستم های تولیدی کم نهاده بخش کشاورزی از طریق تغییر الگوی کشت و افزایش بهره وری عوامل تولید به ویژه آب و خاک

۱. بر اساس اسناد آمایش سرزمین استان خراسان جنوبی

- افزایش بهره‌وری و مدیریت تولید و مصرف خاک، مدیریت پایدار تأمین و عرضه خاک و تصمیم‌گیری مشارکتی مدیریت خاک
- توسعه محصولات استراتژیک و صادراتی و کم‌نهاده مانند زرشک، عناب، زعفران، انگوزه خاکشیر و غیره.
- توسعه و تکمیل زنجیره ارزش از طریق ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و ایجاد صنایع فرآوری مواد معدنی
- توسعه صنایع مبتنی بر پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های استان
- تجاری سازی و تبدیل استان به بارانداز شرق از طریق گسترش روابط خارجی
- توسعه گردشگری پایدار مبتنی بر گونه‌های گردشگری دارای مزیت در استان توسعه خدمات پشتیبان تولید
- افزایش سهم ICT در اقتصاد استان و ارتقای زیست بوم کارآفرینی
- توسعه کیفی دانشگاه‌های استان در راستای ارتقای زیست بوم - کارآفرینی
- ایجاد فرصت‌های آموزش برابر و توانمند سازی نیروی انسانی
- ارتقاء سطح دسترسی به خدمات سلامت و توسعه خدمات الکترونیکی آموزش و سلامت
- ارتقای کیفیت خدمات حمل و نقل جاده‌ای ریلی و هوایی و توسعه صنعت حمل و نقل در دالان‌های موجود و صنایع وابسته به آن

## ویژگی‌های سرزمینی و اقلیمی

### استان

در متون تاریخی از خراسان جنوبی با نام «قهستان» یاد شده که در گذشته شامل نواحی خواف، گناباد، بجستان، کاشمر، طبس، تون فردوس، قاین، طبس مسینا، بیرجند، خوسف، رقه و نهبندان بوده است.



بر اساس کتیبه های هخامنشی و نوشته های برخی از مورخان یونانی، قهستان خاستگاه و زیستگاه یکی از اقوام ایرانی به نام «ساگارت» بوده است و بخشی از چهاردهمین قلمرو هخامنشی به شمار می آمد. کتیبه «کال جنگال» به عنوان یک سند بسیار معتبر نشان می دهد که در دوران اشکانیان، قهستان بخشی از شاهنشاهی اشکانی بوده است. در عصر حاضر، استان خراسان جنوبی تا سال ۱۳۸۳ به همراه استان خراسان شمالی و خراسان رضوی، استان خراسان را تشکیل می دادند که با مصوبه مجلس شورای اسلامی در این سال به سه استان تبدیل شدند. این استان از شمال با خراسان رضوی، از غرب با یزد، اصفهان و سمنان، از جنوب با استان سیستان و بلوچستان و کرمان و از شرق با کشور افغانستان (به اندازه ۳۳۱ کیلومتر) هم مرز است. این استان با مساحت ۱۵۱۰۱۸.۳۰ کیلومترمربع حدود ۹.۳ درصد از مساحت کل کشور را دارا می باشد و در رتبه ۳ از نظر مساحت قرار دارد که نشانگر وسعت زیاد این استان نسبت به سایر استان ها هست. همچنین، بر اساس آمار سال ۱۴۰۰، پراکندگی توزیع سرزمینی استان به صورت زیر می باشد.

پراکندگی توزیع سرزمینی استان

شاخص	تعداد	سهم از کشور	رتبه
شهرستان	۱۱	۲.۳	۱۸
بخش	۲۸	۲.۴	۱۸
شهر	۳۱	۲.۲	۲۲
دهستان	۶۶	۲.۴	۱۹

منبع: مرکز آمار ایران

علاوه بر این، مطابق با بررسی های مرکز تحقیقات سازمان جهاد کشاورزی استان، آب و هوای استان خشک و بیابانی است ولی با توجه به نحوه قرار گرفتن مناطق پست یا مرتع به دو دسته آب و هوای خشک و گرم و آب و هوای خشک و ملایم تقسیم می شود. آب و هوای خشک و گرم بیشتر در مناطق هموار مرکز، غرب و جنوب غرب و آب و هوای خشک و ملایم بیشتر در بخش های مرتفع شمالی، شمال غربی استان و اطراف بیرجند دیده می شود. از آنجا که این استان در آب و هوای بیابانی قرار گرفته است، رودخانه های موجود در استان اغلب فصلی بوده و رودخانه دائمی وجود ندارد. میزان بارندگی سالانه استان ۱۳۹.۹ میلیمتر و میانگین دمای سالانه ۱۷.۵ درجه سلسیوس می باشد که در رتبه ۲۲ کشوری از نظر میزان بارندگی سالانه قرار دارد. جدول زیر دسته بندی خشکسالی های ۱۰ ساله از سال

۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ را در استان‌های ایران را نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است استان خراسان جنوبی جز استان‌های با خشکسالی بسیار شدید دسته بندی شده است.

### دسته بندی استان‌های کشور بر حسب خشکسالی‌های ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸

خوشه	وضعیت	نام استان	تعداد
۱	خشکسالی بسیار شدید	سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، یزد، بوشهر	۴
۲	خشکسالی شدید	سمنان، اصفهان، کرمان، قم، هرمزگان، خراسان رضوی، خوزستان، تهران، البرز	۹
۳	خشکسالی متوسط	آذربایجان شرقی، قزوین، اردبیل، زنجان، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، فارس، خراسان شمالی	۸
۴	خشکسالی ضعیف	مرکزی، گیلان، کرمانشاه، ایلام، مازندران، گلستان	۶
۵	در حد نرمال	لرستان، همدان، کردستان، آذربایجان غربی	۴

همچنین، ۹۵ درصد از وسعت استان را عرصه های طبیعی در برمی گیرد که از این میزان ۲۲.۷ درصد بیابانی، ۶۳.۳ درصد مراتع بیابانی، ۷.۲ درصد مراتع خوب و متوسط و ۶.۸ درصد جنگلی است. ۸۸۰۳۳۴ هکتار از مساحت این استان جزء کانون‌های بحرانی فرسایش بادی است که شهرستان قائنات با ۲۴۲۴۷۲ هکتار مساحت کانون های بحرانی، دارای بیشترین سطح و شهرستان سرایان با ۲۷۷۸۷ هکتار، دارای کمترین سطح کانون بحران فرسایش بادی است.

### طرح سوال

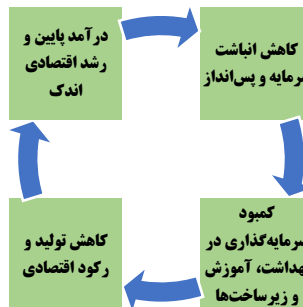
۱. با توجه به اینکه خراسان جنوبی یک استان مرزی می‌باشد و با کشور افغانستان هم مرز است، آیا در حوزه تجارت خارجی توانسته است به نتایج قابل قبولی دست پیدا کند؟
۲. استان خراسان جنوبی بر اساس موقعیت جغرافیایی با ۶ استان و یک کشور هم مرز است و نزدیک به ۱۰ درصد (۹.۳ درصد) از مساحت کل کشور را دارا می‌باشد که رقم بسیار بزرگی است. با وجود اینکه در مساحت، دارای مزیت سرزمینی هستیم که مطمئناً باعث تنوع اقلیمی و اقتصادی گردیده، آیا از این مزیتها در جهت توسعه اقتصادی استفاده شده است؟
۳. با توجه به گستردگی سرزمینی استان، آیا در طرح آمایش سرزمین اجرا شده، به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های استانی توجه گردیده است؟

۴. با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی در مرکز ثقل محور ترانزیتی شرق ایران قرار گرفته است، آیا از این ظرفیت به نحو احسن استفاده شده است؟
۵. یکی از مشکلات استان، آب و هوای گرم و خشک و کمبود میزان بارندگی استان هست که باعث آسیب‌های جدی مخصوصاً در چندسال اخیر به بخش‌های مختلف اقتصاد استان شده است و استان را با بحران کمبود منابع آبی مواجه کرده است. آیا برای چند سال آینده راهکاری برای حل کمبود منابع آبی اندیشیده شده است؟
۶. بادهای ۱۲۰ روزه و فرسایش بادی استان از دیگر چالش‌های اصلی استان هستند که از دو منظر منجر به آسیب رساندن به استان شده اند. از یک طرف فرسایش بادی می‌تواند خاک مرغوب و حاصلخیز استان را جابجا و از بین ببرد و از طرف دیگر منجر به آلودگی هوا شده است. آیا برای حل کانونهای بحران فرسایش بادی چاره ای اندیشیده شده است؟
۷. با توجه به اینکه خراسان جنوبی از یک طرف، یک استان مرزی می‌باشد و نیاز است به منظور افزایش امنیت منطقه، از کاهش جمعیت مناطق مرزی جلوگیری شود و از طرف دیگر بارندگی در این استان کم شده و در چندسال اخیر نیز مردم استان متحمل خسارت‌های جدی از جانب خشکسالی شده اند و منجر به مهاجرت ساکنین مناطق مرزی گردیده است؛ آیا اقداماتی در جهت کاهش مهاجرت‌های اقلیمی صورت گرفته است؟
۸. با وجود اینکه اقداماتی مانند اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبخوانداری برای مدیریت و بهره‌وری از سیلاب و رواناب، اصلاح و توسعه پوشش گیاهی در جنگل و مرتع، طرح‌های مدیریت مناطق بیابانی و جنگل‌های طبیعی و دست کاشت و عملیات حفاظتی فیزیکی از برنامه‌های کاری حوزه برای سازگاری با پدیده‌ها و پیشگیری و کاهش اثرات خشکسالی انجام شده است، اما هنوز مشکلات بسیاری زیادی در این حیطه وجود دارد و استان با مشکلات خشکسالی و ریزگردها دست و پنجه نرم می‌کند. آیا این اقدامات کارساز نبوده اند؟ مشکل چیست؟
۹. با توجه به اینکه درچند سال گذشته به دلیل برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی علاوه بر کاهش منابع آبی قابل شرب، فرونشست زمین نیز اتفاق افتاده است؛ آیا راهکاری برای جلوگیری از کاهش برداشت منابع آبی اندیشیده شده است؟ آیا اقداماتی نظیر مصلوب نمودن چاه‌های غیر مجاز و توسعه طرح‌های آبخیزداری و آبخوانداری می‌تواند کارساز باشد؟

## الف) تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی، نتیجه نهایی فعالیتهای اقتصادی واحدهای تولیدی مقیم یک کشور یا استان در یک دوره زمانی معین است. تولید ناخالص داخلی به سه روش تولید (یا ارزش افزوده)، هزینه (یا مخارج) و درآمد (یا توزیع) محاسبه می‌شود. در محاسبه این متغیر از روش تولید، از تجمیع ارزش افزوده بخش‌های مختلف مانند کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات و غیره استفاده می‌شود. افزایش تولید اقتصادی و به عبارتی رشد اقتصادی برای توسعه لازم است اما کافی نیست. وجود درآمد پایین و رشد اقتصادی کم ممکن است منجر به شکل‌گیری یک دور باطل شود که در نتیجه آن کمبود سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و زیرساخت‌ها و تأسیسات می‌گردد. این موارد نیز به نوبه خود باعث کاهش تولید و رکود اقتصادی می‌شود. چنین دور باطلی در اقتصاد توسعه با عناوینی مانند تله فقر، دام فقر و یا به قول گونار میردال، علیت چرخشی و انباشتگی یاد شده است. با این حال راهکارهایی برای فرار از این تله وجود دارد و تعداد زیادی از کشورها مانند کره جنوبی و تایوان که روزگاری جزء فقیرترین کشورها بودند، امروزه به توسعه قابل قبولی دست یافته‌اند (تودارو و اسمت، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

## دور باطل فقر



منبع: تودارو و اسمت، ۱۳۹۳، ص ۷۱

در این راستا، استان خراسان جنوبی دارای پتانسیل‌ها و ظرفیتهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری گسترده‌ای می‌باشد که می‌تواند به رشد و توسعه این استان کمک کند و جایگاه استان را در بین سایر استان‌ها ارتقا دهد. با این حال، اگر به آمار موجود نگاهی بیاندازیم خواهیم دید که استان در وضعیت تولید ناخالص داخلی وضعیت مطلوبی ندارد و متأسفانه با وجود پتانسیل‌های بسیار بالای معدنی، کشاورزی، صنعتی و

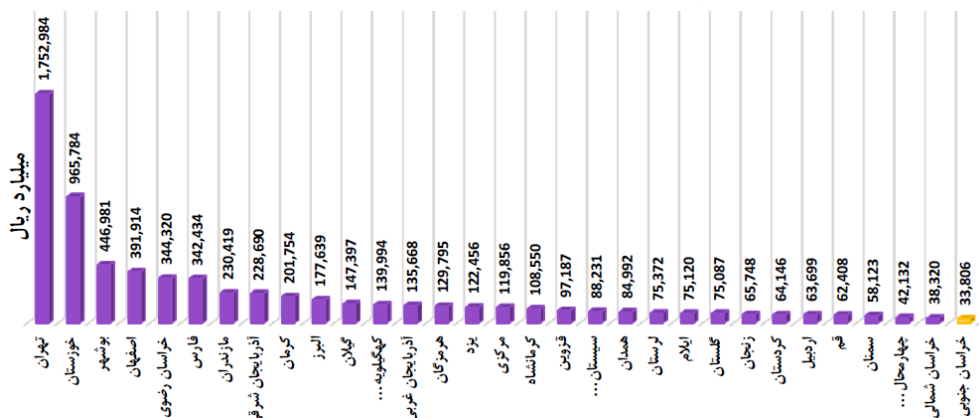
غیره تنها ۰.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است و در بین استان‌های مختلف رتبه ۳۱ (آخرین سهم در بین استان‌های کشور) را دارد.

#### سهم استان از تولید ناخالص داخلی (با نفت)

شاخص \ سال		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹	
		رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم
به قیمت جاری		۳۱	۰.۵۱	۳۱	۰.۴۵	۳۱	۰.۵۳	۳۱	۰.۵۰
به قیمت ثابت ۱۳۹۰		۳۱	۰.۴۸	۳۱	۰.۴۹	۳۱	۰.۴۹	۳۱	۰.۵۴
سهم جمعیت استان		۲۸	۰.۹۶	۲۸	۰.۹۶	۲۸	۰.۹۷	۲۸	۰.۹۷

مأخذ: مرکز آمار ایران.

#### سهم استان‌ها از تولید ناخالص داخلی (سال ۱۳۹۹)



منبع: مرکز آمار ایران

با این وجود، شاید این موضوع در ذهن خطور کند که از آنجا که کشور ایران یک کشور تولیدکننده نفت است؛ دلیل رتبه پایین استان خراسان جنوبی در تولید ناخالص داخلی بخاطر این موضوع هست که این استان دارای منابع نفتی نمی‌باشد و به همین دلیل نتوانسته است جایگاه مناسبی را بدست آورد و سایر استان‌ها که دارای منابع نفتی زیادی هستند سهم بیشتری را از تولید ناخالص داخلی به خود اختصاص داده اند. اما زمانی که به تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز نگاهی بیاندازیم (جدول زیر)؛

می بینیم وضعیت استان در این شاخص نیز مناسب نیست و استان با سهم ۰.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی در رتبه های ۳۰ و ۳۱ جابجا می شود که متناسب با ظرفیت های استان نیست.

#### سهم استان از تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)

سال	۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹	
	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم
خراسان جنوبی	۳۰	۰.۶۲	۳۱	۰.۵۹	۳۱	۰.۶۰	۳۱	۰.۵۶	۳۰	۰.۶۲	۳۰	۰.۵۹

مأخذ: مرکز آمار ایران.

با این حال، برای اینکه وضعیت تولید ناخالص داخلی استان را بهتر بررسی کنیم لازم است سهم استان را در اجزا تشکیل دهنده ارزش افزوده کل جستجو نماییم. در جدول زیر سهم و رتبه ارزش افزوده رشته فعالیت های اقتصادی استان نسبت به کشور به تفکیک بخش های عمده اقتصادی به قیمت جاری ارائه شده است. همانطور که در جدول زیر مشخص است استان خراسان جنوبی با وجود پتانسیل های بالایی که در حوزه کشاورزی دارد، سهم این بخش از ارزش افزوده کشور کمی بیشتر از ۱ درصد می باشد که باعث شده است رتبه استان بین ۲۷ و ۲۸ در حال جابجا شدن باشد. این رتبه نشان می دهد که هنوز از تمام پتانسیل استان در حوزه کشاورزی استفاده نشده است. در بخش ارزش افزوده معدن، استان در رتبه ۱۰ قرار دارد. این رتبه شاید در نگاه اول رتبه قابل قبولی باشد اما اگر به سهم ارزش افزوده بخش معدن استان از ارزش افزوده معدن کل کشور نگاهی بیاندازیم خواهیم دید که سهم استان بین ۰.۱۵ درصد تا ۰.۳ درصد در حال نوسان است که مقدار بسیار پایینی می باشد. این درحالی است که خراسان جنوبی با سرزمین معادن استراتژیک با ساختار زمین شناسی منحصر به فرد در رتبه ششم تعداد معادن (دارای بیش از ۷۰۵ معدن) نظیر طلا، قلع، تنگستن، مس، سرب، روی، آهن، زغالسنگ، منیزیم، گرانیت، مرمیت، تراورتن، بازالت، مرمر و غیره می باشد. سهم پایین استان در ارزش افزوده بخش معدن نشانگر این هست که از تمامی ظرفیت های استان استفاده نشده است.

در حوزه صنعت نیز وضعیت استان مطلوب نیست. استان خراسان جنوبی با داشتن سهم ۰.۳ الی ۰.۴ درصدی از ارزش افزوده بخش صنعت کل کشور در رتبه انتهای جدول قرار دارد که نشانگر عدم توجه کافی به این بخش هست. این درحالی است که استان خراسان جنوبی یک استان مرزی هست و می تواند با گسترش صنایع مختلف و افزایش تولید و صادرات آن به کشور همسایه به رشد و تعالی خود و کشور

کمک شایانی کند. در نهایت، در بخش خدمات نیز استان در جایگاه مناسبی قرار ندارد. خراسان جنوبی با سهم ۰.۵ درصدی از ارزش افزوده خدمات کل کشور در رتبه ۳۰ قرار دارد که بیانگر وضعیت نه چندان مطلوب استان در این بخش است.

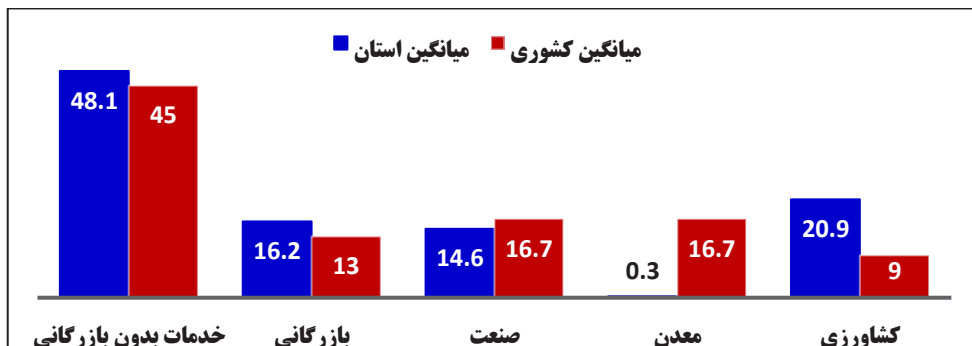
#### سهم استان در اجزاء تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی

بخش	سال		۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹	
	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم
کشاورزی	۲۷	۱.۲۱	۲۷	۱.۲۲	۲۷	۱.۰۶	۲۸	۱.۰۴	۲۸	۱.۲۴	۲۸	۱.۲۱	۲۸	۱.۲۱
معدن	۱۰	۰.۳۱	۱۰	۰.۲۴	۱۰	۰.۲۲	۱۰	۰.۱۵	۱۰	۰.۳۰	۹	—	—	—
صنعت	۳۱	۰.۴۳	۳۱	۰.۳۴	۳۱	۰.۴۰	۳۱	۰.۳۰	۳۱	۰.۳۳	۳۱	۰.۳۲	۳۰	۰.۳۲
خدمات	۳۰	۰.۵۴	۳۰	۰.۵۴	۳۰	۰.۵۶	۳۰	۰.۵۵	۳۰	۰.۵۸	۲۹	۰.۵۵	۳۰	۰.۵۵

مأخذ: مرکز آمار ایران.

در ادامه خلاصه ای از آمار مربوط به سهم ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان خراسان جنوبی و مقایسه آن با سهم کشوری ارائه می گردد.

#### سهم ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان خراسان جنوبی-۱۳۹۹



منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان جنوبی

همچنین، در جدول زیر سهم ارزش افزوده شهرستان های استان از کل ارزش افزوده استان قابل مشاهده می باشد. همانطور که مشخص است شهرستان بیرجند بیشترین سهم و شهرستان خوسف کمترین سهم را از ارزش افزوده استان داشته اند.

سهم ارزش افزوده شهرستان‌های استان از کل ارزش افزوده استان (۱۳۹۰=۱۰۰)

شهرستان	میانگین (۱۳۹۰-۱۳۹۹)	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
بیرجند	۳۴	۳۳	۳۴	۳۳	۳۴	۳۱	۳۴	۳۶	۳۶	۳۳	۳۵
درمیان	۴	۵	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۵
سربیشه	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۴
قائنات	۱۳	۱۶	۱۴	۱۳	۱۳	۱۲	۱۳	۱۳	۱۲	۱۲	۱۳
نهبندان	۵	۶	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۴	۵	۵
سرایان	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴
فردوس	۸	۹	۸	۸	۸	۸	۷	۸	۷	۷	۸
بشرویه	۴	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۳	۴
زیرکوه	۴	۲	۶	۴	۳	۳	۴	۴	۳	۴	۴
خوسف	۳	۱	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳
طبرس	۱۸	۱۴	۱۳	۱۶	۱۸	۲۳	۱۹	۱۷	۱۸	۲۱	۱۷

منبع: گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

### طرح سوال

۱. با وجود پتانسیل‌های بالای استان خراسان جنوبی، چرا این استان در تولید ناخالص داخلی رتبه پایینی جدول را نسبت به سایر دارا است و تنها سهمی حدود ۰.۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است؟
۲. استان خراسان جنوبی دارای مساحت بسیار زیادی است که از این حیث در بین استان‌های کشور در رتبه سوم قرار دارد. طبیعتاً مزیت سرزمینی استان در بعد مساحت باعث شده است تا بخش‌های مختلف استان دارای اقلیم متفاوتی نسبت به یکدیگر باشند و بتوان از این مزیت برای توسعه بخش کشاورزی کمک گرفت. چرا با وجود این مزیتها هنوز ارزش افزوده بخش کشاورزی استان در وضعیت مناسبی قرار ندارد و در رتبه‌های پایین جای دارد؟
۳. استان خراسان جنوبی از غنی‌ترین استان‌ها در حوزه معدن است به طوری که براساس آخرین آمار رسمی ۶ درصد مجموع معادن کشور، ۵.۱ درصد از ذخایر قطعی، ۲.۴ درصد استخراج اسمی و ۸.۵ درصد اشتغال در حوزه معدن کشور مربوط به خراسان جنوبی است و چهارمین استان معدنی کشور محسوب می‌شود. چرا با وجود پتانسیل‌های بالای این بخش، استان تنها ۰.۱۵ الی ۰.۳ درصد از کل ارزش افزوده بخش معدن را به خود اختصاص داده است؟

۴. با بلوکه شدن پهنه های معدنی عملاً بخش زیادی از ظرفیت معدنی استان از دسترس خارج شده است. آیا راهکارهایی برای آزاد سازی محدوده هایی که به دلایل مختلف بلوکه شده اند، در نظر شده است؟ به چه طریقی می توان از حداکثر ظرفیت های بخش معدن استفاده نمود؟

۵. یکی از مشکلات اساسی استان در بخش تولید، خام فروشی و عدم فرآوری محصولات کشاورزی و مواد معدنی می باشد. این در حالی است که افزایش فرآوری محصولات و جلوگیری از خام فروشی می تواند درآمد استان را ارتقا و اشتغال را افزایش دهد. آیا اقدامات جدی در خصوص گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی استان به منظور افزایش فرآوری محصولات استان انجام شده است؟

۶. یکی دیگر از چالش های استان، عدم توجه به زنجیره ارزش محصولات راهبردی استان هست که هم تولیدات استان را کاهش داده و هم منجر به افزایش اتلاف منابع اعتباری گردیده است. با وجود اینکه بارها در اسناد بالادستی نیز به این موضوع تاکید شده است، چرا هنوز اقدام جدی در این خصوص انجام نشده است؟

۷. استان خراسان جنوبی یک استان مرزی است که توسعه بخش صنعتی این استان و به دنبال آن صادرات کالاهای ساخته شده می تواند باعث رشد و تعالی آن شود. با این حال بررسی آمار نشان می دهد که سهم استان خراسان جنوبی از ارزش افزوده صنعت کل کشور تنها ۰.۳ درصد هست و در رتبه انتهای جدول یعنی ۳۱ قرار دارد. به چه دلیل، استان در این بخش عملکرد مناسبی نداشته است؟

۸. امروزه بخش خدمات جزء اصلی تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می دهند و در کشورهای با درآمد بالا حدود ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی مربوط به این بخش هست. سهم این بخش در ایران نزدیک ۵۰ درصد می باشد. دلیل سهم بالای بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی به خاطر نیاز کمتر به سرمایه و زود بازده بودن این بخش نسبت به سایر بخش ها می باشد. با این حال، با وجود اینکه سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی استان حدود ۵۰ درصد است؛ اما سهم ارزش افزوده بخش خدمات استان خراسان جنوبی از ارزش افزوده کل کشور تنها ۰.۵ درصد می باشد و استان در رتبه ۳۰ قرار دارد. با وجود اینکه بخش خدمات می تواند باعث رشد بالای اشتغال و درآمد استان شود؛ به چه دلیل هنوز در این زمینه موفق عمل نکرده ایم؟

۹. واحدهای تولیدی و صنعتی خراسان جنوبی همواره به دلیل دوری از مرکز و نبود مواد اولیه در دسترس و هزینه های بالای حمل و نقل مشکلاتی داشته اند. علاوه بر این در چند سال گذشته نیز باتوجه به افزایش نرخ ارز و تورم و نبود ثبات قیمت با مشکلات بی شماری در زمینه تامین مالی و

نقدینگی مواجه شده اند. قطعاً بدون تامین مالی واحدهای تولیدی استان، مشکلات تولیدی حل نخواهد شد. چه راهکارهایی برای حل این چالش مدنظر است؟

۱۰. صنایع کوچک با سرمایه کمتر و جذب نیروی بیشتر توان آن را دارند تا اقتصاد استان را پویا کنند. با این حال این بخش دارای مشکلات عدیده ای مانند مشکل تامین اعتبار، قوانین دست و پاگیر و غیره هستند. تا چه اندازه ای به رفع مشکلات این بخش توجه شده است؟ چه راهکارهایی برای رونق این بخش درنظر گرفته شده است؟.

### (ب) تجارت به عنوان محرک رشد

بیشتر اقتصاددانان معتقدند که تجارت، موتور توسعه در جوامع امروزی است. آنان ادعا می کنند که تجارت بین الملل امکان بهره گیری از توانمندی های اقتصادی بالقوه را با توجه به مزیت های نسبی موجود و قابل خلق، به وجود می آورد و علایم روشنی را برای سرمایه گذاری در طرح های اقتصادی سودآور و قابل رقابت در عرصه جهانی پدیدار می سازد. همچنین تجارت بین الملل یا باز بودن اقتصاد، نرخ رشد اقتصاد را از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع تحت تأثیر قرار می دهد. آثار تجارت بین الملل بر رشد اقتصادی از سه بعد عوامل تولید، اثر بر بازار و تخصیص مجدد منابع قابل بررسی است. از تجزیه و تحلیل آثار تجارت بین الملل بر عوامل تولید و مقادیر عرضه این عوامل دو خط مشی مهم قابل استنباط است: اول، آنکه تجارت بین الملل مایل است اختلاف قیمت عوامل تولید را، که امکان دارد میان کشورها موجود باشد، حذف کند. بدین ترتیب تجارت بین الملل آزاد ممکن است به صورت جانشین کاملی برای تحرک بین المللی عوامل تولید، عمل نماید. دوم، تجارت بین الملل نسبت های عوامل تولید موجود داخلی میان کشورها را افزایش می دهد. حتی در نتیجه تجارت بین الملل ممکن است، عامل تولید نسبتاً فراوان تر، بیشتر نیز شود. اولین مطلب، به تحرک عوامل تولید بین کشورها باز می گردد و دومین، مربوط به تغییرات مقدار عامل تولید درون یک کشور است. آرتور لویس درباره رابطه تجارت بین الملل و رشد اقتصادی می گوید:

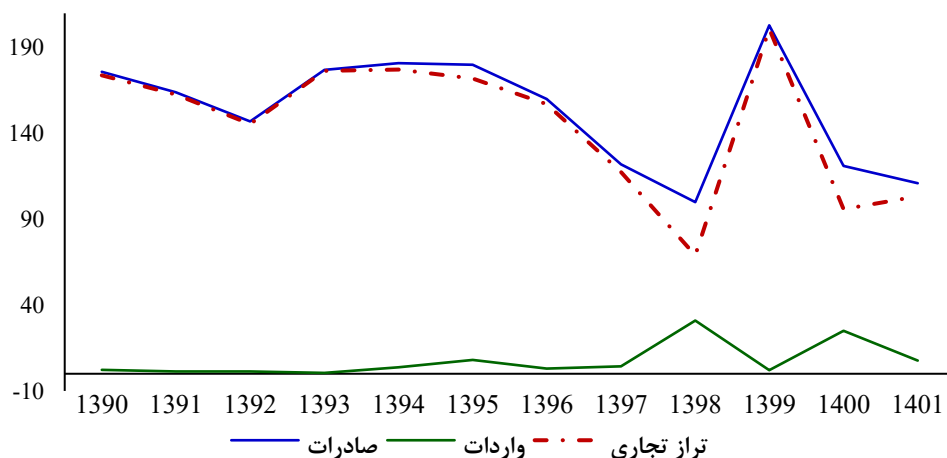
بین تجارت بین الملل و رشد اقتصادی همبستگی زیادی وجود دارد. چنانچه سرعت افزایش صادرات بیش از افزایش واردات باشد، تجارت می تواند برانگیزاننده رشد باشد ولی اگر سرعت افزایش واردات به صادرات پیشی گیرد، تجارت موجب توقف رشد خواهد شد.

همان طور که در ادبیات اقتصادی بیان شده است، مبانی اولیه مربوط به نقش تجارت خارجی در رشد اقتصادی به مکتب سوداگری ۱ باز می‌گردد. از دیدگاه این مکتب تراز تجاری مثبت، سبب شکوفایی و رشد اقتصادی می‌شود. نظریه کلاسیک‌ها پس از این مکتب مهم‌ترین نظریه طرفدار تأثیر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی است. برای مثال آدام اسمیت ۲ براساس اصل تقسیم بین‌المللی کار و مزیت مطلق عقیده داشت که نفع حاصل از مبادلات خارجی یک کشور به ضرر کشور دیگر نیست و در عمل هر دو طرف مبادله از منافع آن بهره‌مند می‌شوند. در دوره نئوکلاسیک‌ها گرایش به سمت رشد اقتصادی با مطالعات سولو (۱۹۵۶ و ۱۹۵۷) تجدید حیات یافت. سولو به وضوح «تأثیرات رشد اقتصادی» را از «تأثیرات سطح» جدا ساخت. در نتیجه تجارت خارجی که در نهایت یک اثر سطح به شمار می‌آید و تأثیرات مثبتی بر دوره زمانی گذرا به جای می‌نهد، بر نرخ بلندمدت رشد اقتصادی تأثیری ندارد. آلفرد مارشال در نوشته‌های خود به اهمیت بازرگانی در رشد اشاره کرده است. همچنین، عده‌ای از نظریه پردازان اقتصاد بین‌الملل مانند بالاسا ۳، کوآن و همکاران ۴ و بادینگر و توندل ۵ با اعتقاد فوق‌العاده به نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی از آن به عنوان موتور رشد نام می‌برند. نظریه‌های رشد مبتنی بر تجارت خارجی، تأکید می‌کند که تجارت خارجی از طریق بهبود تخصیص منابع دسترسی به فناوری و کالاهای واسطه‌ای بهتر، استفاده از صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس تولید، افزایش رقابت داخلی، ایجاد محیطی مناسب برای ابداعات و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (حیدری، ۱۳۸۱ و میرکریمی، ۱۳۷۸).

در خراسان جنوبی نیز منابع بسیاری مانند مواد، تجهیزات، نیروی کار، زمین و سرمایه وجود دارد که در صورت حمایت از تجارت این منابع به سمت تولید هدایت می‌شوند و کارایی، رشد و ساختار تولیدات داخلی را گسترش می‌دهند. توسعه تجارت امکان استفاده از ظرفیت‌های جهانی را برای رشد تولیدات داخلی مهیا می‌کند و از این طریق زمینه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. نمودار زیر مقدار صادرات و واردات استان خراسان جنوبی را نشان می‌دهد:

- 1 . Mercantilists
- 2 . Smith, Adam (1723-1790).
- 3 . Balassa (1978).
- 4 . Kwan, et al. (1996).
- 5 . Badinger and Tondl (2002).

تجارت استان خراسان جنوبی (میلیون دلار)



منبع: گمرک خراسان جنوبی

همانطور که از نمودار بالا مشخص است صادرات استان خراسان جنوبی نسبت به واردات مقدار بیشتری است. با این حال، چند نکته اساسی در مورد تجارت استان وجود دارد:

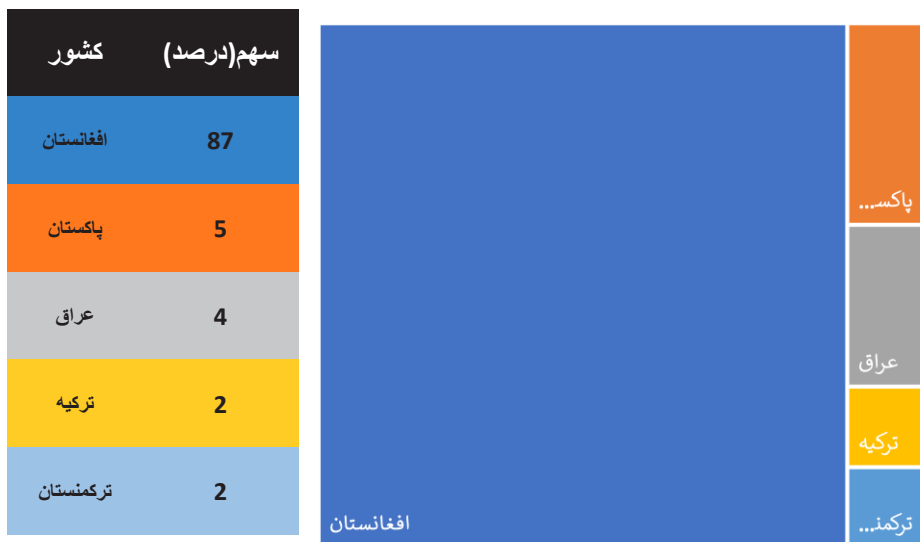
۱. صادرات استان خراسان جنوبی در تمامی سال‌ها نسبت به واردات بیشتر بوده و تراز تجاری استان مثبت می‌باشد. با این حال، همانطور که مشخص است با گذشت زمان و در سال‌های اخیر مقدار واردات افزایش و صادرات در برخی سال‌ها کاهش یافته است. این شرایط باعث شده است که تراز تجاری استان کاهش پیدا کند (روند تراز تجاری نزولی می‌باشد).

۲. طبق گزارش «گزیده آمارهای اقتصادی» بانک مرکزی، ارزش کالاهای صادراتی ایران در سال ۱۴۰۱ برابر ۵۳.۲ میلیارد دلار (سرانه کشوری برابر ۶۲۹.۵۸ دلار) و ارزش کالاهای وارداتی ۵۹.۷ میلیارد دلار (سرانه کشوری برابر ۷۰۶.۵۰ دلار) می‌باشد. سهم خراسان جنوبی از صادرات کل کشور در این سال برابر ۰.۲۰۸ درصد (سرانه استان برابر ۱۳۴.۲۲ دلار) و از واردات برابر ۰.۰۱۲ درصد (سرانه استان برابر ۹۱.۸۹ دلار) بوده است که حجم بسیار پایینی است. این درحالی است که خراسان جنوبی یک استان مرزی بوده و حدود یک درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد و از نظر وسعت سومین استان کشور می‌باشد.

۳. مقاصد صادراتی استان خراسان جنوبی را بیشتر کشورهای افغانستان و پاکستان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که استان خراسان جنوبی به دلیل اینکه استان مرزی است و با کشورهای آسیای جنوبی و آسیای میانه نسبت به بسیاری از استان‌ها فاصله کمتری دارد دارای مزیت نسبی فاصله می‌باشد و

می‌تواند از این ظرفیت‌ها در جهت افزایش درآمد و توسعه استان بهره گیرد. این در حالی است که صادرات استان به بسیاری کشورهای مذکور یا اندک یا نزدیک به صفر است. شکل زیر سهم صادرات به کشورهای هدف صادراتی استان را نشان می‌دهد.

سهم صادرات به کشورهای هدف صادراتی استان



منبع: گمرک خراسان جنوبی

۴. عمده کالاهای صادراتی استان در سه سال اخیر به صورت جدول زیر می‌باشد. همانطور که مشخص است نزدیک به ۶۰ درصد از صادرات استان مربوط به ۵ قلم کالا می‌باشد که نشان می‌دهد صادرات استان خراسان جنوبی محدود به چند کالا می‌باشد و تجارت استان از انعطاف کافی برخوردار نیست و تنوع صادراتی وجود ندارد.

### اقلام برتر صادراتی خراسان جنوبی

شش ماهه اول ۱۴۰۲			۱۴۰۱			۱۴۰۰		
درصد	ارزش	نام کالا	درصد	ارزش	نام کالا	درصد	ارزش	نام کالا
۱۴.۶	۱۱.۵۷۴	سیمان	۱۵.۶	۱۷.۲۶	سیمان	۲۹.۸	۳۶	صیفی جات
۱۴.۵	۱۱.۴۳۶	هیدروکربن سبک	۱۲.۸	۱۴.۱۶۲	گازوئیل	۹.۱	۱۱	سیمان
۱۳.۳	۱۰.۴۸۵	روغن سوخت تقطیری	۱۳.۷	۱۵.۱۸۸	صیفی جات	۷.۴	۹	هیدروکربن سبک
۱۰.۶	۸.۴۰۱	صیفی جات	۱۰.۹	۱۲.۰۹۲	روغن سوخت تقطیری	۶.۶	۸	کاشی و سرامیک
۷.۴	۵.۸۳۱	گازوئیل	۱۰.۱	۱۱.۱۳۶	هیدروکربن سبک	۴.۱	۵	گازوئیل
۶۰.۴	۴۷.۷۲۷	جمع	۶۳.۰	۶۹.۸۳۸	جمع	۵۷.۰	۶۹	جمع
۳۹.۶	۳۱.۲۹۴	دیگر اقلام صادراتی	۳۷.۰	۴۰.۹۶۶	دیگر اقلام صادراتی	۴۳.۰	۵۲	دیگر اقلام صادراتی
۱۰۰	۷۹.۰۲۱	کل صادرات	۱۰۰	۱۱۰.۸۰۴	کل صادرات	۱۰۰	۱۲۱	کل صادرات

منبع: گمرک خراسان جنوبی

### طرح سوال

۱. دلیل اصلی کاهش تراز تجاری استان خراسان جنوبی در چندسال اخیر چیست؟ چه اقداماتی برای بهبود تراز تجاری در نظر گرفته شده است؟
۲. با وجود اینکه استان خراسان جنوبی دارای پتانسیل‌های بالای صادراتی می‌باشد، اما سهم استان از صادرات کل کشور در سال ۱۴۰۱ تنها ۰.۰۲ درصد بوده است که مقدار بسیار پایینی می‌باشد. بطوری که سرانه صادرات کشور برابر ۶۲۹.۵۸ دلار و سرانه صادرات استان خراسان جنوبی برابر ۱۳۴.۲۲ دلار می‌باشد (متوسط سرانه صادرات کشور ۴.۵ برابر سرانه صادرات استان خراسان جنوبی می‌باشد). دلیل این امر چیست؟ از چه طریق می‌توان صادرات استان را ارتقا داد؟
۳. با وجود اینکه خراسان جنوبی استان مرزی است و با توجه به جایگاه ژئوپولیتیکی که دارد می‌تواند در تجارت بین‌الملل به عنوان یک شاهراه بین‌المللی عمل نماید، اما در این زمینه موفق عمل نکرده است. دلیل این امر چیست؟
۴. هرچند استان خراسان جنوبی استان مرزی است اما مقاصد صادراتی استان محدود هستند و از ظرفیت‌ها و مزیت‌های استان در زمینه تجارت بین‌الملل با بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای

آسیای جنوبی و میانه به درستی بهره گرفته نشده است. دلیل این امر چیست؟ چه اقداماتی برای بهبود این روند مدنظر است؟

۵. حدود ۶۰ درصد از صادرات استان را تقریباً ۵ کالای برتر صادراتی تشکیل می‌دهند. این در حالی است که هر چه تعداد کالاهای صادراتی کم و تنوع صادراتی محدودتر باشد زمان بروز حادثه یا هرگونه اتفاقی مانند تحریم یا خشکسالی، درآمد حاصل از صادرات استان آسیب بیشتری خواهد دید. با وجود مزیت‌های صادراتی بالایی که استان در حوزه کشاورزی، صنعت، معدن و غیره وجود دارد چرا تنوع صادراتی استان اندک می‌باشد؟ چه اقداماتی می‌تواند به تنوع صادراتی استان کمک کند؟

۶. یکی از چالش‌های حوزه تجارت، مشکلات زیرساختی می‌باشد، برای رفع این چالش‌ها چه اقداماتی انجام شده است؟

۷. ایران عضو سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی نیست. این در حالی است که کشورهای همسایه مانند افغانستان عضو سازمان تجارت خارجی هستند و قوانین حاکم بر این کشورها اکثراً بر اساس مفاد توافقنامه‌های این سازمان‌ها شکل می‌گیرد. چه راهکارهایی در جهت رفع این چالش‌ها اندیشیده شده است؟

۸. استان خراسان جنوبی تنها تولیدکننده زرشک دنیا و از مهم‌ترین تولیدکنندگان عناب و زعفران می‌باشد. در طی چندسال اخیر جشنواره و همایش‌های متعددی نیز در جهت معرفی این محصول در استان برگزار شده است. اما، صادرات این محصول کشاورزی که به نوعی شناسنامه این استان است، نسبت به بسیاری از کالاهای صادراتی بسیار محدود می‌باشد و جزء ۵ قلم برتر صادرات استان نمی‌باشد که این موضوع نشان می‌دهد چندان به زنجیره ارزش محصولات راهبردی استان توجه نشده است. با توجه به اینکه، بارها در اسناد بالادستی به این موضوع تاکید شده است، چه اقداماتی برای بهبود و صادرات زنجیره ارزش محصولات راهبردی استان اندیشیده شده است؟

### ج) سهم استان از بودجه دولتی

همانطور که از جدول زیر مشخص است سهم استان خراسان جنوبی از هزینه‌های جاری و عمرانی بودجه کل کشور، نزدیک به ۲ درصد می‌باشد که با توجه به اینکه سهم یک درصدی جمعیت استان از جمعیت کل کشور، نسبت معقولی به نظر می‌رسد.

سهم استان خراسان جنوبی از هزینه‌های جاری و عمرانی بودجه کل کشور

شاخص	سال		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم	رتبه	سهم
سهم استان از عملکرد اعتبارات هزینه‌ای از محل درآمد عمومی	۲۴	۱.۹۰	۲۳	۱.۹۱	۲۳	۱.۸۲	۲۳	۱.۸۲	۲۲	۱.۸۴	۲۲	۲.۱۲	۲۳	
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی)	۲۰	۲.۱۸	۲۰	۲.۱۴	۲۰	۱.۹۲	۲۳	۱.۸۲	۱۹	۲.۴۴	۱۹	۱.۹۷	۲۳	
سهم جمعیت استان	۲۸	۰.۹۶	۲۸	۰.۹۶	۲۸	۰.۹۶	۲۸	۰.۹۶	۲۸	۰.۹۷	۲۸	۰.۹۷	۲۸	

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارایی و آمارنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

### طرح سوال

۱. با وجود اینکه اعتبارات بر حسب جمعیت استان‌ها تخصیص داده می‌شود تا عدالت در تخصیص منابع رعایت گردد، اما یک مشکل اساسی نادیده گرفته می‌شود. استان خراسان جنوبی سومین استان پهناور کشور می‌باشد که دارای پراکندگی جمعیت زیادی است. هرچه مساحت یک منطقه و پراکندگی جمعیت آن افزایش پیدا کند، بدون شک برای ایجاد امکانات رفاهی (مانند مدارس، بیمارستان، مراکز تفریحی و غیره) و زیرساختی (حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی، ارتباطات، آب، برق، گاز و غیره) نیاز به اعتبارات بیشتری می‌باشد. موضوعی که در تخصیص اعتبارات برای استان‌های پهناوری مانند خراسان جنوبی در نظر گرفته نمی‌شود. همین عامل باعث شده است استان خراسان جنوبی در زمینه رفاهی و زیرساختی نسبت به بسیاری از استان‌ها وضعیت چندان مطلوبی نداشته باشد. بر این اساس این سوال مطرح می‌شود که چه اقداماتی را می‌توان در جهت رفع این چالش انجام داد؟

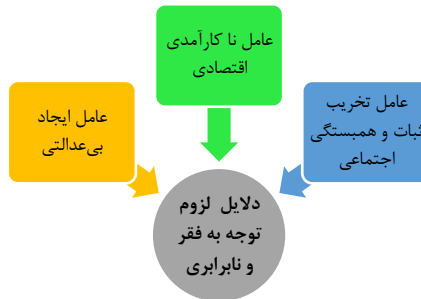
### رفاه اجتماعی استان

امروزه بخش زیادی از افراد کم درآمد جهان در کشورهای در حال توسعه یا کم برخوردار زندگی می‌کنند. درآمد پایین و فقر شدید تا حد زیادی به دلیل اندک بودن سرمایه انسانی است، اما به طرد اجتماعی و عدم توجه سیاسی و سایر محوری‌ها نیز بستگی دارد. معمولاً اندازه گیری گستردگی فقر به دو عامل مهم بستگی دارد: ۱. مقدار متوسط درآمد، و ۲. میزان نابرابری در توزیع آن. واضح است به ازای هر میزان درآمد متوسط، هرچقدر توزیع درآمد نابرابرتر باشد، فقر نیز بیشتر خواهد بود. به همین

ترتیب به ازای هر میزان توزیع درآمد، هرچه متوسط درآمدی کمتر باشد نرخ فقر بیشتر خواهد بود. امروزه اقتصاددانان توسعه معتقد هستند که فقر و نابرابری نه تنها از رشد نامناسب و درآمد پایین حاصل می‌شود بلکه می‌تواند علت رشد اندک نیز باشد. اما چرا در اقتصاد توسعه تا این حد به موضوع نابرابری و فقر توجه می‌شود؟ سه پاسخ برای این سوال وجود دارد:

اول آنکه نابرابری شدید منجر به ناکارآمدی اقتصادی می‌شود. زیرا در هر میزان درآمد متوسط، هرچقدر نابرابری بیشتر باشد، سهمی از جمعیت که واجد شرایط وام و سایر اعتبارات هستند کمتر خواهد شد. وقتی افراد کم درآمد نتوانند پول قرض بگیرند، معمولاً نخواهند توانست به آموزش فرزندان خود رسیدگی کنند یا کسب و کار خود را آغاز کنند و یا آن را بسط دهند. علاوه بر این در شرایط نابرابری زیاد، نرخ کلی پس‌اندازها در نظام اقتصادی کمتر است زیرا بیشترین نرخ پس‌انداز نهایی مربوط به طبقه متوسط است و زمانی که این قشر فقیر شوند منتج به کاهش پس‌اندازها خواهد شد. علاوه بر این، نابرابری ممکن است به تخصیص ناکارآمد درآمدها بیانجامد که در نهایت همه این عوامل می‌تواند کاهش متوسط درآمد و کاهش نرخ رشد اقتصادی را در پی داشته باشد. دومین دلیل بدین خاطر است که نابرابری شدید درآمدی موجب تخریب ثبات و همبستگی اجتماعی می‌شود. این نابرابری حتی بدتر از موجب تقویت قدرت سیاسی ثروتمندان شده و به این ترتیب قدرت چانه زنی اقتصادی ایشان را افزایش می‌دهد. این قدرت چانه زنی در جهت منافع خود ثروتمندان استفاده می‌شود. این افزایش قدرت و نابرابری منجر به رانت‌جویی بیشتر مانند اعمال نفوذ بیشتر، کمک‌های مالی هنگفت، رشوه خواری و خویشاوند مداری می‌شود. وقتی منابع به اینگونه فعالیت‌های رانت‌جویانه داده می‌شود از اهداف مولدی که می‌توانست به رشد سریع منجر گردد، دور می‌شود. حتی بدتر از آن نابرابری زیاد، اصلاح نهادهای ناکارآمد را بسیار دشوار می‌کند زیرا عده معدودی که قدرت و ثروت را در اختیار دارند از تغییر وضع موجود راضی نخواهند بود و مانع این اصلاحات خواهند شد. همچنین، نابرابری زیاد احتمالاً مردم فقیر را به جانبداری از سیاست‌های عوام‌فریبانه‌ای سوق می‌دهد که خود آن مردم را بازنده می‌کند. بطور خلاصه وقتی نابرابری زیاد می‌شود، خط مشی سیاسی عموماً به جای سیاست‌هایی که به افزایش اندازه نظام اقتصادی متمرکز باشد، به توزیع مجدد ثروت‌های موجود معطوف خواهد بود. سوماً، نابرابری شدید عمدتاً به مثابه بی‌عدالتی محسوب می‌شود که آثار نامطلوبی را بر اقتصاد کشور به جای بگذارد (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴).

### دلایل لزوم توجه به فقر و نابرابری



منبع: تودارو و اسمیت، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴

بر این اساس در ادامه به بررسی وضعیت استان خراسان جنوبی بر حسب متوسط درآمد و ضریب جینی پرداخته می‌شود. متوسط درآمدهای ناخالص سالانه یک خانوار شهری و روستایی استان از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ روند افزایشی داشته است و در تمامی سال‌ها این درآمد برای خانوار شهری تقریباً دو برابر خانوار روستایی و کمتر از متوسط کشوری بوده است. متأسفانه درآمد سالانه یک خانوار روستایی استان نسبت به سایر استان‌ها در وضعیت مناسبی نبوده و در رتبه‌های ۲۹ و ۳۰ در گردش هست که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب خانوارهای روستایی استان نسبت به سایر استان‌هاست.

## متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و روستایی

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری کشور	--	۳۶۶۸۴۸	--	۴۳۴۹۰۵	--	۵۴۱۰۰۷	--	۷۴۶۷۶۴	--	۱۱۲۴۲۱۷
متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری خراسان جنوبی	۲۲	۲۸۰۳۸۷	۲۷	۳۱۳۰۴۶	۲۸	۳۹۳۳۶۹	۲۵	۵۴۰۶۵۰	۲۱	۸۳۲۳۸۵
متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی کشور	--	۲۰۱۸۴۲	--	۲۳۳۱۱۴	--	۲۹۷۰۲۲	--	۴۲۰۴۷۰	--	۶۳۷۱۳۲
متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی خراسان جنوبی	۳۰	۱۳۸۱۵۶	۲۹	۱۶۱۳۸۳	۳۰	۱۹۷۵۵۳	۲۹	۲۵۹۶۸۲	۲۹	۳۸۷۵۸۶

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول زیر وضعیت ضریب جینی شهری و روستایی کشور و استان را نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است، ضریب جینی شهری استان در مقایسه با ضریب جینی کشور مقدار کمتری می‌باشد. از آنجا که هرچه مقدار ضریب جینی کمتر باشد بیانگر نابرابری کمتر در آن بخش است، شاخص برابری شهری در استان در مقایسه با کشور وضعیت بهتری دارد. با این حال مقدار این شاخص در سال ۱۴۰۰ افزایش داشته و رتبه استان را به ۲۲ افزایش داده است. همچنین، وضعیت ضریب جینی روستایی در بیشتر سال‌ها از ضریب جینی کشور کمتر بوده است اما در سال ۱۴۰۰ وضعیت نابرابری روستایی استان شدید می‌شود و رتبه استان نسبت به بقیه استان‌ها در وضعیت نامطلوبتری قرار می‌گیرد.

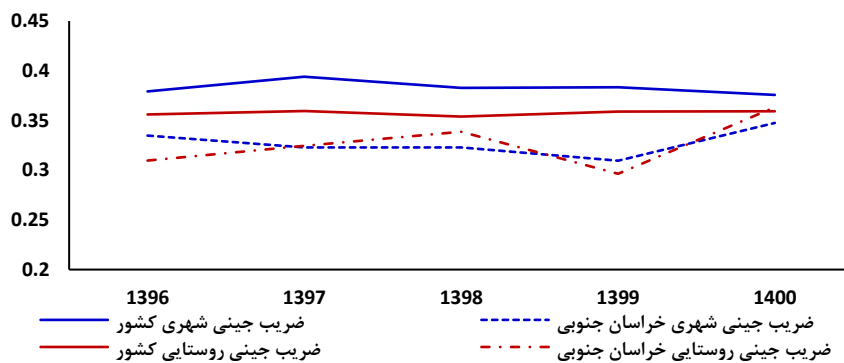
## مقایسه ضریب جینی شهری و روستایی کشور و خراسان جنوبی

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه
ضریب جینی شهری کشور	۰.۳۷۹۲۸	—	۰.۳۹۴	—	۰.۳۸۲۷۷	—	۰.۳۸۳۵۳	—	۰.۳۷۵۷	—
ضریب جینی شهری خراسان جنوبی	۰.۳۳۴۸۵	۱۹	۰.۳۲۲۸۳	۱۲	۰.۳۲۲۸۷	۱۹	۰.۳۰۹۵۲	۸	۰.۳۴۷۵	۲۲
ضریب جینی روستایی کشور	۰.۳۵۵۹	—	۰.۳۵۹۵	—	۰.۳۵۳۹۲	—	۰.۳۵۹۰۴	—	۰.۳۵۹۴	—
ضریب جینی روستایی خراسان جنوبی	۰.۳۰۹۸	۱۴	۰.۳۲۴۶	۱۹	۰.۳۳۸۶۳	۲۵	۰.۲۹۶۳۵	۱۰	۰.۳۶۳۳	۳۱

مأخذ: مرکز آمار ایران

همچنین همانطور که از نمودار زیر مشخص است ضریب جینی شهری و روستایی استان نسبت به ضریب جینی کشور پایین تر هست که نشانگر وضعیت بهتر این متغیر و بعبارتی برابری بیشتر استان نسبت به متوسط کشوری می باشد.

## مقایسه ضریب جینی شهری و روستایی کشور و خراسان جنوبی



مأخذ: مرکز آمار ایران

علاوه بر این، مطابق با جدول زیر نسبت دهک دهم (ثروتمندترین افراد) به دهک اول (فقرترین افراد) برای مناطق شهری استان در سال ۱۴۰۰ برابر ۱۵.۴۵ و در مناطق روستایی برابر ۲۰.۲۱ می باشد. همچنین

نسبت ۲۰٪ ثروتمندترین به ۲۰٪ فقیرترین جمعیت در مناطق شهری ۹.۵۶ و در مناطق روستایی ۱۱.۷۷ می‌باشد.

نسبت دهک های جمعیتی براساس متوسط هزینه های خوراکی و دخانی و غیرخوراکی ناخالص ۱۴۰۰ استان

شهر	روستایی	شرح
نسبت ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین جمعیت	۱۵.۴۵	۲۰.۲۱
نسبت ۲۰٪ ثروتمندترین به ۲۰٪ فقیرترین جمعیت	۹.۵۶	۱۱.۷۷
نسبت ۳۰٪ ثروتمندترین به ۳۰٪ فقیرترین جمعیت	۷.۱۲	۷.۵۶
نسبت ۴۰٪ ثروتمندترین به ۴۰٪ فقیرترین جمعیت	۵.۳۶	۵.۸۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات کارشناسی

با توجه به نسبت بیشتر این شاخص در مناطق روستایی، می‌توان گفت میزان پراکندگی توزیع درآمد در مناطق روستایی استان بیشتر است. به عبارت دیگر در شهرهای استان فاصله بین ثروتمندان و فقیران کمتر است.

یکی دیگر از ضرایبی که برای بررسی رفاه استفاده می‌شود ضریب انگل می‌باشد. ضریب انگل یکی از شاخص‌هایی است که در بررسی رفاه خانوارها استفاده می‌شود. این شاخص که از نسبت هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های مصرفی خانوار به دست می‌آید نشان می‌دهد که چه سهمی از درآمد خانوار صرف هزینه‌های اولیه و مواد خوراکی می‌شود. هر چه این ضریب بیشتر باشد نشان می‌دهد که سهم بیشتری از درآمد خانوارها صرف هزینه مواد خوراکی می‌شود که این خود یکی از نشانه‌های فقر در جامعه است. در بررسیهای اقتصادی هر چه سطح درآمد خانوارها افزایش می‌یابد سهم هزینه‌های خوراکی آنها از سبد مصرفی کاهش یافته و به سهم هزینه‌های غیر خوراکی نظیر پوشاک و کفش، مسکن، لوازم و اثاث و ملزومات و خدمات خانوار، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی، کالاها و خدمات متفرقه خانوار افزوده می‌شود. پس هر چه ضریب انگل در جامعه کوچکتر باشد، نشان می‌دهد سطح رفاه در جامعه بیشتر است.

### ضریب انگل خانوارهای شهری و روستایی استان

سال	ضریب انگل خانوارهای روستایی	ضریب انگل خانوارهای شهری
۱۳۹۲	۰.۴۸	۰.۳۶
۱۳۹۳	۰.۴۴	۰.۳۴
۱۳۹۴	۰.۴۳	۰.۳
۱۳۹۵	۰.۴۱	۰.۳۱
۱۳۹۶	۰.۴۲	۰.۳۱
۱۳۹۷	۰.۴۵	۰.۳۲
۱۳۹۸	۰.۴۵	۰.۳۳
۱۳۹۹	۰.۴۵	۰.۳۴۵
۱۴۰۰	۰.۴۴	۰.۳۳

منبع: مرکز آمار ایران

بررسی ترکیب هزینه خانوارهای شهری و روستایی استان در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ۳۳ درصد از هزینه خانوارهای شهری و ۴۴ درصد از هزینه خانوارهای روستایی استان صرف اقلام خوراکی شده است که مقدار بالایی می‌باشد. همچنین بر اساس جدول فوق، رفاه در خانوارهای روستایی به نسبت شهری کمتر می‌باشد.

### طرح سوال

۱. تفاوت متوسط درآمد خانوار شهری و روستایی استان خراسان جنوبی نسبت به کشور مقدار قابل توجهی است. دلیل این امر چیست؟ چه راهکاری برای پر کردن این شکاف اندیشیده شده است؟
۲. متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری استان، تقریباً دو برابر متوسط درآمد یک خانوار روستایی می‌باشد. این تفاوت درآمدی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی نظیر مهاجرت از روستا به شهر را به همراه داشته باشد. دلیل این تفاوت زیاد درآمد چیست؟ آیا راهکاری جهت افزایش درآمد روستایی اندیشیده شده است؟
۳. مقدار ضریب جینی و پراکندگی توزیع درآمد نشان می‌دهد که نابرابری در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی کمتر بوده است. بطور مثال، در سال ۱۴۰۰ مناطق روستایی استان بیشترین نابرابری را نسبت به بقیه استان‌های کشور داشته‌اند. چه تدبیری برای کاهش نابرابری مناطق روستایی اندیشیده شده است؟
۴. ضریب انگل نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از بودجه خانوار صرف اقلام خوراکی می‌شود. بالا بودن سهم هزینه‌های خوراکی از کل مخارج باعث خواهد شد که سهم بخش‌هایی مانند پس‌انداز،

آموزش، بهداشت، تفریح و غیره از مخارج کم گردد و رفاه اجتماعی کاهش یابد. چه اقداماتی در جهت بهبود این شاخص در نظر گرفته شده است؟

## زیرساخت‌ها

رشد و پیشرفت هر جامعه ای به وجود زیرساخت‌ها برای تولید و توزیع کالاها و خدمات، بین عامه مردم و بنگاه‌ها بستگی دارد، به طوری که قدرت اقتصاد ملی به توانایی و موجودی، زیرساخت آن بستگی دارد و کیفیت و کارایی این زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی موثر است (هادسون و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱). نقش زیرساخت‌ها در توسعه اقتصادی در مطالعات بسیاری به اثبات رسیده است و در بیشتر مطالعات بیان شده است که عرضه مناسب خدمات زیرساخت‌ها جزیی ضروری برای بهره‌وری و رشد اقتصادی است. توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی یکی از عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی، بخصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. زیرساخت‌ها، برای رسیدن به اهداف اصلی توسعه از جمله شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه صادرات، توزیع درآمد برابر و توسعه اقتصادی پایدار در کشورهای در حال توسعه ضروری می‌باشد. در ادامه به بررسی زیرساخت‌های خراسان جنوبی در بخش‌های مختلف پرداخته می‌شود.

## الف) انرژی

همانطور که از جدول زیر مشخص است استان خراسان جنوبی در مصرف انرژی جزء استان‌های برتر در این حوزه است. بطور مثال، خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۷ در سرانه مصرف نفت و گاز رتبه ۴ را داشته است که نشان دهنده مصرف بالای انرژی در استان است. با این حال، توزیع نفت و گاز در استان خراسان جنوبی در چندسال اخیر رشد قابل توجهی داشته است. به طوریکه توزیع گاز در شهرهای استان به صورت کامل انجام شده و در بخش روستایی نیز در سال ۱۴۰۰ جزء ۹ استان برتر بوده ایم. در حوزه تامین سوخت CNG برای وسایل نقلیه وضعیت استان نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر چندان مطلوب نبوده و در جایگاه پایین قرار دارد. همچنین در زمینه توزیع و مصرف برق وضعیت استان چندان مناسب نیست. بطوری که استان در سال ۱۴۰۰ در زمینه ظرفیت عملی نیروگاههای حرارتی رتبه ۲۷، ظرفیت پست‌های انتقال و فوق توزیع برق رتبه ۳۰ و ظرفیت پست‌های توزیع برق رتبه ۲۸، را نسبت به سایر استان‌ها کسب نموده است. این در حالی است که استان در متوسط مصرف مشترکین برق

خانگی در رتبه ۳۰ و متوسط مصرف مشترکین برق تجاری در رتبه ۱۸ قرار دارد. همانطور که مشخص است، استان خراسان جنوبی در حوزه تولید و توزیع برق جزء استان‌های با رتبه پایین است که این موضوع نشان می‌دهد که استان خراسان جنوبی در زمینه تولید و توزیع برق چندان وضعیت مناسبی ندارد و نیازمند توجه بیشتر است. در ادامه به برخی از شاخص‌های مربوط به انرژی پرداخته می‌شود.

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	سرايه / ظرفيت	رتبه	سرايه / ظرفيت	رتبه	سرايه / ظرفيت	رتبه	سرايه / ظرفيت	رتبه	سرايه / ظرفيت	رتبه
سرايه مصرف نفت سفيد	۱۰۵	۳	۹۷	۴	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx
توزيع مصرف نفت سفيد	۲۰۹	۱۰	۳۰۱	۸	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx
سرايه مصرف نفت گاز	۷۰۱	۸	۸۳۵	۴	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx
توزيع مصرف نفت گاز	۱۰۸	۲۳	۲	۳۰	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx	۰۰۰	xx
نسبت شهرهای گازرسانی شده به کل شهرهای استان	۸۷	۲۶	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱
توزيع روستاهای گازرسانی شده	۱۰۱	۲۶	۱۰۷	۲۰	۲۰۵	۱۸	۳۰۹	۱۳	۴۰۴	۹
تعداد جایگاه‌های عرضه سوخت CNG	۲۵	۲۸	۲۵	۲۸	۲۴	۲۸	۲۴	۲۸	۲۵	۲۸
مصرف CNG در جایگاه‌های عرضه گاز طبیعی فشرده در استان‌های کشور	۰۰۱	۲۹	۰۰۱	۲۹	۰۰۰	xx	۰۰۲	۲۶	۰۰۲	۲۶
توزيع مصارف گاز طبیعی شرکت‌های گاز استانی	۰۰۸	۲۶	۰۰۸	۲۶	۰۰۷	۲۷	۰۰۷	۲۸	۰۰۷	۲۸
توزيع انشعابات گاز شهری و روستایی نصب شده	۱	۲۷	۱۰۱	۲۷	۰۰۰	xx	۵	۶	۴۵	۶
تعداد شهرهای گازرسانی شده	---	---	---	---	---	---	---	---	۳۰	۱
تعداد روستاهای گازرسانی شده	---	---	---	---	---	---	---	---	۱۵۵۰	۱۰
ظرفيت عملی نیروگاه‌های حرارتی	۵۸۶	۲۵	۵۸۶	۲۵	۵۸۶	۲۵	۵۸۶	۲۷	۵۸۶	۲۷
ظرفيت پست‌های انتقال و فوق توزيع برق	۱۸۵۰	۲۹	۱۸۵۰	۳۰	۱۸۵۰	۳۰	۲۱۲۵	۳۰	۲۱۲۵	۳۰
ظرفيت پست‌های توزيع برق	۱۰۰۲	۲۹	۱۰۲۶	۲۸	۱۰۳۹	۲۸	۱۰۷۱	۲۸	۱۱۰۰	۲۸
متوسط مصرف مشترکین برق خانگی	۱۴۳۷	۳۱	۱۴۴۴	۳۱	۱۴۹۸	۳۱	۱۵۶۴	۳۰	۱۶۵۰	۳۰
متوسط مصرف مشترکین برق تجاری	۲۶۱۶	۲۱	۲۵۵۷	۲۲	۲۶۱۳	۲۳	۲۵۷۶	۲۱	۲۸۴۳	۱۸

مأخذ-آمار نامه شرکت ملی پالایش و پخش فراآورده‌های نفتی ایران-آمارنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی.

## ب) آب

استان خراسان جنوبی جزء استان‌هایی است که در چند دهه اخیر بطور گسترده با خشکسالی های پی در پی دست و پنجه نرم می‌کند و استان با کم آبی شدیدی مواجه شده است. در واقع، استان خراسان جنوبی بر روی کمربند آب و هوایی خشک و نیمه خشک کره زمین واقع شده است. دوری از دریا و مجاورت با مناطق کویری نمک و لوت و صحرای قره قوم ترکمنستان و بادهای فرناحیه ای نظیر باد ۱۲۰ روزه ی سیستان بر خشکی هوا در این منطقه افزوده است. قلت میزان بارندگی و توزیع نامناسب زمانی و جغرافیایی، آن نوسان درجه ی حرارت و تبخیر شدید شرایط اقلیمی نامساعدی را برای فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در شهرستان‌های جنوبی و مرکزی ایجاد کرده است نوسانهای آب و هوایی و وقوع خشکسالی از نوع خشکسالیهای سالهای اخیر میزان بارندگی را تا حدود ۳۰ درصد میانگین سالانه کاهش داده است. استان خراسان جنوبی از نظر شرایط ماکروکلیمایی از چنان شرایطی برخوردار نیست که برای تمام سال تحت تأثیر شرایط همسانی از نظر توده های هوا قرار گیرد. از این رو از نظر دینامیکی و ژنتیک اقلیمی در یک ناحیه ی انتقالی با شرایط متناوب اقلیمی قرار می گیرد. بطوری که از یک طرف در محدوده‌ی اقلیمی پرفشار جنب حاره ای و از طرف دیگر تحت تأثیر سیستمهای مدیترانه و پرفشار سبیری قرار دارد از یک سو دارای تابستانهای گرم و خشک با حداکثر درجه حرارت و از سوی دیگر دارای نواحی شمالی استان سرد و مرطوب و نواحی جنوبی سرد و خشک است (خسروی و اکبری، ۱۳۸۸). همه این عوامل باعث شده است که وضعیت منابع آبی استان در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار گیرد. همانطور که در جدول زیر نیز مشخص است رتبه استان در شاخص‌های آبی مختلف پایین بوده و نسبت به سایر استان‌ها وضعیت مناسبی ندارد.

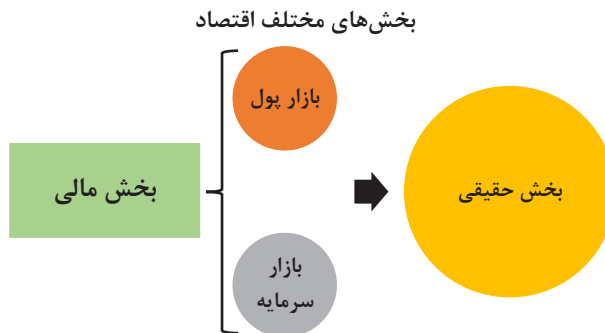
## بررسی برخی شاخص‌های مربوط به آب

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	سرهانه/ظرفیت	رتبه	سرهانه/ظرفیت	رتبه	سرهانه/ظرفیت	رتبه	سرهانه/ظرفیت	رتبه	سرهانه/ظرفیت	رتبه
ظرفیت مخازن سدهای بهره‌برداری شده ملی، استانی و تغذیه مصنوعی	۶۴	۲۷	۶۴	۲۷	۶۴	۲۷	۸۱	۲۷	۸۱	۲۷
حجم آب قابل تنظیم سالانه سدهای بهره‌برداری شده ملی، استانی و تغذیه مصنوعی	۴۵	۲۷	۴۵	۲۸	۴۵	۲۸	۴۹	۲۷	۴۹	۲۷
نسبت جمعیت تحت پوشش شبکه آب شهری	۹۹.۹	۱۷	۹۹.۹	۱۷	۱۰۰	۱	۹۹.۹	۲۳	۹۹.۹	۲۳
سهم جمعیت تحت پوشش استفاده از فاضلاب شهری از کل جمعیت شهری	۳۰.۴	۲۴	۳۲.۸	۲۳	۳۳.۴	۲۵	۳۴.۶	۲۵	۳۸.۵	۲۵
سهم جمعیت روستایی بالای ۲۰ خانوار بهره‌مند از آب آشامیدنی سالم از کل جمعیت روستایی	۷۳.۶	۱۹	۷۴.۳	۲۱	۷۵.۶	۲۰	۷۶.۲	۱۵	۷۸.۹	۱۰
مساحت شبکه های آبیاری و زهکشی احداث شده	۱۸۶۰	۲۹	۱۸۶۰	۲۹	۱۸۶۰	۲۹	۱۸۶۰	۲۹	۱۸۶۰	۲۹
توزیع آب مصرف شده استان از منابع آب کشور	۱.۲	۲۴	۱.۲	۲۳	۱.۲	۲۴	۰.۷	۲۹	۰.۷	۲۹
سرهانه مصرف کل آب شهری	۱۸۵.۵	۲۳	۱۷۷.۴	۲۵	۱۸۱.۹	۲۴	۱۸۷.۴	۲۶	۱۸۸.۵	۲۰
سهم فروش آب شرب خانگی از فروش آب شرب شهری	۷۳.۴	۲۴	۷۵	۲۳	۷۶.۸	۲۲	۸۲	۲۲	۸۴	۱۷
توزیع آب مصرف شده در بخش صنعت	۰.۳	۳۰	۰.۳	۳۰	۰.۳	۳۰	۰.۳	۳۰	۰.۳	۳۰
توزیع آب مصرف شده در بخش شرب	۰.۶	۲۹	۰.۶	۲۹	۰.۶	۲۹	۰.۷	۲۹	۰.۷	۳۰
توزیع آب مصرف شده در بخش کشاورزی	۱.۳	۲۲	۱.۳	۲۲	۱.۲	۲۳	۳۶.۹	۴	۱.۴	۲۰
آب بدون درآمد	۳۲.۲	۳	۳۱.۴	۴	۳۵.۱	۲	۳۶.۵	۳	۳۷.۲	۳
سهم آب تولید شده سطحی	۱.۱	۲۹	۴.۱	۲۸	۶.۱	۲۸	۵	۲۸	۵	۲۸
توزیع تخلیه سالانه منابع آب زیرزمینی (سهم از کشور)	—	—	—	—	—	—	۱.۶	۲۲	—	—

ماخذ - وزارت نیرو.

## ج) بازارهای مالی

در علم اقتصاد، بخش‌های مختلف اقتصادی به دو قسمت تقسیم می‌شوند؛ ۱. بخش حقیقی و ۲. بخش مالی. بخش مالی نیز خود به دو بازار پول و بازار سرمایه تقسیم می‌شود.



هدف بخش مالی، تامین مالی بخش حقیقی (تولیدی) اقتصاد است. در صورتی که بخش مالی نتواند بخش حقیقی را به درستی تامین مالی کند، بخش حقیقی نخواهد توانست از کلیه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خود استفاده نماید. لذا لازم است بخش مالی از قدرت کافی برای تامین مالی بخش حقیقی اقتصاد برخوردار باشد. بخش قابل توجهی از تامین مالی در اقتصاد ایران توسط بازار پول (بانکها و موسسات اعتباری) انجام می‌شود و بازار سرمایه نقش بسیار کمتری در تامین مالی بخش حقیقی دارد و به نوعی تامین مالی در ایران بانک محور است. این درحالیست که در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، بازار سرمایه حجم قابل توجهی از تامین مالی بخش حقیقی را بر عهده دارد. همانطور که از جدول زیر نیز مشخص است بخش قابل توجهی از تامین مالی در استان خراسان جنوبی بانک محور است و سهم استان از بازار سرمایه اندک می‌باشد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین شاخص‌های این حوزه پرداخته شده است.

### بررسی برخی از شاخص‌های بازارهای مالی استان

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه
نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌ها به سپرده بانکی (درصد)	۷۶.۲	۱۹	۷۷.۶	۱۵	۸۰.۴	۱۱	۸۱.۸	۸	۸۶.۹	۵
نرخ رشد سپرده‌های بانکی (درصد)	۳۷.۵	۲۱	۲۲.۲	۲۶	۳۵.۳	۸	۴۲	۱۲	۴۵.۹	۱۳
نرخ رشد تراکنش از طریق خودپرداز (درصد)	۲۰.۵	۱۲	۱۵.۳	۱	۱۵.۶	۲۲	۱.۸	۲۹	-۴	۳۰
نرخ رشد تراکنش از طریق پایانه شعب (درصد)	۱۰.۳	۲۲	۷۹.۸	۲۵	۲۵.۸	۸	-۱۰.۶	۷	-۸	۵
نسبت کارت صادر شده بانکی به جمعیت (تعداد به جمعیت)	۴.۶	۵	۴.۴	۸	۴.۲	۶	۴.۳	۶	۵	۶
نسبت خودپرداز به جمعیت (تعداد به هزار نفر جمعیت)	۰.۸۷	۴	۰.۸۴	۵	۰.۸۲	۵	۰.۸	۹	۰.۱	۳۰
توزیع ارزش کل معاملات بورس اوراق بهادار تهران (درصد)	۰.۰۲	۲۶	۰.۰۴	۲۴	۰.۰۲	۲۴	۰	۲۴	۰.۰۰	xx
توزیع حجم کل معاملات بورس اوراق بهادار تهران (درصد)	۰	۲۸	۰.۱	۲۳	۰	۲۵	۰	۲۵	۰.۰۰	xx
سهم استان از حق بیمه تولیدی (درصد)	۰.۵	۳۰	۰.۶	۲۹	۰.۵۹	۲۹	۰.۷	۲۸	۰.۶۸	۲۷
توزیع خسارت پرداختی (درصد)	۰.۶	۳۱	۰.۶	۳۱	۰.۵۹	۳۱	۰.۷	۳۱	۰.۶۴	۳۱
حق بیمه سرانه (میلیون ریال)	۲.۴	۲۲	۳.۳	۲۲	۴.۴	۲۰	۶.۶	۱۸	۹.۴	۱۶
ضریب نفوذ بیمه تولیدی (درصد) <sup>۱</sup>	۲.۳	۱۱	۲.۵	۱۱	۲.۹	۳	۳.۲	۲	۲.۵۳	۲

مأخذ- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

### (د) حمل و نقل

حمل و نقل و زیرساخت‌های مربوط به آن از مولفه‌های اساسی و ضروری شروع توسعه اقتصادی می‌باشد. توسعه اقتصادی بدون وجود زیرساخت‌های حمل و نقل اتفاق نمی‌افتد. بر هیچ کسی پوشیده نیست که زیرساخت‌های حمل و نقل خراسان جنوبی وضعیت مناسبی ندارد. در حوزه حمل و نقل ریلی متأسفانه هنوز استان از خطوط ریلی محروم است. در زمینه حمل نقل هوایی، وضعیت استان چندان مناسب نیست و پروازهایی که در استان انجام می‌شوند محدود هستند. همچنین، در زمینه حمل و نقل جاده‌ای با وجود اینکه بخش قابل توجهی از جاده و راه‌های استان آسفالت شده اند، اما هنوز استان از مشکلاتی نظیر از بین رفتن آسفالت و فرسودگی، عریض نبودن جاده‌ها، حادثه خیز و محدود بودن

۱. ضریب نفوذ بیمه نسبت حق بیمه‌ها به تولید ناخالص داخلی است که نشان می‌دهد چه سهمی از تولید ناخالص داخلی صرف پرداخت بیمه می‌شود.

جاده‌های آسفالت شده و غیره رنج می‌برد. قطعا بدون حل مشکلات حمل و نقل ما نمی‌توانیم تولید و رشد را افزایش و به سمت توسعه اقتصادی حرکت کنیم. در ادامه به برخی از آمار و ارقام مربوط به حوزه حمل و نقل پرداخته می‌شود.

### بررسی برخی شاخص‌های حمل و نقل

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	تراکم	رتبه	تراکم	رتبه	تراکم	رتبه	تراکم	رتبه	تراکم	رتبه
تراکم و توزیع کل راه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان	۸.۱۴	۲۷	۸.۴۹	۲۷	۷.۰۶	۲۹	۷.۱۵	۳۰	۷.۰۶	۲۹
تراکم و توزیع آزاد راه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان	۰.۰۰	۱۹	۰.۰۰	۱۹	۰.۰۰	۱۹	۰.۰۰	۱۹	۰.۰۰	۱۹
تراکم و توزیع بزرگراه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان	۲.۷۷	۳۰	۳.۵۰	۳۰	۳.۵۰	۳۰	۵.۰۲	۳۰	۴.۹۵	۳۰
تراکم و توزیع راه‌های اصلی تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان	۶.۹۲	۳۰	۹.۴۷	۲۸	۹.۴۷	۲۸	۸.۱۲	۳۰	۸.۰۱	۳۰
تراکم و توزیع راه‌های فرعی تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان	۲۷.۳۸	۱۷	۲۶.۱۴	۱۷	۱۱.۱۹	۲۸	۱۱.۳۵	۲۸	۱۱.۱۹	۲۷
تراکم و توزیع راه‌های بین شهری تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی به مساحت استان	۳.۷۱	۲۷	۳.۹۱	۲۷	۲.۴۲	۳۰	۲.۴۵	۳۰	۲.۴۲	۳۰
نسبت کل راه‌های روستایی به کل راه‌های استان	۵۴.۴۷	۲۱	۵۳.۹۶	۲۲	۶۵.۷۷	۱۲	۶۵.۷۷	۱۲	۳۶	۱۴
نسبت راه‌های روستایی آسفالت به کل راه‌های استان	۴۲.۲۷	۲۹	۴۴.۳۷	۲۴	۵۴.۴۱	۱۳	۵۴.۴۱	۱۳	۵۴.۴۱	۱۳
نسبت راه‌های روستایی شوسه به کل راه‌های استان	۱۲.۲۰	۱۳	۹.۶۰	۱۴	۱۱.۳۶	۱۱	۱۱.۳۶	۱۲	۱۱.۳۶	۱۰
نسبت طول کل شبکه راه‌های بین شهری استان‌های کشور به مساحت کشور	۰.۳۴	۵	۰.۳۶	۶	۰.۲۲	۷	۰.۲۲	۷	۰.۲۲	۷
توزیع راه‌های شریانی بهسازی شده در بین استان‌ها	۶.۵۸	۳	۵.۰۰	۵	۴.۷۱	۷	۴.۲۲	۶	۴.۴۵	۸
توزیع تعداد نقاط و مقاطع پر حادثه اصلاح شده در جاده‌های کشور	۲.۵۳	۱۴	۶.۳۰	۴	۵.۴۵	۵	۲.۲۷	۱۳	۲.۲۳	۱۲
توزیع تعداد مجتمع‌های خدماتی-رفاهی بهره‌برداری شده در جاده‌های کشور	۳.۴۵	۱۶	۳.۴۹	۱۶	۳.۵۵	۱۵	۳.۷۰	۱۳	۳.۵۷	۱۴
توزیع میزان کالای دارای بارنامه در حمل و نقل جاده‌ای کشور	۱.۱۰	۲۶	۱.۲۰	۲۶	۱.۲۷	۲۴	۱.۲۴	۲۴	۱.۳۱	۲۴
توزیع میزان ترانزیت جاده‌ای کالا در کشور	۰.۰۰	۱۵	۰.۰۰	۱۵	۰.۰۰	۱۵	۰.۰۰	۱۴	۰.۰۰	۱۴
توزیع میزان جابجایی مسافر برون شهری توسط ناوگان حمل و نقل جاده‌ای در کشور	۱.۳۱	۲۴	۱.۳۶	۲۳	۱.۳۱	۲۵	۱.۲۶	۲۳	۱.۲۷	۲۳
نسبت تعداد کل انواع وسایل نقلیه موتوری و موتور سیکلت شماره گذاری شده به کل خانوار	۴۶.۱۰	۲۲	۲۸.۳۹	۱۳	۵۳.۶۶	۷	۴۵.۱۱	۱۶	۴۳.۰۰	۱۲
نسبت تعداد وسیله نقلیه سواری شماره گذاری شده به کل خانوار (دستگاه به هزار خانوا)	۳۷.۹۷	۲۱	۲۶.۶۲	۱۳	۴۲.۷۴	۶	۳۴.۵۰	۱۰	۳۵.۰۹	۱۰
نسبت تعداد شرکت‌های تعاونی حمل و نقل تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به کل جمعیت (تعداد به صد هزار نفر)	۱.۹۲	۲۰	۱.۶۳	۲۲	۱.۸۵	۱۹	۱.۸۲	۱۹	۱.۸۳	۱۹

مآخذ-وزارت راه و شهرسازی و سالنامه آماری کشور.

### ه) انبارداری

یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که برای توسعه یک منطقه نیاز است، وجود زیرساخت‌های لازم جهت انبارداری و نگهداری محصولات مخصوصا محصولات کشاورزی می‌باشد. از آنجا که بخش قابل توجهی

از تولیدات استان خراسان جنوبی مربوط به بخش کشاورزی هست، وجود زیرساخت‌هایی نظیر سردخانه، سیلو، انبار و غیره ضروری است. با این حال، استان خراسان جنوبی در این زمینه چندان موفق عمل نکرده است. بطور مثال، مطابق جدول زیر در سال ۱۴۰۰ خراسان جنوبی در ظرفیت سیلوهای گندم نسبت به کل کشور در رتبه ۲۴ قرار دارد که ظرفیت این سیلوها حدود ۰.۹۶ درصد است. این درحالی است که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از کل کشور حدود ۱.۳ درصد می‌باشد. محصولات کشاورزی به علت ویژگی خاص عرضه آن که عموماً فسادپذیر است دارای ضایعات فراوانی می‌باشد. طبق آمار نزدیک به یک سوم محصولات کشاورزی تولیدی در سال از بین می‌رود. بخش زیادی از ضایعات فراوان محصول در استان به دلیل نبود سردخانه‌ها، سیلو و انبارها و از همه مهمتر صنایع فرآوری و تبدیل مناسب مانند کنسانتره و غیره می‌باشد. ظرفیت صنایع تبدیلی ایجاد شده در استان به هیچ وجه با نیاز استان و سرمایه‌گذاری انجام شده در افزایش تولید محصولات کشاورزی اعم از، باغی زراعی و دامی متناسب نمی‌باشد.

### بررسی برخی شاخص‌های مربوط به انبارداری

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	رتبه	تراکم/ظرفیت	رتبه	تراکم/ظرفیت	رتبه	تراکم/ظرفیت	رتبه	تراکم/ظرفیت	رتبه	تراکم/ظرفیت
توزیع استان از تعداد سیلوهای دایر گندم	۱۹	۱.۱۲	۱۹	۱.۱۲	۱۷	۱.۱۹	۱۱	۲.۶۵	۱۱	۲.۶۵
توزیع استان از ظرفیت سیلوهای دایر گندم	۲۹	۰.۱۶	۲۹	۰.۱۶	۲۹	۰.۱۷	۲۴	۰.۹۶	۲۴	۰.۹۶

ماخذ: سالنامه آماری کشور.

### ۱) ارتباطات

علاوه بر حمل و نقل، وجود راههای ارتباطی و اینترنتی مناسب از دیگر مولفه های اولیه و ضروری توسعه محسوب می‌شوند. با وجود اینکه پس از انقلاب اسلامی، سرمایه‌گذاری و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت بهبود این شاخص انجام شده است، اما وضعیت خراسان جنوبی در برخی شاخص‌ها نظیر ضریب نفوذ تلفن همراه، ضریب نفوذ اینترنت، تعداد دفاتر پیشخوان دولت شهری و تعداد دفاتر ICT روستایی<sup>۱</sup> نسبت به سایر استان‌ها مناسب نیست و در رتبه پایین‌تری قرار دارد.

۱. دفاتری هستند که در نقاط روستایی حداقل یکی از خدمات مخابراتی، پستی، پست‌بانک، فناوری اطلاعات و سرویس‌های سایر موسسات دولتی را به عموم مراجعین ارائه می‌نمایند.

### بررسی برخی شاخص‌های مربوط به فناوری و ارتباطات

شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه
ضریب نفوذ تلفن ثابت	۳۸.۶	۱۱	۳۵.۱	۱۱	۳۴.۸	۱۱	۳۵.۱	۱۱	۳۵.۹	۱۰
ضریب نفوذ تلفن همراه	۱۰۵.۶	۱۹	۱۱۱.۹	۱۷	۱۲۱.۹	۲۹	۱۳۹.۳	۲۹	۱۴۷.۵	۲۹
ضریب نفوذ اینترنت	۴۸.۷	۲۹	...	xx	...	xx	...	xx	۷۲.۹	۲۶
سرايه مرسولات پستی	۳.۲	۲۰	۲.۴	۲۲	۲.۷	۹	۳.۵	۲	۲.۴	۱۰
پوشش مساحتي به ازای هر واحد پستی	۳۲۱.۲	۶	۳۰۶.۷	۵	۳۰۶.۷	۶	۴۴۳.۷	۴	۸۹۹.۹	۱
پوشش جمعیتی به ازای هر واحد پستی	۲۶۵۳.۳	۳۰	۲۵۵۹.۲	۳۱	۲۵۹۷.۶	۳۱	۳۷۹۵.۰	۲۷	۷۷۷۴.۵	۱۰
تعداد دفاتر پیشخوان دولت شهری	۶۳.۰	۲۰	۶۴.۰	۱۸	۶۴.۰	۱۸	۶۹.۰	۲۰	۷۲.۰	۲۶
تعداد دفاتر ICT روستایی	۲۱۵.۰	۱۵	۲۱۵.۰	۱۴	۲۱۵.۰	۱۴	۱۲۱.۰	۱۷	۸.۰	۲۴

مأخذ- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

### طرح سوال

- با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی چندان استان صنعتی نیست و تولید ناخالص داخلی استان تقریباً ۰.۵ درصد از کل تولیدات کشور است، اما سرانه مصرف نفت و گاز استان بالا بوده و رتبه ۴ کشور را در برخی از سال‌ها به خود اختصاص داده است. دلیل این میزان مصرف بالای انرژی در استان چیست؟ آیا مصرف بالای انرژی در استان به دلیل تولیدات بالای استان هست یا به دلیل الگوی نامناسب مصرف انرژی در خانوارهای استان؟
- در زمینه تامین سوخت CNG استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌ها در رتبه‌های پایین‌تری قرار دارد. از آنجا که توسعه اقتصادی نیازمند توسعه حمل و نقل هست و توسعه حمل و نقل بدون سوخت کافی اتفاق نمی‌افتد، آیا برای حل این چالش و افزایش جایگاه‌های سوخت در استان چاره‌ای اندیشیده شده است؟
- همانطور که در بالا بحث شد، استان خراسان جنوبی در حوزه تولید و توزیع برق جزء استان‌های با رتبه پایین است در صورتی که افزایش تولید و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیازمند برق هست. چه تدبیری در این خصوص اندیشیده شده است؟
- با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی جزء استان‌های کم آب کشور است به چه دلیل ظرفیت مخازن سدهای بهره‌برداری شده استان نسبت به سایر استان‌ها کمتر است؟ آیا دلیل این امر کمبود بارش و خشکسالی‌ها هست یا نبود زیرساخت‌های مناسب جهت جمع‌آوری آب؟

۵. همانطور که از آمار مشخص است، استان خراسان جنوبی در توزیع آب مصرف شده در بخش صنعت رتبه ۳۰ (۰.۳ درصد از کل کشور) و در توزیع آب مصرف شده در بخش کشاورزی رتبه ۲۰ کشور (۱.۴ درصد از کل کشور) را در سال ۱۴۰۰ داشته است. با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی استان کم آبی است و بخش زیادی از منابع آبی در بخش کشاورزی و از طریق آبیاری غرقابی مصرف می‌شود، آیا راهکاری برای مدیریت مصرف آب در حوزه کشاورزی انجام شده است؟ تا چه میزان از آبیاری قطره ای در جهت بهبود الگوی مصرف آب کشاورزی بهره گرفته شده است؟

۶. بسیاری از کشاورزان خراسان جنوبی از آب شرب برای مزارع و باغات خود استفاده می‌کنند و بخش زیادی از این آبها به هدر می‌رود. چه اقداماتی در جهت فرهنگ سازی و تغییر الگوی مصرفی کشاورزان در نظر گرفته شده است؟

۷. استان خراسان جنوبی در حوزه زیرساخت‌های حمل و نقل وضعیت مناسبی ندارد. قطعا بدون وجود حمل و نقل مناسب توسعه اتفاق نمی‌افتد. بر این اساس:

۷-۱. با گذشت ۲۰ سال از استان شدن خراسان جنوبی، هنوز حمل و نقل ریلی در استان وجود ندارد. دلیل اصلی تعلل در ایجاد زیرساخت‌های ریلی استان چیست؟ آیا چشم انداز روشنی برای ایجاد حمل و نقل ریلی در استان وجود دارد؟

۷-۲. با وجود اینکه اکثر استان‌ها در زمینه حمل و نقل هوایی زیرساخت‌های گسترده‌ای را ایجاد کرده‌اند و این نوع حمل نقل در این استان‌ها رونق زیادی پیدا کرده است، چرا استان خراسان جنوبی هنوز وضعیت مناسبی در این خصوص ندارد؟ آیا در این زمینه چاره اندیشی شده است؟

۷-۳. زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای مهم‌ترین و اولین نوع حمل و نقلی است که معمولا دولتها به دنبال ایجاد آن هستند. با وجود اینکه تا حدودی زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای در استان خراسان جنوبی ایجاد شده است، اما متأسفانه بخش قابل توجهی از این زیرساخت‌ها فرسوده شده اند و نیاز به تعمیر و گسترش دارند. آیا چشم انداز روشنی در این خصوص وجود دارد؟

۸. بخش قابل توجهی از ارزش افزوده استان مربوط به بخش کشاورزی و محصولات مانند زرشک است. با این حال، یکی از گلایه‌هایی که کشاورزان استان دارند وجود سردخانه، انبار، مخازن و سیلوهای نگهداری اندک محصولات کشاورزی می‌باشد. با توجه به اینکه، سردخانه، مخازن، سیلوها و انبارها می‌تواند در جهت نگهداری محصولات کشاورزی و حتی در جهت مدیریت بازار کمک کننده باشند، چرا چندان توجهی به این حوزه نشده است؟ آیا حمایت‌هایی از بخش خصوصی که

قصد ایجاد سردخانه، انبار و سیلو را دارند انجام شده است؟ آیا چشم انداز روشنی در این خصوص وجود دارد؟

۹. جایگاه استان خراسان جنوبی در حوزه ارتباطات نسبت به بسیاری از استان‌ها مناسب نیست و استان نیازمند توجه بیشتر به این حوزه مخصوصاً زیرساخت‌های مربوط به تلفن و اینترنت دارد. چه تدابیری در این زمینه انجام شده است؟ آیا ناکافی بودن اعتبارات از منظر مساحت استانی، تاثیری داشته است؟

۱۰. بخش قابل توجهی از تامین مالی استان توسط بانکها انجام می‌شود و به نوعی تامین مالی استان بانک محور است. در صورتی که بازار سرمایه می‌تواند نقش بسیار مهمی در تامین مالی پروژه‌ها مخصوصاً پروژههای معدنی استان داشته باشد. آیا اقداماتی در جهت استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه در استان انجام شده است؟

۱۱. بخش قابل توجهی از منابع درآمدی حاصل از تولید کارخانجات و صنایع بزرگ استان به خارج از استان منتقل می‌شود و فرار سرمایه از استان رخ می‌دهد. این در حالی است که اگر این سرمایه‌ها در داخل استان نگه داشته شوند و به بخش تولیدی استان منتقل گردند می‌تواند منجر به شکوفایی اقتصاد و توسعه استان گردند. در این رابطه چه مشوق‌ها و حمایت‌هایی می‌تواند صاحبان صنایع را قانع به سرمایه‌گذاری منابع درآمدیشان در استان نماید؟

۱۲. یکی از قابلیت‌های بالای استان که می‌تواند به بهبود ناترازی انرژی کمک کند، بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در انرژی‌های تجدید پذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی می‌باشد. چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟

## دموگرافی یا جمعیت‌شناسی

### الف) جمعیت

برخی از اقتصاددانان معتقدند که رشد جمعیت باعث تقویت توسعه اقتصادی می‌شود. بزرگتر شدن جمعیت موجب پیدایش تقاضا، مصرف و ایجاد صرفه‌های به مقیاس در تولید گشته و منجر به کاهش هزینه‌های تولید و فراهم کردن نیروی کار ارزان و کافی به منظور تولید بیشتر می‌شود. همچنین، برخی کشورهای در حال توسعه طرفدار افزایش مولید و ثومارکسیست عقیده دارند بسیاری از مناطق روستایی در آن کشورها واقعاً کم جمعیت است یعنی زمینهای کشاورزی لم یزرع فراوانی وجود دارد که با افزایش

جمعیت در آن مناطق به کشت خواهد رسید. علاوه بر این، سه دیدگاه دیگر نیز وجود دارند که به رشد جمعیت نگاهی مثبت دارند. اول آنکه خیلی از کشورها معتقدند برای حفاظت از مناطق مرزی کم جمعیت خود علیه زیاده خواهی‌های همسایگان به رشد جمعیت نیاز دارند. دوم اینکه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته گروه‌های، قومی، نژادی و مذهبی متعددی وجود دارد که به دلایل اخلاقی و سیاسی دوست دارند خانواده‌های بزرگ داشته باشند. در نهایت قدرت نیروی نظامی و سیاسی نیز معمولاً وابسته به جمعیت جوان و بزرگ تلقی می‌شود.

حال بد نیست به بعضی از نظرات مخالف بپردازیم. هفت پیامد ناگوار رشد جمعیت طبق جدیدترین تحقیقات تجربی پیامدهای بالقوه ناگوار رشد جمعیت برای توسعه اقتصادی را می‌توان به هفت گروه به شرح زیر تقسیم کرد:

۱. **رشد اقتصادی:** شواهد نشان می‌دهد هر چند رشد سریع جمعیت همان مجرم اصلی در صحنه رکود اقتصادی نیست ولی بسته به وضعیت کشاورزی و کمبود زمین و منابع طبیعی باعث کند شدن رشد درآمد سرانه در اکثر کشورهای کمتر توسعه‌یافته (به ویژه آنهایی که از قبل فقیر بوده اند) می‌شود.

۲. **فقر و نابرابری:** هر چند همبستگی‌های آماری کلی بین شاخص‌های فقر و رشد جمعیت در مقیاس ملی اغلب ناقص هستند ولی شواهد این همبستگی در مقیاس خانوار قانع کننده و محکم است. پیامدهای ناگوار رشد سریع جمعیت بیش از همه بر دوش فقرا قرار می‌گیرد زیرا آنان افراد فاقد زمین هستند که بیش از دیگران از برنامه‌های حکومتی سلامت و آموزش محروم بوده، از تخریب محیط زیست آسیب دیده و قربانیان اصلی کاهش اشتغال به دلیل کاهش رشد اقتصادی هستند و به این ترتیب دور باطل دیگری رقم می‌خورد هر قدر که فقر در خانواده‌های بزرگ بیشتر شود نابرابری هم تشدید می‌گردد.

۳. **آموزش:** هر چند داده‌های این حوزه گاهی مبهم هستند ولی به طور کلی اجماع وجود دارد که بزرگ شدن اندازه خانواده و کاهش درآمدها موجب کاهش فرصتهای والدین برای فراهم کردن تحصیلات فرزندان می‌شود. رشد سریع جمعیت در مقیاس ملی موجب پخش شدن مخارج آموزشی و کاهش کیفیت به بهای کمیت می‌شود که این وضعیت به نوبه خود بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. زیرا سرمایه انسانی را تقلیل می‌دهد.

۴. **سلامت:** زیاد شدن باروری به سلامت مادران و کودکان لطمه میزنند و مخاطرات بارداری را زیاد می‌کند. ثابت شده است که بارداری مکرر در فواصل زمانی اندک موجب کاهش وزن نوزادان و افزایش نرخ مرگ و میر آنان می‌شود.

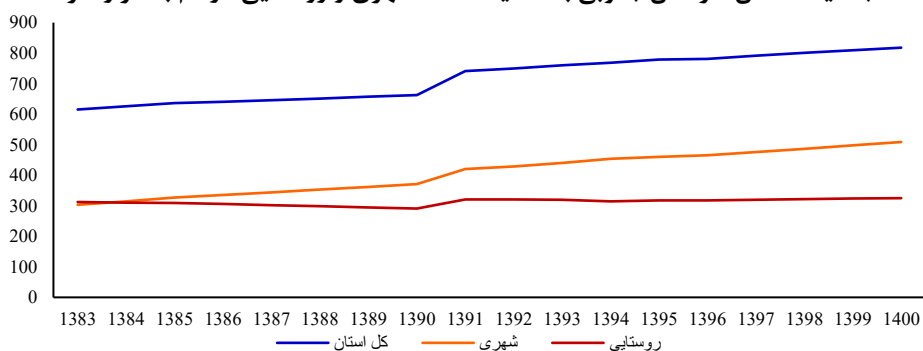
۵. **غذا:** غذا دادن به جمعیت جهان به دلیل رشد سریع جمعیت دشوارتر شده است.

۶. **محیط زیست:** رشد سریع جمعیت در تخریب محیط زیست به شکل جنگل‌زدایی، قطع درختان جنگلی، سوزاندن چوب جنگلها، فرسایش خاک، کاهش ذخایر آبزیان و حیوانات، کمبود آب، آلودگی هوا و ازدحام در شهرها نقش دارد.

۷. **مهاجرت:** بسیاری از اندیشمندان رشد سریع مهاجرت‌های بین‌المللی را یکی از پیامدهای مهم رشد جمعیت در میدانند. با اینکه عوامل مهاجرت متعدد هستند ولی بی تردید افزایش تعداد افراد جویای کار به دلیل رشد سریع جمعیت یکی از دلایل است.

همانطور که از نظریات اقتصادی بالا مشخص است اثر جمعیت بر توسعه به طور کامل مشخص نیست و بسته به شرایط و موقعیت هر منطقه، جمعیت می‌تواند تاثیر متفاوتی بر توسعه بگذارد. آمار جمعیت استان خراسان جنوبی نشان می‌دهد که جمعیت استان تا سال ۱۴۰۱ نزدیک ۸۲۷ هزار نفر رسیده است. از سال ۱۳۸۴ به بعد جمعیت شهری استان از جمعیت روستایی پیشی گرفته است و هم اکنون بخش اعظمی از این جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند.

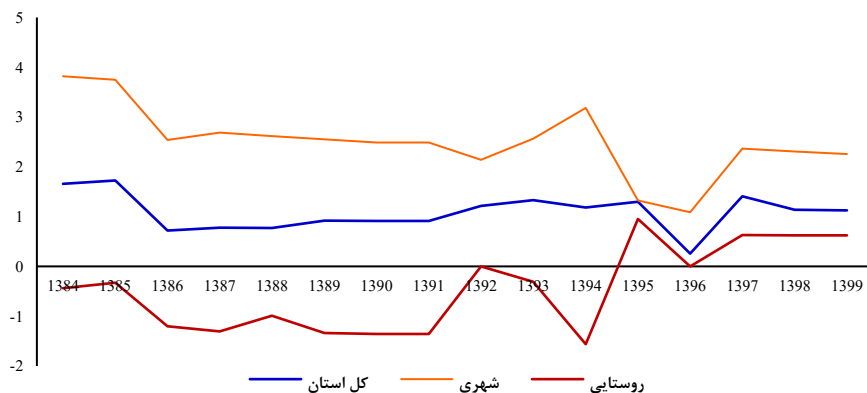
جمعیت استان خراسان جنوبی به تفکیک نقاط شهری و روستایی (ارقام به هزار نفر)



منبع: مرکز آمار ایران

نتایج مرکز آمار در خصوص نرخ رشد جمعیت نیز حاکی از آن است که نرخ رشد جمعیت استان در حال کاهش می‌باشد و از ۲ درصد در ابتدای دهه ۸۰ به نزدیک یک درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این در حالی است که در ابتدای دهه ۸۰ نرخ رشد جمعیت روستایی منفی بوده است اما از سال‌های ۱۳۹۵ به بعد مقدار این نرخ به میزان اندکی مثبت شده است. همچنین، نرخ رشد جمعیت شهری نیز از ۳۸ درصد در سال ۱۳۸۴ به نزدیک ۲ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است که نشان دهنده کاهش نرخ رشد جمعیت در استان می‌باشد.

برآورد و پیش‌بینی نرخ رشد جمعیت استان خراسان جنوبی به تفکیک نقاط شهری و روستایی (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران

در ادامه رشد جمعیت استان به تفکیک شهرستان قابل مشاهده است. همانطور که از شکل زیر مشخص است برخی از شهرستان‌ها استان دارای نرخ رشد جمعیت منفی هستند (مانند نهبندان، خوسف، درمیان و زیرکوه) و شهرستان بیرجند، فردوس و بشرویه به ترتیب بیشترین نرخ رشد جمعیت را دارند.

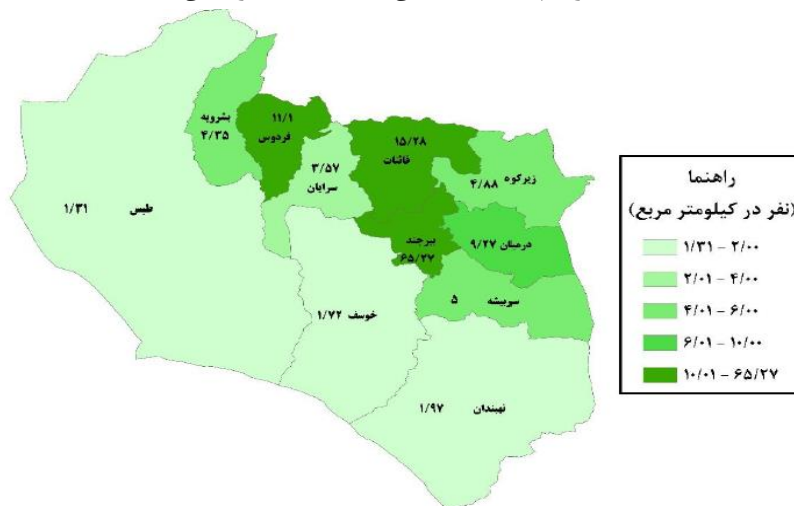
### رشد جمعیت استان به تفکیک شهرستان - برآورد ۱۴۰۰



منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

همچنین، تراکم جمعیتی استان بر اساس شهرستان به صورت شکل زیر می‌باشد.

### تراکم جمعیت استان به تفکیک شهرستان

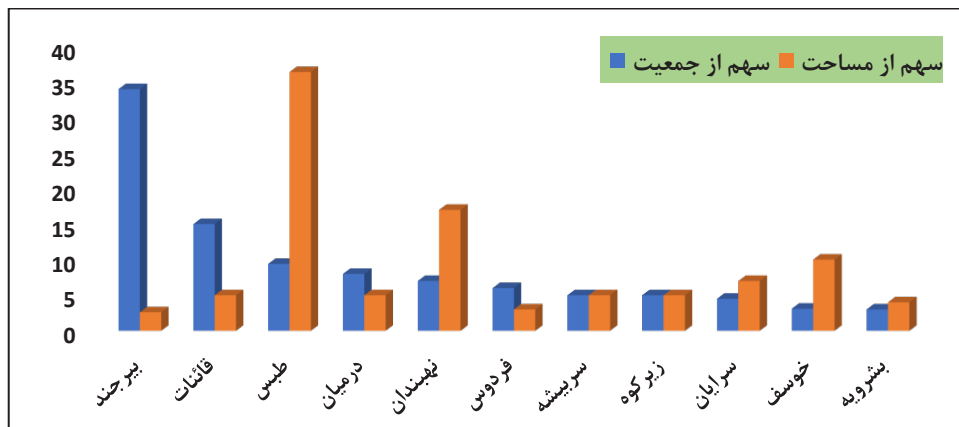


منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

علاوه بر این، سهم هر شهرستان از جمعیت و مساحت به صورت نمودار زیر می‌باشد. جمعیت و مساحت دو فاکتور اصلی هستند که در بستر زمان و مکان و در کنش متقابل با سطح تکنولوژیکی جوامع،

تراکم های شهری را رقم می زنند. بررسی نسبت بین جمعیت و مساحت یکی از نشانه های عدم تعادل در مناطق است. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می شود شهرستان بیرجند ۲ درصد مساحت استان و ۳۴ درصد جمعیت استان را به عنوان مرکز در خود جای داده است. این در حالی است که شهرستان طبس با سهم مساحت ۳۶.۷ درصدی اط مساحت استان، سهم از جمعیت آن ۹.۴ درصد است. البته توضیح این نکته ضروری است که عمده مساحت این استان از بیابان پوشیده شده است (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی<sup>۱</sup>، مهر ۱۴۰۲).

سهم هر شهرستان از جمعیت و مساحت



منبع: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### طرح سوال

۱. همانطور که بحث شد نظریات اندیشمندان توسعه اقتصادی یک رابطه مشخص مثبت یا منفی بین توسعه اقتصادی و رشد جمعیت پیدا نکردند و به عقیده برخی از آنان رشد جمعیت منجر به توسعه اقتصادی می شود و به عقیده برخی دیگر رشد جمعیت مانعی برای توسعه اقتصادی است. با این حال گروه سومی نیز معتقدند که اثر رشد جمعیت بر توسعه اقتصادی بسته به شرایط و موقعیت هر منطقه متفاوت است. سوالی که مطرح می گردد این است که با توجه به سیاست افزایش جمعیت، آیا رشد جمعیت می تواند توسعه اقتصادی استان را به همراه داشته باشد و بر آن اثر مثبتی بگذارد؟

۱. کتابچه آمایش سرزمین- موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی (۱۴۰۲)

۲. با توجه به کاهش نرخ رشد جمعیت روستایی و حتی منفی شدن آن برای برخی از سال‌ها، آیا اقداماتی در جهت حمایت از افزایش نرخ جمعیت روستایی انجام شده است؟ آیا این حمایت‌ها تاثیرگذار بوده است؟

۳. به عقیده بسیاری از افراد، دلیل کاهش نرخ رشد جمعیت بر خلاف برخی نظریات اقتصاد توسعه که بیشتر به تئوری گذار جمعیت اشاره می‌کنند، جنبه اقتصادی دارد و اگر مشکلات اقتصادی مخصوصاً در روستاها کاهش پیدا کند، رشد جمعیت مجدداً بهبود پیدا می‌کند. تا چه حدی مشکلات اقتصادی بر روی نرخ رشد جمعیت اثرگذار بوده است و کاهش این مشکلات می‌تواند به حل چالش‌های جمعیتی استان کمک کند؟

۴. خشکسالی‌های دو دهه اخیر در خراسان جنوبی باعث مهاجرت روستائیان به شهرها شده که این مهم موجب ساخت و سازهای غیرمجاز، معضل حاشیه نشینی، تشدید دوگانگی در جامعه شهری و مسائل نامطلوب اجتماعی گردیده است. چه اقداماتی در جهت حل این مشکلات در نظر گرفته شده است؟

## ب) نیروی انسانی

تفاوت در بهره‌مندی از نیروی انسانی ماهر و تیزهوشی و مهارت‌های مدیریتی و فنی مردم آن کشور، می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کند.

### پاول رومر از اقتصاد دانان توسعه معتقد است:

کشورهای در حال توسعه فقیرند زیرا شهروندان آنان با افکاری که در جوامع صنعتی برای ایجاد ارزش اقتصادی به کار می‌رود آگاه نیستند. شکاف فناوری در کشورهای فقیر و غنی را می‌توان به دو مولفه تقسیم کرد:

۱. شکاف فیزیکی شامل کارخانه‌ها، جاده‌ها و ماشین‌آلات پیشرفته
۲. شکاف فکری یا بنابر نظر تواس دیکسون شکاف تیزهوشی شامل نیروی انسانی ماهر، دانش بازاریابی، توزیع، انگیزه نیروی کار و غیره.

**هسته اصلی تفاوت در شرایط توسعه مناطق مختلف، شکاف فکری می‌باشد.**

جدول زیر مهم‌ترین آمار مربوط به نیروی انسانی استان و کشور را نشان می‌دهد. آمارهای وضعیت بازار کار استان نشان می‌دهد که نرخ مشارکت روستایی استان نسبت به نرخ مشارکت شهری وضعیت بهتری را دارا است. با این حال وضعیت هر دو شاخص استانی نسبت به شاخص کشور کمتر می‌باشد. همچنین، بر اساس جدول نرخ مشارکت زنان استان هرچند از متوسط کشوری بالاتر است اما نسبت به نرخ مشارکت مردان بسیار پایین‌تر می‌باشد و در وضعیت مناسبی قرار ندارد. از آنجا که یکی از شاخص‌های توسعه، اهمیت دادن به نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی می‌باشد؛ با توجه به نرخ پایین مشارکت زنان استان لازم است توجه ویژه به این موضوع انجام شود. علاوه بر این وضعیت نرخ بیکاری استان نسبت به متوسط کشوری در وضعیت بهتری قرار دارد و تا حدی قابل قبول است. با این حال، نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان بیشتر بوده و در برخی از سال‌ها حتی از متوسط کشوری نیز بالاتر است. در نهایت، سهم اشتغال زنان شاغل در بخش غیر کشاورزی هرچند از متوسط کشوری کمتر است، اما رقم بالایی به خود اختصاص داده است که نشانگر این است که قسمت اعظمی از زنان شاغل در بخش صنعت و خدمات در حال فعالیت هستند.

## مقایسه آمار نیروی استانی استان و کشور

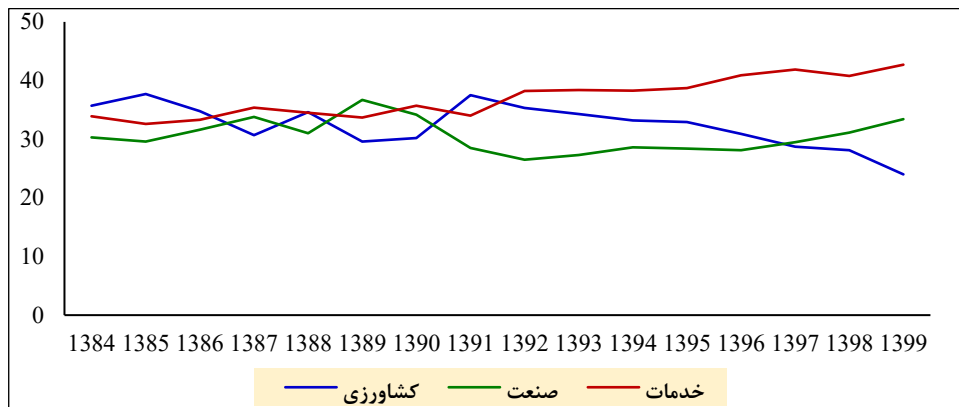
شاخص	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	رتبه	نرخ	رتبه	نرخ	رتبه	نرخ	رتبه	نرخ	رتبه	نرخ
نرخ مشارکت مناطق شهری کل کشور	۳۹.۷	×	۳۹.۸	×	۴۳.۰	×	۴۰.۴	×	۴۰.۳	×
نرخ مشارکت مناطق شهری خراسان جنوبی	۳۸.۸	۱۷	۳۸.۵	۳۱	۴۳.۰	۱۶	۴۱.۳	۱۲	۴۱.۷	۱۱
نرخ مشارکت مناطق روستایی کل کشور	۴۲.۴	×	۴۲.۶	×	۴۷.۲	×	۴۴.۲	×	۴۳.۲	×
نرخ مشارکت مناطق روستایی خراسان جنوبی	۴۳.۶	۱۱	۴۲.۳	۱۵	۴۸.۵	۱۴	۴۲.۴	۱۸	۴۲.۵	۱۹
نرخ مشارکت مردان کل کشور	۶۴.۵	×	۶۴.۸	×	۷۱.۱	×	۶۸.۷	×	۶۸.۷	×
نرخ مشارکت مردان خراسان جنوبی	۶۰.۷	۲۶	۶۱.۱	۲۶	۷۰.۰	۲۰	۶۷.۴	۲۰	۶۸.۵	۱۸
نرخ مشارکت زنان کل کشور	۱۶.۰	×	۱۶.۱	×	۱۷.۰	×	۱۳.۹	×	۱۳.۳	×
نرخ مشارکت زنان خراسان جنوبی	۲۰.۸	۲	۱۹.۷	۵	۲۰.۸	۶	۱۶.۷	۷	۱۵.۶	۷
نرخ بیکاری کل کشور	۱۲.۱	×	۱۲.۰	×	۱۰.۶	×	۹.۶	×	۹.۲	×
نرخ بیکاری خراسان جنوبی	۱۱.۵	۱۳	۸.۵	۲۶	۶.۹	۳۱	۶.۲	۳۰	۷.۳	۲۴
نرخ بیکاری شهری کل کشور	۱۳.۴	×	۱۳.۵	×	۱۱.۸	×	۱۰.۴	×	۹.۹	×
نرخ بیکاری شهری خراسان جنوبی	۱۴.۷	۷	۱۰.۱	۲۸	۷.۲	۳۱	۶.۶	۳۱	۸.۶	۲۰
نرخ بیکاری روستایی کل کشور	۸.۲	×	۷.۹	×	۷.۳	×	۷.۲	×	۶.۹	×
نرخ بیکاری روستایی خراسان جنوبی	۷.۴	۱۷	۶.۵	۲۲	۶.۶	۱۵	۵.۶	۲۱	۵.۲	۲۴
نرخ بیکاری مردان کل کشور	۱۰.۲	×	۱۰.۴	×	۹.۰	×	۸.۴	×	۷.۹	×
نرخ بیکاری مردان خراسان جنوبی	۸.۵	۳۷	۶.۳	۳۰	۵.۶	۳۱	۳.۹	۳۱	۵.۰	۳۱
نرخ بیکاری زنان کل کشور	۱۹.۸	×	۱۸.۹	×	۱۷.۵	×	۱۵.۶	×	۱۶.۰	×
نرخ بیکاری زنان خراسان جنوبی	۲۰.۳	۱۴	۱۵.۱	۲۰	۱۱.۳	۲۶	۱۵.۳	۱۷	۱۷.۱	۱۱
سهم اشتغال زنان شاغل در بخش غیرکشاورزی کشور	۷۸.۷	×	۸۰.۳	×	۸۰.۱	×	۸۱.۴	×	۸۲.۸	×
سهم اشتغال زنان شاغل در بخش غیرکشاورزی خراسان جنوبی	۶۵.۲	۲۲	۷۱.۲	۱۸	۶۶.۰	۲۱	۷۷.۱	۱۷	۸۲.۶	۱۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات کارشناسی

همچنین نمودار زیر سهم اشتغال هر بخش اقتصادی از کل اشتغال استان را نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است سهم اشتغال بخش کشاورزی در استان بسیار بالا می‌باشد و حتی در برخی از سال‌ها بیشتر از اشتغال بخش صنعت بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که استان خراسان جنوبی یک استان چندان صنعتی نیست و پایه اقتصاد بیشتر سستی می‌باشد. این در حالی است تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر کشورها و بطور خاص استان‌هایی که درآمد بالایی دارند، بخش سستی آن‌ها کوچک بوده و بخش صنعتی و خدمات آن‌ها بزرگتر می‌باشد (به طور مثال، بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۱ سهم اشتغال بخش کشاورزی برای کشورهای با درآمد بالا حدود ۳.۰۳ درصد از کل اشتغال، درآمد متوسط حدود ۲۹ درصد و درآمد پایین حدود ۵۹ درصد بوده است). سهم اشتغال بخش کشاورزی ایران در

سال ۲۰۲۱ برابر ۱۶.۲۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد سهم اشتغال بخش کشاورزی استان خراسان جنوبی بزرگتر از متوسط کشوری هست.

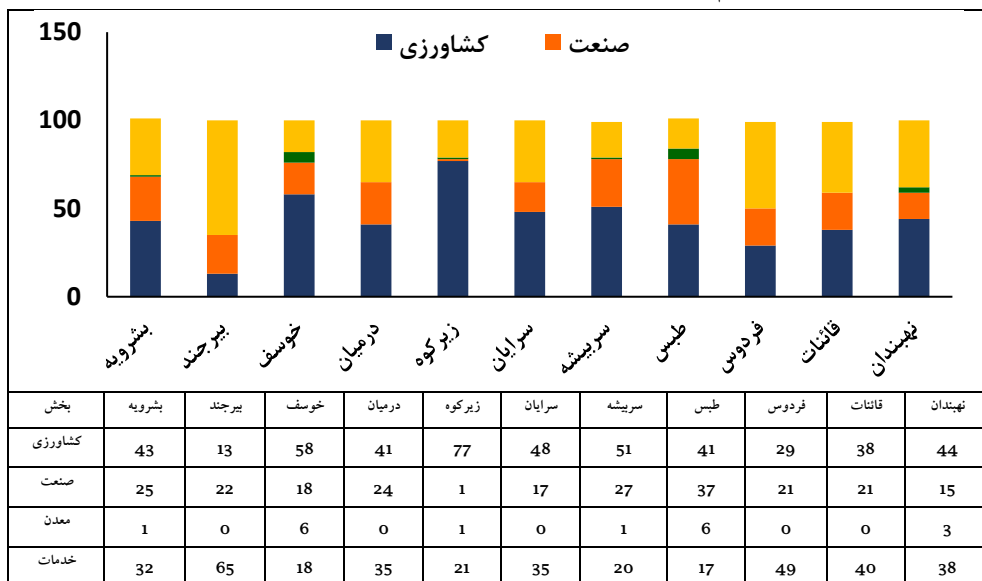
سهم اشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد استان



ماخذ- سالنامه آماری استان

همچنین سهم هر شهرستان از شاغلان بخش‌های اقتصادی به صورت زیر است:

سهم هر شهرستان از شاغلان بخش‌های اقتصادی-۱۴۰۰



منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

### طرح سوال

۱. یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی، اهمیت دادن به نقش زنان در اقتصاد است. بر اساس مباحث اشاره شده، نرخ مشارکت زنان استان مقدار پائینی هست. دلیل این امر چیست؟ آیا تدبیری در خصوص افزایش نرخ مشارکت و کاهش نرخ بیکاری زنان اندیشیده شده است؟ آیا افزایش حمایت از مشاغل و کسب و کارهای خرد می‌تواند به رفع این چالش کمک کند؟

۲. از جمله شاخص‌هایی که به بررسی توسعه اقتصادی می‌پردازد، شاخص سهم اشتغال زنان شاغل در بخش غیر کشاورزی است. در حقیقت، این شاخص بیان می‌کند که چند درصد از زنان در مشاغل سخت مشغول به کار هستند. هرچند در چند سال اخیر رتبه استان خراسان جنوبی در این شاخص بهبود پیدا کرده است، اما هنوز از متوسط کشوری پایین‌تر است و نیاز به توجه بیشتر دارد. آیا اقداماتی در جهت حمایت از زنان، مخصوصاً زنان روستایی که در مشاغل سخت مشغول به کار هستند اندیشیده شده است؟

۳. یکی از مشکلات و موانع توسعه اقتصادی، مهاجرت نیروی کار متخصص به خارج از منطقه موردنظر می‌باشد. به دلیل اینکه استان خراسان جنوبی در بسیاری از حوزه‌ها دارای محرومیت هست، بخش قابل توجهی از نیروهای متخصص و نخبه استان، اقدام به مهاجرت به سایر استان‌ها و یا خارج از کشور می‌کنند. البته لازم به ذکر است که نرخ خالص مهاجرت استان احتمالاً به دلیل ورود مهاجران کشور افغانستان مثبت باشد. اما نباید از یاد برد که کمیت مهاجرت ملاک نیست بلکه آنچه اهمیت دارد کیفیت مهاجران و دانش آنها هست. چه مشوق‌هایی برای نگهداری نیروهای متخصص استانی در نظر گرفته شده است؟

۴. از جمله مدل‌هایی که به ارائه راهکارهای توسعه می‌پردازد، نظریه تغییر ساختاری هست که از زیرمجموعه‌های این نظریه می‌توان به مدل عرضه نامحدود نیروی کار لوئیس-فی-رابینس اشاره کرد. بر اساس این مدل، برای توسعه یک منطقه لازم است نیروی کار مازاد از بخش کشاورزی آزاد شود و به بخش صنعت هدایت گردد تا به دنبال آن ساختار اقتصاد منطقه به صورت کامل دگرگون شود. با توجه به شرایط استان خراسان جنوبی و سهم بالای بخش کشاورزی از اشتغال استان (حدود ۲۰ درصد)، آیا این مدل می‌تواند باعث بهبود تولید ناخالص داخلی استان شود؟ آیا بخش صنعت و خدمات توانایی جذب نیروی کار مازاد آزاد شده را خواهد داشت؟

## ج) مهاجرت

شهرها تا حد زیادی به دلیل فراهم کردن مزایای هزینه ای برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان (به واسطه صرفه های انباشتگی) تشکیل می شوند. همانطور که والتر ایزارد<sup>۱</sup> (از پیشگامان اقتصاد منطقه ای) گفته است این صرفه های انباشتگی به دو شکل در می آیند:

**صرفه های شهری شدن:** همان آثار مرتبط با رشد کلی یک منطقه جغرافیایی متراکم هستند.

**صرفه های محلی شدن:** آثار تحت تصرف برخی بخش های اقتصادی - از قبیل موسسات مالی یا خودروسازی - هستند که با بزرگ شدن یک ناحیه حاصل می شوند. صرفه های محلی شدن اغلب به شکل پیوندهای رو به عقب و رو به جلو در می آیند. وقتی هزینه حمل و نقل زیاد است شاید کاربران محصولات یک صنعت خاص از نزدیکی به محل تولید منتفع شوند. این مزیت نوعی پیوند رو به جلو است. همچنین بنگاهها یا صنایع مشابه احتمالاً از اسکان در یک محل منتفع می شوند زیرا می توانند مجموعه ای از کارگران با یک مهارت ویژه یا زیرساخت های لازم را در آن بخش جمع کنند. این را می توان نوعی پیوند رو به عقب نامید.

با این حال افزایش مهاجرت منجر به گسترش بخش غیررسمی شهری می گردد. کارگران این بخش عموماً غیر ماهر و فاقد دسترسی به سرمایه مالی هستند. در نتیجه بهره وری و درآمد کارگران در بخش غیر رسمی کمتر از بخش رسمی خواهد بود. علاوه بر این کارگران در بخش غیررسمی از مزیت حمایت های بخش رسمی امروزی از لحاظ امنیت شغلی، شرایط کار شایسته و مستمری بازنشستگی برخوردار نمی شوند. بسیاری از کارگران که به بخش غیررسمی وارد می شوند مهاجران نواحی روستایی هستند که قادر به یافتن کار در بخش رسمی نبوده اند. انگیزه آنان اغلب به دست آوردن درآمد کافی برای زنده ماندن با تکیه بر منابع شخصی برای ایجاد کار هست. تعداد هر چه بیشتری از اعضای خانوار به فعالیت درآمدزا مشغول می شوند. زنان و بچه ها نیز جز این افراد هستند و به مدت طولانی در شبانه روز کار می کنند. بخش عمده ای از آنان در آلونک هایی ساکن هستند که به دست خود در زاغه نشینها و کپرنشینها ساخته اند و عمدتاً فاقد حداقل خدمات عمومی هستند بنابراین، جمعیت شهری در عین حال که می تواند مزایای زیادی داشته باشد اگر مدیریت نشود می تواند منجر به مشکلاتی نیز شود (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۳).

مهاجرت به دو شکل موجب وخیم تر شدن عدم توازن ساختاری روستایی - شهری می‌شود:

(۱) در طرف عرضه موجب افزایش بی تناسب نرخ رشد افراد جویای کار در شهرها (نسبت به رشد جمعیت شهرها) می‌شود که این موضوع در طول تاریخ به دلیل تعداد روز افزون جوانان تحصیل کرده در میان مهاجران بی سابقه بوده است.

(۲) در طرف تقاضا ایجاد اشتغال شهری عمدتاً دشوارتر بوده و نسبت به اشتغال‌زایی در روستاها سخت تر است. زیرا به نهاده‌های مکمل برای مشاغل بخش صنعتی نیاز دارد. علاوه بر این فشارهای مربوط به افزایش دستمزدهای شهری و مزایای اجباری کارگران در کنار دسترسی به فناوری‌های تولیدی مناسب و بیشتر کاربر موجب افزایش سهم رشد تولید پیشرفته در افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌گردد. این عرضه سریع نیروی کار و کوچکتر بودن رشد تقاضا با معضل عدم توازن منابع در کوتاه مدت را به وضعیت حاد و رو به رشد مازاد نیروی کار در بلندمدت تبدیل هم می‌کنند.

اما اثر مهاجرت بر فرآیند توسعه خیلی فراگیرتر از تشدید بیکاری است. در واقع اهمیت پدیده مهاجرت صرفاً به خود فرآیند محدود نمی‌شود بلکه حتی آثار آن بر تخصیص بخشی منابع انسانی را در بر می‌گیرد. در عوض اهمیت مهاجرت به طور اعم بر آثار آن بر رشد اقتصادی و مشخصات رشد و به طور اخص به تأثیرات توزیعی آن مربوط می‌شود. مهم‌ترین نوع مهاجرت از منظر توسعه بلندمدت مهاجرت از روستا به شهر است ولی مهاجرت‌های زیادی نیز از روستا به روستا، شهر به شهر و حتی از شهر به روستا صورت می‌گیرد.

شواهد تاریخی حاکی از آن است که مهاجرت انسانی با تغییرات اکولوژیکی دارای یک رابطه تنگاتنگ است. آمارها حاکی از آن است که از سال ۱۳۳۵ تا دهه ۹۰، حدود ۴۰ هزار روستا کاملاً از سکنه خالی و متروکه شده‌اند؛ به طوری که سهم جمعیت روستایی از ۳۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. در این فاصله حدود ۲۴ میلیون نفر در داخل کشور مهاجرت کرده‌اند که از مهم‌ترین دلایل این مهاجرت‌های ناخواسته، می‌توان به یافتن شغل مناسب، استفاده از امکانات مناسب‌تر، بهبود نسبی سطح رفاه زندگی، اُفت شدید سفره‌های آب زیرزمینی و نابودی کاریزها، برهنگی سرزمین ناشی از فشار بیش از حد دام و افزایش کانون‌های تولید گرد و خاک اشاره کرد. بسیاری از خانوارهای روستایی در ایران از لحاظ اقتصادی شدیداً به کشاورزی وابسته‌اند و پیامدهای خشکسالی یکی از علل اصلی مهاجرت در شرق ایران، خصوصاً استان خراسان جنوبی بوده است. در دهه‌های اخیر با افزایش مهاجرت‌های روستایی حجم شهرنشینی به شدت افزایش یافته و در مقابل بسیاری از روستاها خالی از

سکنه شده‌اند. این روند علاوه بر ایجاد مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مانند آلودگی هوا، افزایش تراکم جمعیت، افزایش بیکاری و مشاغل کاذب و غیره در شهرها، مشکلاتی را در روستاها ایجاد کرده است. افزایش میانگین سنی جمعیت، از دست دادن نیروی کار، افزایش نسبت سالمندی و مواردی از این دست، ازجمله پیامدهای مهاجرت از روستاهاست. در این خصوص براساس گزارشی که مرکز آمار ایران در خردادماه سال ۱۳۹۸ منتشر کرد، برآوردهای این مرکز نشان می‌دهد با الگوی فعلی رشد جمعیت، مناطق روستایی کشور به سمت خالی از سکنه شدن برخی از روستاها و کاهش چشمگیر جمعیت در اغلب روستاها پیش می‌رود. از آنجا که توسعه روستایی مفهوم مهمی در توسعه ملی است و روستاها به‌عنوان مجتمع‌های زیستی و بستر اصلی فعالیت‌های کشاورزی، تبلور حیات اقتصادی- اجتماعی کشورها هستند، لازم است توجه ویژه‌ای به این موضوع شود. اگر به آمار میزان شهرنشینی استان خراسان جنوبی نگاهی بیاندازیم می‌بینیم آمار شهرنشینی روند رو به رشدی داشته است و جمعیت روستایی کاهش پیدا کرده است.

#### میزان شهرنشینی استان

استان	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه
کل کشور	۷۴.۴	xx	۷۴.۷	xx	۷۵.۱	xx	۷۵.۴۳	xx	۷۵.۹۹	xx
خراسان جنوبی	۵۹.۳۹	۲۴	۵۹.۸۰	۲۵	۶۰.۲۰	۲۵	۶۰.۶۰	۲۵	۶۱.۹۸	۲۴

ماخذ- مرکز آمار ایران.

کاهش جمعیت روستایی از این منظر دارای اهمیت است که براساس گزارش اخیر مرکز آمار ایران تا سال ۱۴۰۵ نرخ رشد سالانه جمعیت روستایی ۲۱ استان کشور منفی خواهد شد. از آنجا که استان خراسان جنوبی یک استان مرزی هست، برای تامین امنیت لازم است جمعیت در روستاها باقی بمانند تا از این مزیت در جهت تامین امنیت و اطلاعات استفاده گردد. هرچند کاهش جمعیت روستایی در کل کشور اتفاق افتاده است، اما باید توجه داشت کاهش جمعیت روستانشین گرچه در اغلب استان‌ها و حتی کشورهای توسعه‌یافته از سال‌ها قبل این اتفاق افتاده است اما در این بین نباید فراموش کرد که در بسیاری از استان‌ها و بطور خاص کشورهای توسعه‌یافته سهم تولیدات خام بخش کشاورزی از کل ارزش افزوده اقتصاد این کشورها اندک بوده و شاغلان بخش کشاورزی هم کم بوده‌اند؛ این درحالی است که بخش کشاورزی استان خراسان جنوبی سهمی حدود ۲۰ درصدی از ارزش افزوده کل اقتصاد و اشتغال استان را در سال ۱۴۰۰ داشته است.

همچنین، بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سالانه ۳۳۱ هزار نفر در ایران فقط به مراکز استانی مهاجرت کرده‌اند که این میزان به واسطه مبدا روستایی مهاجران بسیار قابل توجه است. طی دوره پنج ساله ۱۳۹۰-۹۵ استان بیرجند تعداد ۲۰۷ هزار مهاجر پذیرفته است. در نگاه اول شاید این حجم مهاجرت چندان زیاد نباشد اما اگر سرانه مهاجرت را بررسی کنیم خواهیم دید سرانه مهاجرت برای کشور به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۴ نفر بوده است ولی برای استان خراسان جنوبی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۲۶ نفر مهاجرت کرده‌اند که بیانگر رقم بالایی برای استان خراسان جنوبی می‌باشد.

### طرح سوال

۱. گاهی در نظریات توسعه اقتصادی مانند مدل تغییر ساختاری لویس-فی-رابینس این موضوع مطرح می‌شود که برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی باید بخش کشاورزی اقتصاد کوچک شود و نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعتی حرکت کند. اما این موضوع باید در شرایطی اتفاق بیفتد که؛
  - اولاً، بخش صنعتی و شهری قابلیت جذب نیروی کار مازاد آزاد شده از بخش کشاورزی را داشته باشند،
  - ثانیاً، با حرکت نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت، بهره‌وری بخش کشاورزی افزایش یابد تا با کاهش نیروی کار این بخش، تولیدات کشاورزی کاهش چشمگیری نداشته باشد.

با توجه به پاراگراف فوق این سوالات مطرح می‌شود که؛

- ۱-۱. آیا بخش صنعتی و شهری استان قابلیت جذب نیروی کار مازاد بخش کشاورزی را دارد؟
- ۲-۱. آیا با کاهش بخش کشاورزی، بهره‌وری و تولید بخش کشاورزی افزایش پیدا کرده است؟
۲. در نظریات اقتصادی، یکی از راهکارهایی که برای تامین امنیت و کاهش هزینه‌های شهری معرفی می‌شود، جلوگیری مهاجرت روستائیان و مرزنشینان هست. از آنجا که خراسان جنوبی یک استان مرزی و گاهی همراه با تنشهای مرزی می‌باشد، آیا راهکاری برای جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها اندیشیده شده است؟

۳. یکی از راهکارهایی که برای کاهش مهاجرت روستائیان مطرح می‌شود، حمایت از کشاورزان می‌باشد. در این خصوص مدل نهاده‌های پر محصول یا انقلاب سبز شولتز بیان می‌کند که باید اقدام به انتقال تکنولوژی بیولوژیک نظیر بذره‌های اصلاح شده، کود، آفت کشها، علف کش، سموم مورد نیاز کشاورزی و غیره به بخش کشاورزی نمود تا بازدهی و درآمدهای کشاورزان در همان سطح کشت ارتقا یابد. در استان خراسان جنوبی تا چه حد به انتقال تکنولوژی بیولوژیک توجه شده است؟

۴. با توجه به خشکسالی های پیاپی و افزایش قیمت نهادهای دامی، آیا اقداماتی برای حمایت روستائیشینان و عشایر انجام شده است؟ آیا یارانه هایی که به برخی از نهادهای دامی تعلق گرفته است نتیجه بخش بوده است؟

### جبر جغرافیا و شرایط سخت محیطی

بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند شرایط جغرافیایی تا حدی در معضلات کشاورزی، سلامت عمومی و توسعه تطبیقی نقش دارند. کشورهای در حال توسعه عمدتاً استوایی یا نزدیک به استوا (دارای آب و هوای گرم و خشک) بوده و بیشتر به آفات و انگلهای استوایی و بیماریهای همه گیر از قبیل مالاریا آلودگی و منابع و آب و گرمای طاقت فرسا دچار هستند. همین موضوع باعث شده است که تعداد زیادی از کشورها از توسعه عقب بمانند. به این رخداد در اقتصاد توسعه جبر جغرافیا گفته می شود. البته موقعیت جغرافیایی را نمی توان تقدیر در نظر گرفت. سنگاپور پردرآمد تقریباً روی خط استوا واقع است و بخش هایی از جنوب هندوستان نیز در سال های اخیر از پویایی اقتصادی قابل توجهی برخوردار بوده اند. با این حال نمی توان شرایط جغرافیایی را بصورت کامل نادیده گرفت.<sup>۱</sup>

استان خراسان جنوبی دارای آب و هوای گرم و خشک بوده و نسبت به سایر استان های کشور از سطح توسعه کمتری برخوردار است. هرچند خراسان جنوبی دارای معادن گسترده هست اما آب و هوای گرم و خشک آن باعث شده است که درآمد کشاورزان و دامداران این مرز و بوم که شغل بخش زیادی از مردم ساکن این استان نیز هست با مشکل مواجه شود. علاوه بر این شرایط بد آب و هوای استان باعث شده است تا تعداد گردشگران ورودی به استان چندان زیاد نباشد و حتی مهاجرت از روستا به شهر و حتی از استان خراسان جنوبی به سایر استان ها زیاد باشد. لذا نمی توان شرایط آب و هوای را برای خراسان جنوبی نادیده گرفت.

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب توسعه اقتصادی تالیف مایکل پی. تودارو و استیون سی. اسمیت ترجمه وحید محمودی مراجعه بفرمایید.

### طرح سوال

۱. با توجه به مباحث مطرح شده، آیا جبر جغرافیا در استان خراسان جنوبی از عوامل اثرگذار بر توسعه اقتصادی استان خراسان جنوبی بوده است (استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۹ از نظر درآمد سرانه نسبت به سایر استان‌ها در رتبه ۲۷ قرار داشته است)؟
۲. استان خراسان جنوبی از نظر معدنی بسیار غنی است و می‌تواند از این معادن در جهت توسعه استان بهره‌برداری نماید و بر جبر جغرافیایی اقلیمی غلبه کند. آیا تاکنون از کلیه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این حوزه بهره‌برداری شده است؟ اگر نهایت استفاده از این منابع انجام نشده است دلیل چیست؟
۳. یکی از مهم‌ترین انواع مهاجرت، مهاجرت اقلیمی می‌باشد که به دلیل شرایط بد آب و هوایی اتفاق می‌افتد و می‌تواند روی توسعه آن منطقه آثار مخربی را بر جای بگذارد. تا چه اندازه، مهاجرت اقلیمی در استان اتفاق افتاده است؟ آیا راهکاری برای جلوگیری از این اتفاق اندیشیده شده است؟
۴. جبر جغرافیا بیش از آن که متوجه مناطق شهری باشد، بیشتر مناطق روستایی را درگیر می‌کند. یکی از مهم‌ترین مولفه و شاخص توسعه، توسعه روستایی می‌باشد. با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی سالیان زیادی را با خشکسالی دست و پنجه نرم کرده است و روستائیان و عشایر این استان آسیب‌های جدی از این بابت دریافت کرده‌اند، آیا حمایتی در این زمینه انجام شده است؟ تا چه اندازه این حمایت‌ها کارساز بوده اند؟

### شاخص توسعه انسانی

بیشترین تلاش برای تحلیل وضعیت تطبیقی توسعه اقتصادی - اجتماعی به شکل نظام یافته و جامع توسط سازمان ملل متحد رشته انتشارات سالانه گزارش توسعه انسانی انجام شده است. عالیت‌ترین نمونه این گزارشها (که از سال ۱۹۹۰ آغاز شدند) ساخت و بهسازی شاخص توسعه انسانی (HDI) است. HDI برای رتبه بندی کلیه کشورها با مقیاس صفر (کمترین توسعه انسانی) تا یک (بیشترین توسعه انسانی) بر اساس سه هدف یا دستاورد نهایی توسعه طراحی شده است. عمر طولانی که با امید به زندگی در هنگام تولد سنجیده می‌شود. دانش که با متوسط وزنی سواد بزرگسالان (دو سوم) و متوسط سال‌های حضور در دبستان (یک سوم) سنجیده می‌شود و کیفیت زندگی که با درآمد سرانه ناخالص حقیقی تعدیل شده با برابری قدرت خرید هر کشور محک می‌خورد؛ تا هزینه‌های زندگی و فرض

مطلوبیت نهایی نزولی درآمد در آن به حساب آمده باشد. HDI با به کارگیری این سه معیار توسعه کشورها را به پنج گروه تقسیم می‌کند:

### تقسیم بندی کشورها در خصوص شاخص توسعه انسانی

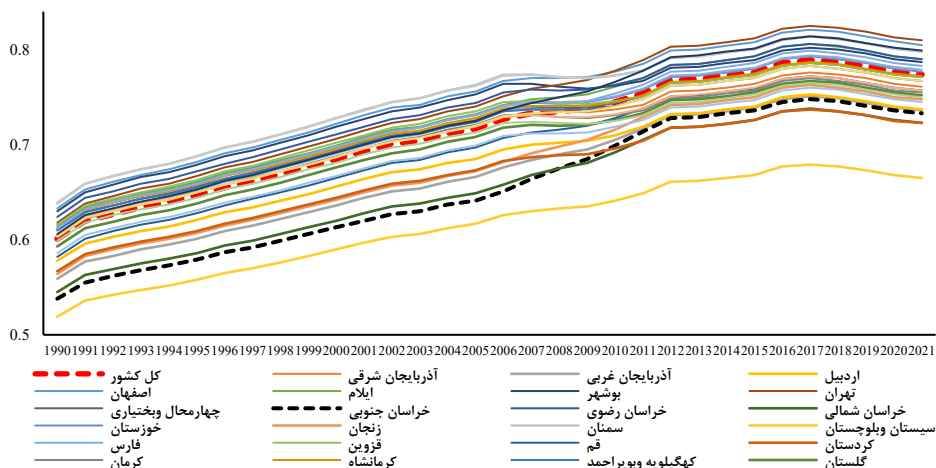
میزان توسعه	مقدار شاخص	تقسیم بندی
توسعه انسانی بسیار پایین	۰-۰.۳۴۹	تقسیم بندی مناطق بر حسب شاخص توسعه انسانی
توسعه انسانی پایین	۰.۳۵-۰.۴۹۹	
توسعه انسانی متوسط	۰.۵-۰.۶۹۹	
توسعه انسانی بالا	۰.۷-۰.۷۹۹	
توسعه انسانی بسیار بالا	۰.۸-۱	

منبع: سازمان ملل متحد (UNDP)

اگر توسعه انسانی استان‌ها را در قالب یک نمودار بررسی نماییم، خواهیم دید که شاخص توسعه انسانی برای خراسان جنوبی در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۲۱ نسبت به بسیاری از استان‌ها کمتر بوده و بعد از سیستان و بلوچستان درارای کمترین مقدار این شاخص است که نشان دهنده توسعه کمتر استان در حوزه‌های مورد بررسی است.

### شاخص

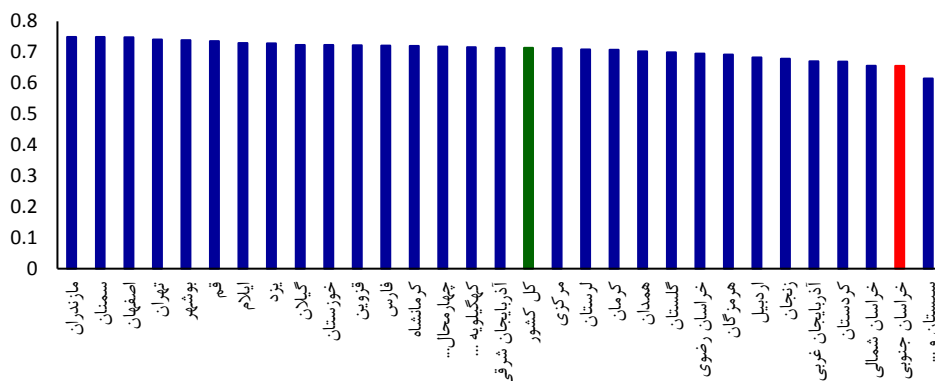
توسعه انسانی استان‌های ایران در بازه زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۱



منبع: globaldatalab.org

همانطور که از نمودار بالا مشخص است استان خراسان جنوبی در بیشتر سال‌های دارای شاخص توسعه انسانی پایینی بوده است. اگر میانگین این شاخص را برای استان‌ها در بازه زمانی ۲۰۲۱-۱۹۹۰ استخراج نمایم خواهیم دید که متوسط این شاخص برای استان خراسان جنوبی بعد از سیستان و بلوچستان کمترین است.

متوسط شاخص توسعه انسانی استان‌ها از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۱



منبع: globaldatalab.org

با این حال برای بررسی بهتر لازم است مقدار این شاخص را برای سال ۲۰۲۱ که آخرین اطلاعات استانی استخراج شده است را مقایسه نمایم. بر اساس شاخص HDI در سال ۲۰۲۱ استان خراسان جنوبی بعد از استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و کردستان در رتبه چهارم قرار دارد که نشان دهنده شاخص توسعه انسانی پایین‌تر نسبت به سایر استان‌هاست.

شاخص توسعه انسانی استان‌های کشور در سال ۲۰۲۱

مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار	استان
۰.۷۸۳	فارس	۰.۷۵۷	خراسان رضوی	۰.۶۶۵	سیستان و بلوچستان
۰.۷۸۷	بوشهر	۰.۷۵۷	لرستان	۰.۷۲۳	خراسان شمالی
۰.۷۹	ایلام	۰.۷۶۱	آذربایجان شرقی	۰.۷۲۳	کردستان
۰.۷۹	قم	۰.۷۶۷	کهگیلویه و بویراحمد	۰.۷۳۳	خراسان جنوبی
۰.۷۹۸	سمنان	۰.۷۶۷	مرکزی	۰.۷۳۶	آذربایجان غربی
۰.۷۹۸	مازندران	۰.۷۷۱	چهارمحال و بختیاری	۰.۷۳۷	اردبیل
۰.۷۹۹	یزد	۰.۷۷۱	قزوین	۰.۷۴۵	هرمزگان
۰.۸۰۵	اصفهان	۰.۷۷۲	کرمانشاه	۰.۷۴۸	زنجان
		۰.۷۷۴	کل کشور	۰.۷۵	همدان
		۰.۷۷۷	خوزستان	۰.۷۵۲	گلستان
		۰.۷۷۹	گیلان	۰.۷۵۵	کرمان

راهنما: ■ توسعه انسانی بسیار بالا ■ توسعه انسانی بالا ■ توسعه انسانی متوسط

منبع: globaldatalab.org

بنابراین، وضعیت استان خراسان جنوبی نسبت به بقیه استان‌ها در شاخص توسعه انسانی مطلوب نیست و در رتبه پایین‌تری قرار دارد. البته ذکر این نکته ضروری است که شاخص توسعه انسانی اکثریت استان‌های کشور در ردیف توسعه انسانی بالا قرار دارد که نشانگر توجه کافی کشور به مولفه های بکار رفته در این شاخص است.

### طرح سوال

۱. شاخص توسعه انسانی که برگرفته از سه معیار بهداشت، آموزش و سطح زندگی می‌باشد، به عنوان معیاری برای مقایسه سطح توسعه استفاده می‌شود. مقدار این شاخص در استان خراسان جنوبی نسبت به سایر استان‌ها پایین‌تر می‌باشد که بیانگر سطح توسعه پایین‌تر استان است. با توجه به اینکه در این شاخص از سه مولفه مهم استفاده می‌گردد؛ چرا وضعیت استان خراسان جنوبی نسبت به سایر استان‌ها مطلوب نیست؟ از بین سه مولفه مورد بررسی، کدامیک منجر به کاهش بیشتر این شاخص شده است و نیاز به توجه بیشتری دارد؟

### آموزش

جهان امروز دریافته است که آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه انسانی که در نتیجه آموزش حاصل می‌شود از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. آموزش و پرورش نیروی کار را قادر می‌سازد که از ماشین آلات، تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته بهتر استفاده نماید. در واقع آموزش افراد را آماده می‌کند تا با علاقه بیشتر از تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته در تولید استفاده نموده و در کاربرد آن‌ها از خود دقت و فراست بیشتری نشان دهند. از طرف دیگر آموزش و پرورش ظرفیت و بینش علمی- تکنولوژی افراد را برای انجام تحقیقات کاربردی، اختراع و اکتشافات افزایش داده و موجب می‌گردد تا نیروی انسانی خود را با تغییرات و تحولات مداومی که در تکنولوژی کالاهای سرمایه ای ایجاد می‌شود، تطبیق دهند. در خصوص اهمیت این موضوع اندیشمندان مختلف دیدگاه‌های متفاوتی دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

### "آدام اسمیت" پدر علم اقتصاد معتقد است:

«آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری است. با آموزش افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت های آنان سبب می‌گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نایل گردند، بلکه جامعه نیز از سرمایه‌گذاری در آنها منتفع گردد. به عقیده اسمیت انسان ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولید آنها به صورت بهتری بهره‌مند گردد».

### "تئودر شولتز" که از مهم‌ترین اقتصاددانان معاصر بوده و به پدر نظریه سرمایه انسانی معروف می‌باشد معتقد است که:

«توانایی های اکتسابی انسان ها مهم‌ترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی سال های اخیر به حساب می‌آید و آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌گذاری در انسان دارای موثرترین نقش در رشد توسعه جوامع می‌باشد».

### "هاریسون" در این زمینه اظهار می‌دارد:

«منابع انسانی پایه های اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند در حالی که انسان ها عوامل فعالی هستند که سرمایه ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می‌سازند و توسعه ی ملی را به جلو می‌برند. به وضوح کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثرتری بهره‌برداری نماید، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد».

عمادزاده، ۱۳۷۴، ص ۲۴-۶.

دستیابی به توسعه، آرزوی هر جامعه انسانی است. نیروی انسانی هر جامعه برای رسیدن به توسعه با ارزش‌ترین سرمایه است. توسعه نیازمند نیروی انسانی است که از توانایی های قابل تطبیق با شرایط کار و تکنولوژی برخوردار باشد. توسعه بشری وابستگی به نیروی انسانی مولد دارد. هاریسون، مایرز، دنیسون و ساخار و پولوس در مطالعات منظمی که در زمینه اقتصاد آموزش و پرورش داشتند همگی بر پیوند میان آموزش و توسعه (از جمله توسعه اقتصادی) تأکید کرده و اساس توسعه را با نیروی انسانی توانا و مولد مرتبط دانسته اند (توفیق، ۱۳۷۶، ص ۱۷). نقش شگفت انگیز آموزش و پرورش در زندگی انسان و شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی بر هیچکس پوشیده نیست. آموزش و پرورش نه تنها می‌تواند در رشد اخلاقی، رفتاری و حتی جسمانی افراد مؤثر باشد، بلکه وسیله‌ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می‌آید (عمادزاده، ۱۳۷۴، ص ۳۲۴).

پس از انقلاب اسلامی، سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش بسیار افزایش یافت و باعث شد سرمایه‌های انسانی زیادی در سطح کشور شکل بگیرد. به تناسب افزایش سرمایه انسانی در کشور، استان خراسان جنوبی نیز در حوزه آموزش و پرورش پیشرفت‌های زیادی را در اکثر شاخص‌های آموزشی کسب کرد. همانطور که از جدول زیر مشخص است خراسان جنوبی در شاخص نسبت دانش آموز به معلم در سال‌های اخیر نسبت به متوسط کشوری وضعیت مناسبی را دارا می‌باشد. بطوریکه به ازای هر ۲۲ دانش آموز یک معلم در استان حضور دارد که نسبت به متوسط کشور (به ازای ۲۸ دانش آموز یک معلم) مقدار بهتری است. با این حال این شاخص با مقدار ایده آل هنوز فاصله دارد. به عنوان مثال، نسبت دانش آموز به معلم در کشورهای با درآمد بالا برابر ۱۵ می‌باشد. بدون شک هرچه تعداد دانش آموز به معلم کمتر باشد، بهره‌وری و بازدهی کلاس و دانش آموزان افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین، در زمینه شاخص برابری جنسیتی در حوزه تحصیل، وضعیت استان در حد مطلوبی می‌باشد و حدود ۴۹ درصد از دانش آموزان استان را دانش آموزان دختر تشکیل می‌دهند. با این حال، نرخ ترک تحصیل و نرخ تکرار پایه تحصیلی در دوره ابتدایی و متوسطه در استان بسیار بالا می‌باشد و در برخی سال‌ها، استان رتبه اول را در این شاخص کسب کرده است. علاوه بر این، با وجود اینکه استان خراسان جنوبی بیشتر از یک درصد جمعیت استان را تشکیل می‌دهد اما در توزیع تعداد دانش‌آموختگان رتبه پائینی را دارا می‌باشد.

## وضعیت خراسان جنوبی در برخی شاخص‌های آموزشی

شاخص	استان/کشور	۱۳۹۶-۹۷		۱۳۹۷-۹۸		۱۳۹۸-۹۹		۱۳۹۹-۱۴۰۰		۱۴۰۰-۱۴۰۱	
		نسبت	رتبه	نسبت	رتبه	نسبت	رتبه	نسبت	رتبه	نسبت	رتبه
نسبت دانش آموز به معلم	کل کشور	۲۴.۵۱	xx	۲۶.۲۳	xx	۲۸.۲۳	xx	۲۹.۴۶	xx	۲۸.۳۸	xx
	خراسان جنوبی	۱۸.۰۳	۲۸	۱۹.۳۴	۲۸	۲۱.۰۵	-	۲۲.۱۴	-	۲۲.۵۴	۲۳
نسبت دانش آموزان دختر در استان	کل کشور	۴۸.۶۲	xx	۴۸.۴۳	xx	۴۸.۵۶	xx	۴۸.۶۳	xx	۴۸.۷۱	۱۳
	خراسان جنوبی	۴۸.۸۳	۱۲	۴۸.۵۴	۱۳	۴۸.۶۴	۱۴	۴۸.۷۷	۱۴	۴۸.۸۱	۱۳
نرخ ترک تحصیل دوره ابتدایی	کل کشور	۱.۱۱	xx	۰.۹۴	xx	۱.۰۵	xx	۱.۱۸	xx	۰.۹۵	xx
	خراسان جنوبی	۰.۷۷	۱۹	۰.۶۹	۱۵	۰.۷۴	۱	۰.۸۳	۱	۰.۶۵	۱
نرخ ترک تحصیل دوره اول متوسطه	کل کشور	۴.۲۱	xx	۴.۱۸	xx	۴.۴۴	xx	۳.۶۶	xx	۴.۳۶	xx
	خراسان جنوبی	۶.۱۴	۵	۶.۷۲	۳	۴.۱۱	۱	۳.۲۸	۱	۳.۶۲	۱
نرخ ترک تحصیل دوره دوم متوسطه	کل کشور	۴.۵۱	xx	۲.۷۱	xx	۳.۶۷	xx	۲.۵۰	xx	۲.۳۲	xx
	خراسان جنوبی	۵.۴۶	۳	۳.۱۹	۷	۳.۳۶	۱	۲.۸۱	۱	۲.۴۸	۱
نرخ تکرار پایه در دوره ابتدایی	کل کشور	۰.۷۷	xx	۰.۷۱	xx	۱.۳۱	xx	۱.۲۸	xx	۳.۹۰	xx
	خراسان جنوبی	۱.۴۷	۶	۱.۲۱	۱۲	۱.۴۷	۱	۱.۶۱	۱	۳.۹۹	۱
نرخ تکرار پایه در دوره اول متوسطه	کل کشور	۱.۵۰	xx	۱.۴۸	xx	۱.۳۱	xx	۰.۴۰	xx	۲.۹۶	xx
	خراسان جنوبی	۱.۲۳	۱۹	۱.۱۲	۲۰	۱.۲۰	۱	۰.۳۶	۱	۱.۹۵	۱
توزیع تعداد دانش آموزان در استان	کل کشور	۱۰۰.۰۰	xx	۱۰۰.۰۰	xx	۱۰۰.۰۰	xx	۱۰۰.۰۰	xx	۱۰۰.۰۰	xx
	خراسان جنوبی	۱.۰۱	۲۹	۱.۰۶	۲۷	۱.۲۲	۲۶	۱.۲۸	۲۷	۱.۱۰	۲۸
توزیع کل دانش آموزان	خراسان جنوبی	--	--	--	--	--	--	--	--	۱.۱	۲۸
تراکم دانش آموزان در کلاس دوره ابتدایی ۱۳۹۹-۱۴۰۰	خراسان جنوبی	--	--	--	--	--	--	۲۰.۳	۳۰	--	--
تراکم دانش آموزان در کلاس دوره اول متوسطه	خراسان جنوبی	--	--	--	--	--	--	۲۴	۲۵	--	--
تراکم دانش آموزان در کلاس دوره دوم متوسطه	خراسان جنوبی	--	--	--	--	--	--	۲۰.۲	۲۶	--	--

مأخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - سالنامه آماری کشور - وزارت آموزش و پرورش، آمارنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی.

### طرح سوال

۱. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر نرخ ترک تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی استان افزایش چشمگیری داشته است، آیا راهکاری برای کاهش این نرخ در نظر گرفته شده است؟ دلایل افزایش نرخ ترک تحصیل در مقاطع مختلف چیست؟
۲. شاید مهم‌ترین نوع مهاجرت، مهاجرت نیروهای متخصص و نخبه از استان به سایر استان‌ها و سایر کشورها باشد. وضعیت مهاجرت نیروی انسانی و متخصص در استان به چه صورت است؟ آیا راهکاری برای کاهش مهاجرت نیروهای متخصص اندیشیده شده است؟
۳. بخش قابل توجهی از مهاجران کشور افغانستان، در استان خراسان جنوبی ساکن شده اند. این مهاجران غالباً به دلیل شرایط نامناسب کشور افغانستان به این استان پناه آورده اند و خیل عظیمی از آن‌ها نیاز به تحصیل و آموزش دارند. آیا به مهاجران افغانی همانند محصلان ایرانی ساکن استان، خدمات آموزشی ارائه می‌گردد؟ چه راهکارهایی برای کاهش چالش‌هایی که این مهاجران در حوزه آموزش می‌توانند بوجود آورند اندیشیده شده است؟
۴. با توجه به اینکه رتبه تعداد دانش آموختگان استان بسیار پایین است، چه راهکاری برای جذب دانش آموختگان به استان مدنظر است؟

### بهداشت و سلامت

بهداشت و سلامت می‌تواند اثرات مستقیم و غیر مستقیم مثبتی بر سطح بهره‌وری نیروی کار داشته باشد. ارتقای بهداشت باعث می‌شود سرمایه انسانی از طریق انباشت سرمایه بهداشتی، افزایش یافته و به صورت مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد. از سوی دیگر ارتقای بهداشت از طریق افزایش طول عمر و کاهش روزهای کاری که نیروی کار به خاطر بیماری خود یا بستگان از دست می‌دهد باعث ارتقای بهره‌وری نیروی کار شده و به طور غیر مستقیم تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین ارتقای بهداشت باعث افزایش امید به زندگی می‌گردد و در نتیجه آن تمایل به پس انداز در میان مردم افزایش می‌یابد و به دنبال آن سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بالا می‌رود. بهداشت در واقع نوعی توانمندی است که به زندگی انسان ارزش می‌بخشد. فوگل<sup>۱</sup> بیان می‌کند که یک سوم رشد اقتصادی در انگلستان در ۲۰۰ سال اخیر ناشی از بهبود تغذیه و بهداشت بوده است. مطالعه فوگل در مورد ارتباط بین رشد اقتصادی

1 . Fogel

و وضعیت بهداشتی کشور بریتانیا در فاصله سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۹۷۹ است. این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش کالری در دسترس در طول ۲۰۰ سال گذشته در کشور بریتانیا از دو مجرای عمده بر رشد اقتصادی اثر داشته است: اول آنکه مشارکت نیروی کار در ۲۰ درصد از جمعیتی که کمترین مصارف مواد غذایی را داشته‌اند، به میزان زیادی افزایش یافته است. دوم آنکه افزایش کالری در دسترس برای نیروی کار موجود به میزان حداقل ۵۰ درصد در طول دوره مذکور افزایش داشته، به گونه‌ای که در مجموع افزایش مشارکت نیروی کار فقیرترین بخش جامعه به علاوه افزایش انرژی در دسترس برای نیروی کار موجود می‌تواند حدود ۳۰ درصد از رشد اقتصادی را در دوره مذکور توضیح دهد. آرورا<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر بهداشت بر رشد اقتصادی برای ۱۲۵-۱۰۰ سال اخیر در کشورهای نروژ، دانمارک، هلند، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، سوئد و فنلاند پرداخت. مطالعه او نتایج به دست آمده توسط فوگل را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اگر متغیرهای متفاوت به عنوان متغیر نماینده بهداشت انتخاب شوند تاثیرات آن‌ها بر رشد اقتصادی کاملاً مشابه است و در مجموع نتیجه می‌گیرد که ۳۰ تا ۴۰ درصد از رشد اقتصادی کشورهای مذکور را می‌توان به وضعیت بهداشتی آن‌ها نسبت داد. یافته‌های بهرمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که بهداشت و وضعیت سلامت جامعه هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم بر بهره‌وری نیروی کار تاثیرگذار است، زیرا افراد سالم‌تر احتمالاً با اندازه مشخصی از سرمایه و سایر نهادها، بهره‌وری بیشتری دارند. بنابراین، تحقیقات نشان می‌دهد که شرایط سلامتی، بهداشت و درمان سرانه می‌تواند با تغییر در تولید ناخالص داخلی سرانه توضیح داده شود. افراد سالم به دلیل بهره‌وری نسبتاً بالا می‌توانند درآمد بیشتری را افزایش دهند و عواملی مانند آموزش عالی می‌توانند باعث ایجاد سلامتی بهتر و درآمد بیشتر شوند. یافته‌های برخی از مطالعات مرتبط توضیح می‌دهد که نیمی از اختلافات در رشد اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی نسبت داده می‌شود و همبستگی مثبت بین هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup>

پس از انقلاب اسلامی به منظور ارتقا سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در حوزه سلامت و بهداشت انجام شد که باعث شد وضعیت کشور در حوزه سلامت و بهداشت نسبت به بسیاری از کشورها بهتر باشد و حتی در برخی حوزه‌های پزشکی جزء کشورهای برتر دنیا باشیم. استان خراسان جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و پیشرفت‌های گسترده‌ای در حوزه سلامت و بهداشت داشته

1 . Arora

2 . Behrman

3 . Source: World Health Organization (2005) and The World Health Report 2005, USA.

است. همانطور که از جدول زیر نیز مشخص است، استان خراسان جنوبی در غالب شاخص‌ها دارای وضعیت مناسبی نسبت به متوسط کشوری دارا می‌باشد.

وضعیت استان خراسان جنوبی در شاخص‌های بهداشتی

شاخص	استان/کشور	۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰	
		نسبت	رتبه	نسبت	رتبه	نسبت	رتبه	نسبت	رتبه	نسبت	رتبه
نسبت تعداد بیمارستان فعال به جمعیت	کل کشور	۱.۱۹	xx	۱.۲۴	xx	۱.۲۵	xx	۱.۲۳	xx	۱.۲۱	xx
	خراسان جنوبی	۲.۰۴	۱	۲.۱۴	۱	۲.۱۰	۱	۲.۰۷	۱	۲.۰۸	۱
نسبت تعداد تخت‌های فعال بخش‌های بیمارستانی (تعداد به ده هزار نفر)	کل کشور	۱۵.۴۹	xx	۱۶.۸۳	xx	۱۶.۴۱	xx	۱۶.۹۹	xx	۱۶.۸۵	xx
	خراسان جنوبی	۱۷.۲۰	--	۱۷.۰۵	--	۱۶.۸۶	--	۱۷.۰۱	--	۱۷.۱۸	۱۷
نسبت تعداد مراکز ارائه دهنده مراقبت‌های اولیه بهداشتی (تعداد به صد هزار نفر)	کل کشور	۰.۰۰	xx	۳۵.۹۰	xx	۳۵.۴۲	xx	۳۴.۷۸	xx	۳۵.۱۱	xx
	خراسان جنوبی	۰.۰۰	xx	۶۱.۸۱	۳	۶۰.۹۴	-	۶۰.۱۰	-	۶۱.۰۰	۳
نسبت تعداد مراکز بهداشتی و درمانی روستایی به جمعیت روستایی (تعداد به ده هزار نفر)	کل کشور	۱.۳۶	xx	۱.۳۷	xx	۱.۲۹	xx	۱.۲۹	xx	۱.۳۶	xx
	خراسان جنوبی	۱.۹۵	۵	۱.۹۱	۴	۱.۸۹	-	۱.۸۵	-	۱.۹۳	۴
نسبت تعداد خانه‌های بهداشت فعال روستاها به جمعیت روستایی (تعداد به ده هزار نفر)	کل کشور	۸.۷۱	xx	۸.۵۵	xx	۸.۵۲	xx	۸.۴۷	xx	۸.۸۳	xx
	خراسان جنوبی	۹.۸۷	۱۱	۹.۸۴	۱۲	۹.۸۴	--	۹.۷۲	--	۱۰.۲۹	۱۰
نسبت تعداد کل مراکز توانبخشی (تعداد به ازای صد هزار نفر)	کل کشور	۱۰.۰۰	xx	۱۱.۵۲	xx	۱۰.۸۹	xx	۱۰.۵۵	xx	۱۰.۷۷	xx
	خراسان جنوبی	۱۳.۶۷	۶	۲۷.۳۹	۲	۲۷.۱۹	--	۱۳.۸۷	--	۱۵.۴۰	۴
نسبت تعداد داروخانه‌ها به جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)	کل کشور	۱.۳۶	xx	۱.۳۷	xx	۱.۴۶	xx	۱.۴۸	xx	۱.۵۵	xx
	خراسان جنوبی	۱.۰۷	۲۲	۱.۱۱	۲۱	۱.۱۲	xx	۱.۱۱	xx	۱.۱۷	۲۵
نسبت تعداد پایگاه‌های اورژانس پیش‌بیمارستانی ۱۱۵ (تعداد در هزار کیلومتر مربع)	کل کشور	۱.۵۲	xx	۱.۵۵	xx	۱.۶۰	xx	۱.۶۵	xx	۱.۷۶	xx
	خراسان جنوبی	۰.۴۲	۳۱	۰.۴۷	۳۱	۰.۵۲	۳۱	۰.۵۳	۳۱	۰.۵۵	۲۹
میزان باروری کل	کل کشور	۲.۰۷	xx	۱.۹۷	xx	۱.۷۷	xx	۱.۷۱	xx	۱.۷۴	xx
	خراسان جنوبی	۲.۷۵	۱	۲.۵۹	۱	۲.۴۱	۱	۲.۳۶	۱	۲.۳۹	۱
تعداد تصفیه خانه فاضلاب	خراسان جنوبی	--	--	--	--	--	--	--	--	۰.۴	۳۱
امید به زندگی (سال)	خراسان جنوبی	--	--	--	--	--	--	--	--	۷۲.۳	۲۳

مأخذ: سالنامه آماری کشور - مرکز آمار ایران، آمارنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی.

### طرح سوال

۱. بخش قابل توجهی از جمعیت استان خراسان جنوبی در روستاها زندگی می‌کنند. با وجود پیشرفت‌های بالایی که در حوزه بهداشت و سلامت در استان داشته ایم؛ هنوز برخی از استان‌ها از بسیاری از امکانات بهداشتی محروم هستند. چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است؟
۲. پیرو سوال قبلی، بخش قابل توجهی از جمعیت ساکن روستاها، در حوزه دامداری مشغول به کار می‌باشند که با بیماریهای مختلفی نظیر هاری، تب کریمه و غیره مواجه هستند. در خصوص بیماریهای مرتبط بین انسان و حیوان، آیا اقدامات لازم و کافی در استان انجام شده است؟
۳. استان خراسان جنوبی از جمله استان‌هایی هست که نرخ باروری در آن بسیار بالا هست. همانطور که اشاره شد در مباحث اقتصاد توسعه بیان می‌گردد که افزایش جمعیت مثل یک شمشیر دولبه عمل می‌کند. اگر افزایش جمعیت به مرور زمان به درستی مدیریت شود می‌تواند منتج به توسعه اقتصادی گردد ولی اگر به درستی نتوان آن را مدیریت کرد و زیرساخت‌های لازم را فراهم نمود می‌تواند منتج به پیامدهای ناگواری نظیر افزایش فقر و نابرابری گردد. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا خراسان جنوبی ظرفیت افزایش جمعیت و توانایی مدیریت آن را دارد؟

### کشورهای جهان سوم و کاربرد نادرست این واژه

#### بیشتر بدانیم

زمانی که در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، تعداد زیادی از کشورهای آفریقایی، آسیایی، خاورمیانه و کارائیب از چنگ

استعمار رها شدند، دانشمندان سیاسی غرب به طور فزاینده ای خود را در ایجاد چارچوبهایی برای فهم و پیش بینی سیاست در این کشورها دچار چالش دیدند. آلفرد سووی اقتصاددان و جمعیت شناس فرانسوی اولین کسی بود که در مقاله ای که در سال ۱۹۵۲ منتشر شد واژه «جهان سوم» را به کار برد. این واژه به طور گسترده‌ای در دهه ی ۱۹۵۰ مورد استفاده قرار گرفت. برای سووی و دیگران جهان سوم نه تنها به کشورهای در حال استعمار زدایی بلکه به کشورهای از نظر اقتصادی ضعیف آمریکای لاتین اشاره داشت که غالباً بیش از یک قرن پیش به استقلال رسیده بودند. جدا از کاربرد واژه ی جهان سوم در علوم سیاسی این واژه در روابط بین الملل نیز معنادار بوده است. کاربرد این واژه بیانگر این واقعیت بود که به دنبال آغاز جنگ سرد در اواخر دهه ۱۹۴۰ جهان به طور معمول به سه بلوک ایدئولوژیکی تقسیم شده بود:

– جهان اول، دموکراسیهای صنعتی اروپا و آمریکای شمالی به اضافه استرالیا، زلاند نو و ژاپن بودند. نظام حاکم بر این کشورها غالباً نظام سرمایه داری بود و در طول جنگ سرد به بلوک غرب معروف بودند.

- جهان دوم کشورهای کمونیست شوروی و اروپای شرقی امروزی بودند. برخی تحلیل گران متحدان ایدئولوژیکی آن‌ها در آسیا کره شمالی، چین و آمریکای لاتین (کوبا) را نیز در این گروه قرار می‌دادند. نظام حاکم بر این کشورها غالباً نظام کمونیسم بود و در طول جنگ سرد به بلوک شرق معروف بودند.

- جهان سوم تعداد زیادی از کشورهایی بودند که در جنبش عدم تعهد گرد آمده بودند و همگی مدعی بی طرفی در جنگ سرد جهان بودند.

بنابراین، طی جنگ سرد واژه جهان سوم معنایی دوگانه داشته است. از یک سو به گروه بزرگی از کشورهای توسعه نیافته از نظر اقتصادی و ضعیف از نظر توسعه‌ای در آفریقا، آسیا، خاورمیانه آمریکای لاتین و کارائیب اشاره داشت. از سوی دیگر بیانگر بی طرفی بین‌المللی ادعایی بلوک بزرگی از کشورهای غالباً کوچک و ضعیف، و عمدتاً پسااستعماری در حال توسعه بود که در جنبش عدم تعهد سازمان یافتند. در نتیجه با پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ و تغییرات بین‌المللی توجیه اساسی برای ادامه کاربرد واژه «جهان سوم» را از بین برد. بر این اساس اندیشمندانی مانند فاوسیت و سائیک (۱۹۹۹) و بایار (۱۹۹۱) به این نتیجه رساند که به طور منطقی دیگر واژه جهان سوم نمی‌تواند از نظر تحلیلی تا مدتی طولانی کاربرد داشته باشد. در این میان دو واقعه بسیار با اهمیت بودند. اولین، واقعه سقوط سیاسی و سپس فروپاشی جهان دوم کمونیستی و نیز شکست شگفت انگیز بلوک کمونیستی اروپای شرقی بود که در چالش ایدئولوژیکی عمده با غرب مضمحل شد. دومین حادثه، موج همزمان دموکراتیک شدن و آزادسازی اقتصادی بود که آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آن را اجرا کردند. از دیگر منتقدان کاربرد این واژه، برگر (۱۹۹۴) بود که استدلال کرد کاربرد این واژه برای مقایسه توسعه کشورها نامعقول است (هینز، ۱۳۹۳)<sup>۱</sup>. بنابراین در ابتدا شاید کاربرد این واژه برای توسعه تا حدی (نه بطور کامل) درست بود اما با گذشت زمان و تغییرات سیاسی گسترده‌ای مانند پایان جنگ سرد، فروپاشی کمونیسم و آزادسازی بسیاری از اقتصادهای بسته که در جهان اتفاق افتاد کاربرد این واژه را از بین برد. هرچند از همان ابتدا تقسیم بندی کشورها بر اساس ایدئولوژی حاکم بر آن کشور بود که آیا متعهد به بلوک غرب است یا شرق؛ نه میزان توسعه کشورها. لذا در حال حاضر استفاده از واژه جهان سوم برای مقایسه توسعه کشورها امری نادرست است. با این حال این واژه شاید در طول روز بارها توسط اقشار مختلف جامعه بکار رود. بطور مثال یک فرد به کشوری

۱. برگرفته شده از کتاب «هینز، جفری، (۱۳۹۳)، مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم.»



که درآمد آن کم هست می گوید آن کشور یک کشور جهان سوم است. اما اگر از فرد بپرسیم جهان سوم کجاست؟. شاید بگوید نمی دانم یا بگوید کشورهایی که فقیر یا کم درآمد هستند و توسعه پیدا نکرده است. این در حالی است که در حال

حاضر بسیاری از کشورها جهان سومی که در گذشته در این دسته جای گرفتند (مانند سنگاپور)، امروز جزء کشورهای پیشرفته هستند و از ابتدا نیز نحوه تقسیم بندی کشورها بر اساس توسعه آنها نبود، بلکه آنچه بیشتر مدنظر بود نوع ایدئولوژی حاکم بر آن کشور بود. با این حال بسیاری از مردم بدون اینکه از نحوه کاربرد این واژه اطلاع داشته باشند، از آن به عنوان یک معیار برای مقایسه توسعه کشورها استفاده می کنند که این موضوع امر نادرستی است. در حقیقت غالب افرادی که از این واژه استفاده می کنند ریشه و کاربرد دقیق آن را نمی دانند و صرفا به این دلیل آن را به کار می برند چون بقیه هم از آن استفاده می کنند. این موضوع انسان را به یاد آزمایش پنج میمون می اندازد.

گروهی از دانشمندان ۵ میمون را داخل قفسی قرار دادند. در وسط قفس یک نردبان و بالای آن نردبان موز گذاشتند. هر زمانی که میمونی برای برداشتن موز بالای نردبان می رفت، دانشمندان بر روی سایر میمون ها آب سرد می پاشیدند و به آنها شوک وارد می کردند. پس از مدتی، هر میمونی که سعی می کرد از نردبان بالا برود، میمون های دیگر تا می توانستند او را کتک می زدند. پس از مدتی دیگر هیچ میمونی علی رغم وسوسه ای که داشت جرات بالا رفتن از نردبان را به خود نمی داد. دانشمندان تصمیم می گیرند یکی از میمون ها را با میمون جدیدی عوض کنند. میمون تازه وارد اولین کاری که می کند برای بدست آوردن موز می خواهد از نردبان بالا برود. اما مثل سابق سایر میمون ها تا می توانستند آن میمون جدید را زیر بار کتک می گرفتند. پس از چند بار کتک خوردن، میمون تازه وارد یاد می گیرد که نباید از نردبان بالا برود. هرچند دلیل این ممانعت را کماکان نمی داند. میمون دوم جایگزین می شود و همان وضع ادامه می یابد. جالب اینجاست میمون اول هم در کتک زدن میمون دوم همکاری می کند. سومین میمون هم جایگزین شد و دوباره همان اتفاق (کتک خوردن) تکرار شد. میمون چهارم جایگزین می شود و همچنان کتک زدن هر میمونی که از نردبان بالا می رود ادامه دارد. در نهایت میمون پنجم هم جایگزین می شود و کتک زدن و کتک خوردن همچنان ادامه

می‌باید. حالا آنچه مانده میمون‌های جدیدی هستند که هیچ کدامشان دوش آب سرد را هرگز تجربه نکرده‌اند، ولی همچنان هر میمونی که از نردبان بالا می‌رود را کتک می‌زنند. اگر ممکن بود آزمایش را ادامه دهیم و فرضاً بتوانیم از میمون‌ها سوال بپرسیم چرا هر میمونی که سمت نردبان می‌رود کتکش می‌زنید، احتمالاً آن‌ها جواب می‌دادند؛ من نمی‌دانم! این روش کاری است که در اینجا مرسوم است و بقیه هم آن را انجام می‌دهند و باید به آن احترام گذاشت.

این آزمایش دقیقاً بسیاری از رفتارهای ما را که در طول روز بدون اینکه به آن فکر کنیم و انجام می‌دهیم، توضیح می‌دهد. استفاده از واژه جهان سوم برای مقایسه میزان توسعه کشورها یکی از این مصادیق است.

## فهرست منابع

### کتاب و مقالات

- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲)، به سوی پارادایم جدید توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، آذر و دی، ۱۳۸۲، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶، صص ۱۱۵-۱۰۴.
- پوریانی، محمدحسین (۱۳۸۴)، نقد و تحلیل جامعه شناختی اندیشه دکتر حسین عظیمی در خصوص توسعه اقتصادی - اجتماعی، ایران فصلنامه، بصیرت شماره ۳۶، صص ۱۱۸-۹۰.
- تودارو، مایکل و اسمیت، استیفن، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات نگاه دانش، چاپ دوم.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ فرهنگ توسعه، آذر و دی ۱۳۷۳، شماره ۱۵، صص ۳۳-۲۴.
- توفیق، ع.ا. (۱۳۷۶). آموزش بزرگسالان به عنوان آموزشهای علمی-کاربردی و راهبردهای تحقق آن فصلنامه آموزش بزرگسالان و نوآوری. موسسه بین‌المللی روش‌های آموزش بزرگسالان. سال دوم شماره ۲ و ۳. بهار و تابستان ۱۳۷۶.
- حیدری، محمد، (۱۳۸۱): بررسی رابطه علی بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی کی الگوی خودهمبسته برداری برای اقتصاد ایران، پایا نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خسروی، محمود، و اکبری، محمد. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی خشکسالی های استان خراسان جنوبی. جغرافیا و توسعه، ۷ (پیاپی ۱۴)، ۵۱-۶۸.
- سن، آمارتیا، (۱۳۸۶)، مفهوم توسعه، راهبرد یاس، ترجمه: شاکه سرکسیان و علی گودرزی، شماره ۱۲، صص ۱۵۸-۱۸۴.
- عمادزاده، م. (۱۳۷۴). مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش. اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- لشکری، محمد، (۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور متوسلی، محمود، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
- ملایی، مری، پروایی‌هره‌دشت، شیوا و کاظم، رحیمی. (۱۳۹۴). در باب چیستی توسعه. راهبرد توسعه، ۴۸، ۷-۲۳.

میسرا، آرپی (۱۳۶۴)، مفهوم توسعه مشخصه های جامعه عقب افتاده مجله جهاد(ترویج کشاورزی و توسعه روستایی) تیر، ۱۳۶۴، شماره ۷۶، صص: ۱۵-۱۲ و ۶۳.

میرکریمی، سیدعلی، (۱۳۷۸)؛ اثر هزین ههای مبادله بر جهت تجارت خارجی، پایا ننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

ویلیس، کتی (۱۳۹۳)، نظریه ها و تجربه های توسعه ایمانی جاجرمی و پیمان پوررجب، نشر پژواک، چاپ اول.

هینز، جفری، (۱۳۹۳)، مطالعات توسعه، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم.

Arora, S. (2001). Health, human productivity, and long-term economic growth. *The Journal of Economic History*, 61(3), 699-749.

Behrman, J. R. (1993). Health and economic growth: theory, evidence and policy. *Macroeconomic environment and health*, 21-61

Fogel, R. W. (2002). Nutrition, physiological capital, and economic growth. Pan American Health Organization and Inter-American Development Bank.

Hodson S, Wigham C, Williams L (et al). (1981). Observations on the human cornea in vitro. *Expl Eye Res.* 32, 353-360.

Myrdal, Gunnar(1974), What Is Development, *Journal of Economic Issues*, Vol 8, No.4, Dec 1974, pp: 729- 736.

Petty, W. (1676) *Political arithmetick*. Republished in: C.H. Hull

Sant'Ana, Matthias(2008), The Evolution of the Concept of Development: From Economic Growth to Human Development, Working Paper, Inter-University Attraction Pole VI/06, pp: 1- 35.

Sen, Amartya(1988), The Concept of Development, *Handbook of Development Economics*, Volume I, Edited by H. Chenery and T.N Srinivasan, Elsevier Science Publishers B.V, 1988, pp:9-26

Skorobogatova O, Merlino I. (2017), Transport Infrastructure Development Performance, *Procedia Engineering*, 178, 319- 329.

Smith, A. (1869). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, volume 1 (Vol.1)

## سایت و منابع آماری

- مرکز آمار ایران
- بانک مرکزی ایران
- بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی
- آمار نامه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
- وزارت نیرو جمهوری اسلامی ایران
- وزارت راه و شهرسازی
- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- گمرک جمهوری اسلامی ایران
- اداره کل گمرک خراسان جنوبی
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- وزارت آموزش و پرورش
- اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی
- سازمان برنامه و بودجه کشور
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
- سازمان ملل متحد (UNDP)
- بانک جهانی
- صندوق بین‌المللی پول
- [globaldatalab.org](http://globaldatalab.org)

# فصل دوم:

## تولید

### هدف کلی

هدف کلی فصل دوم آشنایی خواننده با تولید از منظر توسعه اقتصادی برای استان خراسان جنوبی است.

### هدف‌های جزئی

- مفهوم تولید
- اهمیت کشاورزی در توسعه اقتصادی
- معرفی بخش کشاورزی استان
- مدل‌های توسعه کشاورزی
- اهمیت بخش صنعت در توسعه اقتصادی
- استراتژی‌های توسعه صنعتی
- معرفی بخش صنعتی استان
- معرفی بخش خدمات استان
- ارائه توصیه‌های سیاستی جهت بهبود زیربخش‌های تولیدی استان

## مقدمه

تولید در اقتصاد فقط به کالا محدود نمی‌شود. در اقتصاد تولید را این‌گونه تعریف می‌کنند:

استفاده از امکانات، تجهیزات و منابع موجود برای دریافت یک خروجی که ممکن است به‌صورت کالا یا خدمت باشد. تولید یک فرآیند است که نهاده‌هایی مانند سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه و زمان را گرفته و در انتها یک خروجی به شکل کالا یا خدمت را تحویل می‌دهد.

این فرایند معمولاً باعث می‌شود تا ارزش‌افزوده ایجاد گردد و محصولات تولید شده به مصرف انسان برسد و در مقابل انسان برای دریافت این کالا و خدمات هزینه پرداخت کند و تولیدکننده نیز با فروش خدمت یا کالای خود به درآمد برسد. بنابراین جریان پولی را از سه طریق می‌توان محاسبه کرد:

- درآمد تولیدکننده
- هزینه‌ای که مصرف‌کننده متحمل می‌شود.
- ارزش‌افزوده محصول

در مباحث اقتصادی برای بررسی رشد و مقدار تولید از واژه ای تحت عنوان تولید ناخالص ملی استفاده می‌شود. تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> مهم‌ترین متغیری است که در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌های اقتصاد کلان از آن استفاده می‌شود و معادل کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین می‌باشد. همانطور که اشاره گردید در تعریف تولید به سه نوع مقدار پولی استفاده می‌شود که از هر سه طریق می‌توان مقدار تولید ناخالص داخلی یک کشور را محاسبه کرد.

۱. **روش درآمدی یا توزیع:** در این روش حقوق و دستمزد کارکنان، درآمد حاصل از اجاره‌دادن املاک و مستغلات، درآمدی که خانوارها از طریق منابع مالی خود و اجاره‌ی آنها به کسب‌وکارها و سود حسابداری شرکت‌ها به دست می‌آورند با یکدیگر جمع می‌شود و عدد نهایی تولید ناخالص داخلی را نمایش می‌دهد.

۲. **روش مخارج یا هزینه:** در این روش هزینه‌های نهایی تولیدکنندگان در نظر گرفته می‌شود و با هم جمع زده می‌شود. به عبارتی مجموع هزینه مصرف خانوار، مخارج دولت، سرمایه‌گذار و صادرات

1 . Gross Domestic Product(GDP)

محاسبه می‌شود و در نهایت میزان واردات از آن کسر می‌شود تا مقدار تولید ناخالص داخلی محاسبه شود.

۳. روش ارزش افزوده یا تولید: هر کالایی که تولید می‌شود یک ارزش افزوده ایجاد می‌کند. در این روش با محاسبه مجموع ارزش افزوده‌های ایجاد شده توسط بخش تولیدی، تولید ناخالص داخلی را به دست می‌آورند. این روش در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه این است که ارزش افزوده کالاهای واسطه محاسبه نمی‌شود و فقط ارزش افزوده محصول نهایی در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که ارزش کالاهای واسطه نیز در آن مستتر است. این روش از طریق مجموع ارزش افزوده بخش صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات حاصل می‌شود و در این کتاب نیز برای بررسی تولید از همین روش استفاده خواهد شد.

## بخش اول) کشاورزی

### معرفی اجمالی بخش کشاورزی استان

با وجود اینکه استان خراسان جنوبی در منطقه کویری واقع شده است ولی در بخش کشاورزی از پتانسیل‌های مناسبی برخوردار است که در صورت توجه و حمایت می‌تواند موجب نگهداشت جمعیت در منطقه، تامین بخشی از نیاز غذایی منطقه و کشور و همچنین اشتغال پایدار گردد. مساحت کل اراضی زراعی و باغی استان ۱۵۴۷۱۰ هکتار می‌باشد که از این میزان ۱۴۱۰۸۹ هکتار بصورت آبی و ۱۳۶۲۱ هکتار بصورت دیم کشت می‌شوند. از نظر کشاورزی استان دارای ۷۷۳۰۷ هکتار اراضی زیر کشت محصولات زراعی می‌باشد که از مهم‌ترین محصولات زراعی می‌توان به گندم، جو، پنبه، چغندر قند، محصولات جالیزی و نباتات علوفه ای اشاره کرد. همچنین، سطح زیر کشت محصولات باغی استان ۷۷۴۰۳ هکتار می‌باشد که از مهم‌ترین محصولات آن می‌توان به زرشک، زعفران، عنب، پنبه، پسته، انار، بادام و گل نرگس اشاره نمود.

این استان دارای بیش از ۲ میلیون واحد دامی و انواع محصولات دامی از قبیل شیر، گوشت سفید و گوشت قرمز، تخم مرغ و عسل می‌باشد که علاوه بر تأمین پروتئین استان میزان قابل توجهی از این تولیدات به ویژه گوشت سفید به استان‌های همجوار و کشور افغانستان صادر می‌گردد. همچنین ۹۱ درصد از مساحت کل استان را عرصه‌های منابع طبیعی در برمی‌گیرد. نزدیک به ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی استان به بخش کشاورزی اختصاص یافته است. عمده ترین تولیدات دام و طیور استان

پرورش شتر، پرورش مرغ، پرورش شتر مرغ و پرورش گوسفند است. به طور کلی، مزیت‌های بخش کشاورزی استان خراسان جنوبی را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

- خراسان جنوبی بهشت گیاهان دارویی، سرزمین طلای سرخ (زعفران)، زادگاه زرشک (یاقوت سرخ کویر) و عناب
- رتبه اول در ایران و جهان در تولید زرشک با ۹۸٪ تولید کشور
- رتبه اول ایران در تولید عناب و دارای ۹۷٪ تولید کشور
- رتبه دوم در تولید زعفران از لحاظ کمی و مقام اول در کیفیت زعفران
- رتبه پنجم در تولید گیاهان دارویی با ۸۰۰ نوع گیاهان دارویی با کیفیت
- رتبه ششم در تولید پنبه
- رتبه پنجم در تولید پسته
- رتبه پنجم کشوری در تولید گل نرگس
- رتبه هشتم کشوری در تولید انار کشور
- رتبه هشتم کشوری در تولید بادام
- رتبه اول در تعداد قنات کشور
- رتبه دوم جمعیت شتر کشور به عنوان ذخایر غنی ژنتیکی دامی با سهم ۲۰ درصدی
- داشتن چرخه کامل تولید مرغ در استان
- دارا بودن مزیت در پرورش بز کرکی، مرغ بومی، گوسفند بلوچی و شتر مرغ و شتر
- امکان تشکیل و راه اندازی شرکتهای سهامی زراعی

در این راستا، بطور خلاصه قابلیت های توسعه بخش کشاورزی استان را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱. استقرار استان در مسیر شمال- جنوب و شرق- غرب و تأثیر آن در تمامی ابعاد توسعه بویژه کشاورزی.
۲. وجود مزیت‌های نسبی در برخی تولیدات کشاورزی مذکور.
۳. امکان استفاده از دشت ها و حاشیه کویر در پرورش دام نظیر شتر و گوسفند بلوچی با تولید پشم بسیار مرغوب و بز کرکی با تولید کرک با ارزش اقتصادی بالا و برخی محصولات کشاورزی سازگار.

۴. برخورداری از دانش بومی و سنتی در استفاده بهینه از منابع آب و خاک و اختصاص مقام اول کشوری در تعداد قنوات.

۵. امکان تشکیل و راه اندازی شرکت‌های سهامی زراعی و مراکز آموزش کشاورزی و مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی به منظور پرورش نیروی انسانی متخصص و اجرای طرح های تحقیقاتی مناطق خشک و بیابانی.

از جمله مشکلات بخش کشاورزی استان نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

— متأسفانه کشت درآمدي عمده محصولات کشاورزی استان نظیر زرشک، زعفران و عناب که درآمد بخش کثیری از کشاورزان هم به آن‌ها وابسته است، بالا می‌باشد و جزء کالاهای لوکس و غیر ضروری تقسیم بندی می‌شود. از این رو، نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی و کاهش قدرت خرید مردم در چند سال اخیر، باعث شده است تا تقاضای این محصولات به شدت کاهش پیدا کند و منجر به کاهش درآمدهای کشاورزان استان نسبت به گذشته شود. لذا لازم است برای حل این مشکل، صادرات این اقلام کشاورزی حتما جزء اولویتهای صادراتی بخش کشاورزی در نظر گرفته شود. لازم به ذکر است که استان خراسان جنوبی تنها تولید کننده زرشک دنیا می‌باشد اما صادرات این محصول به خارج از کشور بسیار محدود است.

— قیمت گذاری دستوری منجر به عدم رقابت محصولات تولیدی داخل استان با تولیدات سایر استان‌ها می‌شود.

— خام فروشی محصولات کشاورزی استراتژیک استان به دلیل فقدان صنایع تبدیلی  
— تغییرات اقلیمی از جمله خشکسالی های ۲۰ سال اخیر و کمبود شدید آب  
— با توجه به اینکه شغل و حرفه اصلی مرزنشینان دامداری است، خشکسالی های متوالی باعث شده است که مرزنشینان با مشکل کمبود یا نبود علوفه و یا گرانی بیش از حد علوفه دام روبه رو باشند.

— عدم استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در حوزه محصولات کشاورزی  
— ضعف در بازاریابی، بازاریابی و بازاریابی.  
— گران بودن هزینه تبلیغات و نبود صلاحیت در راستای کمک به معرفی و برندسازی محصولات کشاورزی جهت رسیدن به سود.

— یکی از مشکلات استان وابستگی شدید آن به مواد غذایی می‌باشد. لازم است تدابیری اندیشیده شود تا تولید مواد غذایی در داخل استان انجام شود و وابستگی استان به سایر استان‌ها یا کشورها کاهش یابد.

### بررسی کشاورزی استان در بستر اقتصاد توسعه

مدهاست که برخی اندیشمندان نقش کشاورزی را در توسعه اقتصادی منفعل و کمکی دانسته اند. در حقیقت، در این رویکرد هدف اصلی کشاورزی صرفاً تهیه غذای کافی و ارزان و عرضه نیروی کار برای یک نظام صنعتی رو به رشد در نظر گرفته شده است. همچنین بخش صنعت را بخش پیشتاز و پویا در هر گونه راهبرد توسعه اقتصادی محسوب کرده‌اند. الگوی دو بخشی معروف لوئیس مثالی از یک نظریه توسعه است که بخش کشاورزی را فقط تغذیه کننده صنعت از راه عرضه غذای ارزان و نیروی کار مازاد می‌داند. با این حال، برخی اقتصاددانان دیگر دیدگاه متفاوتی نسبت به بخش کشاورزی دارند. جانستون و ملور در سال ۱۹۶۱ با عنوان «نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی» بر اهمیت جایگاه بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی تأکید کردند. آنان کشاورزی را به عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی در مراحل اولیه توسعه دانسته و در مراحل بعدی رشد هم برای بخش کشاورزی دست کم پنج نقش عمده تأمین درآمد، ایجاد اشتغال، تأمین غذا، ایجاد بازار و ارزآوری را در تغییر ساختار اقتصاد کشورهای در حال توسعه قائل اند. به لحاظ خصوصیات عدم وابستگی بخش کشاورزی به خارج و فراهم بودن امکانات و منبع داخلی، حرکت اولیه رشد اقتصادی می‌تواند از بخش کشاورزی باشد. به طوری که ممکن است چنین اولییتی برای بخش‌های دیگر و در مراحل اولیه فراهم نباشد. همچنین ایشان علاوه بر پنج نقش ذکر شده ارتباطات بخش کشاورزی را در مراحل مختلف با هر بخش دیگری که بخواهد بخش پیشرو قلمداد شود بیان می‌کنند. این مفهوم دلالت بر این دارد که بخش کشاورزی معمولاً با هر بخش دیگر به صورت رقابتی عمل نمی‌کند، بلکه رشد آن، ممکن است مکمل رشد بخش‌های دیگر باشد.

اکثر اقتصاددانان توسعه امروزه دریافته اند که بخش کشاورزی برخلاف آن نقش منفعل و کمکی در فرآیند توسعه اقتصادی، نقشی خطیر در هر گونه راهبرد پیشرفت اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه کم درآمد ایفا می‌کند. بخش کشاورزی در استان خراسان جنوبی یکی از منابع اصلی رشد اقتصادی است که البته به دلیل سهم بزرگ آن از GDP چنین جایگاهی دارد. همانطور که در فصل اول هم بحث شد، سهم بخش کشاورزی از کل ارزش افزوده استان و همچنین اشتغال حدود ۲۰ درصد می‌باشد.

برای ساده شدن توضیحات می‌توان سه مرحله عمده را در ارزیابی تولید کشاورزی مورد بررسی قرار داد. اولین مرحله مزرعه خرده زراعتی محض با بهره‌وری اندک و معیشتی است. مرحله دوم چیزی است که شاید بتوان آن را کشاورزی متنوع شده یا ترکیب خانوادگی نامید. در این مرحله بخش کوچکی از محصول برای مصرف خانوادگی و بخش بزرگ آن برای فروش در بخش تجاری تولید می‌شود. مرحله سوم مزرعه پیشرفته است که به طور کامل به کشاورزی تخصصی با بهره‌وری زیاد با هدف بازار تجاری اختصاص دارد و در کشورهای توسعه‌یافته یا کشورهای در حال توسعه‌ای که به شدت شهری شده‌اند، دیده می‌شود. کشاورزی در استان خراسان جنوبی بیشتر از نوع معیشتی و به طور محدود برای برخی محصولات از نوع دوم می‌باشد. مشخصه کشاورزی معیشتی با بهره‌وری اندک استان خراسان جنوبی، ناشی از ترکیب چند عامل تاریخی است که رشد تولید را محدود می‌کند:

۱. خشکسالی‌های پی در پی در طول سالیان گذشته باعث شده است که بخش کشاورزی استان آسیب ببیند و جمعیت روستائیان نیز کاهش پیدا کنند.

۲. علیرغم وجود برخی زمینهای کم یزرع که امکان کشت در آنها وجود دارد وقتی از ابزارآلات سنتی و پیش پا افتاده استفاده شود فقط نواحی کوچکی از زمینها را می‌توان کشت کرد.

۳. با توجه به محدودیت مساحت زمینهای زیر کشت یک خانواده در چارچوب فناوری سنتی، این قطعات کوچک به شدت تحت کشت قرار می‌گیرند و به این دلیل به سرعت به بازده نزولی نسبت به نهاده‌های نیروی کار دچار می‌شوند. در چنین شرایطی کشت متناوب مهم‌ترین روش کاربرد منابع محدود نیروی کار در زمینهای وسیع است. در روش کشت متناوب وقتی به دلیل برداشت محصول زیاد مواد معدنی خاک به اتمام میرسند، به همین خاطر زمین جدیدی آماده می‌شود و فرآیند کشت در آن زمین انجام می‌گیرد. در این مدت به زمین قبلی فرصت می‌دهند که باروری خود باز یابد و آماده کشت شود.

۴. در خلال شلوغترین روزهای فصل کشت نیروی کار کمیاب است و در سایر اوقات بخش اعظم نیروی کار بیکار هستند چون شروع کشت با آغاز بارانها تعیین می‌شود. همین موضوع باعث شده است که درآمد این قشر کاهش یابد و با مشکلات معیشتی مواجه گردند.

پیشرفت کشاورزی در بازار ترکیبی را شاید بتوان برحسب گذار تدریجی ولی مداوم از تولید معیشتی به تولید متنوع و تخصصی توصیف کرد. البته چنین گذاری خیلی بیش از سازماندهی مجدد ساختار نظام

اقتصادی مزرعه یا کاربرد فناوریهای جدید کشاورزی است. تبدیل کردن کشاورزی سنتی به پیشرفته اغلب علاوه بر تغییر ساختار مستلزم تغییرات بزرگی است که بر کل ساختار اجتماعی سیاسی و نهادی جوامع روستایی اثر بگذارند. توسعه کشاورزی بدون چنین تغییراتی هیچگاه آغاز نشده یا به احتمال زیاد صرفاً باعث تقویت شکافی می‌شود. یک راهبرد توسعه اقتصادی استان که مبتنی بر کشاورزی و ایجاد اشتغال باشد باید سه مؤلفه تکمیلی اساسی را در خود جای دهد:

۱. رشد فزاینده تولید که با تحولات فناورانه نهادی و ناشی از انگیزه‌های قیمتی ایجاد می‌شود تا بهره‌وری کشاورزان خرده پا افزایش یابد. یکی از غفلت‌هایی که در حوزه کشاورزی اتفاق افتاده است همین موضوع عدم انتقال فناوری و دانش به بخش کشاورزی استان می‌باشد. بخش زیادی از کشاورزی استان به صورت سنتی فعالیت دارد که باعث شده است بهره این بخش به شدت کاهش پیدا کند.

۲. افزایش تقاضای داخلی و بازاریابی برای تولید کشاورزی که ناشی از راهبرد توسعه ایجاد مشاغل شهری است. یکی از معظلات دیگری که بخش کشاورزی استان با آن دست و پنجه نرم می‌کند، عدم وجود بازارهای مناسب برای محصولات کشاورزی و بازاریابی ناکافی و نامناسب برای محصولات کشاورزی مخصوصاً زرشک و زعفران که جزء کالاهای غیرضروری می‌باشد، هست.

۳. فعالیت‌های توسعه‌ای متنوع غیر کشاورزی و کاربر که به شکل مستقیم و غیرمستقیم موجب حمایت از جامعه کشاورزان و روستائیان می‌شود، باید در نظر گرفته شود. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که عمده اشتغال بخش روستائی مربوط به دامداری و کشاورزی می‌باشد که با توجه به خشکسالی‌های چند سال اخیر، این بخش آسیب جدی دیده است.

بنابراین بسیاری از اقتصاددانان، توسعه کشاورزی و روستایی را تا حد زیادی شرط لازم توسعه هر کشور میدانند و معتقدند در اکثر موارد بدون چنین طرح توسعه منسجم روستایی رشد صنعتی محقق نشده یا در صورتی که محقق شود چنان عدم توازن شدیدی در نظام اقتصادی پدید می‌آورد که مشکلات فقر گسترده، نابرابری و بیکاری را حتی تشدید هم می‌کند (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۶). لذا با توجه به ضعف‌هایی که در این حوزه وجود دارد لازم است اقدامات لازم در جهت رفع مشکلات این بخش صورت گیرد.

### قلمروهای اولویت‌دار توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی

#### الف) زراعت

۱. توسعه فعالیت‌های زراعی در نواحی شمالی استان دشت خضری و بیاض در غرب (جلگه ماژان) و در مرکز (دشت بجد و مختاران).
۲. توسعه فعالیت‌های زراعی در دشتهای خوشاب گیسور، یونسی، مختاران.
۳. توسعه فعالیت‌های زراعی در منطقه مرکزی (درح، حسین آباد، گزیک).
۴. توسعه فعالیت‌های زراعی در منطقه جنوبی (دستگردان، زوزن و بندان).

#### ب) باغداری

۱. توسعه گلخانه ها در تمامی شهرستان‌های استان.
۲. باغداری در منطق شمالی استان در دشت اسفده موسویه، سربیشه و فردو،
۳. باغداری در مناطق شرقی در درمیان و شاهرخت.
۴. باغداری در منطقه غربی و شمال غربی در بشرویه و سرایان

#### ج) دامداری و دامپروری

۱. پرورش شتر و صنایع تبدیلی-تکمیلی مرتبط در ناحیه نه نه‌بندان و خوسف و ناحیه گلشن (طبس، بشرویه) و ناحیه قهستان (زیرکوه)
۲. پرورش دام سبک در ناحیه باقران (سربیشه) ناحیه قهستان سرایان و ناحیه نه‌نه‌بندان).
۳. پرورش دام سنگین و صنایع تبدیلی-تکمیلی مرتبط در ناحیه قهستان(قاین)، ناحیه باقران(خوسف، درمیان و بیرجند)، گلشن (بشرویه).
۴. پرورش شتر مرغ در تمامی شهرستان‌های استان. پرورش طیور در ناحیه باقران (بیرجند و درمیان).

#### د) آبخیزداری

۱. ارتفاعات جنوب شهر بیرجند ارتفاعات باقران شامل حوضه‌های باقران فاز ۱ و فاز ۲.
۲. دشت طبس و ارتفاعات بالادست شهر طبس شامل حوضه‌های، نهرین، کریت دره، بید، خراوان و اصفهک
۳. دشت بشرویه شامل حوضه‌های غنی، آباد اصفاک سیاهرگ، نیگنان و ارسک.

۴. دشت قاینات حوضه بالادست شهر قاین (فاز ۱ و ۲ شهری - فاز ۳ شهری قاین) حوضه‌های مردان شاه و دهشک (بالادست طرح فولاد قاینات).
۵. دشت سرایان شامل حوضه‌های زابری شهید پارسا شمس آباد خوشتر و کریمو.
۶. دشت درمیان شامل حوضه‌های فیزیک نوزاد، فخرود و قهستان.
۷. دشت دهنو و میغان در شهرستان نهبندان شامل حوضه شاهکوه.

### قلمروهای دارای محدودیت توسعه فعالیت‌های کشاورزی

۱. منطقه غربی شهرستان‌های سریش، طبس و بیرجند.
۲. جنوب دشت سرایان
۳. منطقه جنوبی ناحیه نه (نهبندان) مشتمل بر محدوده‌های شمالی دشت نهبندان تا چشمه بید و سهل آباد و غرب و جنوب غرب این شهرستان.

### مناطق مستعد توسعه فعالیت‌های کشاورزی

۱. توسعه فعالیت‌های کشاورزی (زارعت) در شهرستان‌های نهبندان (ارزن، جوجوبا، کلزا)، بیرجند (زعفران)، بشرویه (ارزن، پنبه، خاکشیر)، زیرکوه پنبه، زعفران خوسف سرایان گلرنگ، زیره، زعفران، طبس (جوجوبا، کلزا، سبزیجات)، فردوس (ارزن، زعفران)، قائنات (کنجد، زعفران سرایان گلرنگ، زیره زعفران) و خوسف (ارزن).
۲. توسعه فعالیت‌های کشاورزی (باغداری) در شهرستان‌های زیرکوه (بادام زرشک) درمیان (خشکبار، زرشک، گل محمدی)، سریش، عناب، زرشک، نهبندان (خرما، زیتون) خوسف (عناب، انگور، پسته، گل نرگس و گل محمدی)، بیرجند (زرشک، خشکبار، عناب)، قائنات (زرشک، پسته گل محمدی، سرایان، خشکبار، انار)، فردوس (پسته، انار)، بشرویه (پسته)، طبس (خرما و زیتون).
۳. توسعه فعالیت‌های کشاورزی (گلخانه ای) در همه شهرستان‌های استان.
۴. توسعه فعالیت‌های کشاورزی (گیاهان دارویی) در همه شهرستان‌های استان.
۵. توسعه فعالیت‌های کشاورزی (دامداری اعم از دام سنگین و سبک) در شهرستان‌های درمیان خوسف، بیرجند، قائنات، فردوس، سریش سرایان طبس بشرویه، نهبندان، زیرکوه
۶. توسعه فعالیت‌های کشاورزی (دامداری به ویژه شتر) در شهرستان‌های نهبندان، خوسف سریش، زیرکوه و بشرویه.

۸. پرورش ماهیان گرمابی در آبهای شور و زه آبها در شهرستان‌های نهبندان طبس بشرویه فردوس، سرايان، خوسف.

**قلمروهای مناسب کشاورزی**

اولویت ۱

اولویت ۲

اولویت ۳

قلمروهای نامناسب کشاورزی

قلمروهای نامناسب کشاورزی

## جرا کشاورزی استان خراسان جنوبی نیازمند توجه ویژه است؟

همانطور که در بالا بحث شد عمده محصولات کشاورزی استان شامل زرشک، زعفران، عناب و پسته هستند. این محصولات کشت تقاضای درآمدی بالایی دارند و به اصطلاح در علم اقتصاد این محصولات جزء کالاهای لوکس و غیر ضروری طبقه بندی می شوند. برای بررسی بیشتر بهتر هست ابتدا بطور مختصر کشت درآمدی تقاضا را توضیح دهیم. در اقتصاد، مقدار تغییر در تقاضا برای یک کالا نسبت به تغییر در درآمد مصرف کننده را کشت درآمدی تقاضا<sup>۱</sup> می گویند. عبارتی، این رابطه بیان می کند به ازای تغییر یک واحد درآمد، مقدار تقاضا چند واحد تغییر می کند. هر چه این مقدار بزرگتر باشد به این معنی است که

### 1 . Income elasticity of demand

با تغییر یک واحد درآمد، مقدار تقاضا بیشتر تغییر خواهد کرد. فرمول کشش درآمدی تقاضا به شرح زیر است:

$$E_x = \frac{\Delta Q_x}{\Delta I_x} \times \frac{I_x}{Q_x}$$

به طوریکه،  $Q$  نشان دهنده مقدار تقاضا و  $I$  بیانگر قیمت کالا می باشد. در دو سال اخیر دو اتفاق مهم برای بخش کشاورزی افتاده است:

۱. خشکسالی های پی در پی که منجر به کاهش درآمد کشاورزان شده است.
  ۲. شوک های اقتصادی چندسال اخیر که منتج به افزایش نرخ تورم شده است باعث گردیده که درآمدها به تناسب نرخ تورم افزایش پیدا نکند و درآمد حقیقی افراد مقدار کاهشی داشته باشد.
- بر این اساس، از آنجا که بطور خاص درآمد کشاورزان استان و به طور عام درآمد جامعه کاهش پیدا کرده است، تغییرات درآمد حقیقی کاهشی بوده و قدرت خرید مردم کاهش یافته است. با توجه به اینکه اغلب محصولات کشاورزی استان مانند زرشک، زعفران و عناب جزء کالاهای غیرضروری محسوب می شوند، با کاهش قدرت خرید و درآمد افراد، تقاضا برای این کالاها به شدت کاهش یافته تا افراد جامعه توانایی خرید سایر اقلام ضروری تر خود را داشته باشند. لذا، کشش درآمدی بالای بیشتر محصولات کشاورزی استان باعث شده است که کشاورزان نسبت به سایر اقشار جامعه آسیب بیشتری ببینند. بنابراین، همانطور که بیان شد، لازم است دولت شرایطی را فراهم نماید تا مازاد محصولات تولیدی کشاورزان را به خارج از کشور صادر نماید تا هزینه های وارده به بخش کشاورزی استان حداقل گردد.

## مدل های توسعه کشاورزی<sup>۱</sup>

### ۱. مدل توسعه روستایی (CDP)

برخی اقتصاددانان کشاورزی در کشورهای پیشرفته علل عقب ماندگی کشاورزی کشورهای درحال توسعه را ضعف اطلاعات و تصمیم گیری میدانستند. لذا برای رشد بخش کشاورزی مدل CDP را پیشنهاد کردند. پیشنهاد مدل مذکور اعزام مشاوران از کشورهای غربی و توسعه یافته به این کشورها بوده است تا آنان را در تصمیم گیری و حل مشکلات یاری کنند و موجبات رشد کشاورزی را فراهم

۱. برگرفته شده از کتاب اقتصاد کشاورزی شریف و اکبری (۱۳۸۶)

آوردند. طراحان این برنامه، انتظار داشتند که مردم روستا با استفاده از کمکهای فکری مشاوران بر موانع کشاورزی سستی و همچنین مشکلات ناشی از سیستم زمینداری فائق آیند و تصمیمات مقتضی را برای رشد بخش کشاورزی اتخاذ کنند.

## ۲. مدل اشاعه<sup>۱</sup>

در این مدل، انتقال مستقیم تکنولوژی از کشورهای غربی به کشورهای در حال توسعه به وسیله ورنون روتن<sup>۲</sup> پیشنهاد شد. به عقیده روتن، تکنولوژیهای متداول که توانسته بود در کشورهای پیشرفته رشد مطلوبی ایجاد کند می‌توانست با افزایش بهره‌وری در کشورهای در حال توسعه نیز رشد کشاورزی را تضمین نماید.

## ۳. مدل انقلاب سبز

شولتز<sup>۳</sup> در کتاب «گذار از کشاورزی سنتی» سنت گرا بودن کشاورزان را رد می‌کند. او عقیده دارد که کشاورزان در اثر سالیان تجربه می‌توانند محاسبات لازم را انجام داده و با تکنیک‌های موجود و در دسترس ترکیب بهینه‌ای از عوامل تولید را به کار گیرند، به طوری که هر گونه تغییری در ترکیب عوامل تولید نمی‌تواند افزایش قابل توجهی در درآمد فعالیت ایجاد کند چه بسا تغییر در ترکیب موجود عوامل سبب کاهش تولید شود. او معتقد است کشاورز کشورهای در حال توسعه با تکنیک موجود کارایی لازم را دارد، اما تکنیکی که استفاده می‌کند، سودآور نیست. برای بهره‌وری و سودآوری بیشتر به تکنولوژی جدید و مناسب، مهارت و آموزش کاربرد چنین تکنولوژی‌ای نیاز است. در نظریه شولتز دو مورد مهم یعنی تحقیق و ترویج و آموزش کشاورزی جایگاه ویژه‌ای دارد. برای سود آور شدن کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به سرمایه‌گذاری در تحقیق نیاز است تا تکنولوژی سود آور و مناسب تهیه شود. بعد از ابداع تکنولوژی باید در امر ترویج آن همت گماشت. سرمایه‌گذاری در امر آموزش نیروی انسانی از جمله نیازهای مبرم سودآور شدن فعالیت کشاورزی است. کمبود سرمایه‌گذاری در تحقیقات و آموزش کشاورزی نتیجه کم بها دادن به کشاورزی است. برای ایجاد جایگاه برتر برای کشاورزی باید این نواقص برطرف شود.

1 . Diffusian

2 . Vernon Rotten

3 . Schultz

نتیجه حاصل از تحقیقات و پیشنهادات شولتز به صورت تلاش بیشتر مؤسسات تحقیقاتی ملی و بین‌المللی ظاهر شد. از جمله مؤسسات تحقیقات بین‌المللی برنج (IRRI)، گندم و ذرت (CIMMYT) به موفقیت‌های جدیدی در امر اصلاح بذر و تهیه بذرهای پر محصول و همچنین تولید کود و سموم شیمیایی دست یافتند. تکنولوژی بیولوژیک و شیمیایی توانست به سرعت در کشورهای در حال توسعه مورد پذیرش واقع شود و افزایش فراوانی در تولیدات بخش کشاورزی ایجاد کند. مدل شولتز به مدل انقلاب سبز یا مدل نهاده‌های پرمحصول معروف شد. تکنولوژی بیولوژیک و شیمیایی خاصیت تقسیم پذیری داشته و مقیاس خنثی هستند یعنی اینکه قابلیت کاربرد در مزارع کوچک و بزرگ را دارند و از این رو با موانع ساختاری هم برخورد نخواهند داشت. این گونه تکنولوژیها مشکل تکنولوژی مکانیکی را در جانشین شدن با نیروی کار ندارند. بسیاری عقیده دارند که تکنولوژی مکانیکی به صورت ماشین آلات جانشین نیروی کار می‌شود. این امر در کشورهای در حال توسعه که با مشکل ناشی از مهاجرت روبه رو هستند، مطلوب نیست. یک امتیاز بخش کشاورزی در این گونه کشورها در اشتغالزایی آن است. بالعکس در کشورهای پیشرفته که سایر بخش‌های اقتصادی آن‌ها فعال و جاذب نیروی کار است، نیروی کار کمیاب بوده و استفاده از تکنولوژی مکانیکی به منظور جانشینی با نیروی کار پیشنهاد مناسبی است. تکنولوژی بیولوژیک و شیمیایی می‌تواند در امر اشتغال زایی در کشورهای در حال توسعه نیز مفید واقع شود این موارد دلایلی بود که موفقیت مدل انقلاب سبز را تضمین کرد و رشد قابل توجهی در تولیدات کشاورزی بسیاری از کشورها (اعم از پیشرفته و در حال توسعه) ایجاد کرد.

#### ۴. مدل نوآوری القایی

در این مدل مانند مدل انقلاب سبز تأکید بر تکنولوژی مناسب است و پیشرفت تکنولوژیک به عنوان یک ضرورت در رشد کشاورزی است. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه در طول تاریخ نتوانستند موفقیت چندانی در این امر حاصل کنند. روتن و هیامی (۱۹۸۵) که ارائه دهنده این مدل هستند انتخاب تکنولوژی مناسب را برای هر کشوری پیشنهاد می‌کنند. آنان می‌گویند برای رشد کشاورزی مسیر چندگانه تکنولوژی وجود دارد و تغییر در نسبت قیمت نهاده‌ها می‌تواند هر کشور را در انتخاب تکنولوژی مناسب هدایت کند. کمیابی نهاده‌ها باعث گران شدن آن‌ها می‌شود و بالعکس نهاده‌های فراوان، ارزان قیمت اند. تکنولوژی مناسب در هر کشوری باید جانشین نهاده‌های کمیاب شود. مثلاً در ژاپن زمین و کار کمیاب و گران اما سرمایه فراوان است لذا با شدت افزایش و مصرف سرمایه به صورت تکنولوژی در ترکیب با کار و زمین سعی می‌شود که بهره‌وری آن‌ها افزایش یابد. تکنولوژی مناسب در

این حالت بیولوژیک و شیمیایی است. بالعکس در کشاورزی امریکا زمین و سرمایه فراوان اما کار کمیاب است شدت استفاده از سرمایه به شکل تکنولوژی مکانیکی مناسب این کشور است. پس برای رشد کشاورزی از طریق توسعه تکنولوژی یک مسیر واحد برای تمام کشورها وجود ندارد به عبارت دیگر چنانچه استفاده از تکنولوژی خاص در کشاورزی پیشرفته کشورهای اروپایی و آمریکایی با موفقیت همراه باشد الزاماً انتقال آن به کشاورزی کشورهای دیگر موفقیت آمیز نخواهد بود. هر کشوری باید مسیر تکنولوژی خود را با مطالعه و تحقیق در اوضاع و شرایط کشور خود انتخاب کند. برای انجام چنین کاری سرمایه‌گذاری در تحقیقات و سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی و تربیت محققان مورد نیاز الزامی است. یقیناً در کشورهای در حال توسعه که کشاورزی عقب مانده ای دارند مهم‌ترین عامل، کمیابی نیروی انسانی آموزش دیده، خلاق و ماهر است. لذا مناسب‌ترین تکنولوژی که نیاز شدید به سرمایه‌گذاری دارد تکنولوژی آموزش نیروی انسانی است. در این کشورها اگرچه از لحاظ کمیت کمبودی احساس نمی‌شود، ولی از لحاظ کیفیت کمبود وجود دارد. بر طرف کردن این نقص می‌تواند بهره‌وری نیروی انسانی را ماهیتاً افزایش دهد. به بیان دیگر به جای اینکه افزایش بهره‌وری نیروی انسانی با کاربرد نهاده‌های نوین کشاورزی و سرمایه‌گذاری در تکنولوژیهای مختلف چنین افزایشی را ایجاد کند، باید وابسته به خود انسان صلاحیت و خلاقیت او باشد با داشتن انسان آموزش دیده و خلاق می‌توان به آسانی به تکنولوژیهای مصنوعی دیگر دست یافت و هر روز تکنولوژی مناسب‌تری را پیدا کرد. پس به جای جستجو برای تکنولوژی مناسب باید تکنولوژی را خلق کرد. برای خلق تکنولوژی باید به عامل مهم آنکه نیروی انسانی خلاق است دست یافت.

از بررسی رشد کشاورزی در کشورهای پیشرفته دو نتیجه مهم می‌توان گرفت: نخست آنکه هر کشوری باید با توجه به منابع موجود خود توسعه آن گروه از تکنولوژی را در اولویت قرار دهد تا جایگزین عوامل کمیاب گشته و یا بهره‌وری عوامل را افزایش دهد. دوم آنکه رمز موفقیت رشد کشاورزی در مداومت تکنولوژی است، به گونه‌ای که بتواند سطح تولید را در انطباق با روند بلندمدت قیمت عوامل که بازتاب کمبود نسبی منابع است افزایش دهد.

## ۵. مدل جامع توسعه روستایی

مدل‌های ارائه شده قبلی همگی بر رشد کشاورزی تأکید داشتند و بر مسائل رفاهی توجه چندانی نداشتند. رشد نامتوازن درآمد حاصل از مدل‌های اشاره شده، مسئله فقر، سوء تغذیه، بهداشت نامناسب و غیره در کشورهای در حال توسعه در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ انتقاداتی را برانگیخت که

استراتژی‌های رشد کشاورزی ارائه شده بیشتر به نفع کشورهای غربی ارائه دهنده این مدل‌هاست زیرا در این مدل‌ها نفع دو جانبه (کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته) در نظر گرفته نشده بود. لذا در دهه ۱۹۷۰ فشارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استراتژیستهای توسعه در کشورهای در حال توسعه را ناگزیر کرد تا به این گونه مسائل بیشتر توجه کنند. مدل جامع توسعه روستایی به همین دلیل شکل گرفت و در آن علاوه بر برنامه‌های افزایش تولید دیگر برنامه‌های مهم توسعه مانند اشتغال، توزیع درآمد، بهداشت، آموزش و تغذیه مورد توجه بیشتر قرار گرفت. این مدل اگرچه به نظر می‌آید دارای جامعیت یک برنامه مطلوب برای توسعه روستاست، اما از پیچیدگیهای خاصی برخوردار بوده است. اجرای چنین برنامه جامعی به پشتوانه‌های قوی در کشورهای در حال توسعه نیاز داشت تأمین درآمدها در این کشورها عمدتاً بر اساس بخش کشاورزی بوده است. از این رو نیاز به رشد سریع بخش کشاورزی بود. اما به علت فقدان تکنولوژی مناسب اطلاعات ناکافی از امکانات تکنولوژیک موجود کوچک بودن مزارع و ساختار جامعه روستایی رشد مورد نیاز در تولیدات بخش کشاورزی تأمین نشد. از طرف دیگر، قسمتی از سرمایه‌ها برای اجرای پروژه‌های غیر تولیدی از برنامه رشد تولیدی این کشورها خارج شد. در چنین وضعیتی مالی اجرای برنامه جامع با موفقیت انجام نشد.

## ۶. مدل نیازهای اساسی

طراحی مجدد مدل جامع توسعه روستایی منتهی به مدل نیازهای اساسی در دهه ۱۹۸۰ گردید. در این مدل با محدود کردن دامنه فعالیت‌های رفاهی-اجتماعی سعی کردند امکانات بیشتری را به رشد بخش تولیدی بدهند. از یک طرف تأکید بر نیازهای ضروری بیشتر شد و بدین طریق مقداری از نیازها را از قلمرو برنامه حذف کردند. از طرف دیگر اولویت را به تأمین نیازهای افراد فقیر و کم درآمد دادند به طوری که افرادی که در خارج از محدوده درآمدی بودند حذف شدند. در نتیجه مخارج رفاهی را به مقدار قابل توجهی کاهش دادند و منابع آن را برای اجرای برنامه‌های رشد به کار گرفتند.

اجرای مدل نیازهای ضروری که در دهه ۱۹۸۰ شروع شد و در حال حاضر هم ادامه دارد، می‌تواند متضمن رشد به همراه توسعه باشد. انتخاب تکنولوژی مناسب به روش مدل تکنولوژی القایی که حاصل سرمایه‌گذاری در تحقیقات کشاورزی است، می‌تواند رشد مورد نظر را تأمین کند. گسترش در سرمایه‌گذاری به ویژه در آموزش نیروی انسانی می‌تواند موفقیت و استمرار برنامه‌ها را تضمین کند. مدل نیازهای ضروری در عمل با پیچیدگیهای خاصی همراه است که توجه و دقت بیشتر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را می‌طلبد.

## کدام مدل برای توسعه کشاورزی استان خراسان جنوبی

### مناسب است؟

#### بررسی یک مدل

شاید نتوان به طور خاص یک مدل را برای توسعه کشاورزی استان انتخاب کرد و لازم باشد ترکیبی از مدل‌های اشاره شده را در نظر گرفت. بر این اساس، با توجه به ضعف‌ها و چالش‌هایی

که کشاورزی استان خراسان جنوبی با آن مواجه است می‌توان گفت بهترین مدل توسعه کشاورزی استان خراسان جنوبی ترکیبی از دو مدل نوآوری القایی و مدل نیازهای اساسی باشد. به عبارتی با توجه به اینکه نیروی کار بخش کشاورزی در استان بالا است و مقدار سرمایه و منابع مالی و زمین در استان اندک می‌باشد؛

– از یک طرف، می‌توان به کمک تکنولوژی بیولوژیک بدون کاهش نیروی کار این بخش، مقدار سود و بازدهی افراد شاغل در این حوزه را افزایش دهیم.

– از طرف دیگر، با توجه به محدودیت منابعی که وجود دارد می‌توان از طریق مدل‌های نیازهای اساسی، منابع را به بخش‌های ضروری تر و دارای اولویت بیشتر هدایت کرد تا هم از هدر رفت منابع جلوگیری به عمل آید و هم بخش‌های دارای اولویت بالا و پیشران توسعه اقتصادی سریع‌تر به مرحله اجرا و بهره‌برداری برسند.

اجرای این مدل از چند طریق منجر به کاهش فقر توده مردم می‌شود: اول اینکه تصور آن است فقرا مستقیماً از فراوانی بیشتر غذا منتفع می‌شوند. دوم اینکه به‌خاطر افزایش تولیدات کشاورزی، اشتغال بیشتری در بخش کشاورزی بوجود خواهد آمد. سوم اینکه به‌خاطر کشتش درآمدی، تقاضای بیشتری برای اقلام مصرفی غیرغذایی ایجاد می‌شود که باعث ایجاد مشاغل بیشتری در زمینه‌های غیرکشاورزی و صنایع شهری خواهد شد. چهارم اینکه به‌خاطر کاربر بودن این استراتژی، دستمزدهای واقعی هم در شهرها و هم در مناطق غیرشهری افزایش می‌یابد که این امر نهایتاً منجر به توزیع برابرتر درآمد خواهد شد.

## توصیه های سیاستی این بخش

- (۱) شکل گیری و توسعه زنجیره ارزش محصولات راهبردی کشاورزی ضمن توجه به تامین منابع، سرمایه گذاری، آموزش، ذخیره سازی، بازار یابی، بازاریابی و غیره.
- (۲) توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی و گسترش تولید فراورده هایی که ایجاد ارزش افزوده می کنند.
- (۳) سرمایه گذاری در خصوص کشت قراردادی محصولات کشاورزی مورد نیاز واحدهای تولیدی استان از جمله ذرت، سویا و غیره با سرمایه گذاران و تجار سایر کشورها؛
- (۴) ساماندهی اراضی خرده مالکی و ارتقای ضریب مکانیزاسیون
- (۵) اعطای تسهیلات بخش کشاورزی به شرکت های دانش بنیان و بهره گیری از شرکت های دانش بنیان در حوزه فراآوری و بسته بندی محصولات استراتژیک کشاورزی.
- (۶) افزایش بهره وری مصرف آب در بخش کشاورزی با تغییر الگوی کشت (با توجه به کمبود منابع آبی در استان، باید محصولاتی که نیاز به آب کمتری دارند، کاشته شوند) و اعطای تسهیلات توسعه روش های آبیاری تحت فشار.
- (۷) واردات محصولات کشاورزی آب بر از کشور افغانستان یا سایر استانها به منظور حفظ منابع آبی استان.
- (۸) افزایش صادرات محصولات استراتژیک استان و رفع ممنوعیت های صادراتی برخی از کالاها به منظور حمایت و توسعه بخش کشاورزی
- (۹) توسعه و نوسازی صنایع تکمیلی و فراآوری محصولات کشاورزی به منظور تولید محصولی متناسب با استانداردهای ملی و جهانی جهت هموار شدن مسیر فروش این محصولات
- (۱۰) تخصیص اعتبار از سوی دولت یا تأمین منابع مالی خارجی برای اجرای پروژه انتقال آب از دریای عمان به استان.
- (۱۱) توسعه صنعت کشت گلخانه ای: با توجه به کمبود آب و شرایط آب و هوایی منطقه، گلخانه بهترین فرصت برای ایجاد اشتغال می باشد. لذا پیشنهاد می گردد در روستاها مشاغل خانگی بصورت گلخانه های کوچک روستایی، امکان صدور مجوز توسط سازمان نظام مهندسی را داشته باشد. این موضوع خود سبب افزایش بهره وری در تولید محصولات زراعی و باغی و بهینه سازی مصرف آب، در مناطق روستایی استان می شود. همچنین پروانه کارگاههای کوچک تولید قارچ در روستاها توسط سازمان صادر گردد.

- ۱۲) اجرای طرح تولید بدون کارخانه از طریق اجاره کردن خط تولید واحد های صنعتی استان که زیر ظرفیت فعالیت می کنند جهت صادرات تولیدات به کشور افغانستان.
- ۱۳) ایجاد کنسرسیوم صادراتی با مشارکت صادرکنندگان و تولید کنندگان استان و راه اندازی تشکل های صادراتی در حوزه کشاورزی استان جهت تسهیل فرآیند صادرات محصولات تولیدی.
- ۱۴) برنامه ریزی در خصوص آموزش، راهنمایی و حمایت از صادرکنندگان استان
- ۱۵) اصلاح نظام توزیع نهاده های تولیدی و محصولات با ابزارهای حمایتی، با هدف توجیه پذیر شدن تولید،
- ۱۶) تدوین بسته تشویقی و حمایتی در بخش های کشاورزی برای حمایت از سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته.
- ۱۷) سرمایه گذاری مشترک خارجی با کشور افغانستان در حوزه فرآوری محصولات با هدف صادرات مجدد.
- ۱۸) زمینه سازی عرضه محصولات مزیت دار کشاورزی استان در بورس کالا.
- ۱۹) احداث کشتارگاه های صنعتی دام و طیور و صنایع جانبی ( بسته بندی و کنسرو سازی)
- ۲۰) ایجاد کارخانجات تولید کنسانتره و خشکبار میوه جاتی نظیر آلو، انجیر، بادام، کشمش، عناب
- ۲۱) احداث انبار، سیلو و سردخانه جهت نگهداری محصولات کشاورزی: محصولات کشاورزی به علت ویژگی خاص عرضه آن که عموماً فسادپذیر است، دارای ضایعات فراوانی می باشد. طبق آمار نزدیک به یک سوم محصولات کشاورزی تولیدی در سال از بین می رود. بخش زیادی از ضایعات فراوان محصول در استان به دلیل نبود سردخانه ها، سیلو و انبارها و از همه مهمتر صنایع فرآوری و تبدیل مناسب مانند کنسانتره و غیره می باشد. ظرفیت این زیرساختها ایجاد شده در استان به هیچ وجه با نیاز استان و سرمایه گذاری انجام شده در افزایش تولید محصولات کشاورزی اعم از، باغی زراعی و دامی متناسب نمی باشد.
- ۲۲) بر اساس بند ۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، بند ۹ سیاست های کلی کشاورزی، بند ۳۱ ماده ۳۱ و بند الف ماده ۳۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، سهم بری عادلانه بازیگران زنجیره ارزش از منافع ایجاد شده، ارتقاء سطح درآمد و معیشت پایدار روستائیان، کشاورزان و عشایر، رفع فقر، گسترش و تکمیلی و انباشت محصولات کشاورزی باید محقق شود. اما کشاورزان به عنوان بازیگران کلیدی زنجیره ارزش، مقدار کمی از ارزش و قیمت نهایی محصولات تولید شده و منافع زنجیره ارزش سهم هستند.

## بخش دوم) صنعت و معدن

### ارتباط توسعه صنعتی و توسعه اقتصادی

استراتژی توسعه کشور شامل بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی، بین‌المللی و غیره می‌باشد که همه آن‌ها در نهایت باید با هم در یک چارچوب جمع شوند تا استراتژی توسعه کشور را ارائه نمایند. بخش اقتصاد در استراتژی توسعه از چند زیر بخش می‌تواند تشکیل شود که یکی از این چند زیر بخش می‌تواند استراتژی توسعه صنعتی باشد. وقتی این زیر بخش مطرح می‌گردد که این گمانه به یقین خود نزدیک باشد که توسعه صنعتی و تاکید بر رشد جنبه‌های خاص آن باید به عنوان موتور محرکه اقتصادی مطرح باشد. رسیدن به این هدف نیازمند پیش زمینه‌های تحلیلی بسیاری دارد که چرا صنعت در اقتصاد یک کشور باید به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی قرار گیرد.

واقعیت این است که بین تغییر ساختار اقتصادی و سطح درآمد، رابطه‌ای قوی برقرار است و در اقتصادی که با رشد همراه باشد، تغییر ساختار اقتصادی با انتقال از یک اقتصاد وابسته به زمین و با درآمد پایین به یک اقتصاد شهری صنعتی با درآمد بالاتر اتفاق می‌افتد و در این مسیر، صنعتی شدن با سهم بیشتر صادرات صنعتی در درآمد ملی همراه می‌گردد. تغییر ساختار اقتصادی، خود موجب تغییرات اساسی در بخش صنعت می‌گردد و جایگاه صنایع مختلف درون بخش دچار تحول می‌شود، زیرا بخش تولید کارخانه‌ای خود از نوعی قانونمندی تبعیت می‌کند. صنایع آغازین، برای جوابگویی به تقاضاهای اساسی و اولیه جمعیت مانند خوراک، پوشاک و سایر کالاهای مصرفی بی‌دوام برای قشرهایی از جامعه که دارای درآمد ناچیز می‌باشند، در ابتدا شکل می‌گیرند. به دنبال صنایع آغازین و بعد از گذشت یک دوره توسعه صنایع میانی با تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای برپا می‌شوند. کشش درآمدی تقاضا برای فرآورده‌های این گروه از صنایع به طور عمده بیش از واحد است. بالاخره صنایع پایانی است که در مراحل آخرین گذار به سوی صنعتی شدن، ایجاد و توسعه می‌یابند. در این مرحله است که صنعت، جایگاه و سهم خود را به طور کامل در تولید ناخالص داخلی به دست می‌آورد. تولید کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی بادوام و تکنولوژی طلب مانند صنایع ماشین‌سازی و الکترونیک محصول این مرحله از توسعه صنعتی می‌باشد. این دسته از صنایع خود عامل توسعه نیز می‌شوند و سایر بخش‌ها را به دنبال خود می‌کشند (تقوی، ۱۳۹۴).

## تعریف و تبیین استراتژی توسعه صنعتی

استراتژی توسعه صنعتی به مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌های بلندمدت دولت اطلاق می‌شود که در بعد خارجی چارچوب و نحوه ارتباط بخش صنعت کشور با اقتصاد جهانی را تعریف می‌کند و در بعد داخلی نیز به طور غیرمستقیم بر اختصاص منابع بین صنایع یا گروه‌های صاحب نفوذ جامعه اثر می‌گذارد. در این راستا هر ترکیبی از سیاست‌های اقتصاد کلان، سیاست‌های صنعتی و ساختار تولید که در نهایت نحوه ارتباط کشور با اقتصاد بین‌المللی را تعیین می‌کند، می‌تواند منجر به تحقق الگوی خاصی از تولید شود. حوزه استراتژی‌های توسعه صنعتی به طور معمول در ۲ سطح جداگانه طبقه‌بندی می‌شود که وزن و اهمیت هر یک از این سطوح بسته به شرایط متفاوت بوده است:

۱. سطح عمومی: شامل مجموعه‌ای از سیاست‌هاست که حوزه تأثیر آن، کل بخش صنعت است و در مجموع به رفع موانع محیطی رشد و توسعه صنعت، مانند محیط اقتصادی، حقوقی، مالیاتی و غیره می‌پردازد. به‌علاوه مؤلفه‌های عمومی توسعه صنعتی مانند توسعه صنایع کوچک و متوسط و تبیین موقعیت نهادهای مدنی صنعتی در زمره توجه این بخش از ابعاد استراتژی توسعه صنعتی قرار می‌گیرد.

۲. سطح بخشی: شامل اثرگذاری بر صنایع و بخش‌های خاص با استفاده از سیاست‌های انتخابی که به کارکرد و نتایج سیاست‌های اعمال‌شده در سطح عمومی وابستگی دارد، می‌باشد.

استراتژی صنعتی را می‌توان به مثابه قطب‌نما و نقشه راهی تشبیه کرد که سیاست صنعتی در لایه‌ای پایین‌تر در واقع ابزار، بودجه، ملزومات و تاکتیک‌های اجرایی طی مسیر را مشخص می‌کند. سیاست صنعتی به معنای هدایت تخصیص منابع بین بخش‌های صنعتی یا سازمان صنعتی یک بخش خاص است که به منظور بهبود عملکرد رفاهی اقتصاد ملی در بلندمدت اتخاذ می‌شود. ضرورت مداخله دولت در امور صنعتی ناشی از وجود نواقص بازار است. سیاست صنعتی به ۳ نوع سیاست قابل تقسیم‌بندی است:

۱. سیاست عمودی یا گزینشی (انتخابی): منظور از این نوع سیاست صنعتی، این است که صنایع خاصی محور توسعه صنعتی قرار گیرند. هر چه موضوع سیاست‌گذاری مشخص‌تر باشد، این گزینش خاص‌تر می‌شود.

۲. سیاست افقی: سیاست افقی به تدابیری اطلاق می‌شود که هرچند معطوف به بخش خاصی نیست و عمومیت دارد ولی متوجه فعالیت‌های ویژه‌ای مانند تحقیق و توسعه در صنعت است. سیاست‌های افقی

حوزه‌هایی را دربرمی‌گیرد که بازار برای آن‌ها به سختی شکل می‌گیرد یا عاملین بازار در آن به نحوه ساختاری سرمایه‌گذاری کمتر از حد لازم (مانند زیرساخت‌ها)، ضرورت می‌دهند.

۳. سیاست کارکردی: منظور سیاست‌هایی هستند که به وضع بازار توجه دارند و می‌توانند یک زنجیره و یک چرخه را تکمیل کنند. سیاست‌های کارکردی آنهایی هستند که ارتقای کارایی بازارها را در تمام صنایع دنبال می‌کنند بدون آنکه رشته فعالیت خاصی مورد نظر باشد.

### ویژگی استراتژی توسعه صنعتی مناسب

علیرغم گستردگی استفاده از سیاست‌های صنعتی در دنیای امروز، همچنان بر سر انتخاب نوع سیاست‌ها مناقشه وجود دارد. با این وجود یک وفاق کلی در ارتباط با ایجاد محیط مطلوب برای صنعتی شدن از طریق ثبات اقتصاد کلان، تأمین عمومی آموزش، حقوق مالکیت تضمین‌شده و اجرای قانونی قراردادهای مشاهده می‌شود. در کنار ایجاد محیط مطلوب برای فعالیت هرچه بهتر صنایع، سیاست‌های صنعتی نیز می‌بایست دارای چارچوب‌های مشخصی باشند. در ادامه به مهم‌ترین چارچوب‌ها این حوزه اشاره می‌شود.

۱. **بومی‌سازی سیاست صنعتی:** امکان تجویز یک نسخه واحد در تدوین سیاست‌های صنعتی برای همه کشورها وجود ندارد. گرچه تجربه کشورهای موفق آسیای شرقی حاوی درس‌های مفیدی برای کشورها در این زمینه است ولی چنین سیاست‌هایی ممکن است در کشورهای دیگر منجر به موفقیت نشود. همان‌طور که کشورهای آسیای شرقی نیز همه از یک سیاست صنعتی خاص پیروی نکرده‌اند. لذا لازم است هر کشوری با توجه به شرایط خود یک سیاست صنعتی مناسب انتخاب کند؛ به عبارت دیگر استراتژی‌های توسعه صنعتی در واکنش به عواملی چون میزان بهره‌مندی یک کشور از مواهب اولیه، وقوع حوادث تاریخی، شوک‌های خارجی، انتخاب‌های ممکن سیاسی ناشی از تعامل گروه‌های ذی‌نفع داخلی و در دسترس بودن و عقلانی جلوه کردن نظریه‌های اقتصادی حاکم در آن مقطع زمانی و سرانجام سنت‌ها و باورهای فرهنگی در جوامع مختلف، شکل‌ها و قالب‌های متفاوتی به خود می‌گیرند.

۲. **ایجاد انگیزه در فعالیت‌های جدید دارای مزیت:** هدف اصلی سیاست صنعتی، تنوع بخشیدن به اقتصاد و ایجاد مزیت‌های نسبی جدید است. به این ترتیب، انگیزه‌ها باید بر فعالیت‌های اقتصادی که برای اقتصاد داخلی جدید است، (از منظر تولید محصول جدید و فناوری جدید برای محصولات موجود) تمرکز کنند.

۳. **انتخاب صنایع خاص:** آنچه مشخص است قیمت‌های بازار به‌تنهایی قادر به هدایت تصمیمات سرمایه‌گذاری به بخش‌هایی که تحول ساختاری اقتصاد را در پی داشته باشد، نیستند. از طرفی انگیزه لازم برای ارتقاء مهارت سرمایه انسانی نیز توسط قیمت‌های بازار شکل نمی‌گیرد. لذا انتخاب صنایع خاص که مورد حمایت دولت قرار بگیرند از ملزومات سیاست توسعه صنعتی است. در انتخاب صنایع مذکور لازم است تا شرایط بازار و قابلیت‌های موجود در کشور در نظر گرفته شود. همچنین بهره‌گیری از مشاوره و مشارکت بخش خصوصی در انتخاب صنایع می‌تواند امکان انتخاب صنعت اشتباه توسط سیاست‌گذاران را کاهش دهد.

۴. **حمایت مشروط و زمان‌بندی شده:** حمایت‌هایی که از صنایع منتخب می‌شود باید ضابطه‌مند، مشروط به افزایش بهره‌وری و دارای بازه زمانی تعیین‌شده باشد و مسئولیت اجرای آن بر عهده سازمان‌های دارای صلاحیت‌های معین گذاشته شود. این امکان وجود دارد که صنعت منتخب علیرغم عملکرد ضعیف همچنان از حمایت‌های دولت استفاده کند. برای جلوگیری از چنین اتفاقی لازم است معیاری برای سنجش عملکرد صنعت مورد حمایت دولت تعیین شود تا در صورت تعدی از آن، حمایت از صنعت متوقف گردد. در این ارتباط بهتر است به‌جای قرار دادن معیارهایی همچون اشتغال و یا خروجی صنعت، از میزان مطلق و نرخ رشد بهره‌وری استفاده شود که بهترین معیار می‌باشد.

۵. **حمایت از فعالیتهای صنعتی خاص:** حمایت‌های عمومی باید فعالیت‌های صنعتی را هدف قرار دهد که پتانسیل سرریز به سایر فعالیت‌ها را داشته باشد، سرمایه‌گذاری مکمل باشد یا اثر سرریز اطلاعاتی یا تکنولوژیک ایجاد کند.

### ضرورت تدوین استراتژی توسعه صنعتی

تاریخ بارها نشان داده است که مهم‌ترین عامل تمایز کشورهای ثروتمند از کشورهای فقیر، اساساً توانمندی‌های بیشترشان در تولید صنعتی است، یعنی در بخشی که در آن بازدهی عموماً بالاتر و گرایش به رشد بازدهی (البته نه همیشه) از بخش‌های کشاورزی و خدمات سریع‌تر است. از طرفی بررسی سهم ارزش افزوده تولیدات صنعتی در تولید ناخالص داخلی کشورها، گویای این واقعیت مهم است که اقتصادهایی که با سرعت در حال رشد هستند، عملاً به صنعتی شدن روی آورده‌اند. از سوی دیگر در مسیر صنعتی‌شدن همواره این پیش‌فرض وجود داشته است که سیاست‌های دولت - از طریق تنظیم درجه باز بودن اقتصاد، شتاب بخشیدن به سرمایه‌گذاری، افزایش عرضه نیروی کار ماهر، بهره‌برداری از

صرفه‌جویی‌های مقیاس موجود و طراحی برنامه‌های سرمایه‌گذاری که رابطه تکمیل‌کنندگی بین پروژه‌ها را در مرکز توجه دارند- می‌تواند سرعت صنعتی شدن را افزایش دهند، بهره‌وری نیروی کار را ارتقا بخشد و از این طریق نرخ‌های رشد تولید کل و درآمد را بالا ببرد. این نتایج همگی حاکی از ضرورت برخورداری از یک خط‌مشی منسجم برای صنعتی شدن و یا در یک کلام تدوین استراتژی توسعه صنعتی هستند. تجربه تاریخی کشورهایی که امروزه صنعتی هستند نیز، این موضوع را تأیید می‌کند. از جمله ضرورت‌های دیگر تدوین استراتژی توسعه صنعتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**الف) شکست بازار:** شکست بازار یکی از دلایل بارز دخالت دولت در اقتصاد است و از آنجا که در اقتصادهای در حال گذار، عملکرد بازار ضعیف است و ضعف کارکرد بازارها نیز باعث شده است که در موارد شکست بازار، قیمت‌ها از انعکاس هزینه فرصت واقعی منابع ناتوان بمانند، لذا در این مرحله برای استفاده بهینه از ورودی‌ها و منابع موجود در صنعت و چگونگی افزایش مواهب در آینده و دستیابی به یک رشد پایدار، تدوین استراتژی توسعه صنعتی الزامی می‌شود.

**ب) ایجاد هماهنگی در ساختار و ترکیب صنعت:** از نظر وابستگی صنایع به یکدیگر، اغلب توسعه یک بخش صنعت در گرو توسعه یا رشد همزمان صنایع دیگر است و نظام تصمیم‌گیری غیرمتمرکز بازار، اغلب در انعکاس این پویایی مورد نیاز در میان سرمایه‌گذاری‌ها، ناتوان است و یک برنامه صنعتی کلان در مقایسه با دیدگاه فردی کارآفرینان، نگرش کلی‌تری را در زمینه ایجاد پیوستگی داخل صنعت و در ترکیب کل اقتصاد ایجاد و ارائه می‌کند. در واقع سیاست صنعتی‌طوری از سوی دولت طراحی می‌شود که همراستایی بین بخش‌های مختلف اقتصاد را تضمین کند و البته این همراستایی با توجه به اهداف سیاسی نخبگان قانونگذار تعیین می‌شود.

**ج) ایجاد امکان برای پیش‌بینی تغییرات:** در دوران مدرن، توانایی پیش‌بینی صحیح و مدیریت هدایت‌گر برای بهره‌مندی از تغییرات داخلی و جهانی یکی از ویژگی‌های جوامع موفق به شمار می‌آید. از این رو استراتژی توسعه صنعتی با توجه به احتمال ظهور عوامل جدید و غیرقابل پیش‌بینی در طول زمان، باید همواره چارچوبی را فراهم کند که همانند یک قطب‌نمای دقیق، صنعت را در انتخاب مسیر درست یاری کند. این واقعیت، نیاز به تدوین استراتژی را برای سیاست‌گذار مورد تأکید قرار می‌دهد.

**د) ارائه چشم‌انداز:** یک چشم‌انداز مشترک بین بخش خصوصی و عمومی، سهم هر یک از بخش‌ها را در تلاش برای اجرای سازوکار برنامه مشخص می‌کند و با ارسال علائم و اطلاعات شفاف و سازگار به

بخش صنعت توسط دولت، سطح اطمینان را برای سرمایه‌گذاری خصوصی افزایش می‌دهد و در همان حال این فرصت را نصیب بخش خصوصی می‌کند که خود را با وضعیت مورد انتظار در آینده تطبیق دهد.

ه) تشویق به تغییر در جهت رشد نوآوری: با توجه به پویایی بخش صنعت، نیاز به یک استراتژی صنعتی به عنوان ابزاری برای تشویق در جهت تغییرات الزامی است، زیرا اغلب صرف وجود یک انتخاب بهتر، به علت ۲ عامل ضعف اطلاعاتی و عقلانیت محدود شده، انگیزه کافی برای تغییر را فراهم نمی‌کند.<sup>۱</sup>

و) امکان فراگیری تجارب دیگران: امکان استفاده از مزیت غیرقابل اجتناب فراگیری تجارب دیگران، یکی از دلایل محکم تدوین استراتژی است. در این راستا و در اهمیت استفاده از اطلاعات و دانش سایر کشورها، مساله "توسعه دیر هنگام" یا "مزیت عقب ماندگی" مطرح می‌شود:

توسعه دیر هنگام یا مزیت عقب ماندگی: کشورهای در حال توسعه از این مزیت برخوردار هستند که به عنوان نفر دوم از تجارب کشورهای پیشگام بهره‌مند شوند و با استفاده از فرآیند یادگیری و گردآوری اطلاعات، ساختارهای مورد نیاز صنعتی شدن را شناسایی کنند.

### نمای کلی صنعت و معدن استان خراسان جنوبی

عمده واحدهای صنعتی در مرکز استان مستقر و اکثر این واحدها نیز در شهرک صنعتی بیرجند متمرکز می‌باشند. پتانسیل‌های معدنی و کشاورزی منطقه سبب گردیده است تا غالب ترکیب صنایع استان را صنایع معدنی، غذایی و نساجی مبتنی بر تولیدات و مواد اولیه موجود در استان تشکیل دهند. بطوریکه بر اساس آمار سال ۱۴۰۱:

- استان خراسان جنوبی سهم ۰.۵ درصدی از تعداد کارگاه‌های بخش صنعت کشور سهم ۰.۳ درصدی از ارزش افزوده و ۰.۲ از شاغلین صنعت کشور را به خود اختصاص داده است.
- دو رشته صنایع غذایی و تولید سایر فرآورده‌های معدنی غیرفلزی، ۶۶ درصد از صنایع فعال استان را به خود اختصاص داده اند.
- ۸۵ درصد صنایع استان از فناوری پایین و متوسط پایین برخوردارند.

۱. لینک منبع متن: <http://www.vatanemrooz.ir/newspaper/page/3367/1/241152/0>

- بررسی اشتغال هر بنگاه به تفکیک رشته فعالیت، حاکی از آن است که هیچ کارگاهی با اشتغال بالای ۱۰۰ نفر در این استان وجود ندارد.

در حال حاضر سطح و میزان فرآوری مواد اولیه معدنی و کشاورزی تا میزان مطلوب فاصله دارد و استقرار صنایع جدید با هدف استفاده مناسب از ظرفیت‌ها، ایجاد ارزش افزوده و اشتغال مناسب ضروری است. از جمله مهم‌ترین تولیدات صنعتی استان می‌توان به انواع لاستیک، سیمان خاکستری، کاشی دیواری، کاشی سرامیک کف، لوله و اتصالات پلی اتیلن، بسته بندی خشکبار، حبوبات و زعفران، کنسانتره زغالسنگ، ماسه سیلیسی، شمش منیزیم، اکسید منیزیم، چینی بهداشتی، سنگ‌های تزئینی، کنسانتره میوه، خدمات چاپ بسته بندی، پودرهای میکرونیزه معدنی، اشاره کرد.

علاوه بر این، ساختار زمین شناسی منحصر به فرد و وجود پتانسیل‌های کانی‌های مهمی چون طلا، قلع، تنگستن، منیزیت، مس، سرب، روی، آهن و ذخایر غنی سنگ‌های تزئینی (نظیر گرانیت) موقعیت ممتازی را در تولید، عرضه و صادرات مواد معدنی برای استان به ارمغان آورده است. استان خراسان جنوبی از نظر تمرکز صنایع یکی از کم تراکم‌ترین استان‌های کشور است و توجه به ذخایر معدنی هر منطقه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی، برای هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی امری اجتناب ناپذیری است. استان از نظر پتانسیل‌های معدنی در کشور از جایگاه نسبتاً خوبی برخوردار است. میزان ذخایر قطعی کشف شده تاکنون معادن حدود ۷ میلیارد تن برآورد شده است. استان خراسان جنوبی آمیزه‌ای از انواع سنگ‌های آذرین، رسوبی و دگرگونی مربوط به سنین مختلف زمین شناسی است که همین سنین مختلف، بروز فازهای مختلف کوه زایی و به تبع آن کانی زایی را سبب گردیده است. این تنوع، شکل‌گیری تعداد قابل توجهی از کانی‌های اقتصادی (فلزی، غیرفلزی و سنگ‌های ساختمانی) را در اقصی نقاط استان باعث شده است. علاوه بر این طرح‌های عمرانی و عملیات اکتشاف مواد معدنی طی سال‌های گذشته، منجر به شناسایی و معرفی چندین مورد ذخایر معدنی فلزی نظیر آهن، مس شده است که نوید بخش فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی استان می‌باشد. آنچه مسلم است ساختار زمین شناسی استان در مقایسه با الگوهای اکتشاف، مبین پتانسیل قابل توجه خراسان جنوبی بویژه در ذخایر آذرین و رسوبی می‌باشد. مهم‌ترین ماده‌های معدنی استان در رتبه اول زغال سنگ، منیزیت و خاک‌های نسوز و در مرحله بعدی بنتونیت و گرانیت را می‌توان برشمرد. البته معادن گرانیت سبز، کرومیت و سنگ آهن، مرمریت و بازالت منشوری با توجه به اهمیتی که دارند به کشور‌های مانند چین، عراق، ترکیه، ارمنستان، اروپا و

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس صادر می‌شوند. در ادامه به مهم‌ترین مزیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، معدن و تجارت اشاره شده است:

- وجود ذخایر مواد معدنی فلزی و غیرفلزی (۵۳ ماده معدنی با ذخیره قطعی کشف شده تاکنون بالغ بر ۷ میلیارد تن نظیر زغال‌سنگ، طلا، مس، آهن، تنگستن، آنتیموان، سنگ‌های تزئینی (گرانیت، مرمر، مرمریت و تراورتن)، بازالت، گارنت، منیزیت، دولومیت، کرومیت، پرلیت، خاک‌های صنعتی، بنتونیت، کائولن، سیلیس، فلدسپات، فلورین، سولفات سدیم، باریت، زئولیت، پتاس، توف، گچ، آهک و مارن
- وجود ۲۰ شهرک و ناحیه صنعتی
- منطقه ویژه اقتصادی بیرجند در دو فاز (فاز نخست در مجاورت شهر بیرجند و فاز دوم در مجاورت پایانه مرزی ماهیرود)
- وجود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به عنوان تأمین‌کننده دانش و خدمات آموزشی، تکنولوژیک و تحقیقاتی.
- برخورداری از سطح امنیت مناسب جهت سرمایه‌گذاری و ترانزیت کالا.
- موقعیت مناسب استان در مسیر بزرگراه آسیایی و محور شرق به غرب و محور شرق کشور.
- مزیت نسبی در تولید صنایع دستی خاص نظیر فرش دستباف، گلیم و ...
- تشابهات فرهنگی و روابط سیاسی مطلوب میان ایران و کشورهای همسایه و امکان استفاده از ظرفیت‌های تجاری کشورهای آسیای میانه
- پرداخت نقد و اقساط هزینه‌های حق بهره‌برداری از تأسیسات در شهرک‌های صنعتی.
- معافیت مالیاتی درآمد ابرازی اشخاص حقوقی غیردولتی در منطقه ویژه اقتصادی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق کمتر توسعه‌یافته.
- امکان برخورداری از مزایای قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
- امکان استفاده از تسهیلات ارزی و ریالی صندوق توسعه ملی در مناطق کمتر توسعه‌یافته با نرخ بهره کمتر.

همچنین، برخی از اولویت‌ها و زمینه‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن استان را می‌توان به صورت زیر نام برد:

الف) ایجاد واحدهای صنعتی فرآوری مواد معدنی شامل:

- فرآوری زغالسنگ.
- تولید فروآلیاژها (با توجه به وجود ذخایر زغالسنگ، سیلیسو آهن)
- استحصال منیزیم از دولومیت.
- فرآوری سنگ‌های تزئینی.
- فرآوری بتونیت ( ماده بتونیت در صنایع ریختگری، حفاری، در تولید دارو و خوارک دام و بطور کاربرد دارد)
- فرآوری پرلیت (پرلیت کاربرد فراوانی در صنایع دارد از جمله مصالح ساختمانی، باغبانی، مصارف صنعتی، صنایع شیمیایی، کشاورزی)
- فرآوری کائولن (بیشترین کاربرد را در تولید چینی و سرامیک دارد)
- فرآوری بازالت (بعنوان سنگ ساختمانی، راه سازی و تونل ها)
- فرآوری فلورین (صنایع شیمیایی، سرامیک، متالوژی و اپتیک)
- تولید فرو کروم
- تولید ویفر سیلیکون مونو و پلی کریستال و ماژول های خورشیدی
- تولید مصنوعات شیشه ای مانند تولید الیاف شیشه، شیشه فلوت و ظروف کریستال
- تولید انواع لعاب کاشی و سرامیک
- فرآوری سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی
- تولید آهک صنعتی و هیدراته
- تولید سیلیکون متال
- تولید الیاف بازالت
- تولید انواع آجرهای نسوز
- تولید کاغذ از کربنات کلسیم
- (ب) توسعه فعالیت‌های معدنی شامل:
  - اکتشاف مس و پلی متال
  - اکتشاف نیکل
  - پی جویی و اکتشاف سنگ آهن خام
  - اکتشاف تکمیلی جهت شناسایی سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی
  - بهره‌برداری و استخراج مکانیزه معادن زغالسنگ

• بهره‌برداری از شورابه‌ها برای استحصال پتاسیم و منیزیم

بررسی ساختار مطلوب توسعه صنعت، معدن و تجارت استان به لحاظ آمایش سرزمین حاکی از آن است که رشته فعالیت صنایع غذایی و آشامیدنی و صنایع کانی‌های غیرفلزی بیشترین فراوانی را در سطح شهرستان‌های استان به لحاظ استعداد استقرار واحد صنعتی دارند این دو رشته فعالیت نزدیک ۶۵ درصد از صنایع فعال استان را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه قلمروها و حوزه‌های دارای اولویت توسعه صنعت و معدن استان براساس مطالعات آمایش سرزمین ارائه گردیده است.

### بررسی بخش صنعت و معدن استان در قالب اسناد آمایش سرزمین

#### قلمروهای اولویت‌دار توسعه فعالیت‌های بخش صنعت استان<sup>۱</sup>

۱. اولویت اول در منطقه مرکزی و شرقی استان شهرستان‌های بیرجند، قائنات، خوسف و درمیان.
۲. اولویت دوم منطقه غربی استان شهرستان طبس
۳. اولویت سوم مناطق شمال و شمال غرب استان شهرستان‌های زیر، کوه سرایان، فردوس، بشرویه
۴. اولویت چهارم منطقه جنوبی استان شهرستان نهبندان.

#### قلمروهای اولویت‌دار توسعه فعالیت‌های بخش معدن

##### حوزه اکتشاف

۱. تکمیل مطالعات اکتشافی معدنی در پهنه‌های معدنی بیرجند، خوسف، نهبندان و سریشه
۲. پهنه‌های معدنی بشرویه، فردوس و سرایان
۳. پهنه‌های معدنی طبس
۴. پهنه‌های معدنی قائنات، زیرکوه و درمیان

##### حوزه استخراج

۱. استخراج فلزات گرانبها (طلا، مس، نقره و آهن) در مرکز و جنوب شرق استان شهرستان‌های بیرجند، خوسف و نهبندان.
۲. استخراج فلزات نیمه گرانبها سرب و روی در شهرستان‌های سرایان، فردوس و بشرویه.

<sup>۱</sup> . بر اساس مطالعات آمایش سرزمین

۳. استخراج زغال سنگ در طبس

۴. استخراج معادن غیر فلزی کائولن ر سنگ‌های ساختمانی بتونیت و ... در پهنه های، فردوس سرایان، زیرکوه، سربیشه، نهبندان و بیرجند

### حوزه فراوری

۱. توسعه کارخانه های فراوری مس و طلا در معادن مس و طلای استان در خوسف قائن و (نهبندان و تولید کنسانتره و شمش طلا)
۲. تولید بریکت از باطله‌های زغال سنگ پروده طبس
۳. استخراج و بهره برداری مکانیزه از معادن زغال سنگ استان
۴. توسعه صنعت فراوری سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی در شهرستان‌های سرایان، فردوس، خوسف و بیرجند.
۵. توسعه کارخانه های فراوری سنگ‌های ساختمانی در شهرستان‌های نهبندان و سربیشه.
۶. تولید آجرهای منیزیتی در استان در راستای ایجاد صنایع تولیدی مرتبط با مواد نسوز.
۷. ایجاد و توسعه واحد کنسانتره سرب و روی در شهرستان سربیشه.
۸. استحصال عناصر کمیاب و نادر خاکی از معادن زغال سنگ استان در طبس.

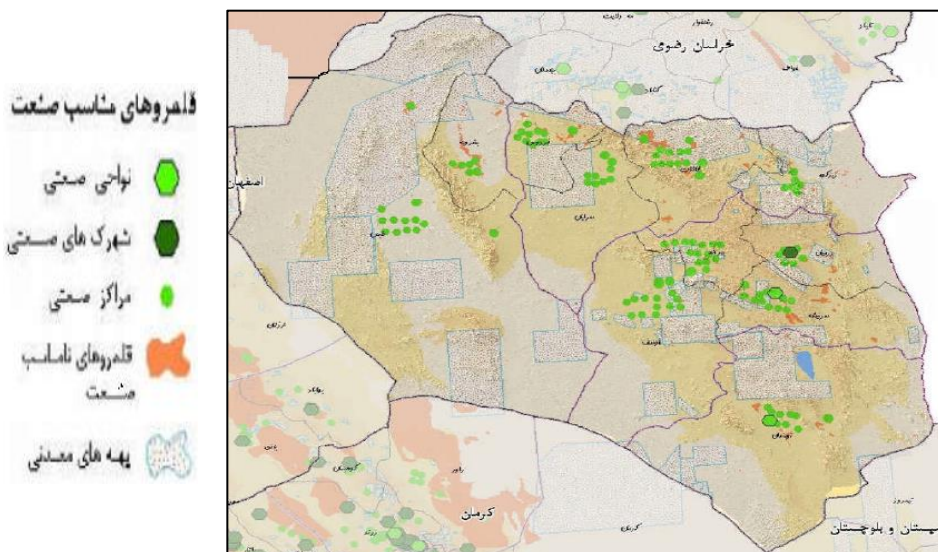
### قلمروهای دارای محدودیت توسعه فعالیت‌های صنعتی و معدنی

۱. مناطق حفاظت شده استان شامل سربیشه و درمیان، شاسکوه باقران، کمرسرخ، آرک و کرنگ.
۲. پناهگاه حیات وحش کجی نمکزار نهبندان نایبندان طبس و رباط شور.

## حوزه های دارای اولویت توسعه صنعت و معدن استان براساس مطالعات آمایش سرزمین

حوزه	عنوان فعالیت	شهرستان یا نقاط مستعد توسعه
صنعت	صنایع غذایی	بشرویه بیرجند، خوسف، درمیان، سرایان، سربیشه، طبس، فردوس، قانات، نهبندان
	منسوجات	بشرویه بیرجند، فردوس، قانات
	پوشاک	بیرجند، طبس، فردوس
	تولید چوب و محصولات چوبی	بیرجند، سرایان، سربیشه، طبس، فردوس
	تولید کاغذ و محصولات کاغذی	بیرجند، سرایان، طبس، فردوس
	صنایع تولید زغال کک پالایشگاه های نفت و سوخت های هسته ای	بیرجند، خوسف، سربیشه، طبس، فردوس
	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی و پتروشیمی و دارویی	بشرویه، بیرجند، سرایان، سربیشه، فردوس، قانات، نهبندان
	صنایع لاستیک و پلاستیک	بیرجند، درمیان، سرایان، سربیشه، طبس، فردوس، قانات
	تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی	بشرویه، بیرجند، خوسف، درمیان، زیرکوه، سربیشه، طبس، فردوس، قانات، نهبندان
	تولید فلزات اساسی	بیرجند، خوسف، فردوس، قانات، نهبندان
	تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	بشرویه، بیرجند، طبس، قانات
	تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر	بیرجند، سربیشه، طبس، فردوس
	تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	بیرجند، فردوس
	تولید ماشین آلات و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر	بیرجند
	تولید تجهیزات پزشکی و اپتیکی	بیرجند، سربیشه، طبس، قانات
	تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	بیرجند، سربیشه، طبس، قانات
	تولید سایر تجهیزات حمل و نقل	بیرجند
	تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر	بیرجند، سرایان، سربیشه، طبس، فردوس
	صنایع بازیافت	بشرویه
معدن	استخراج سنگ های فلزی (مس، کرومیت)	بیرجند، خوسف، درمیان، طبس، قانات، نهبندان
	استخراج سایر سنگ های معدنی (دولومیت، گرانیت، سنگ لاشه، سنگ آهک، منیزیت، بنتونیت، دیاتومیت، عقیق، گارنت)	بشرویه، بیرجند، خوسف، درمیان، سربیشه، طبس، فردوس، قانات، نهبندان

## قلمروهای مناسب و نامناسب بخش صنعت و معدن استان خراسان جنوبی

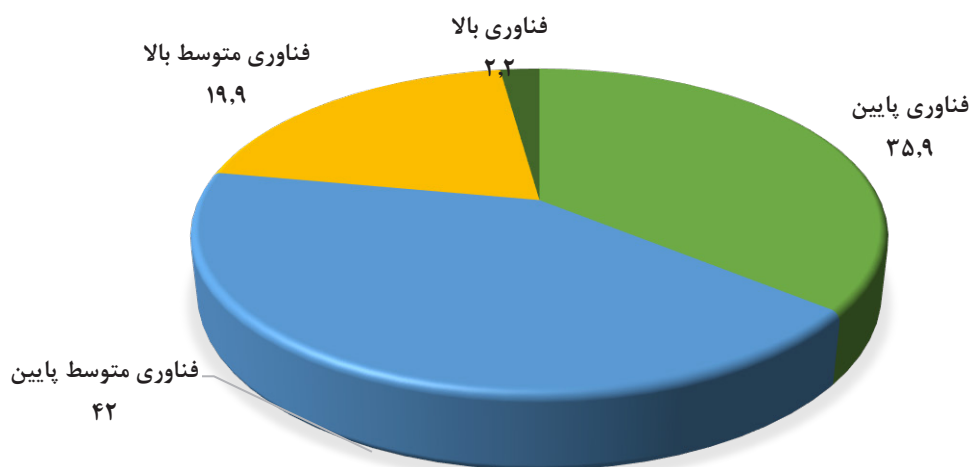


منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور

## سطح فناوری صنایع استان

مدیریت بهینه تکنولوژی در سطح کلان جامعه باعث افزایش بهره‌وری، رشد تولید و صادرات می‌شود. تکنولوژی‌های جدید موجب تقویت جابجایی عوامل تولید و ایجاد تنوع بیشتر در تولیدات می‌شود. علاوه بر این، تکنولوژی باعث تغییر هزینه نسبی تولید و نیز افزایش مزیت نسبی بنگاه‌ها و در نهایت کشورها می‌شود. امروزه یکی از عوامل اصلی رشد کشورهای توسعه‌یافته تکیه بر صنایع فناورمحور است. اگر به صنایع استان خراسان جنوبی بر حسب نوع فناوری نگاهی بیاندازیم دید سطح فناوری صنایع استان بسیار پایین می‌باشد. بطوریکه یکی از دلایل رشد پایین و بهره‌وری اندک این بخش با وجود سرمایه‌گذاری‌های گسترده، وجود سهم بسیار بالای صنایع با سطح فناوری پایین می‌باشد. در ادامه سهم فناوری صنایع استان خراسان جنوبی قابل مشاهده است.

سهم فناوری صنایع استان خراسان جنوبی - ۱۳۹۸



منبع: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### ضریب مکانی استان خراسان جنوبی

ضریب مکانی، معیاری است که نشان می‌دهد رشته فعالیت‌های خاص در یک منطقه نسبت به کل متمرکزتر است؛ بدین ترتیب که در صورتیکه ضریب مکانی یک فعالیت صنعتی از عدد یک بزرگتر باشد نشان دهنده فعال و متمرکز بودن این فعالیت صنعتی در منطقه مدنظر نسبت به کل اقتصاد است و بالعکس هر چه میزان ضریب بهره مکانی در یک فعالیت صنعتی در منطقه بزرگتر باشد، نشان دهنده تخصص بیشتر منطقه مدنظر در آن فعالیت است. نتایج محاسبات ضریب مکانی برای دوره ۱۸ ساله ۹۸ - ۱۳۸۱ در استان خراسان جنوبی به شرح جدول ذیل است (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی<sup>۱</sup>، مهر ۱۴۰۲).

۱. کتابچه آمایش سرزمین - موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۲)

ضریب مکانی صنایع کارخانه ای پیشرو در استان خراسان جنوبی برای دوره زمانی ۹۸ - ۱۳۸۱

صنایع کارخانه ای پیشرو در استان خراسان جنوبی					
کد آیسیک	توضیحات	۱۳۸۱	۱۳۹۸	ضریب تغییرات طی دوره (درصد)	میانگین ۱۰ سال اخیر
۲۳۹۲	تولید مواد ساختمانی از خاک رس	۴.۲	۶.۰۱	۷۹.۶	۸.۳۶
۲۳۹۶	برش و شکل دهی و پرداخت سنگ	۰	۳.۸۴	۲۰.۶	۵.۵۶
۱۰۳۰	فرآوری و نگهداری میوه و سبزیجات	۰	۱.۷۵	۵.۵	۳.۹
۲۳۹۴	تولید سیمان و آهک و گچ	۰	۱۴.۶۳	۱۲۴.۸	۳.۳۸
۲۵۱۱	تولید محصولات فلزی سازه‌ای	۰	۵.۴۸	۲۳۲.۳	۲.۷۳

منبع: محاسبات کتابچه آمایش سرزمین بر اساس داده های کارگاه های صنعتی مرکز آمار ایران

### چالش‌های پیش روی توسعه صنعتی در استان

یکی از مشکلاتی که استان خراسان جنوبی با آن دست و پنجه نرم می‌کند، عدم وجود استراتژی توسعه صنعتی مناسب برای پیشبرد اهداف استان است. هرچند در چند دهه گذشته مقامات کشور اقدام به سندهای مختلفی نظیر سند آمایش سرزمین در جهت اشتغال‌زایی، محرومیت‌زدایی، رفع مخاطرات محیط‌زیستی و غیره کرده‌اند، اما این برنامه‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌اند و وضعیت صنعتی استان با گذشت چند دهه چندان مناسب نیست. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل عدم توسعه بخش صنعتی استان، وجود برنامه‌ریزی متمرکز در سطح کشوری می‌باشد که باعث شده است ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های استان چندان مورد توجه قرار نگیرد.

### انواع برنامه‌ریزی برنامه‌ریزی متمرکز و غیر متمرکز

در نظام متمرکز، معمولاً برنامه‌ریزی برای کل سیستم یا سازمان و یا کشور به صورت یکسان انجام می‌گیرد و برای اجرا به کلیه واحدهای تابعه ابلاغ می‌گردد. در این برنامه‌ریزی، سطوح پایین‌تر سازمان دخالتی در برنامه‌ریزی نداشته و راه ارتباط و تبادل نظر بین برنامه‌ریزان سطح بالای سازمان و مجریان واقعی برنامه‌ها در سطوح پایین‌تر تقریباً مسدود است. در نظام برنامه‌ریزی متمرکز، ارتباط به صورت یکطرفه و از جانب مقامات در سطوح بالا به طرف مجریان در سطوح پایین‌تر جریان دارد و امکان تبادل نظر و طرح مسایل اجرایی و مشکلات و ارائه راه حل‌ها مناسب و ممکن از سوی مجریان برنامه - که از نزدیک با مسایل و مشکلات و نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها آشنایی بیشتر دارند - وجود ندارد.

در نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز، تصمیمات در پایین‌ترین سطوح یعنی واحد های اجرایی اتخاذ می‌گردد و برنامه در سطوح بالاتر تدریجاً تکمیل می‌شود. تصمیمات در هر سطح با توجه به نیازها، شرایط و امکانات موجود در آن سطح و در هماهنگی و ارتباط با نیازها و امکانات در سطوح دیگر اتخاذ می‌شود. در نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز، ارتباط به صورت دو طرفه و در تمام سطوح جریان دارد و امکان شرکت گروه های مختلف، به ویژه مجریان برنامه در فرآیند تصمیم‌گیری در حد گسترده‌ای وجود دارد. لذا، توجه به نیازها، امکانات و انتظارات در مناطق مختلف کشور یا سازمان بیشتر لحاظ می‌گردد.

علاوه بر این، فقدان استراتژی توسعه صنعتی در استان مشکلات عدیده‌ای را به همراه داشته است. مشخص نبودن بخش‌های دارای اولویت و صناعی که می‌بایست در آن‌ها خلق مزیت شود، سبب شده است منابع کشور به درستی هدایت نشوند و دستاوردهای توسعه‌ای برای استان به همراه نداشته باشند. متأسفانه در استان بیشتر صنایع در بخش‌های متکی به رانت و مواد خام معدنی تمرکز پیدا کرده‌اند. همچنین، وابستگی بخش صنعت استان به بودجه دولتی، سبب نادیده گرفته شدن صادرات صنعتی و افزایش انگیزه در تأسیس بنگاه‌های صنعتی عمومی شده است.

همانطور که اشاره گردید استراتژی های توسعه صنعتی در سه بخش عمودی، افقی و کارکردی بررسی می‌شوند. در بعد عمودی، گزینش و انتخاب صورت می‌گیرد و در بعد افقی توسعه زیرساخت‌ها و فعالیت‌های ویژه در عرض صنایع مطرح است؛ بنابراین دو سیاست صنعتی عمودی و افقی مکمل یکدیگرند، اما آنچه برای استراتژی توسعه صنعتی اهمیت دارد هماهنگی سیاست‌های نوع اول و سوم

است. چرا که سیاست‌های نوع اول، دخالت دولت در اقتصاد به صورت گزینشی و غیر موافق بازار هستند و موجب تخصیص منابع به نفع گروه‌های خاص می‌شوند، در حالی که سیاست‌های کارکردی از نوع دخالت‌های موافق بازار دولت هستند که گرچه باعث جهت‌دهی منابع به سمت خاصی نمی‌شوند، ولی ناتوانایی‌ها و شکست‌های بازار را رفع می‌کنند. حمایت از سرمایه انسانی (بهداشت و آموزش)، آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و بهبود صادرات از جمله دخالت‌های کارکردی هستند. دولتی که در استراتژی توسعه صنعتی خود بتواند هماهنگی میان سیاست‌های گزینشی و کارکردی ایجاد کند همان دولت توسعه‌گرا است. دولت‌های شرق آسیا از نمونه دولت‌های توسعه‌گرا بوده‌اند که نه تنها سیاست‌های کلان آن‌ها اثر گذار بوده بلکه دخالت‌های آن‌ها در سطح بخش محصول و حتی بنگاه نیز مهم بوده است. شایان ذکر است مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در قرن بیستم رشد فناوری در تولیدات صنعتی آن‌ها بوده است. ۷۸ درصد رشد اقتصادی آلمان، ۷۶ درصد رشد اقتصادی فرانسه و ۵۰ درصد رشد اقتصادی آمریکا مرهون رشد فناوری در این کشورها بوده است.

از جمله سایر مشکلات استان در بخش صنعتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وجود مشکلات زیرساختی فراوان در بخش حمل و نقل، آب، برق، گاز، ارتباطات و غیره.
- مشکلات تامین مالی پروژه‌ها و نبود اعتبارات کافی.
- از آنجا که برخی واحدهای صنعتی و تولیدی با هزینه‌های زیاد و مشکلات فراوان بویژه در مناطق کمتر برخوردار، به بهره‌برداری می‌رسند متأسفانه با صدور مجوز واردات محصولات مشابه این واحدها به بازرگانان، بازار فروش داخلی این شرکت‌ها را از بین می‌برند و از آنجا که این بنگاه‌های نوپا قدرت رقابت با تولیدات و محصولات خارجی را در ابتدای فعالیت خود ندارند لذا با کاهش فروش محصولاتشان در پرداخت هزینه‌ها و مالیات‌ها ناتوان خواهند شد.
- قیمت گذاری دستوری منجر به عدم رقابت محصولات تولیدی داخل استان با تولیدات سایر استان‌ها می‌شود.
- بلوکه بودن پهنه‌های معدنی
- فرسودگی یا فقدان ماشین آلات سنگین معدنی
- خام فروشی و عدم فرآوری کافی منابع
- سختگیری در واردات ماشین آلات سنگین

- نبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد
- نوسانات قیمت جهانی مواد معدنی
- سهم اندک مواد معدنی استان از زنجیره ارزش
- عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در شهرک‌های صنعتی و بازارچه‌های مرزی (از جمله آب، برق، گاز و راه)
- استفاده از ماشین آلات صنعتی و معدنی کارکرده و از رده خارج کشورهای صنعتی (بیشتر بودن نرخ استهلاک از نرخ سرمایه‌گذاری) و نبود عزم جدی برای نوسازی صنایع استان
- بالا بودن هزینه تامین مالی صنایع و راکد ماندن برخی از صنایع
- وجود قوانین دست و پاگیر و عدم کارآمدی لازم مشوق‌های اعطایی و حمایت‌ها
- نبود توان فنی و مالی بالا در بخش خصوصی استان به منظور شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی
- عدم وجود مراکز آزمایشگاهی تخصصی و معتبر بخش صنعت و معدن
- وجود موانع مقرراتی که مانع کسب و کار نظیر تعدد قوانین، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، آرای شوراها و مقررات اداری و عدم وجود وحدت رویه و تشخیص کارشناسی و غیره
- خام فروشی مواد معدنی ارزشمند استان و به دلیل فقدان صنایع فرآوری
- نبود توان فنی و مالی بالا در بخش خصوصی به منظور شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی و ایجاد واحدهای فرآوری معدنی
- تعطیل و نیمه فعال بودن برخی از واحدهای تولیدی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان به دلیل کمبود سرمایه در گردش
- کمبود منابع آبی پایدار برای اجرای پروژه‌ها بویژه پروژه‌های بزرگ و آب‌بر
- محدودیت‌های در نظر گرفته شده در قانون مبادلات مرزی مرتبط با عدم خروج اقلام وارداتی مرزنشینان از استان مورد نظر

## استراتژی توسعه صنعتی کره جنوبی

### بررسی تجربه موفق

۱. تحلیلی بر تجربه کره جنوبی در توسعه صنعتی نشانگر گذار از اقتصاد عوامل محور (طی دهه ۱۹۶۰) به اقتصاد مبتنی بر نوآوری (در دهه ۱۹۹۰) با تکیه بر اجرای سیاست‌های توسعه صنعتی است. این سیاست‌ها در شش دوره به شرح زیر قابل ارائه است:

۱. دوره ۱۹۵۹-۱۹۶۵؛ سیاست جایگزینی واردات و جذب کمک‌های خارجی: عمده‌ترین نکاتی که می‌توان در این دوره به آن اشاره نمود آن است که کمک‌های خارجی یکی از منابع اصلی تامین مالی دولت و فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌داد. تاسیس آژانس بازسازی کره توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ از نقاط عطف این مقطع زمانی است. ارز دولتی به طور عمده (۷۳ درصد) از طریق اخذ کمک‌های خارجی تامین می‌شد، ۷ درصد توسط وام و ۲۰ درصد از سایر منابع فراهم می‌آمد. صنایع فرآوری سبک با کمک‌های خارجی جذب شده در حوزه کالاهای مصرفی با تاکید بر صنایع آرد، شکر، پنبه بافی، سیمان و کود شیمیایی راه اندازی شد. در این دوره لزوم اتخاذ راهبرد جایگزینی واردات با هدف حمایت از صنایع مصرفی و منابع ارزی مطرح گردید. کسری تراز تجاری در این دوره زمانی به دلیل افزایش واردات ماشین آلات شدت یافت و در نهایت می‌توان متذکر شد که طی این دوره تعرفه‌های بالا و سهمیه بندی واردات توسط دولت اعمال می‌گردید.

۲. دوره ۱۹۷۲-۱۹۶۱؛ توسعه صنایع سبک صادرات محور از طریق اعمال سیاست توسعه صادرات: در این دوره قوانینی از قبیل قانون توسعه صادرات، قانون آژانس توسعه تجارت کره، قانون توسعه صادرات صنایع پیچیده، قانون تجارت، قانون بیمه صادرات و قانون بانک صادرات - واردات کره با هدف توسعه صادرات به تصویب رسید. همچنین ابزارهای اصلی سیاستگذاری مشتمل بر ابزارهای مالیات و سرمایه‌گذاری، فرآیندهای گمرکی، بازپرداخت عوارض گمرکی برای واردات مواد خام، اعطای امتیازات مالی برای صادرات مناطق صنعتی، نرخ‌های بهره ترجیحی و امکان گشایش L/C محلی جهت حصول اطمینان از عرضه کالاهای اولیه و واسطه‌ای و در نهایت اقدامات ترجیحی برای کنترل نرخ ارز بودند. صنایع کلیدی این دوره منسوجات، کلاه گیس، چوب، کفش، سیمان، فولاد و ماشین آلات بودند. توسعه پارک‌های صنعتی صادراتی و توسعه مجتمع‌های صنعتی اولسان از جمله اولویت‌های اصلی برنامه‌های توسعه صنایع به شمار می‌روند.

۳. دوره زمانی ۱۹۷۹-۱۹۷۳؛ توسعه صنایع سنگین و شیمیایی صادرات گرا: در این دوره وابستگی صنایع صادراتی کاربر به مواد و کالاهای تولید شده به وسیله صنایع سنگین و شیمیایی تشدید شد. این رشد تقاضا برای واردات، به گسترش سریع کسری تراز تجاری منجر گردید. جایگزینی واردات صنایع شیمیایی و سنگین با محدودیت بازار داخلی مواجه شدند و لذا اتخاذ رویکرد توسعه صادرات در این صنایع امری ضروری می نمود. صنایع کلیدی این دوره پتروشیمی، فولاد، ماشین آلات و صنایع موتوری بودند و راه اندازی مناطق آزاد صادراتی، راه اندازی مجتمع صنعتی جنوب شرق و تعیین مناطق ویژه توسعه صنایع محلی از عمده ترین رویکردهای صنعتی طی این مقطع زمانی بود. همچنین، سیاست‌های آمایشی از قبیل راه اندازی پارک های صنعتی بزرگ (به ویژه در حوزه صنایع سنگین و شیمیایی) و راه اندازی منطقه متروپل سنول سرلوحه کار دولت قرار داشتند.

۴. دوره ۱۹۸۷-۱۹۸۰؛ عقلایی کردن صنایع: در این دوره مشکلاتی به سبب مداخله دولت ایجاد گردید. مداخله و حمایت گسترده دولت در صنایع شیمیایی و سنگین رشد ناهمگون سرمایه‌گذاری را سبب گردید، به گونه ای که کارآفرینان بخش خصوصی بدون ارزیابی دقیق از دورنمای کسب و کار، منحصر با هدف بهره جویی از حمایت دولت به این صنایع روی آوردند. استقراض و سرمایه‌گذاری عظیم در صنایع پربازده موجب تشدید وخامت وضعیت مالی بسیاری از بنگاه ها گردید. از طرف دیگر در عرصه بین‌المللی نیز تغییراتی حادث شد. صنایع سنگین و شیمیایی به دلیل غفلت از شوک نفتی دهه ۷۰ و متعاقبا رکود اقتصاد جهانی، در تامین مایحتاج انرژی خود با تنگناهای متعددی روبرو شدند. عدم برخورداری از منابع انرژی بومی نیز به تشدید این روند منجر گردید. صنایع عمده این بازه زمانی، صنایع نیمه-رسانه، الکترونیک و موتورها بودند. راه اندازی پارک های کشاورزی و صنعتی در دستور کار قرار گرفتند و بر راه-اندازی این پارک ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته تاکید ویژه ای صورت پذیرفت. به سبب شروع انتقادات به شکست سیاست‌های دولت در این دوره، اعمال تغییر به موقع سیاست‌های دولتی درحوزه صنایع سنگین و شیمیایی سبب شد تا صنایع این کشور از بحران عمیق اقتصاد جهانی نجات یافته و به رشد خود ادامه دهند. مداخلات وسیع دولت و همچنین حاکمیت یا دولت مستبد به بروز فساد و تمرکزگرایی در اقتصاد این کشور منجر شد.

۵. دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۷ توسعه صنایع با فناوری بالا: اهم قوانینی که در این دوره زمانی به تصویب رسیدند قانون آمایش صنعتی، قانون توزیع صنایع، قانون کنترل میزان بهره‌برداری از زمین های موجود، قانون موارد ویژه حمایت از مجتمع های فنی و صنعتی و قانون موارد خاص بودند. سیاست‌هایی در

راستای تمرکز بر فعالیت‌های بخش خصوصی در نیمه اول این دوره اجرا شد و در نیمه دوم بازنگری‌هایی در صنایع مطابق با دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول به انجام رسید. این برهه زمانی به عنوان مرحله شتاب توسعه صنعتی کره مطرح می‌شود که در آن صنایع کلیدی از قبیل نرم افزار با تاکید بر خدمات، صنایع نیمه رساناها و طرح های اتوماسیون محور فعالیت‌های صنعتی کشور بود. ارتقای فضای کسب و کار، توسعه پارک های فناوری، از جمله اهداف اصلی کشور در حوزه صنعت کشور بود. تنوع بخشی به انواع مناطق، تسهیل قوانین و مقررات مناطق، تغییر نام پارک های صنعتی و تسهیل رویه های توسعه از جمله اصلی ترین سیاست‌های آمایشی طی این دوره زمانی قلمداد می‌شود.

**۶. سیاست‌های دهه ۲۰۰۰: تنوع آمایش صنعتی:** طی این دهه صنایع کلیدی کره را صنایع ICT، زیستی و صنعت بازی تشکیل می‌دادند. سیاست‌های اعمال شده در بخش صنعت عمدتاً پیرامون ارتقای صنایع دانش‌بنیان و صنایع آتی، تبدیل شدن به اقتصادی مبتنی بر نوآوری و توسعه متوازن بخش‌های مختلف متمرکز بود. این دهه مرحله رشد و بسط توسعه صنعتی قلمداد می‌شود که طی آن پارک های صنعتی های-تک، پارک های صنعتی فرهنگی، مناطق سرمایه‌گذاری خارجی و زیست پارک ها و پارک های های-تک در آن رشد قابل توجهی یافتند. قانون تجدیدنظر در توزیع صنایع، قانون ارتقای صنایع فرهنگی، قانون برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از زمین های کشور اصلی ترین خوشه های تخصصی، حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان و خوشه سازی و بهبود رقابت پذیری پارک های موجود به مرحله اجرا درآمد.

## ۲- نقش دولت در توسعه صنعتی به صورت زیر بوده است:

- دهه ۱۹۶۰ توسعه صنایع سبک صادرات گرا: دولت در این دوره با تصویب قوانین تسهیل گر صادرات، حمایت از صادرات با ابزارهای مالیات مستقیم و اعطای امتیازات گمرکی و حمایت‌های مالی و نیز توسعه پارک های صنعتی صادراتی به فرآیند توسعه صنعتی و تجاری این کشور کمک نمود.
- دهه ۱۹۷۰ توسعه HCIها با رویکرد صادراتی: در این دوره دولت با تصویب قوانینی با تمرکز بر توسعه صادرات HCIها، توسعه صنایع محلی، ارتقای توسعه مجتمع های صنعتی و در نهایت راه اندازی و تاسیس مناطق آزاد صادراتی فرآیند و توسعه صنعتی این کشور را ارتقا بخشید.

- دهه ۱۹۸۰ تعدیل ساختار صنعتی: طی این دهه دولت با تعدیل صنایع سنگین و شیمیایی، راه اندازی پارک های کشاورزی و صنعتی و راه اندازی صنایع فناورانه در این زمینه نقش آفرینی نمود.

- دهه ۱۹۹۰ شتاب توسعه صنعتی: طی این دهه تجدید ساختار صنایع طبق دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول انجام شد. فضای کسب و کار ارتقا یافت و پارک های فناوری توسعه قابل توجهی را تجربه نمود. از طرف دیگر، رویه های توسعه تسهیل شد و قوانین آمایشی مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار گرفت.

- دهه ۲۰۰۰ تنوع آمایش صنعتی: طی این دهه صنایع دانش بنیان و های-تک به عنوان محورهای توسعه صنعتی مورد توجهی قرار گرفتند و تلاش نمود در بخش های مختلف زنجیره ارزش توسعه متوازی ایجاد نماید. ایجاد خوشه های تخصصی و جذب سرمایه گذاری خارجی به مناطق ویژه نیز در دستورکار دولت قرار گرفت.

- براین اساس می توان اقدامات دولتی در فرآیند توسعه صنعتی کره جنوبی را به شرح ذیل خلاصه نمود:

الف - حمایت های تعرفه ای و مالی از بنگاه های اقتصادی به ویژه بزرگ مقیاس

ب- سرمایه گذاری در بنگاه های ناکارای بخش خصوصی بازسازی و فروش آنها

ج - کنترل و تخصیص ارز به واردات نهاده های صنعتی پیشرو

د - کنترل و هدایت سرمایه گذاری خارجی به بخش های کلیدی

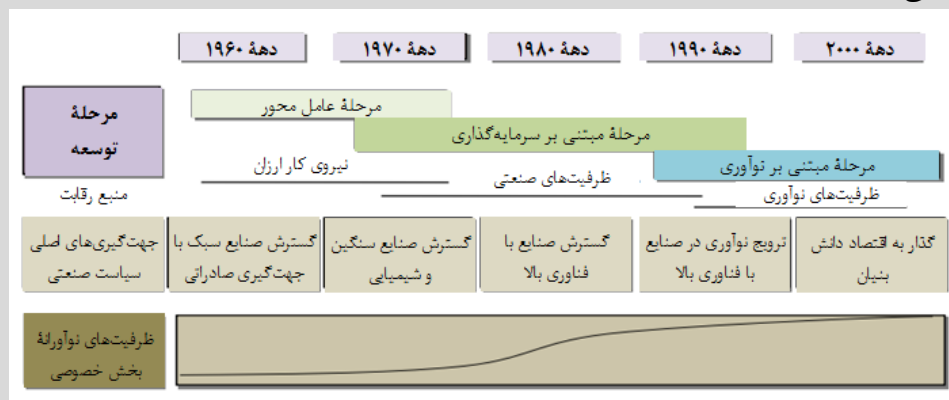
۳- الگوی تعاملی (دولت/بخش خصوصی): طی دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰، سیاست دولت بر پایه توسعه صادرات و انتخاب برنده بود و از سوی دیگر، بنگاه ها استراتژی سود بردن از نیروی کار ارزان، بهره گیری از صرفه های مقیاس و ارتقای میزان صادرات را تعقیب می نمودند. صنایع کلیدی طی این دوره منسوجات، کفش، پوشاک و صنایع الکترونیک بود.

از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواخر این دهه، استراتژی بخش خصوصی عمدتاً تنوع بخشی به صادرات بود و دولت نیز اعطای مشوق هایی برای صنایع سنگین و شیمیایی را دنبال می نمود. صنایع کلیدی این دوره فولاد، اتومبیل و کشتی سازی بودند که با صنایع غالب دهه قبل، تفاوت ماهوی داشتند.

در دهه ۱۹۸۰، استراتژی توجه بیشتر به تقاضای داخلی و تنوع بخشی محصولات را دنبال می نمودند و دولت نیز سیاست تعدیل صنایع سنگین و شیمیایی و ارائه راهکار برای صنایع افول یافته را تعقیب می کرد. ماشین آلات، قطعات های-تک و محصولات واسطه ای صنایع کلیدی این دوره بودند.

در دهه ۱۹۹۰ سیاست اصلی دولت در حوزه تخصص گرایی، کاهش قدرت اقتصادی مجتمع های صنعتی متمرکز بود و بنگاه ها نیز از استراتژی بازبایی مجدد مقررات زدایی و استقلال از دولت تبعیت می کردند. صنایع های تک، تحقیق و توسعه و نرم افزار اصلی ترین صنایع در این دهه به شمار می رفتند.

طی دهه ۲۰۰۰ بنگاه ها در صدد هموار نمودن کسب و کارها بودند و دولت نیز از اتخاذ یک برنامه قاطعانه برای بازسازی مجدد شرکت ها حمایت می نمود. صنایع ICT، نرم افزار و خدمات اصلی ترین صنایع کره جنوبی این دهه بشمار می روند.



منبع: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی: تحلیلی بر تجربه کره جنوبی در توسعه صنعتی (<https://itsr.ir>).

### پیشنهادهای سیاستی این بخش

- بر اساس آنچه مطرح گردید پیشنهادات زیر ارائه می گردد:
- توسعه سرمایه گذاری بخش معدن از طریق سرمایه گذاری در صنایع تکمیلی به منظور افزایش فراوری مواد معدنی و جلوگیری از خام فروشی
- توسعه و نوسازی ماشین آلات خط معدنی و پرداخت تسهیلات جهت تجهیز و نوسازی ناوگان حمل و نقل بخش معدن

- تعیین تکلیف و فعال‌سازی معادن بلوکه شده، راکد و غیرفعال و همچنین شناسایی ذخایر جدید معدنی به منظور افزایش ظرفیت تولید و ایجاد اشتغال در استان
- در نظر گرفتن خط اعتباری ویژه جهت توسعه سرمایه گذاری بخش معدن شهرستان‌های مرزی: با توجه به عدم تامین مالی بخش معدن در اقتصاد استان به علت محدودیت شدید منابع اعتباری موجود و توان بالای سرمایه گذاری بخش معدن نیاز است خط اعتباری ویژه جهت توسعه سرمایه گذاری بخش معدن شهرستان‌های مرزی از طریق سرمایه گذاری در حوزه توسعه و نوسازی ماشین آلات خط معدنی و پرداخت تسهیلات جهت تجهیز و نوسازی ناوگان حمل و نقل بخش معدن و همچنین سوق منابع اعتباری به این بخش جهت خلق ارزش افزوده در نظر گرفته شود.
- شکل گیری و توسعه زنجیره ارزش محصولات راهبردی ((تامین منابع، سرمایه گذاری، آموزش، ذخیره سازی، فرآوری، بازار یابی، بازار داری و ...)).
- ایجاد، توسعه و تقویت خوشه های صادرات‌گرای محصولات استراتژیک استان ضمن بکارگیری فنون نوین بازاریابی و تولید براساس استانداردهای روز دنیا و مطابق با نیاز مصرف کننده از جمله توسعه خوشه های صادراتی فرش دستباف (فرش دستباف مود) و سنگ به عنوان قابلیت‌های صادراتی شهرستان
- سرمایه‌گذاری در حوزه استخراج و اکتشاف معادن و سنگ‌های ساختمانی در کشور افغانستان به منظور صدور دانش و تکنولوژی و کسب درآمد.
- جلوگیری از قیمت گذاری دستوری محصولات
- نظر به اینکه عمده واحدهای تولیدی استان با دیدگاه صادراتی بنا گردیده است؛ ممنوعیت صادرات موجب شده این گونه واحدها توجیه اقتصادی خود را از دست داده و این امر حتی می‌تواند در آینده موجب تعطیلی این گونه واحدها گردد.
- سرمایه‌گذاری دولت در صنایع مادر و ایجاد زیرساخت‌های اصلی از جمله راه آهن و بزرگراه ها و انتقال آب به استان با نگاه توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته.
- کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بویژه برای بخش‌های تولیدی و افزایش اختیارات بانک های استان در بررسی و پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی اولویت‌دار استان
- در نظر گرفتن تسهیلات سرمایه ثابت برای واحدهای تأسیسی حوزه صنعت و معدن توسط صندوق توسعه ملی.

- توجه به نخبگان و تجاری سازی ایده ها و اختراعات دانش بنیان و تشکیل بانک اطلاعات ایده ها و اختراعات که قابلیت تجاری سازی دارند جهت ایجاد ارتباط بین مخترعین و سرمایه گذاران داخلی و خارجی
- ایجاد کنسرسیوم صادراتی با مشارکت صادرکنندگان و تولید کنندگان استان
- بررسی نارسائیه‌ها و مشکلات بخش خصوصی در زمینه صادرات
- کاهش تعرفه های حقوق دولتی معادن سنگ ساختمانی و تزئینی استان و حذف تعرفه واردات قطعات و ماشین آلات صنعتی و معدنی و کالاهای واسطه ای مورد نیاز واحدهای تولیدی در شرایط رکود اقتصادی.
- ارائه تسهیلات بانکی جهت ورود ماشین آلات دست دوم معدنی به معدن کاران.
- صرف درآمد حقوق دولتی معادن استان‌ها جهت تجهیز زیرساخت‌های سرمایه گذاری و تامین ماشین آلات خط تولید در همان استان‌ها.
- کاهش سهم مالیات بر سود شرکت‌های نوپا و دانش بنیان در مناطق کم برخوردار و گسترش پایه های مالیاتی جهت کاهش جذابیت و انگیزه سرمایه گذاری در بخش های رقیب تولید و فعالیت های نامولد
- سرمایه گذاری مشترک خارجی با کشور افغانستان در حوزه فرآوری مواد معدنی و محصولات ساختمانی در منطقه ویژه اقتصادی بیرجند و منطقه ویژه اقتصادی گمرک ماهیرود با هدف صادرات مجدد .
- افزایش تنوع پذیری رشته فعالیت های اقتصادی جهت ارتقای شاخص توان تولیدی استان با تغییر مدیریت منابع اعتباری استان از بخش بازرگانی به بخش صنعت و معدن و کسب و کار های دانش بنیان.
- تخصیص اعتبارات کمکهای فنی اعتباری در قالب یارانه سود و کارمزد تسهیلات بر اساس شاخص توسعه نیافتگی و رتبه صنعتی استان‌ها در حوزه تسهیلات ایجاد و سرمایه در گردش
- ارائه مشوق های صادراتی هدفمند نظیر اجرای بسته حمایتی بخش صادرات با در نظر گرفتن و دادن سهم و اختیار لازم به استان
- تفویض اختیار به استانداران استان های مرزی در تعیین بازه زمانی واردات و همچنین تعیین اقلام و میزان کالاهای مشمول واردات مرزنشینان با اولویت کالاهای اساسی به منظور تامین صنایع

- کشور به مواد اولیه و واسطه ای در راستای کاهش تاثیر تحریم و تنظیم بازار (افزایش تعداد اقلام و سقف مجاز واردات مرزنشینان)
- رایزنی از طریق وزارت امور خارجه و ترغیب کشور مقابل به احداث کنسولگری در بیرجند و کنسولگری ایران در ولایت فراه جهت تسهیل صدور روادید برای تجار و بازرگانان
  - افزایش شعاع بهره‌مندی از عواید حاصل از صادرات سوخت مرزنشینان از ۲۰ کیلومتر به ۵۰ کیلومتر به دلیل خالی از سکنه کردن روستاهای مرزی به جهت مسائل امنیتی
  - طرح و بررسی خلع ید پهنه های معدنی سرمایه‌گذاران خارجی و تصویب موضوع در شورای معادن استان با تایید مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان
  - ورود سازمان های توسعه‌ای برای اکتشاف پهنه های معدنی و سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع معدنی در استان با توجه به ظرفیت و پتانسیل بالای استان در بخش معدن
  - توسعه سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی و تونل‌های بادی در مرز مشترک با کشور افغانستان.
  - تدوین سند توسعه سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی استان و تخصیص اعتبارات به دهیاری های استان جهت تجهیز و توسعه کارگاه های صنایع دستی در روستاها.
  - توسعه کشت فراسرزمینی در کشور افغانستان به منظور تامین مواد اولیه با کیفیت و با قیمت مناسب برای صنایع و واحدهای تولیدی استان و کشور.
  - تدوین نقشه توسعه صنعتی استان و تبیین اولویتهای اصلی سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع فرآوری معدنی.
  - فعال نمودن هیأت های تجاری با هماهنگی وزارت امور خارجه و سازمان توسعه تجارت به منظور حفظ و توسعه بازارهای صادراتی کشورهای همسایه مانند عراق و افغانستان.
  - استفاده از ظرفیت نهادهای سرمایه‌گذاری خطرپذیر و صندوق های حمایت از نوآوری جهت عملیاتی نمودن طرح های مبتنی بر فناوری های نو و دانش‌بنیان.
  - استفاده از ظرفیت ماده ۲۴ مکرر قانون معادن: بر اساس این ماده، اعلام از دستگاه های اجرایی ذی ربط توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و فقط یک بار برای صدور پروانه انجام می گیرد. لازم است از این ظرفیت در جهت تسریع اکتشافات، حذف دستگاههای کند کننده اکتشاف در روند صدور مجوز(که در استان نیز وجود دارد) و آزادسازی پهنه‌های معدنی بلوکه شده استفاده نمود.

## بخش سوم) خدمات

### مفهوم خدمات و نقش آن در توسعه اقتصادی

تلاش برای طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی از موضوعات چالش‌برانگیز در تاریخ تحولات اندیشه‌های اقتصادی بوده است. تا قبل از ۱۹۳۵ تقریباً موضوعی تحت عنوان بخش خدمات وجود نداشت و فعالیت‌ها بر اساس مولد یا نامولد بودن، قابلیت ثروت آفرینی، قابلیت اخذ مالیات از آن‌ها، میزان مشارکت در انباشت سرمایه و مواردی از این دست، تفکیک می‌شدند. اما از ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۵ شاهد ظهور اصطلاحی جدید تحت عنوان «بخش سوم» در اقتصاد بودیم که مهم‌ترین و برجسته‌ترین مطالعات در خصوص معرفی و توسعه مفهوم این بخش را می‌توان به آلن جی. بی. فیشر، کالین کلارک و ژان فوراستیه نسبت داد. اما از سال ۱۹۶۵ به بعد با توجه به ناهمگنی فعالیت‌های موجود در بخش سوم و مباحث مربوط به گذار از یک جامعه صنعتی به سوی جامعه‌ای پسا صنعتی، مفهومی نوین تحت عنوان «خدمات» شکل گرفت. در این دوره و به‌ویژه پس از سال ۱۹۷۰، شاهد طبقه‌بندی فعالیت‌های خدماتی نیز هستیم که در این رابطه می‌توان به مطالعات اقتصاددانانی همچون کاتوزیان (۱۹۷۰)، گرشانی و مایلز (۱۹۸۳)، پارک و چان (۱۹۸۹)، مایلز و بدن (۲۰۰۰) و ایچن گرین و گوپتا (۲۰۰۹) اشاره کرد.

با این حال، تعریف بخش خدمات به دلیل پیچیدگی‌های موجود در انواع فعالیت‌های این بخش و تنوع بالای فعالیت‌ها و ستانده‌های آن کاملاً دقیق و جامع نبوده و در طی تاریخ تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. اولین دسته از تعاریف مرتبط با فعالیت‌های خدماتی به آن‌ها به‌عنوان پسماندی نگاه می‌کردند که تمامی چیزها به غیر از مواد اولیه (استخراجی) و بخش صنعت را که به ترتیب به آن‌ها بخش‌های اولیه و ثانویه در اقتصاد اطلاق می‌شد، در بر می‌گرفت. بعدها فعالیت‌های اقتصادی بر اساس تئوری سه‌بخشی، به سه بخش مواد خام (بخش اول)، تولیدی (بخش دوم) و خدمات (بخش سوم) تقسیم شدند که این نوع دسته‌بندی توسط دانشمندانی همچون آلن فیشر، کالین کلارک و جین فوراستیه در اواسط قرن بیستم توسعه یافته بود. اما به‌نوعی تعریف نوین خدمات را می‌توان به استفان وارگو و رابرت لوش نسبت داد. آن‌ها خدمات را به‌صورت «به‌کارگیری قابلیت‌ها از طریق فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردها برای سود خود یا دیگری» تعریف می‌کنند.

یکی از مباحث حائز اهمیت در خصوص بخش‌های عمده اقتصادی و به‌ویژه بخش خدمات، رابطه سهم بخش خدمات با رشد و توسعه اقتصادی است. شرط حداقلی برای اینکه بخش‌های اقتصادی و تغییرات آن‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی یک کشور مؤثر واقع شوند، این است که منابع از بخش با بهره‌وری

پایین‌تر به سمت بخش با بهره‌وری بالاتر حرکت کنند که به این مفهوم است که بخشی که دارای رشد بهره‌وری بالاتر هست باید با رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری داشته باشد. همچنین شایان ذکر است که خدمات کارآمد برای توسعه اقتصادی حیاتی و ضروری هستند. چراکه بسیاری از خدمات به‌نوعی نهاده‌ها و ورودی‌های تولید کالاها و خدمات دیگر هستند. در نتیجه، کیفیت و هزینه‌های آن‌ها بر عملکرد اقتصاد و رشد اقتصادی تأثیرگذار است (گزارش مرکز آمار ایران).

بر اساس آمارهای جهانی در سال‌های اخیر حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از ارزش‌افزوده کل در کشورهای توسعه‌یافته‌ای همانند ژاپن، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در بخش خدمات بوده و همچنین سهم قابل‌ملاحظه‌ای در حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد از کل شاغلان را در کشورهای مذکور در بر دارد. بخش خدمات در ایران بیشتر از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود که البته هنوز هم از متوسط جهانی (حدود ۶۴ درصد بر اساس آمار بانک جهانی) کمتر هست. سهم خدمات از کل تولید ناخالص داخلی برای استان خراسان جنوبی نیز تقریباً همانند متوسط کشوری می‌باشد.

### نگاهی به برخی از مزیتها و توانمندی‌های بخش خدمات استان

در زمینه گردشگری و صنایع دستی در حال حاضر از میان بیش از ۲۵۰ رشته شناسایی شده و کددار صنایع دستی و هنرهای سنتی، بیش از ۴۰ رشته در استان زمینه فعالیت داشته یا دارد که از مهم‌ترین آن می‌توان به وجود رشته‌های اصیل صنایع دستی چون قالی و قالیچه بافی، رنگرزی سنتی، گلیم بافی، جاجیم بافی، پارچه بافی سنتی، رودوزی‌های سنتی، البسه محلی، پای پوش‌های سنتی، نمدمالی، حصیربافی، ترکه بافی، سفالگری و سنگتراشی اشاره نمود. بر این اساس، مهم‌ترین مزیت‌ها و توانمندی‌های استان خراسان جنوبی در حوزه صنایع دستی عبارتند از:

- امکان گسترش کارگاه‌های تراش سنگ‌های قیمتی با توجه به ذخایر معدنی مناسب در استان و کشور افغانستان و دسترسی به بازار فروش مناسب از طریق مرز کشور همسایه (افغانستان).
- وجود تعاونی‌های تولیدی توانمند در استان از قبیل شرکت تعاونی جاجیم بافت هزار گل قهستان، شرکت تعاونی روستایی زنان خراشاد، شرکت تعاونی بانوان و مرزداران نهبدان.
- تنوع تولیدات در صنایع دستی استان از جمله انواع پارچه‌های سنتی، گلیم و سفره آردی، جاجیم و محصولات تکمیلی، رودوزی‌های سنتی، سبدبافی، قالی و قالیچه، معرق چوب و غیره.
- افزایش فروش صادرات محصولات صنایع دستی از طریق ایجاد بسته بندی‌های مناسب، بازاریابی اینترنتی، شرکت در نمایشگاه‌های خارجی و غیره.

- شناسایی و تجمیع کارگاه های خانگی در برخی رشته های خاص و بالا بردن کیفیت محصولات از طریق استاندارد سازی کارگاه ها
  - تکمیل زنجیره تولید محصولات صنایع دستی از طریق تقویت خوشه های صنایع دستی در استان.
  - امکان برپایی بازارچه های دائمی صنایع دستی در شهرستان های استان با اولویت مرکز.
  - با توجه به شهرت جهانی فرش ایران یکی از قطب های بافت قالی در ایران استان خراسان جنوبی است.
- علاوه بر این مزیت ها و قابلیت های استان در بخش صنایع دستی را می توان به صورت زیر نام برد:
- امکان گسترش کارگاه های تراش سنگ های قیمتی با توجه به ذخایر معدنی مناسب در استان و کشور افغانستان و دسترسی به بازار فروش مناسب از طریق مرز کشور همسایه ( افغانستان).
  - وجود تعاونی های تولیدی توانمند در استان
  - تنوع تولیدات در صنایع دستی استان از جمله انواع پارچه های سنتی، گلیم و سفره آردی، جاجیم و محصولات تکمیلی، رودوزی های سنتی، سبدبافی، قالی و قالیچه و غیره.
  - افزایش فروش صادرات محصولات صنایع دستی از طریق ایجاد بسته بندی های مناسب، بازاریابی اینترنتی، شرکت در نمایشگاه های خارجی و غیره.
  - شناسایی و تجمیع کارگاه های خانگی در برخی رشته های خاص و بالا بردن کیفیت محصولات از طریق استاندارد سازی کارگاه ها
  - تکمیل زنجیره تولید محصولات صنایع دستی از طریق تقویت خوشه های صنایع دستی در استان.
  - امکان برپایی بازارچه های دائمی صنایع دستی در شهرستان های استان
- همچنین می توان به بخشی از توانمندی های حوزه میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی به شرح زیر اشاره کرد:
- برخورداری استان از پیشینه تاریخی- فرهنگی و ایرانی- اسلامی غنی و اصیل و امکان پژوهش های مختلف در حوزه مالی مردم شناسی و فرهنگ.
  - وجود بیش از ۱۶۰۰ اثر تاریخی شناسایی شده در سطح استان و ثبت بیش از ۸۲۰ اثر تاریخی در فهرست آثار ملی کشور.

- وجود ۱۱۹ باغ تاریخی در استان و ثبت بیش از ۲۵ باغ در فهرست آثار ملی که مهم‌ترین باغ‌های تاریخی استان
- وجود کتیبه‌ها و سنگ‌نگاره‌های با ارزش بالای تاریخی از دوران‌های بسیار گذشته بخصوص در کال جنگال، کوچ، ماخونیک و غیره.
- وجود محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی با بیش از ۵ هزار سال قدمت در سطح استان و پتانسیل بالای آن‌ها جهت پژوهش‌های باستان‌شناسی و جذب گردشگر.
- تنوع و تعدد آثار و مجموعه‌های تاریخی و قابلیت احیاء و بهره‌برداری آن‌ها با کاربری‌های مورد نیاز جامعه از جمله کاروانسراها، مدارس تاریخی، منازل تاریخی، حمام‌های تاریخی، باغ‌های تاریخی و غیره.
- وجود قلاع تاریخی و استحکامات دفاعی سنگی از دوران پیش از اسلام و بویژه دوره اسماعیلیان، پتانسیل بالای آن‌ها به منظور ثبت در فهرست میراث جهانی و جذب گردشگر.
- وجود بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهری و روستایی اصیل از جمله بافت تاریخی شهر بشرویه و بیرجند و خوسف و بافت‌های روستایی فورگ، خور، چنشت، ماخونیک، بیدسکان و غیره و پتانسیل بالای آن‌ها در صورت بهسازی و مرمت جهت جذب گردشگر و رونق اقتصادی استان.
- استان خراسان جنوبی به دلیل دوری از مراکز عمده و عدم دگرگونی‌های فرهنگی یکی از قطب‌های مردم‌شناسی ایران می‌باشد. بسیاری از آداب و رسوم کهن ایرانیان در خراسان جنوبی هنوز مرسوم است و یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز ایران روستای ماخونیک در شهرستان سریشه می‌باشد.
- وجود ۱۰ منطقه نمونه گردشگری و تعداد ۱۳ روستای هدف به همراه ۵ مجتمع‌های آب‌درمانی ساماندهی شده.
- وجود تعداد ۱۶ موزه طبیعی، تاریخی و فرهنگی در سطح استان.
- وجود کتابخانه تخصصی با بیش از ۷۰۰۰ جلد کتاب.
- وجود بلندترین تپه‌های ماسه‌ای جهان در استان
- وجود زیباترین سازه‌های طبیعی (توسط جریان باد) در استان

بر این اساس می‌توان فرصت‌های سرمایه‌گذاری و گردشگری استان خراسان جنوبی را به شرح زیر نام برد:

- سرمایه‌گذاری در مناطق نمونه گردشگری: منطقه نمونه گردشگری بند دره بیرجند، منطقه نمونه گردشگری تون فردوس، منطقه نمونه گردشگری بشرویه، منطقه نمونه گردشگری باغستان، آبگرم فردوس، منطقه نمونه مصعبی و کریمو سرايان، منطقه نمونه گردشگری درخش و آسیابان درمیان، منطقه نمونه گردشگری بوذرجمهر قائن، منطقه نمونه گردشگری چشمه مرتضی علی طبس، منطقه نمونه گردشگری ازمیغان، منطقه نمونه گردشگری کوهستانی طبس.
- سرمایه‌گذاری در روستاهای هدف گردشگری: روستای هدف گردشگری ماخونیک سریش، روستای هدف گردشگری چنشت سریش، روستای هدف گردشگری خور، روستای هدف گردشگری فورگ درمیان، روستای هدف گردشگری مصعبی و کریمو، روستای هدف گردشگری افین زیرکوه، روستای هدف گردشگری ازمیغان، روستای هدف گردشگری خرو، روستای هدف گردشگری پیرحاجات، روستای هدف گردشگری ملوند طبس، روستای هدف گردشگری اصفهک، روستای هدف گردشگری نای بند، روستای هدف گردشگری باغستان و غیره.
- سرمایه‌گذاری در مجتمع آب درمانی: مجتمع آب درمانی آبگرم فردوس، چشمه آبگرم معدنی مرتضی علی طبس، مجتمع آب درمانی آبگرم لوت، مجتمع آب درمانی آبرش سریش و مجتمع آبدرمانی دیگ رستم و غیره.
- سرمایه‌گذاری در مناطق گردشگری کویری: مناطق گردشگری کویر نوردی دهسلم نهندان و حیدر آباد نهندان، همت آباد زیرکوه، بشرویه و نجوم سه قلعه سرايان، مظفری فردوس، حلوان طبس و غیره.
- تفرجگاه‌های نزدیک به مناطق شهرستان‌های استان.
- مجتمع‌های بین راهی.
- احداث هتل در مراکز شهرستان‌ها.
- مجتمع‌های فرهنگی - توریستی.
- سرمایه‌گذاری در اماکن تاریخی و تغییر کاربری و تبدیل آن‌ها به اماکن فرهنگی و توریستی (از جمله خانه‌های تاریخی، کاروانسراها و حمام‌ها).
- سرمایه‌گذاری در سایت‌ها و محوطه‌های تاریخی بعنوان سایت موزه یا پارک موزه‌های تاریخی از جمله شهر قدیم قاین و شهر تون فردوس.
- سرمایه‌گذاری در چشمه‌های آب معدنی شامل آب گرم و آب سرد (آب ترش)

### قلمروهای اولویت‌دار توسعه فعالیت‌های بخش خدمات

#### الف) بازرگانی و لجستیک

۱. توسعه فعالیت‌های بازرگانی بازارچه های مرزی و مناطق ویژه در نوار مرزی و شهرستان بیرجند.
۲. توسعه فعالیت‌های لجستیک حمل و نقل در شهرستان‌های مرزی (منطقه شرقی) و شهرستان‌های بیرجند (مرکزی)،
۳. قائنات (منطقه شمالی) فردوس و طبس (منطقه غربی).
۴. توسعه فعالیت‌های باراندازی در شهرستان طبس (منطقه غربی).

#### ب) بهداشت و سلامت

۱. توسعه خدمات تخصصی درمانی در کانونهای شهری پرجمعیت شامل بیرجند و قائنات.
۲. توسعه خدمات عمومی درمانی و تجهیز مراکز در کانونهای شهری و مراکز منظومه های روستایی.
۳. توسعه مراکز بهداشت و سلامت در مراکز مجموعه های روستایی

#### ج) گردشگری

۱. گردشگری کویری (کویرنوردی) در شهرستان‌های بشرویه طبس، سرایان، خوسف و نهبندان.
۲. گردشگری طبیعی در شهرستان‌های زیرکوه، فردوس و طبس.
۳. گردشگری کشاورزی و روستایی در قائنات، سریشه درمیان، خوسف، سرایان.
۴. گردشگری سلامت (گردشگری پزشکی) در شهرستان‌های بیرجند و قائنات و آب درمانی در فردوس، سریشه و خوسف.

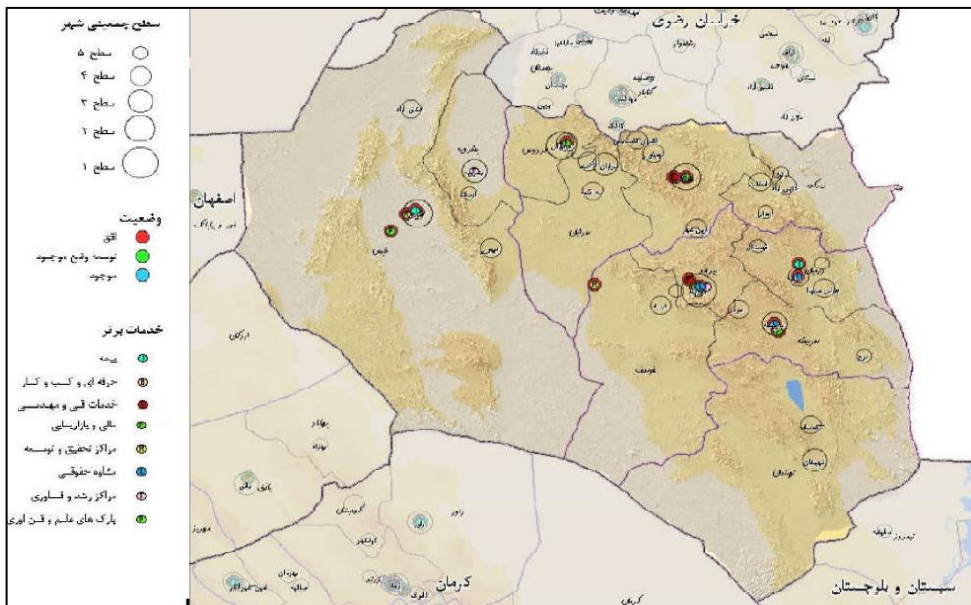
#### مناطق مستعد توسعه فعالیت‌های گردشگری

۱. گردشگری کویری (کویر نوردی) در شهرستان‌های بشرویه طبس، سرایان، خوسف و نهبندان.
۲. گردشگری ورزشی با تأکید بر مسابقات رالی و آفرود در شهرستان نهبندان ریگ یلان) و شهرستان سریشه.
۳. گردشگری تاریخی در شهرستان‌های فردوس بشرویه، بیرجند و قائنات.
۴. گردشگری فرهنگی در شهرستان طبس.

۵. گردشگری نجوم در شهرستان‌های سرایان، نهبندان و طبس.
۶. گردشگری روستایی و عشایری در شهرستان‌های خوسف، زیرکوه و سربیشه.
۷. گردشگری کشاورزی در قانات در میان، زیرکوه و سرایان.
۸. گردشگری طبیعی در شهرستان‌های زیر کوه فردوس و طبس، سرایان بشرویه، نهبندان و سربیشه.
۹. ژئوتوریسم در شهرستان‌های نهبندان و طبس.
۱۰. گردشگری سلامت (گردشگری پزشکی) در شهرستان‌های بیرجند و قانات و آب درمانی در فردوس، خوسف و سربیشه.

منبع: اسناد آمایش سرزمین

### سطح بندی خدمات برتر در افق طرح استان خراسان جنوبی



منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور

### توصیه های سیاستی جهت توسعه این بخش

بر اساس آنچه بیان شد، برای گسترش و توسعه بخش خدمات پیشنهادات زیر را می‌توان مطرح نمود:

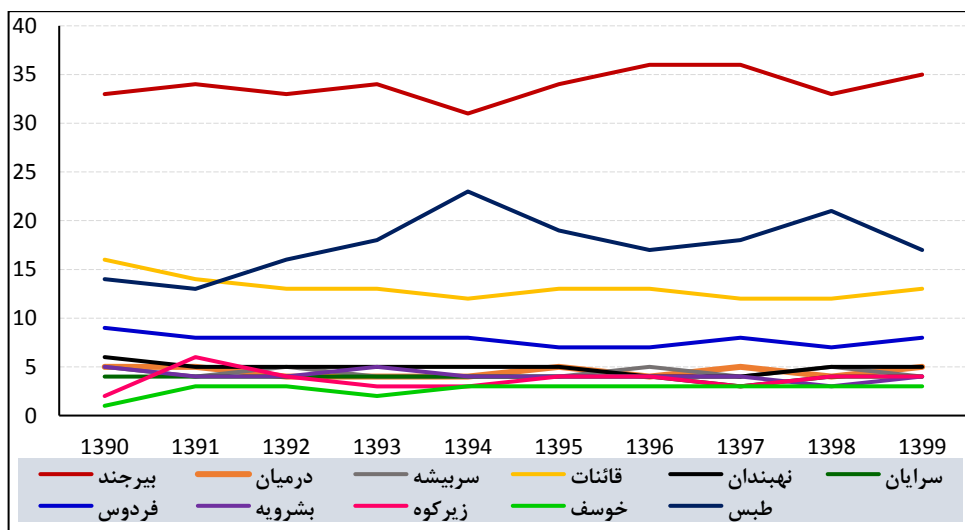
- اینترنت به عنوان ابزاری قدرتمند در افزایش ارتباطات نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد. از آنجا که برخی از مناطق استان هنوز به اینترنت دسترسی ندارند و یا این خدمات برای آنها ضعیف است، لازم است زیرساخت‌ها و شرایط لازم جهت بهبود ارتباطات این مناطق در

- اولویت قرار گیرد؛ چرا که توسعه ارتباطات یکی از مولفه های کلیدی رشد و گسترش بخش خدمات می باشد.
- جذب سرمایه گذاری در حوزه گردشگری از جمله توریسم درمانی، توریسم مجازی، توریسم مذهبی.
  - فراهم سازی زمینه حضور گسترده بخش خصوصی در راستای توسعه بخش خدمات.
  - لازم است عوامل زیرساختی، زیر بنایی، رفاهی و فرهنگی بخش خدمات به ویژه حمل و نقل ریلی و هوایی، تامین و تجهیز زیرساخت های آب، برق و گاز از سوی سیاستگذاران و برنامه ریزان مورد توجه قرار گیرد.
  - فراهم کردن زمینه فروش و بازاریابی تولیدات کارگاه های تولیدی صنایع دستی از طریق شرکت در نمایشگاه های خارجی.
  - ایجاد نمایشگاه های کوچک توانمندی های استان در محل پایانه ها مسافری و مرزی استان به منظور شناسایی تولیدات استان به گردشگران و مسافران خارجی.
  - توسعه اتوماسیون و مکانیزاسیون خدمات و بهره گیری از فناوری پیشرفته.
  - اعطای تسهیلات به سرمایه گذاران فعال در مجتمع های خدماتی رفاهی بین راهی مبنی بر تکمیل پروژه های نیمه تمام.
  - اختصاص سهمیه مشخصی از منابع صندوق توسعه ملی برای طرح های بزرگ گردشگری.
  - تکمیل پروژه های نیمه تمام بخش خدمات استان به روش مشارکت عمومی - خصوصی .
  - تمهیدات لازم جهت صادرات صنایع دستی استان.
  - فرهنگ سازی جهت توسعه بوم گردی و توسعه مناطق گردشگری کویری در مناطق هدف گردشگری استان.
  - ایجاد و توسعه زیرساخت های خدمات الکترونیکی در مناطق روستایی استان.
  - سرمایه گذاری در مناطق گردشگری و اختصاص یارانه به تورهای گردشگری استان.
  - اصلاح مقررات معارض با سهولت کسب و کار و افزایش موارد تفویض اختیار از مرکز به دستگاه های متناظر استانی جهت تسهیل فرآیند کسب و کار ها در استان از جمله افزایش حدود اختیارات تفویضی به ادارات امور شعب بانک های استان در اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی، اختیار سوق منابع تسهیلاتی هر استان به سمت محصولات استراتژیک و مزیت های اقتصادی هر بخش.

## توزیع شهرستانی مقدار تولید استان

اگر مقدار تولید هر شهرستان را بر اساس نمودار زیر بررسی کنیم، خواهیم دید که سهم شهرستان‌های مرزی از ارزش افزوده کل استان نسبت به شهرستان‌های غیرمرزی بسیار پایین‌تر است. بطوریکه که مجموع متوسط سهم ارزش افزوده شهرستان‌های مرزی استان (شامل شهرستان زیرکوه، درمیان، سربیشه و نهبندان) بین سال‌های ۹۹-۱۳۹۰ برابر ۱۷ درصد از کل ارزش افزوده استان بوده است. اکثر شهرستان‌های مرزی استان (شهرستان شرقی) و شهرستان‌های جنوبی استان از نظر ارزش افزوده در وضعیت مطلوبی نیستند. بر اساس آمار موجود، تنها سه شهرستان بیرجند به واسطه صنایع زیاد مانند کویرتایر، طبس به دلیل وجود معادن و قانات به خاطر رونق کشاورزی حدود ۶۵ درصد از ارزش افزوده استان را به خود اختصاص داده‌اند و سهم ۸ شهرستان دیگر تنها ۳۵ درصد از ارزش افزوده کل می‌باشند که نشانگر توزیع نامناسب ارزش افزوده بین شهرستان‌ها است.

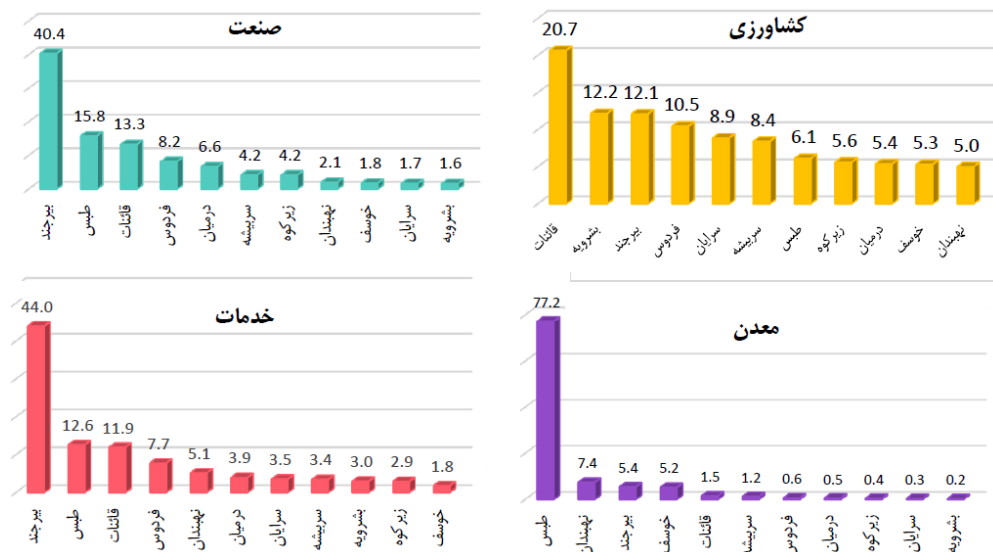
سهم ارزش افزوده شهرستان‌های استان از کل ارزش افزوده استان (۱۳۹۰=۱۰۰)



منبع: گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

همچنین، اگر به بررسی سهم ارزش افزوده شهرستان‌ها در هر بخش تولیدی بپردازیم خواهیم دید که در بخش کشاورزی شهرستان قانات، در بخش صنعت شهرستان بیرجند، در بخش معدن شهرستان طبس و در بخش خدمات شهرستان بیرجند بیشترین سهم از ارزش افزوده هر بخش را به خود اختصاص داده‌اند.

### سهم ارزش افزوده شهرستان‌ها در هر بخش تولیدی



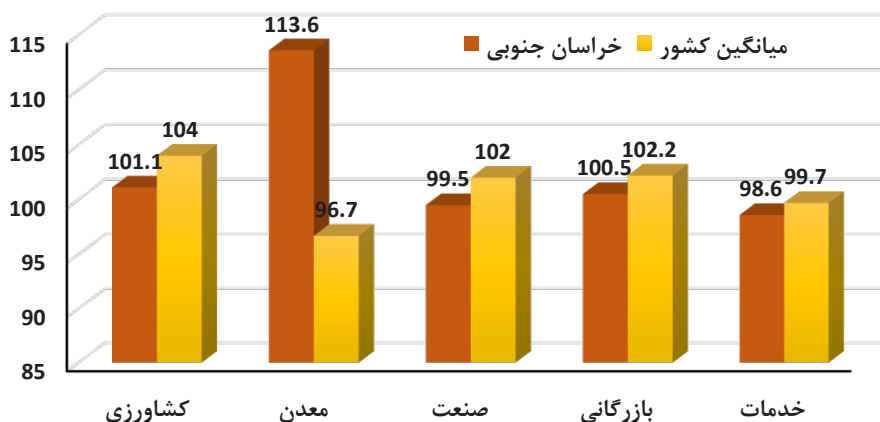
منبع: گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

### شاخص ضریب ساختاری استان خراسان جنوبی

شاخص تغییرات ساختاری، توان اقتصادی و تمرکز ارزش افزوده یک فعالیت اقتصادی را نسبت به سال پایه (۱۰۰) نشان می‌دهد، بدین ترتیب که هر قدر میزان آن نسبت به سال پایه افزایش یافته باشد، بیانگر مقدار وسعت و رشد فعالیت اقتصادی مورد نظر در مقایسه با سایر فعالیت‌ها است. فعالیت‌هایی که در مقایسه با سایر فعالیت‌ها از رشد ارزش افزوده بیشتری برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند توان اقتصادی خود را حفظ کنند یا افزایش دهند، بیش از سایر فعالیت‌ها، تحت تاثیر سیاست‌های اقتصادی با تغییرات ساختاری قرار گرفته‌اند. نتایج محاسبات شاخص ضریب ساختاری استان با توجه به آخرین آمار منتشر شده حاکی از آن است که بخش معدن بهترین عملکرد را بین بخش‌های اقتصادی استان طی یک دهه منتهی به سال ۱۳۹۸ را داشته است. ضمن اینکه بخش معدن استان در مقایسه با کل کشور نیز عملکرد بالاتری داشته است (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی<sup>۱</sup>، ۱۴۰۲). البته نباید از این موضوع غافل شد که عمده ارزش افزوده ایجاد شده در بخش معدن نیز از طریق استخراج مواد معدنی و بدون فراوری یا به اصطلاح خام فروشی بدست می‌آید.

۱. کتابچه آمایش سرزمین- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۲)

شاخص ضریب ساختاری استان خراسان جنوبی ۱۳۹۰-۱۳۹۸



منبع: کتابچه آمایش سرزمین- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۲)

### بررسی شاخص بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در بخش‌های اقتصادی استان

#### الف) شاخص نسبت افزایش نیروی کار به تولید (ILOR)

شاخص نسبت افزایش نیروی کار نشان دهنده بهره‌وری نیروی کار است. از نسبت تغییر نیروی کار به تولید حاصل می‌شود. مقادیر بالاتر این شاخص نشان دهنده سطح پایین‌تر بهره‌وری نیروی کار در یک اقتصاد می‌باشد بنابراین رابطه محاسبه شاخص نسبت افزایش نیروی کار به تولید برای دوره یکساله به صورت زیر می‌باشد:

$$ILOR = \frac{L_{t1} - L_{t0}}{GDP_{t1} - GDP_{t0}} = \frac{\Delta L}{\Delta GDP}$$

که L نشان دهنده نیروی کار، GDP نشاندهنده تولید ناخالص داخلی و t نشانگر زمان است.

میانگین شاخص نسبت افزایش نیروی کار به تولید (ILOR) بخش‌های اقتصادی استان (بازه ۹۹-)

(۱۳۹۱)

بخش اقتصادی	ILOR
کشاورزی	۱۰.۱۹
صنعت	۷.۱۰
خدمات	۸.۱۵

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

همانطور که مشخص است مقدار این شاخص برای بخش کشاورزی بیشترین و برای بخش صنعت کمترین است. عبارتی بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی پایین و در بخش صنعت و خدمات بالاتر می‌باشد. آنچه که مشخص می‌باشد این است که نیروی کار در بخش کشاورزی دارای بهره‌وری پایینی می‌باشد و می‌توان با انتقال این نیروی کار به بخش صنعت و خدمات تولید استان را افزایش داد.

#### ب) شاخص نسبت افزایش سرمایه به تولید (ICOR)

شاخص نسبت افزایش سرمایه به تولید عبارت از نسبت سرمایه‌گذاری در دوره‌های قبل به افزایش تولید در دوره‌های بعد می‌باشد. مقادیر بالاتر این شاخص نشان دهنده سطح پایین‌تر بهره‌وری سرمایه در یک اقتصاد می‌باشد بنابراین رابطه محاسبه شاخص نسبت افزایش سرمایه به تولید برای دوره یکساله به صورت زیر هست:

$$ICOR = \frac{K_{t1} - K_{t0}}{GDP_{t1} - GDP_{t0}} = \frac{\Delta K}{\Delta GDP}$$

که K نشان دهنده سرمایه، GDP نشاندهنده تولید ناخالص داخلی و t نشانگر زمان است.

شاخص نسبت افزایش سرمایه به تولید (ICOR) بخش‌های اقتصادی استان

بخش اقتصادی	ICOR
کشاورزی	۱.۶۴
صنعت	۴.۵
خدمات	۶.۳۵

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی

همانطور که مشخص است مقدار این شاخص برای بخش خدمات بیشترین و برای بخش کشاورزی کمترین است. عبارتی بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی بالاتر و در بخش صنعت و خدمات نسبت به کشاورزی پایین‌تر می‌باشد. بطوریکه این شاخص برای بخش خدمات ۳۸ برابر بخش کشاورزی و ۱۴۱ برابر صنعت است. همچنین، مقدار این شاخص برای بخش صنعت ۲۷۴ برابر بخش کشاورزی می‌باشد. بنابراین در صورتی که سرمایه‌گذاری به بخش کشاورزی هدایت شود، می‌تواند تولید بیشتری را به ارمغان بیاورد. بنابراین کشاورزی استان از کمبود شدید سرمایه رنج می‌برد.

با توجه به مباحث فوق، سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات می‌تواند منتج به توسعه استانی شود؟ برای پاسخ به این سوال در ادامه به بررسی یک مدل توسعه اقتصادی می‌پردازیم.

**آیا انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت و خدمات، می‌تواند باعث توسعه اقتصادی استان شود؟ (بررسی یک مدل توسعه اقتصادی)**



همانطور که از سوال فوق پیداست هدف این بخش بررسی این فرآیند است که آیا انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش صنعتی استان خراسان جنوبی می‌تواند توسعه اقتصادی را رقم بزند یا خیر؟ برای بررسی این سوال از مدل عرضه نامحدود نیروی کار یا مدل تغییر ساختاری آرتور لوئیس استفاده شده است.

#### مدل توسعه لوئیس

مدل دوبخشی یا همان مدل لوئیس یک مدل توضیحی در اقتصاد توسعه است که توسط سر آرتور لوئیس ارائه شده است. این مدل، رشد در کشورهای در حال توسعه را در قالب انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش صنعتی و سرمایه‌داری توضیح می‌دهد.

#### فروض مدل

- ۱- مدل فرض می‌کند کشورهای در حال توسعه دارای مازاد نیروی کار با بهره‌وری پایین در بخش کشاورزی است.
- ۲- این نیروهای کار در قبال دریافت دستمزد بیشتر جذب بخش صنعتی می‌شوند.
- ۳- همچنین این مدل فرض می‌کند دستمزد در بخش صنعتی کم و بیش ثابت است.
- ۴- کارآفرینان در بخش تولید سود کسب می‌کنند از آن جهت که در قیمت‌های بالاتر نرخ ثابت دستمزد معامله می‌کنند.

۵- مدل فرض می‌کند کارآفرینان سود به دست آمده را مجدداً در شکل سرمایه ثابت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

۶- یک بخش پیشرفته تولیدی بدان معنی است که آن بخش تولیدی به طور کامل از شکل سنتی به صنعتی آن تغییر شکل داده باشد.

۷- مدل فرض می‌کند که اقتصاد دارای دو بخش: ۱- سنتی یا کشاورزی ۲- مدرن یا صنعتی است.

#### توضیح تئوری

آرتور لوئیس اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته را به دو بخش تبدیل می‌کند؛

#### الف) بخش سرمایه‌داری

لوئیس این بخش را به عنوان بخشی که از سرمایه تجدیدپذیر استفاده می‌کند تعریف می‌کند. استفاده از سرمایه‌ها در اختیار سرمایه‌داران است، کسانی که به استخدام خدمات نیروی کار در بخش‌هایی مانند تولید، کشت و زراعت و معادن می‌پردازند. بخش سرمایه‌داری می‌تواند خصوصی یا عمومی باشد.

#### ب) بخش سنتی (معیشتی)

این بخش به عنوان بخشی که از سرمایه‌های تجدیدپذیر استفاده نمی‌کند معرفی می‌شود. همچنین می‌توان این بخش را به عنوان بخش سنتی بومی یا خوداشتغالی در نظر گرفت. تولید سرانه در این بخش به طور نسبی پایین است و این به دلیل عدم استفاده بهینه از سرمایه است. مدل دویبخشی یک تئوری توسعه است به طوری که نیروی کار اضافی از بخش سنتی به بخش مدرن انتقال می‌یابد، بخشی که در طول زمان رشد می‌کند و نیروی کار مازاد را جذب کرده و منجر به صنعتی شدن و دست یافتن به توسعه پایدار می‌شود. در مدل لوئیس، بخش معیشتی به طور کلی به صورت بخشی که دستمزد نیروی کار در آن پایین است و با حجم عظیمی از نیروی کار با بهره‌وری پایین دست و پنجه نرم می‌کند در نظر گرفته می‌شود.

#### ارتباط بین دو بخش در مدل لوئیس

ارتباط ابتدایی بین دو بخش زمانی است که بخش صنعتی رشد پیدا کرده و بزرگ‌تر می‌شود، این باعث می‌شود که نیروی کار را از بخش سنتی جذب کند. این انتقال باعث می‌شود تولید سرانه نیروی کاری که از بخش سنتی به بخش صنعتی منتقل می‌شود افزایش یابد. این مدل لوئیس فرض کرده است بخش سنتی با مازاد نیروی کار زیادی مواجه است و در نتیجه عرضه نیروی کار بدون مهارت از بخش سنتی به بخش صنعتی نامحدود است. این فرض باعث می‌شود که امکان ایجاد بخش‌های صنعتی جدید و رشد و گسترش بخش‌های موجود بدون افزایش سطح دستمزدهای واقعی میسر باشد. بخش کشاورزی زمین‌های محدودی را جهت کشت در اختیار دارد. بر اساس قانون بازدهی نزولی، تولید نهایی کارگران اضافی صفر در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه بخش کشاورزی دارای حجم عظیمی از نیروی کار است که عملاً در تولید نقشی ندارند به خاطر آنکه تولید نهایی آن‌ها صفر است. این گروه از کارگران می‌توانند به بخش دیگر اقتصاد منتقل شوند بدون آنکه کاهشی در میزان تولید بخش کشاورزی ایجاد شود. در نهایت به علت تفاوت دستمزدی که در بخش سنتی و

صنعتی وجود دارد کارگران تمایل دارند از بخش کشاورزی به بخش تولید منتقل شوند تا از اضافه دستمزد بخش صنعتی بهره‌مند شوند. از این جهت تولید کل در اقتصاد افزایش می‌یابد که اثرات خود را در بهبود شرایط اقتصادی باقی خواهد گذاشت.

اما آیا این مدل در خراسان جنوبی می‌تواند اتفاق بیفتد؟ همانطور که اشاره شد، مدل تغییر ساختاری لوئیس این موضوع را مطرح می‌کند که برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی باید بخش کشاورزی اقتصاد کوچک شود و نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعتی حرکت کند. اما این موضوع باید در شرایطی اتفاق بیفتد که؛

- اولاً، بخش صنعتی و شهری قابلیت جذب نیروی کار مازاد آزاد شده از بخش کشاورزی را داشته باشند،

- ثانیاً، با حرکت نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت، بهره‌وری بخش کشاورزی افزایش یابد تا با کاهش نیروی کار این بخش، تولیدات کشاورزی کاهش چشمگیری نداشته باشد.

پاسخی که می‌توان به سوال فوق داد به این شکل است که بر اساس یافته‌ها، نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی استان وجود دارد که دارای بازدهی نهایی صفر می‌باشند و دلیل این امر عدم وجود منابع مالی و سرمایه لازم جهت تکنولوژیک کردن بخش کشاورزی و افزایش سطح زیر کشت است. از طرفی بخش صنعت در خراسان جنوبی چندان قوی نیست که بتواند کل نیروی کار مازاد بخش کشاورزی را جذب کند. بنابراین لازم است بر اساس مدل انقلاب سبز و مدل نیازهای اساسی ابتدا از نیروی کار موجود در بخش کشاورزی حمایت نمود و درآمد این بخش را افزایش داد و در کنار آن با توسعه بخش صنعتی شرایط لازم برای حرکت از نیروی کار از بخش سنتی به بخش صنعتی را فراهم نمود.

## فهرست کتاب و مقالات

تقوی، افشین. (۱۳۹۴). بررسی الزامات و رویکردهای استراتژی توسعه صنعتی در ایران. کنفرانس ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و توسعه.

تودارو، مایکل و اسمیت، استیفن، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات نگاه دانش، چاپ دوم.

خداداد کاشی، فرهاد، (۱۴۰۱)، اقتصاد صنعتی (نظریه و کاربرد)، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم. جی. ال. کرامر، سی. دبلیو. جنسن، دی. دی. ساوتگیت، (۱۳۸۶)، اقتصاد کشاورزی کاربردی، تهران، ترجمه: محمد قربانی و زکریا فرج‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.

شریف، مصطفی و اکبری، نعمت‌الله، (۱۳۸۶)، اقتصاد توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول

شهیکی تاش، محمدنبی و عزیزاده، صدیقه، (۱۴۰۱)، اقتصاد صنعتی، تهران، انتشارات نور علم کریم، محمدحسین، عباسیان، مجتبی و سردار شهرکی، علی، (۱۳۹۹)، اقتصاد کشاورزی کاربردی، تهران، انتشارات دانشگاه خوارزمی، چاپ اول.

گروبووسکی، ریچارد، سلف، شارمیستا و شیلدز، میکائیل، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی با رویکرد منطقه‌ای، نهادی و تاریخی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم اقتصادی، چاپ دوم.

گیلیس، مالکوم؛ پرکینز، دوايت‌اچ؛ رومر، مایکل و اسنودگراس، داندلآر، (۱۳۹۱)، اقتصاد توسعه، تهران، انتشارات نشر نی، چاپ چهارم.

لشکری، محمد، (۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور متوسلی، محمود، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.

## سایت و منابع آماری

- مرکز آمار ایران
- بانک مرکزی ایران
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی
- اداره کل گمرک خراسان جنوبی

- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- بانک جهانی
- صندوق بین‌المللی پول

# فصل سوم:

## تجارت

### هدف کلی

هدف کلی فصل سوم آشنایی خواننده با تجارت استان خراسان جنوبی است.

### هدف‌های جزئی

- بررسی تاثیر تجارت بر توسعه اقتصادی
- اقتصاد مرزی
- معرفی شرایط تجاری استان
- مشکلات تجاری استان
- بررسی مدل‌های تجاری اقتصاد توسعه برای خراسان جنوبی
- تنوع تجاری
- مقاصد تجاری
- استراتژی توسعه اقتصادی
- توصیه های سیاستی جهت بهبود تجارت استان

## مقدمه

تجارت در لغت به معنای خرید و فروش و نیز خریدن کالا به انگیزه فروختن آن با بهای بیشتر، همچنین به کارگیری سرمایه به منظور سود بردن، آمده است. بنابراین، تجارت، (به انگلیسی: Trade) واگذاری مالکیت کالا و خدمات از کسی یا نهادی (فروشنده) به دیگری در برابر دریافت چیزی از خریدار است. از آنجا که کشورهای مختلف دارای ظرفیت‌های متفاوتی هستند و در زمینه‌های مختلف تخصص دارند؛ از این رو برای جبران آنچه تولید نمی‌کنند و یا تولید آن با هزینه بسیار بالایی همراه است، باید با کشورهای دیگر تجارت داشته باشند و کالای موردنظر خود را تهیه نمایند. از آنجا که هیچ کشوری در دنیای مدرن خودکفا نیست، تجارت بین‌المللی برای همه کشورها امری ضروری است. این موضوع برای استان خراسان جنوبی اهمیتی بیشتری دارد، چرا که این استان یک استان مرزی می‌باشد و می‌تواند از این پتانسیل در جهت ارتقای رشد و توسعه اقتصادی خود کمک گیرد. لذا هدف این فصل، بررسی وضعیت، چالش‌ها و راهکارهای رفع این چالش‌ها برای استان خراسان جنوبی بر اساس مباحث اقتصاد توسعه می‌باشد.

## تجارت و توسعه اقتصادی

تجارت به عنوان موتور رشد است که در آن افزایش حجم تجارت می‌تواند باعث رشد اقتصادی کشور شود. آرتور لوئیس<sup>۱</sup> درباره رابطه تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی می‌گوید:

«بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی همبستگی زیادی وجود دارد. چنانچه سرعت افزایش صادرات بیش از افزایش واردات باشد، تجارت می‌تواند برانگیزاننده رشد باشد. ولی اگر سرعت افزایش واردات به صادرات پیشی گیرد، تجارت موجب توقف رشد خواهد شد»

تجارت خارجی به‌ویژه برای کشورهای درحال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا اغلب این کشورها با مشکلاتی همچون کمبود منابع اقتصادی، کمبود نیروی کار ماهر، ضعف در آموزش، عدم دسترسی به فناوری و غیره دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بازتر شدن اقتصاد و حضور فعال در عرصه‌های جهانی (مانند آنچه در چین، هند، کره جنوبی و سنگاپور اتفاق افتاد) نقش بسیار حیاتی در فائق آمدن بر بسیاری از مشکلات دارد (رزمی، ۱۳۹۰). کمیسیون اروپا<sup>۲</sup> که بازوی اجرایی اتحادیه اروپا محسوب

1 . Lewis, Arthor

2 . European Commission

می‌شود، با اشاره مختصر تجربیات برخی کشورهای درحال توسعه، از ۱۰ مزیت عمده تجارت برای این گروه از کشورها نام می‌برد<sup>۱</sup>:

۱. تجارت، فرصت‌های تازه‌ای را برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته فراهم می‌کند و با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود بهره‌وری از طریق توسعه بخش خصوصی، به توسعه یک کشور و کاهش فقر در بین شهروندان آن کمک می‌کند. در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، از ۳۲۵ دلار به ۶۲۵ دلار رسید که بخش زیادی از این رشد مرهون رشد تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها بوده است.

۲. تجارت به کشورهای درحال توسعه کمک می‌کند تا هزینه نهاده‌های تولید را کاهش دهند، به منابع مالی جدید دسترسی پیدا کنند، ارزش افزوده کالاهای تولیدی خود را بالا ببرند و جایگاه بهتری در زنجیره تأمین جهانی کسب کنند. به عبارتی تجارت موجب افزایش رقابت‌پذیری کشورهای درحال توسعه می‌شود. اقتصادهای نوظهوری مانند چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی موفق شده‌اند بخشی از فاصله خود با کشورهای توسعه‌یافته را پر کنند و با ادامه روند کنونی می‌توانند امیدوار باشند که در دهه‌های آتی حتی جزو کشورهای توسعه‌یافته باشند. متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی در این کشورها طی دهه نخست قرن بیست و یکم حدود ۱۱۵ درصد رشد داشته است.

۳. تجارت امکان دسترسی به بازارهای جدید و نهاده‌های تولیدی جدید را برای کشورهای درحال توسعه فراهم می‌سازد و از این طریق نه تنها به متنوع‌سازی محصولات صادراتی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه منحنی امکانات تولید آن‌ها را نیز بالاتر می‌برد. دولت هند در دهه ۱۹۹۰ اقدام به کاهش تدریجی تعرفه‌های وارداتی خود -از به‌طور متوسط ۹۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به رقم متوسط ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۷- نمود و در نتیجه این تصمیم، تولیدکنندگان هندی توانستند دهها نوع کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را با هزینه‌ای بسیار کمتر از قبل وارد کنند. در این دوره واردات کالاهای واسطه‌ای حدود ۲۲۷ درصد افزایش یافت که دوسوم از آن‌ها را کالاهایی تشکیل می‌دادند که تولیدکنندگان هندی تا قبل از سال ۱۹۹۱ اساساً قادر به وارد کردن آن‌ها نبودند. در نتیجه این تحولات تجاری، تولیدات صنعتی هند ۵۰ درصد افزایش یافت و نیمی از این رشد مستقیماً ناشی از تولید کالاهای جدید بود.

۱. برگرفته از گزارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.

۴. تجارت موجب تسهیل فرآیند تبادل دانش فنی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه می‌شود و از این طریق نوآوری را ارتقا می‌بخشد. تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقصی نقاط جهان کمک شایانی نموده است، به‌طوری‌که در پایان سال ۲۰۱۷ حدود ۹۵ درصد از جمعیت جهان به خدمات تلفن همراه دسترسی دارند.

۵. تجارت آزاد بازارهای جدیدی را به روی کسب‌وکارهای محلی می‌گشاید و با رفع موانع غیرضروری، صادرات را برای آن‌ها تسهیل می‌کند. در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ اصلاحاتی در زمینه قوانین تجاری در ۳۶ کشور از کشورهای جنوب صحرای آفریقا صورت گرفت که نتیجه آن بهبود فضای کسب‌وکار در اغلب این کشورها بود؛ طبق آخرین گزارش بانک جهانی در مورد سهولت کسب‌وکار<sup>۱</sup> کشور آفریقایی موریتانی حتی از برخی کشورهای منطقه یورو جایگاه بهتری کسب نموده و در رتبه بیست و پنجم جهان (از ۱۹۰ کشور) قرار گرفته است.

۶. تجارت موجب گستردگی منابع تأمین کالاها و خدمات شده و فضای رقابتی در بازارها ایجاد می‌کند تا مصرف‌کنندگان گزینه‌های بیشتری در اختیار داشته باشند و هزینه کمتری بپردازند. در دهه‌های اخیر اقتصاد جهانی رشد قابل‌قبولی را تجربه نموده و درآمد سرانه در بسیاری از کشورهای درحال توسعه به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

۷. تجارت به انتقال مستمر دانش و راهکارهای مفید بین شرکای تجاری می‌انجامد و از این طریق نقش بسیار مهمی در بهبود استانداردهای کیفی و زیست‌محیطی و نیز توانمندی نیروی کار ایفا می‌کند. برخی کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله بنگلادش و سری‌لانکا توانسته‌اند به لطف گسترش روابط تجاری خود با کشورهای اروپایی، استانداردهای کیفی محصولات صادراتی خود به‌ویژه منسوجات را به میزان قابل توجهی بهبود دهند و به ظرفیت‌های صادراتی بالاتری دست یابند. در دهه نخست قرن جاری، ارزش صادرات کشور بنگلادش بیش از ۸۰ درصد افزایش یافت.

۸. تجارت به دولت‌های کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از مزیت گستردگی منابع تأمین کالاها و خدمات، هزینه خریدهای خود را کاهش دهند و بار مالی کمتری را تحمل کنند. خریده‌های دولت‌ها از کشورهای خارجی به‌طور متوسط ۱۰ الی ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها را تشکیل می‌دهد که رقم قابل توجهی محسوب می‌شود و نشان از اهمیت مستقیم تجارت بین‌الملل برای خود دولت‌ها دارد.

۹. تجارت موجب تقویت ارتباط بین ملت‌ها می‌شود زیرا آن‌ها را در فضایی دوستانه گرد هم می‌آورد و موقعیتی برد-برد را برای آن‌ها فراهم می‌کند. پس می‌توان گفت تجارت می‌تواند به گسترش صلح و ثبات در جهان کمک کند. نتایج مطالعات تجربی مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری اقتصادی (CEPR) نشان می‌دهد که احتمال تبدیل شدن تنش‌های سیاسی عادی به درگیری‌های نظامی بین کشورهایی که با یکدیگر روابط تجاری بیشتری دارند، بسیار کمتر از کشورهایی است که تمایل چندانی به تجارت با یکدیگر نشان نمی‌دهند. در واقع ترس از لغو روابط تجاری و از دست دادن مزایای ناشی از این روابط باعث می‌شود که دولت‌ها با احتیاط بیشتری رفتار کنند.

۱۰. تجارت، بخش‌های اقتصادی مولد را تقویت نموده و از این طریق به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید با سطح درآمد بالاتر کمک می‌کند و کیفیت زندگی مردم کشورهای مختلف را بهبود می‌بخشد. درآمد کارگران بخش تولید در اقتصادهای باز، بسته به منطقه‌ای که در آن واقع شده‌اند، بین ۳ تا ۹ برابر درآمد همکاران آن‌ها در اقتصادهای بسته است. حتی در درون یک اقتصاد نیز درآمد کارگران بخش‌های مرتبط با خارج بسیار بهتر از درآمد کارگران بخش‌های بسته است. در کشور شیلی، کارگران شاغل در صنایعی که از امتیاز تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌مند هستند، سالانه ۱۱۰۰ یورو بیش از سایر کارگران این کشور درآمد کسب می‌کنند (گزارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۳۹۶).

### اقتصاد مرزی

کشورها معمولاً به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی با بعضی از همسایگان خود دچار تضاد منافع هستند. این تضادها با تغییرات در حکومت‌ها حل و فصل نشده و به صورت آتش زیر خاکستر باقی می‌مانند. به خصوص این که افزایش جمعیت مناطق مزبور، فعالیت‌های ناشی از بهره‌برداری اقتصادی از توانمندی بالقوه و بالفعل محیطی، همچنین اقدامات به ویژه در زمینه تفاوت یا تشابه مذهبی در دو سوی مرز سیاسی امنیت را در منطقه مزبور متشنج می‌کند. در گذشته برای تأمین امنیت در مناطق مرزی نبود تهدید نظامی مطرح بود. لذا، سیاست امنیتی متوجه دستیابی به حداکثر توان نظامی برای برتری داشتن بر دشمنان (داخلی و خارجی) و کسب امنیت است. اکنون تهدیدهای نظامی در مناطق مرزی جای خود را به بحران‌های اکولوژیکی، مسائلی مانند انواع قاچاق و بی‌ثباتی‌های دیگر داده است که برای سازمان‌دهی آنها، با توجه به شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، نیاز به برنامه‌ریزی ملی کشور در مناطق مرزی است (متقی و متقی، ۱۳۹۳). بنابراین، به برنامه‌ریزی که معطوف به مسائل انسانی و طبیعی

جهت بهره‌برداری از توانمندی‌های محیطی مناطق مرزی در جهت دستیابی به امنیت و توسعه‌ی پایدار باشد، تحت عنوان آمایش مناطق مرزی یاد می‌شود.

در حقیقت، مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌روند. طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز بودن این مناطق، به ویژه در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی، ایران پیوسته به دلیل نبود رفاه و انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات، سیاسی اقتصادی و امنیتی برای دولتهای وقت بوده است. از گذشته‌های دور مناطق مرزنشین به دلیل ناتوانیهای بالقوه، جزء مناطق منزوی و محروم به شمار می‌رفت؛ بنابراین شهرهای واقع در این مناطق بسیار محدود و از توسعه کمی برخوردارند؛ اما با جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین‌المللی تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد؛ به گونه‌ای که تحولات در کارکردهای مرز و نگرش نظامهای سیاسی حاکم بر آن به منزله یک فرصت اقتصادی، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است. این شرایط جدید مرکز را وادار به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون کرده است. (پنا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ افشاری و سلیمانی موحد، ۱۳۸۹). ناتوانی‌های بالقوه طبیعی و اقتصادی بعضی از این مناطق به ویژه در زمینه‌های کشاورزی، صنعت، مهاجرت، تفاوت‌ها و نامتعادلی‌های منطقه‌ای و فضایی بین مناطق مرکزی و مرزی به دولتهای وقت این امکان را داد که با هدف محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال، نگهداشت جمعیت، ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاقاق، زمینه‌هایی را برای مبادلات بازرگانی نواحی مرزی فراهم کنند. مهم‌ترین ویژگی ساختار این مناطق نبود تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصتهای شغلی، به ویژه برای نیروی انسانی رو به افزایش روستایی است. یکی از زمینه‌های لازم برای پویاکردن اقتصاد نواحی مرزی، توسعه مبادلات مرزی در قالبهای قانونمند و تسهیل شده بازارچه‌های مرزی است که محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزایای نسبی، گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی به سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه مرزنشین است. تاکنون هیچ تعریف جهانی‌ای از بازارچه‌های مرزی به صورت عام ارائه نشده است؛ اما می‌توان گفت بازارچه‌های مرزی اساساً برای سرمایه‌گذاری و بهتر شدن وضعیت اقتصادی مناطق مرزنشین به وجود می‌آیند؛ به ویژه در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه که از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند (بدری و همکاران، ۱۳۹۶).

از یک منظر، بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات و مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکانهایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین ایران و

کشورهای همجوار باشد. به عقیده صاحب نظران فعالیت‌های اقتصادی مناطق مرزی در توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد رابطه دوستی و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی نقشی اساسی دارند (چاندو ویت و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

اما سوال اساسی که مطرح می‌باشد این است که آیا استان خراسان جنوبی از تمامی ظرفیت مرزی خود استفاده کرده است؟ متأسفانه بنا به دلایل مختلفی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، استان نتوانسته است از نهایت ظرفیت خود در حوزه تجارت بهره‌برد و سهم تجارت استان از کل کشور بسیار اندک است. به طوریکه که سهم صادرات استان از صادرات کل کشور تنها ۰.۰۲ درصد می‌باشد که مقدار بسیار پایینی هست. همانطور که در فصل قبلی نیز بحث شد، اگر مقدار تولید هر شهرستان را بررسی کنیم، خواهیم دید که سهم شهرستان‌های مرزی از ارزش افزوده کل استان نسبت به شهرستان‌های غیرمرزی بسیار پایین‌تر است. بطوریکه که مجموع متوسط سهم ارزش افزوده شهرستان‌های مرزی استان (شامل شهرستان زیرکوه، درمیان، سریش و نهبندان) بین سال‌های ۹۹-۱۳۹۰ برابر ۱۷ درصد از کل ارزش افزوده استان بوده است. اکثراً شهرستان‌های مرزی استان (شهرستان شرقی) و شهرستان‌های جنوبی استان از نظر ارزش افزوده در وضعیت مطلوبی نیستند که نیازمند توجه ویژه هستند. البته، نباید از یاد ببریم که در کنار مولفه‌های اقتصادی، یکی دیگر از مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه اقتصادی، بحث امنیت مرزها است. هرچند با تلاش روز افزون مرزبانان عزیز کشورمان امنیت در کشور برقرار است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که خالی شدن مرزها از جمعیت می‌توان هزینه تامین امنیت را به شدت افزایش دهد. بنابراین نیاز است که موضوع نگهداشت جمعیت و ساکنان مناطق مرزی به جد مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین دغدغه مرزنشینان، مشکلات اقتصادی می‌باشد که می‌توان از ظرفیت مرزها در جهت افزایش رفاه این هموطنان استفاده نمود. استان خراسان جنوبی دارای ۲ منطقه ویژه و ۴ بازارچه مرزی (بازارچه ماهیرود در سریش، گلورده در درمیان، یزدان در زیرکوه و دوکوهانه در نهبندان) می‌باشد. اما متأسفانه، فقط بازارچه مرزی ماهیرود فعال هست و سایر بازارچه‌ها یا فعال نیستند و یا نیمه فعال می‌باشند. بنابراین، لازم است از ظرفیت‌هایی که در مناطق مرزی وجود دارد در جهت افزایش رفاه مرزنشینان و همچنین افزایش درآمد و توسعه استان کمک گرفته شود.

## آمایش مرزی؛ استراتژی مناسب برای خراسان جنوبی

بررسی  
یک مدل

توسعه به شکل امواج سلسله مراتبی و با محوریت مرکز رشد تا دورترین نواحی گسترش می یابد (دونان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). از نظر ساختار فضایی، مناطق مرزی دارای ویژگی‌های کالبدی خاص مناطق مرزی هستند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه،

توسعه نیافتگی آن‌ها می‌شود. بین عوامل جغرافیایی، جمعیت و فعالیت در مناطق مرزی روابطی برقرار است که این روابط یک ساختار و نظام فضایی را شکل می‌دهد. همچنین به میزان وجود تعادل منطقه ای، مرزهای فیزیکی و ذهنی حایل بین مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی رقیق‌تر می‌شوند و در صورت عدم تعادل بین این مناطق، این مرزها ظهور و بروز بیشتری می‌یابند (عندلیب، ۱۳۸۰). بنابراین می‌توان «آمایش» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی - فضایی و «آمایش مناطق مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها دانست (سیزرا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). با توجه به تعریف یاد شده، روی هم رفته، سه استراتژی را برای آمایش مرزها می‌توان برشمرد:

۱- **استراتژی تهدید محور:** استراتژی تهدید محور که پایه آن بر تهدیدزا بودن مناطق مرزی استوار است، بر این مبنا تهدیدها در مناطق مرزی بیشتر از فرصت‌ها است و از این رو، شاکله مدیریت و واپایش مرزی کشور در قالب واپایش شدید امنیتی شکل می‌گیرد و مرزها به عنوان مناطقی نظامی و امنیتی در اختیار قوای نظامی و دستگاه‌های امنیتی است. بر مبنای استراتژی تهدید محور برای اداره‌ی مرز، مدیریت نظامی و انتظامی دیکته می‌شود (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰).

۲- **استراتژی فرصت محور:** در این استراتژی، وزن سنگینی به فرصت‌سازی و فرصت‌زایی مرزها داده می‌شود و ایده‌آل‌ترین شیوه مدیریت این استراتژی، بهره‌مندی حداکثر از فرصت‌ها و امکانات مرزی است. این امر سبب توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و به خصوص مناطق مرزی می‌شود و به تبع آن، بسیاری از تهدیدها از بین می‌رود. در این استراتژی، مدیریت کارکردی بهترین شیوه اداره و کنترل مرز است (کانینگهام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

1- Donnan  
2- Cizre  
3- Cunningham

۳- **استراتژی تلفیقی:** این استراتژی، نگرشی ترکیبی به مسائل و مناطق مرزی دارد و جنبه‌های فرصت و تهدید را به شکل همه جانبه در مدیریت مرزی در نظر دارد. بر اساس استراتژی تلفیقی، در عین حال که مرزها و مناطق مرزی دارای ظرفیت‌های مناسب برای توسعه و تولید قدرت برای کشور هستند، این مناطق را مصون از تهدید و آسیب نمی‌داند (اخباری و نامی، ۱۳۸۹). نکته اساسی در این استراتژی، همبسته بودن توسعه فضایی با امنیت است. بدین معنی که با افزایش توسعه و توزیع دادگرا نه شاخص‌های توسعه در فضا، می‌توان انتظار داشت که وضعیت امنیتی منطقه نیز بهبود یابد.

با توجه به اینکه، از یک طرف استان خراسان جنوبی یک استان مرزی می‌باشد و از طرف دیگر به دلیل ناامنی و جنگ داخلی کشور همسایه، بطور مداوم امنیت استان تهدید می‌شود؛ بنظر استراتژی تلفیقی نسبت به دو استراتژی دیگر مناسب‌تر و کاربردی‌تر می‌باشد.

### بررسی اجمالی شرایط تجاری استان خراسان جنوبی

استان خراسان جنوبی استانی است مرزی با دارا بودن بیش از ۳۳۱ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان و مشخصاً ولایت فراه افغانستان، از چهار بازارچه مرزی در چهار شهرستان مرزی (بازارچه دوکوهانه در شهرستان نهبندان، میل ۷۸ در شهرستان سریشنه، میل ۷۳ در شهرستان درمیان و یزدان در شهرستان زیرکوه) بهره برده و این بازارچه‌ها در گذشته پل ارتباطی بازرگانان و پيله وران استان با کشور افغانستان محسوب می شدند. همچنین استان دارای دو گمرک رسمی بیرجند و میل ۷۸ نیز می‌باشد که مبادلات رسمی با کشور افغانستان از این دو معبر انجام می‌گیرد. بر اساس آمار سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۹۰ درصد صادرات استان خراسان جنوبی به افغانستان بوده است و بعد از آن کشور پاکستان و سایر کشور های آسیای میانه سهم کمتر از پنج درصد از صادرات استان را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین با توجه به بازار سنتی بوجود آمده و همچنین نیاز کشور افغانستان به واردات کالاهای ایرانی مخصوصاً در حوزه مواد غذایی، مصالح ساختمانی، سوخت، مصنوعات پلاستیکی و غیره که عمده ترین گروه های صادراتی این استان به افغانستان به حساب می آیند وجود استراتژی میان مدت و بلند مدت در زمینه تداوم حضور در کشور افغانستان و حفظ و گسترش نفوذ به این بازار بکر و تلاش در جهت تبدیل صادرات سنتی و با ریسک بالا به مبادلات تجاری مدرن و جلوگیری از خسارت وارده به تجار و بازرگانان استان و کشور در تجارت با افغانستان به یکی از اولویت ها و خواسته های استان خراسان جنوبی تبدیل شده است. همچنین تلاش در جهت توسعه صادرات خدمات فنی و

مهندسی و خدمات HIGH TECH یکی از اهداف بنیادین تجارت خارجی استان به شمار می آید. از جمله مهم ترین نقاط قوت تجارت خارجی استان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دارا بودن ۲ گمرک رسمی به نام های «گمرک بیرجند» و «گمرک ماهیرود» و ۴ بازارچه مرزی به نام های «ماهیرود»، «گلورده»، «یزدان» و «دو کوهانه»
- استفاده از مراکز علمی، دانشگاهی و مطالعاتی معتبر در استان و حجم گسترده فارغ التحصیلان دانشگاهی در زمینه های مختلف
- دارا بودن جاده های مواصلاتی امن به مرز افغانستان
- قرار گرفتن استان در کریدور شمال - جنوب و شرق به غرب (قرار گرفتن استان در مرکز ثقل محور ترانزیتی شرق ایران)
- مقرون به صرفه بودن صادرات کالاها از مبادی این استان به افغانستان به جهت کوتاهی مسیر.
- بازار مصرف بالقوه محصولات صادراتی در افغانستان (۴۰ میلیون نفر)
- استقرار استان در مسیر بزرگراه های آسیایی و امکان استفاده از سرمایه گذاری بین المللی در توسعه شبکه حمل و نقل منطقه
- تشابهات فرهنگی و روابط سیاسی نسبتا مطلوب بین ایران و افغانستان
- امکان استفاده از ظرفیت های تجاری کشورهای آسیای میانه
- وجود منطقه ویژه اقتصادی در شهرستان بیرجند با ۷۳۰ هکتار در مرکز استان و ۱۰۰ هکتار دیگر آن در مرز ایران و افغانستان.
- فرصت طلایی همسایگی با کشور افغانستان با ۳۳۱ کیلومتر مرز مشترک با توجه به بازار مصرفی گسترده این کشور.
- امکان بهره گیری غنی از انرژی های تجدید شونده خورشیدی، بادی و...
- وجود ۲۰ شهرک و ناحیه صنعتی با دارا بودن ۲۱۷۱ هکتار اراضی در اختیار
- رتبه ششم در تعداد معادن استان های کشور با وجود بالغ بر ۵۱۵ معدن و ۵۳ نوع ماده معدنی با ذخایر قطعی کشف شده تاکنون ۷ میلیارد تن
- وجود مزیت های نسبی در تولیدات برخی محصولات کشاورزی مانند؛ رتبه اول در تولید زرشک و عناب، رتبه دوم در تولید زعفران، رتبه پنجم در تولید گیاهان دارویی، پنبه، گل نرگس و رتبه ششم در تولید انار کشور.

## مهم‌ترین چالش‌های پیش روی استان

خراسان جنوبی با وجود اینکه با کشور افغانستان دارای مرز مشترک است، اما عملاً در فهرست شرکای اقتصادی جدی این کشور قرار ندارد. به عبارت دیگر، هنوز روابط اقتصادی استان و افغانستان به مقداری که بتوان آن را اثرگذار دانست، نرسیده است. هم از جانب استان خراسان جنوبی و هم کشور افغانستان و حتی سایر مقاصد صادراتی، ضعف‌ها و چالش‌های جدی وجود دارد که مانع از بهبود روابط تجاری شده است. در ادامه به برخی از مهمترین این عوامل اشاره می‌شود:

- یکی از عواملی که شاید تاکنون استان خراسان جنوبی نتوانسته از ظرفیت‌های تجاری، صنعتی و معدنی کشور افغانستان به خوبی استفاده کند، عدم توسعه صنعتی استان خراسان جنوبی و در واقع رکود به وجود آمده در بخش صنعت این استان است. از معضلات استان، نبود صنایع پیشرفته تبدیلی در بخش کشاورزی و مواد معدنی است که منجر به فروش خام مواد معدنی و محصولات فرآوری نشده در بخش کشاورزی در این استان شده است.
- عدم وجود زیرساخت‌های مناسب جهت انجام صادرات و واردات
- به دلیل نبود آزمایشگاه استاندارد برای صادرات محصولات استراتژیک استان، محصولات صادراتی از گمرکات و سایر مبادی صادراتی، به کشورها صادر می‌گردد که باعث بی نصیب ماندن تولید کنندگان و صادرکنندگان از ارزش افزوده صادراتی و جلوگیری از شکل‌گیری فعالیت‌های خدماتی مرتبط در استان می‌گردد. با توجه به گسترش مبادلات تجاری و ترانزیت در گمرک ماهیرو و بازارچه‌های مرزی، کمبود نیروی انسانی متخصص وجود دارد.
- نبود توان مالی و فنی بالا در بخش خصوصی به منظور شناسایی و اکتشاف ذخایر معدنی سنتی بودن و عدم به کارگیری شیوه‌های نو در بخش کشاورزی به منظور توسعه تجارت
- ضعف فن آوری و بازاریابی در بخش صنعت و معدن در مناطق مرزی
- نبود واحدهای بزرگ و مادر صنعتی و معدنی در مناطق مرزی
- عدم وجود سیاستهای تشویقی و حمایتی در خصوص توسعه صنایع و گسترش مبادلات مرزی
- عدم وجود تأسیسات اقامتی (هتل، مهمان‌پذیر) با کیفیت مناسب در مناطق مرزی
- کمبود زیربنای اصلی لازم شامل شبکه‌های حمل و نقل، گاز، برق و مخابرات در نواحی صنعتی مرزی
- نبود زیرساخت‌های مناسب در شهرک صنعتی و نواحی صنعتی مناطق مرزی

- تعطیل شدن برخی واحدهای تولیدی به دلیل مشکلات مالی مانند تعطیلی واحدهای سنگبری شهرستانهای مرزی علیرغم وجود پتانسیل بالای معدنی بویژه در حوزه سنگهای گرانیت
- عدم تجهیز شبکه های زیربنایی متناسب با قابلیت های شهرستان های مرزی استان از جمله شبکه های حمل و نقل، برق، آب و گاز
- عدم وجود کشتارگاه صنعتی به منظور کشتار دام سبک و سنگین در مناطق مرزی علیرغم سطح بالای تولید دام در آن مناطق و امکان واردات دام
- کمبود امکانات زیربنایی ذخیره سازی کالا و خدمات برای صادرات و همچنین برای ذخیره سازی کشف کالاهای قاچاق قطعیت یافته
- توسعه نیافتگی مراکز خرید و فروشگاههای زنجیره ای استان در بازارچه های مرزی
- عرضه کالاهای با کیفیت پایین از گمرکات و بازارچه های مرزی
- ریسک فعالیت های صادراتی به افغانستان
- ضعف دانش تخصص تجار، بازرگانان و فعالان اقتصادی
- عدم حمایت از پپله وران
- شکل گیری فعالیت های اقتصاد پنهان و پدیده قاچاق کالا
- نبود توازن تجاری با کشور افغانستان
- عدم ثبات در تصمیمات مرتبط با تجارت خارجی در افغانستان به دلیل نبود دولت مرکزی مقتدر در این کشور
- بسته شدن یکطرفه بازارچه های مرزی از سوی کشور افغانستان
- ممنوعیت ورود برخی کالاهای ایرانی از سوی کشور افغانستان در گذشته و یا اعمال محدودیت در بازه های زمانی مختلف
- دوری استان از مراکز عمده تولید
- عدم عضویت افغانستان در کنوانسیون های مشترک گمرکی و حمل و نقلی و عدم التزام به رعایت برخی قوانین
- محدود بودن کالاهای صادراتی و عدم تنوع و انعطاف پذیری صادرات
- محدود بودن مقاصد صادراتی استان
- عدم لحاظ شدن معافیت های مالیاتی برای تعاونی های مرزنشین در استان ها
- عدم رونق مبادلات مرزنشینی در استان خراسان جنوبی با توجه به شرایط موجود

- محدودیت های موجود در رابطه با عدم امکان واردات اقلام مورد نیاز ( عمدتا محصولات کشاورزی و آب بر) از کشور افغانستان و عدم توازن در مبادلات تجاری دو کشور
- کمبود اعتبارات استانی جهت تکمیل زیرساخت های جاده ای و رفاهی با توجه به معبر بودن این استان برای خروج کالا به افغانستان
- عدم استقرار کنسولگری افغانستان در بیرجند با وجود مبادلات تجاری وسیع با این کشور و دارا بودن ۳۳۱ کیلومتر مرز مشترک
- عدم حضور نماینده گمرک افغانستان در بازارچه های مرزی استان ( به غیر از بازارچه ماهیرود- میل ۷۸ ) و در نتیجه عدم استفاده و منتفع نشدن از درآمد حاصل از واردات کالاها به افغانستان
- ضعف زیرساخت ها و محورهای مواصلاتی مرزی و فقدان راه ارتباطی مناسب در کشور افغانستان (مسیر بازارچه ها به داخل افغانستان) که در مواقع بارندگی و ریزش برف موجب تعطیلی بازارچه ها بدلیل عدم امکان تردد تجار افغانی می گردد.
- وجود ناامنی در برخی مسیرهای ارتباطی بازارچه های مرزی به داخل افغانستان که از یکسو برای تجار افغانی محدودیت زمان و نحوه تردد ایجاد می کند ( تردد در روز و بصورت گروهی ) و از سوی هزینه هایی به آنان تحمیل می گردد.
- اخذ عوارض بالا و مبالغ غیر قانونی از رانندگان کامیون های حامل کالاهای صادراتی
- عدم تمایل تولیدکنندگان و صنعت گران خراسان جنوبی به حضور در نمایشگاه های بین المللی
- عدم توجه به انتظارات بخش خصوصی در زمینه توسعه صادرات به کشورهای منتخب از جمله:
  - صدور کالاهای بی کیفیت توسط برخی از تاجران
  - فرسودگی ناوگان حمل و نقل کشور
  - عدم انجام بازاریابی و مطالعات بازار کالاها
  - عدم توان رقابت بنگاه های صادراتی داخلی
  - شبانه روزی نبودن گمرکات
  - عدم پوشش صندوق ضمانت صادرات درخصوص کالاهای صادراتی به افغانستان

### بررسی تجارت استان از منظر نظریه مزیت نسبی

نخستین بار آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل به این اصطلاح اشاره کرده است. اما توضیح مفصل آن توسط ریکاردو ارائه شد. مزیت نسبی به این معنی است که یک کشور با هزینه پایین تر و کیفیت بالاتری نسبت به سایر کشورها توانایی تولید یکسری از کالا و خدمات را دارد. به عنوان مثال کشوری همچون

پاکستان به دلیل دارا بودن زمین کشاورزی مناسب و شرایط آب و هوایی و نیروی کار ارزان توانایی تولید برنج با قیمت پایین را دارد و در عوض کشور آلمان به دلیل داشتن نیروی متخصص و زیرساخت‌های تکنولوژیک، توانایی تولید خودروهای باکیفیت را دارا است. در نتیجه کشور پاکستان در تولید برنج و کشور آلمان در تولید خودرو مزیت نسبی دارد. بنابراین، این دو کشور می‌توانند کالاهایی را که در تولید آن مزیت نسبی دارند، در بازارهای یکدیگر بفروشند و طی این تجارت هر دو کشور سود خواهند کرد. کشور پاکستان نیز به دلیل اینکه زیرساخت مناسب برای تولید خودرو ندارد، تحت این شرایط اقدام به تولید خودرو نخواهد کرد و کشور آلمان نیز بجای تولید برنج که در آن مزیت نسبی ندارد به تولید خودرو ادامه خواهد داد. ریکاردو ادعا می‌کرد که کشورها با تمرکز بر تولید کالا و خدماتی که در آن‌ها مزیت نسبی دارند در تجارت با سایر کشورها موفق‌تر می‌شوند و این کار باعث کسب ثروت برای کشور خواهد شد. زیرا کشوری که در تولید کالا و خدماتی مزیت نسبی نداشته باشد و اقدام به تولید آن‌ها کند باعث اتلاف منابع آن کشور خواهد شد و کالایی که تولید کرده است از لحاظ قیمتی توانایی رقابت با کالای مشابه سایر کشورهایی که در تولید آن کالای خاص مزیت نسبی دارند را نخواهد داشت.

اما سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که آیا در تجارت استان خراسان جنوبی به مزیت نسبی توجه شده است؟ برای پاسخ به این سوال کافی است به جدول زیر نگاهی بیاندازیم:

## اقلام برتر صادراتی خراسان جنوبی

شش ماهه اول ۱۴۰۲			۱۴۰۱			۱۴۰۰		
نام کالا	ارزش	درصد	نام کالا	ارزش	درصد	نام کالا	ارزش	درصد
صیفی جات	۳۶	۲۹.۸	سیمان	۱۷.۲۶	۱۵.۶	سیمان	۱۱.۵۷۴	۱۴.۶
سیمان	۱۱	۹.۱	گازوئیل	۱۴.۱۶۲	۱۲.۸	هیدروکربن سبک	۱۱.۴۳۶	۱۴.۵
هیدروکربن سبک	۹	۷.۴	صیفی جات	۱۵.۱۸۸	۱۳.۷	روغن سوخت تقطیری	۱۰.۴۸۵	۱۳.۳
کاشی و سرامیک	۸	۶.۶	روغن سوخت تقطیری	۱۲.۰۹۲	۱۰.۹	صیفی جات	۸.۴۰۱	۱۰.۶
گازوئیل	۵	۴.۱	هیدروکربن سبک	۱۱.۱۳۶	۱۰.۱	گازوئیل	۵.۸۳۱	۷.۴
جمع	۶۹	۵۷.۰	جمع	۶۹.۸۳۸	۶۳.۰	جمع	۴۷.۷۲۷	۶۰.۴
دیگر اقلام صادراتی	۵۲	۴۳.۰	دیگر اقلام صادراتی	۴۰.۹۶۶	۳۷.۰	دیگر اقلام صادراتی	۳۱.۲۹۴	۳۹.۶
کل صادرات	۱۲۱	۱۰۰	کل صادرات	۱۱۰.۸۰۴	۱۰۰	کل صادرات	۷۹.۰۲۱	۱۰۰

منبع: گمرک خراسان جنوبی

همانطور که از جدول فوق مشخص است، پنج قلم برتر صادراتی استان، حدود ۶۰ الی ۶۵ درصد از کل صادرات استان را تشکیل می‌دهند که بخش اعظمی از تجارت استان را نشان می‌دهد. این در حالی است که استان خراسان جنوبی در اقلام مختلفی دارای مزیت نسبی هست که در بخش تجارت چندان به آن توجه نشده است. به عنوان مثال استان خراسان جنوبی بزرگترین تولید کننده زرشک دنیا است. اما صادرات زرشک بسیار محدود هست و عمده صادراتی هم اگر از استان به سایر استان‌ها انجام می‌شود، به صورت فرآوری نشده است. این در حالی است که اگر این محصول فرآوری شود، هم می‌تواند ارزش افزوده بیشتری خلق نماید و هم نگهداری و انبارداری آن راحتتر خواهد بود و بسیاری از هزینه‌ها را کاهش خواهد داد. در زمینه مواد معدنی نیز همین موضوع صادق است و بنظر چندان به مسئله مزیت نسبی توجه نشده است. البته منظور از مزیت نسبی، صرفا صادرات مواد خام معدنی نیست، بلکه لازم هست در ابتدا از طریق فرآوری مواد معدنی آن‌ها را به کالاهای صنعتی تبدیل نمود تا هم اشتغال بیشتر شود و هم ارزش افزوده و درآمد افزایش یابد، سپس بر اساس مزیت نسبی آن را صادر نمود.

## تنوع صادراتی استان

ترکیب صادرات از مهم‌ترین موضوعات تجارت خارجی است. منظور از متنوع سازی صادرات افزایش تعداد کالاهای صادراتی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی می‌باشد. نبود تنوع صادراتی و تمرکز بر صادرات چند کالای محدود و یا مواد خام، اقتصاد را به درآمدهای صادراتی حاصل از آن‌ها وابسته می‌سازد و هرگونه اعمال فشاری از این ناحیه می‌تواند کل سیستم اقتصاد را دچار اختلال کند. اما تنوع صادراتی بالا به عنوان عامل ضربه گیر در مقابل شوکهای خارجی عمل نموده و نوسانات وارده بر متغیرهای کلان از جمله رشد اقتصادی را تا حدودی تعدیل می‌سازد و اینگونه می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر برای تثبیت و پایداری رشد اقتصادی و کاهش نوسانات اقتصاد را یاری دهد. در واقع متنوع سازی صادرات می‌تواند نوسانات درآمدهای صادراتی را کاهش دهد زیرا با تنوع صادراتی سبد کالایی صادرات همچون پرتفوی عمل کرده، ریسک را کاهش می‌دهد. بنابراین درجه وابستگی کشور یا استان به صادرات یک محصول خاص می‌تواند آن کشور یا استان را در مبادلات جهانی آسیب پذیر کرده و امنیت اقتصادی کشور را تهدید نماید. بعبارتی، متنوع سازی صادرات سیاستی مفید، مؤثر و بهینه برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد و کاهش ضربه پذیری است. از آنجا که حجم بالایی از صادرات استان صرفاً محدود به چند قلم کالا می‌باشد (بطور نمونه بر اساس جدول بخش قبلی حدود ۶۰ الی ۶۵ درصد صادرات استان محدود به ۵ قلم کالا هست)؛ باعث وابستگی بالای استان به این اقلام صادراتی شده است. بنابراین، لازم است برای فراهم سازی توسعه اقتصادی به متنوع سازی سبد صادراتی توجه ویژه گردد تا از این طریق هم میزان ارز حاصل از صادرات استان افزایش و هم باعث ثبات بیشتر منابع درآمدی استان گردد. علاوه بر این ایجاد تنوع در صادرات کالاها باعث ایجاد انگیزه و تکاپوی بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود و از این نظر اقتصاد می‌تواند گامی اساسی در جهت خودکفایی کالاهای سرمایه ای بردارد. در ادامه میزان صادرات استان بر حسب گروه کالایی در سال ۱۴۰۱ قابل مشاهده است.

## میزان صادرات استان بر حسب گروه کالایی در سال ۱۴۰۱

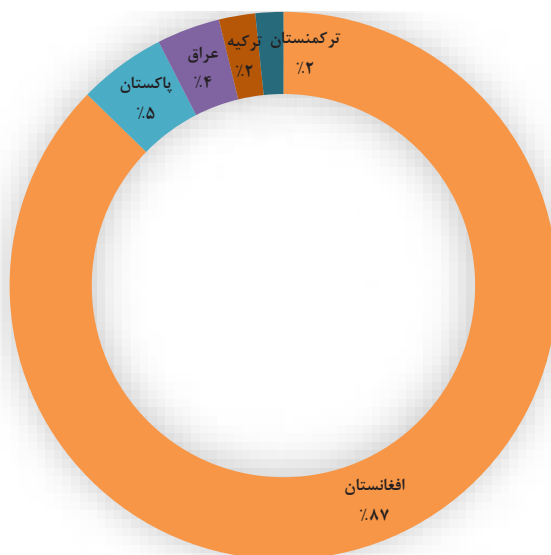
گروه کالایی	کالا	ارزش (هزار دلار)	درصد
حیوانات زنده، محصولات حیوانی	قره قروت-وجه یک روزه گوشتی-تخم مرغ-خامه	۱,۲۷۳	۰.۸۵۵۳
محصولات نباتی	خرما-نخود خام-صیفی جات-زعفران	۵۲,۱۰۷	۳۵.۰۰۷۸
چربی ها و روغن های حیوانی یا نباتی، فرآورده های...	روغن (کالاهای عبات عالیات)	۰.۱	۰.۰۰۰۱
محصولات صنایع غذایی، نوشابه ها، آبگون های الکلی و ...	ماکارونی-سویا خوراکی-لواشک-کمپوت	۵,۹۵۴	۴.۰۰۰۲
محصولات معدنی	گازوئیل-سیمان-نمک-خاک بنونیت	۶۰,۴۲۱	۴۰.۵۹۳۵
محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن	شامپو-صابون-مایع ظرفشویی-رنگ ساختمانی	۴,۲۹۸	۲.۸۸۷۶
مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد، کانوچو و اشیاء	مصنوعات پلاستیکی-لاستیک سواری-فوم-طافه نایلون	۴,۵۳۶	۳.۰۴۷۵
پوست خام، چرم، پوست های نرم و اشیای ساخته شده از این مواد، اشیاء	کیف-ساک نوزاد-پوشاک نوزاد-کریر	۴۷۷	۰.۳۲۰۵
چوب و اشیای چوبی، زغال چوب، چوب پنبه و اشیای چوب پنبه ای ...	ام دی اف-تنوپان-ورق رویه درب-درب ملامینه	۱,۵۹۷	۱.۰۷۲۹
خمیر چوب یا سایر مواد البافی سلولزی، کاغذ یا مقوا برای بازیافت	کارتن خالی-کاغذ تست لاینر-پاکت و کاغذ چاپ شده بسته بندی زعفران	۴۹	۰.۰۳۲۹
مواد نسجی و مصنوعات از این مواد	پشم دباغی شده-پوشاک-موکت-پارچه	۵,۷۴۴	۳.۸۵۹۱
کفش، کلاه، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی شو، شلاق و تازیانه	کفش-رویه کفش-پر مرغ	۱,۴۱۹	۰.۹۵۳۳
مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان، پنبه نسوز، میکا یا از مواد همانند	کاشی-ظروف شیشه ای-ایزوگام-چینی آلات بهداشتی	۷,۸۲۷	۵.۲۵۸۵
فلزات معمولی و مصنوعات آنها	مصنوعات فلزی-شمش چدن-مفتول گالوانیزه-میخ فلزی	۲,۰۲۸	۱.۳۶۲۵
ماشین آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی، اجزاء و قطعات آن ها	فن تهویه-دستگاه تصفیه آب-دستگاه بلوکه زنی-شیر آلات ساختمانی	۹۴۷	۰.۶۳۶۲
وسایل نقلیه زمینی، هوایی، آبی و تجهیزات ترابری مرتبط به آن ها	لوازم یدکی	۴۹	۰.۰۳۲۹
اسلحه و مهمات، اجزاء و قطعات و متفرعات آن ها	ساقچه تفنگ بادی	۸۴	۰.۰۵۶۴
کالاها و مصنوعات گوناگون	توپ ورزشی-توپ فوتبال	۳۴	۰.۰۲۲۸

منبع: آمارنامه گمرک استان خراسان جنوبی

## مقاصد صادراتی استان

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزه تجارت برای توسعه اقتصادی مطرح می‌شود، افزایش صادرات می‌باشد. اما نباید از یک نکته غافل شد. برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی، افزایش صادرات مهم هست اما کافی نیست. آنچه که اهمیت زیادی دارد وجود مقاصد صادراتی متعدد و مطمئن می‌باشد. چرا که وجود بازارهای صادراتی محدود دارای ریسک بالایی هست و اگر بازارهای صادراتی بنا به دلایل مختلفی مانند تحریم، جنگ، ناامنی، بحران مالی و غیره دچار مشکل شوند، حجم زیادی از صادرات از دست می‌رود و درآمد های استان محدود و رشد اقتصادی منفی می‌شود.

اگر به سهم ارزشی صادرات به کشور های هدف صادراتی استان در نمودار نگاهی ببندیم، خواهیم دید که کشور افغانستان با ۸۷ درصد سهم ارزشی کالاهای صادراتی استان، بعنوان اولین و بزرگترین بازار هدف صادراتی استان در سال ۱۴۰۱ بوده است. کشور پاکستان دومین بازار هدف صادراتی استان با ۵ درصد سهم ارزشی کالاهای صادراتی، عراق سومین بازار هدف صادراتی استان با ۴ درصد سهم، ترکیه و ترکمنستان هر کدام با ۲ درصد سهم به ترتیب چهارمین و پنجمین مقصد کالاهای صادراتی استان را به خود اختصاص داده اند.



نمودار ۱۰-۲. سهم ارزشی صادرات به کشورهای هدف صادراتی استان

ماخذ: اداره کل گمرکات استان

همانطور که مشخص است استان خراسان جنوبی از منظر مقاصد صادراتی به شدت محدود هست. بطوریکه نزدیک به ۹۰ درصد صادرات استان به کشور افغانستان می‌باشد. این در حالی است که این مقصد صادراتی به دلیل ناامنی‌های داخلی و جنگ به شدت ریسکی می‌باشد و هر لحظه امکان دارد حجم صادراتی استان بنا به دلایل مختلفی دچار نوسانات شدید شود. بنابراین، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های توسعه‌ای استان باید افزایش مقاصد صادراتی مطمئن باشد.

### نظریه تجارت پریش؛ مطالعه موردی استان خراسان جنوبی

بررسی یک

نظریه

نظریات پریش درباره تجارت بین‌الملل برخلاف سیاست تجاری کلاسیک مبتنی بر نظریه مزیت نسبی بود. اقتصاددانان کلاسیک بیان می‌کردند که در صورتی که در نبود تجارت، قیمت نسبی دو کالا در

دو کشور متفاوت باشد، هر دو کشور از تجارت این کالاها در یک قیمت نسبی میانه منفعت خواهند برد و تجارت کالاها منجر به کاهش تفاوت‌های بین‌المللی در نرخ دستمزد و اجاره خواهد شد (البته تاکید پریش بر صادرات مواد خام و فرآوری نشده بود). بر اساس این نظریه، هر کشور در تولید کالایی که در آن بیشترین کارایی را دارد تخصص می‌یابد. در نتیجه، کشورهای آمریکای لاتین و دیگر مناطق کمتر توسعه‌یافته، در تولید کالاهای ابتدایی مانند مواد غذایی (شکر، میوه‌های استوایی و قهوه) و مواد اولیه (مس و قلع) تخصص می‌یابند و ایالات متحده و دیگر کشورهای پیشرفته در تولید کالاهای صنعتی (کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات) تخصص می‌یابند. تجارت بین‌الملل باعث توزیع این کالاها و همچنین منافع تخصص بین‌المللی و تقسیم نیروی کار در سطح جهانی می‌شود. رانول پریش این نظریه را به چالش کشید و آنچه امروزه به عنوان نظریه پریش شناخته می‌شود را مطرح کرد. او ادعا کرد که منافع تجارت بین‌الملل و تخصص‌گرایی به شکل عادلانه میان کشورها توزیع نمی‌شود و کشورهای پیشرفته صنعتی منافع به شدت بیشتری از مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان به‌دست آورده‌اند، چراکه قیمت نسبی صادرات کالاهای تولیدی از کشورهای صنعتی در حال افزایش بود و قیمت نسبی صادرات کالاهای ابتدایی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته رو به کاهش بود. در حقیقت، پریش معتقد بود که کشش درآمدی تقاضای مواد خام کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشش درآمدی تقاضای کالاهای صنعتی کشورهای در حال توسعه کمتر است. بنابراین، از آنجا که به مرور زمان درآمد کشورها روند رو به رشدی دارد؛ افزایش تقاضا برای کالاهای صنعتی توسط کشورهای در حال توسعه نسبت به افزایش تقاضا برای مواد خام و کالاهای اولیه توسط کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است که منجر به افزایش بیشتر قیمت کالاهای صنعتی نسبت به مواد خام و اولیه

می‌گردد. از طرفی، به مرور زمان معمولاً منابع جدیدی کشف می‌شود و یا منابع جایگزینی با استفاده از دانش یا تکنولوژی تولید می‌شود و تقاضا برای مواد خام کاهش می‌یابد ولی به دلیل عواملی مانند افزایش کیفیت کالاها، قدرت اتحادیه کارگری، قدرت انحصاری شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته، قیمت کالاهای صنعتی افزایش می‌یابد. لذا رابطه تجاری به نفع کشورهای توسعه‌یافته و به ضرر کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

آقای پربیش به این نتیجه رسید که شرایط تجاری برای دهه‌ها به ضرر کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورهای کمتر توسعه‌یافته حرکت کرده بود. پربیش باور داشت کشورهای کمتر توسعه‌یافته با تجارت با کشورهای پیشرفته، به تولیدکننده کالاهای ابتدایی برای آنان تبدیل می‌شوند، امری که او از آن با عنوان رابطه «مرکز- حاشیه» نام می‌برد. بنا بر این نظریه، کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیروی کار و مواد اولیه ارزان در بازار جهانی ارائه می‌دهند. کشورهای پیشرفته با خرید این نهاده‌ها، کالاهای گوناگون تولید می‌کنند و آن را به قیمت بالا به کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌فروشند و سرمایه‌ای را که این کشورها می‌توانستند برای توسعه خود به کار برند از آنان خارج می‌کنند. نتیجه این امر به باور پربیش، چرخه معیوبی خواهد بود که تقسیم جهان به یک هسته ثروتمند و یک حاشیه فقیر را نهادینه خواهد کرد. پربیش این نظریه را با مشاهده شاخص‌های مختلف قیمت صادرات و واردات در بازه سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۷۴ ارائه کرد. او بیان کرد که کاهش نسبی قیمت صادرات به واردات برای آرژانتین به دلیل تقاضا و اثرات نابرابر تغییرات تکنولوژیک بوده است. تقاضا برای کالاهای صادراتی کشورهای کمتر توسعه‌یافته، که شامل کالاهای ابتدایی است، با نرخ پائینی افزایش می‌یابد، درحالی‌که تقاضا برای کالاهای تولیدی کشورهای پیشرفته با نرخ بالایی افزایش می‌یابد. در نتیجه، قیمت صادرات کالاهای تولیدی، که واردات آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهد، با نرخ بالاتری از قیمت صادرات کالاهای ابتدایی، که صادرات آمریکای لاتین است، افزایش می‌یابد.

با توجه به مباحثی که در فصل اول و دوم مطرح شد، استان خراسان جنوبی دارای منابع معدن بسیار زیادی است اما صنایع چندانی در استان فعالیت ندارند. اکثر مواد معدنی که در استان استخراج می‌شوند به سایر استان‌ها برای فرآوری منتقل می‌شوند. به عنوان مثال، سنگ گرانیت که از معادن استان خراسان جنوبی استخراج می‌شود، بدون هیچ فرآوری مستقیماً به استان اصفهان منتقل می‌شود و فرآیند فرآوری در آنجا انجام می‌شود. این درحالی است که برخی از واحدهای تولیدی مواد معدنی در نهبندان و سربیشه با مشکلات زیادی مواجه هستند و برخی از آن‌ها رو به تعطیلی هستند. همچنین، بخش زیادی از باطله‌های مواد معدنی که در بسیاری از کشورها مجدداً مورد استفاده قرار می‌گیرند،

در استان استفاده و فرآوری نمی‌شوند. به عنوان مثال، می‌توان از ضایعات معدنی برای تولید بتن سبز استفاده نمود. با توجه به نظریه پربیش، انتقال مواد معدنی به صورت خام و بدون فرآوری به سایر استان‌ها به ضرر استان خراسان جنوبی و به نفع استان‌های مقصد می‌باشد. به عبارتی به مرور زمان، رابطه تجاری در مواد معدنی برای استان خراسان جنوبی کاهشی و برای استان‌های مقصد افزایشی است. این شرایط برای محصولات کشاورزی مانند زرشک هم وجود دارد. صادرات زرشک در استان بیشتر به صورت فله‌ای، خام و بدون فرآوری به سایر استان‌ها و سایر کشورها انجام می‌شود. این در حالی است که بسیاری از شرکتهای خارج از استان همین زرشک را فرآوری می‌کنند و مجدداً کالای فرآوری شده را به استان ارسال می‌کنند. همانطور که اشاره شد صادرات به صورت خام و فرآوری نشده به مرور زمان باعث کاهش رابطه تجاری و به ضرر استان خواهد بود. لذا باید تدابیری جهت فرآوری مواد خام معدنی و محصولات کشاورزی اندیشیده شود.

### نظریه هکشر – اوهلین؛ آیا این نظریه برای تجارت خراسان جنوبی تایید می‌شود؟

یکی از نظریات مطرح در حوزه تجارت بین‌الملل نظریه هکشر- اوهلین است. این نظریه بیان می‌کند هر کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عامل به نسبت فراوان و ارزان دارد و در مقابل کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد. مصداق این نظریه در مورد الگوی تجارت خارجی چین به این صورت است که وفور نسبی نیروی کار و پایین بودن سطح دستمزدها در چین نسبت به طرفهای تجاریش باعث کاربر شدن تولید و به تبع آن ایجاد مزیت نسبی در صدور کالاهای کاربر برای چین در عرصه تجارت بین‌الملل شده است.

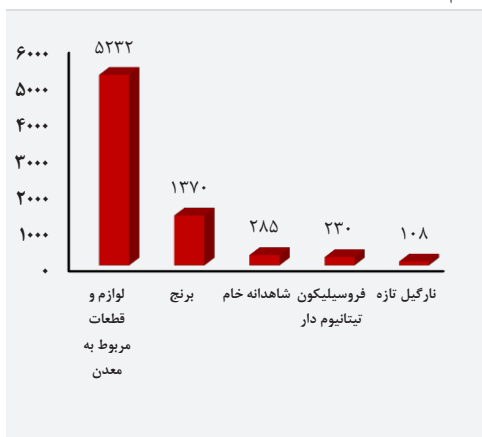
بعبارتی، هکشر و اوهلین در توضیح دلایل تفاوت میان قیمت نسبی کالاها در دو کشور، نظریه مکملی را ارائه می‌کنند که در آن دلیل این اختلاف را تفاوت در استعدادهای عوامل تولید، تکنولوژی و یا ذائقه مردم کشورها بیان می‌دارند. هکشر- اوهلین برخلاف مدل ریکاردو که صرفاً بر جانب عرضه تأکید دارد؛ دو سوی بازار یعنی عرضه و تقاضا را مورد توجه قرار می‌دهد. به گونه ای که اختلاف در استعدادهای عوامل تولید یا تکنولوژی، به اختلاف در امکانات تولید و عرضه یک کشور منجر می‌شود و اختلاف در ذائقه و سلیقه مردم وضعیت تقاضا را مشخص نموده و در نهایت منجر به تعیین قیمت عوامل تولید و محصول می‌گردد.

هر یک از تفاوت‌های مزبور به تنهایی و یا با یکدیگر، می‌توانند مبنای تجارت متقابل قرار گیرند. بر طبق نظریه هکشر-اوهلین هر کشور به صدور کالایی اقدام خواهد کرد که عوامل تولید نسبتاً ارزان و فراوانی را برای تولید آن در اختیار داشته باشد و کالایی را وارد خواهد کرد که در تولید آن مجبور است عوامل تولید نسبتاً گران و کمیاب به کار برد. به عبارت دیگر شدت استفاده از عوامل تولید گران‌تر یا ارزان‌تر در تولید یک کالا، نوع کالای وارداتی و صادراتی هر کشور را تعیین کرده و با توجه به اختلاف در قیمت عوامل میان کشورها، تجارت بین آن‌ها میسر می‌گردد.

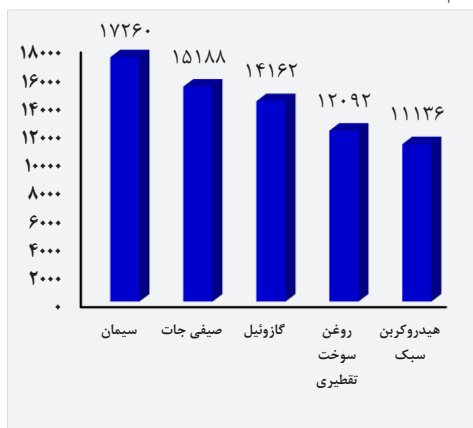
اما آیا این نظریه برای استان خراسان جنوبی نیز تایید می‌شود؟ با توجه به نمودار زیر، استان خراسان جنوبی سرشار از منابع معدنی و همچنین محصولات کشاورزی نظیر زرشک، زعفران و عناب می‌باشد. عمده صادرات استان مربوط به مواد معدنی و صیفی جات هست. در خصوص معادن با توجه به گستردگی بالای ذخایر معدنی و وفور این منابع، کاملاً منطبق با این نظریه می‌باشد. با این حال، در خصوص کالاهای کشاورزی یکی از مهم‌ترین محصولاتی که استان تولید می‌کند زرشک می‌باشد اما جزء مهم‌ترین اقلام صادراتی کشاورزی نیست. البته همانطور که قبلاً هم بحث شد، صادرات هنگامی باعث توسعه اقتصادی می‌شود که به صورت کالای ساخته شده باشد نه مواد خام و فرآوری نشده. بنابراین، هرچند اقلام معدنی جزء اقلام برتر صادراتی هستند، اما صادرات مواد خام معدنی نمی‌تواند چندان به توسعه استان کمک کند و لازم است فرآوری‌های لازم در این بخش انجام شود. در خصوص واردات نیز، عمده واردات استان مربوط به لوازم و قطعات مربوط به معدن می‌باشد. با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی یک استان معدنی است، این واردات منطقی است. به عبارتی، استان خراسان جنوبی استانی دارای نیروی کار فراوان و سرمایه اندک می‌باشد. بنابراین، با توجه به قضیه هکشر-اوهلین استان خراسان جنوبی به دلیل وفور نیروی کار باید کالاهای کاربر را صادر و در عوض به دلیل کمبود سرمایه، کالاهای سرمایه‌بر را وارد کند. تا حدودی این شرط برای استان برقرار است. اقلام برتر صادراتی استان خراسان جنوبی بیشتر کاربر هستند. همانطور که اشاره شد مواد معدنی جز اقلام برتر صادراتی استان هستند. موضوعی که در خصوص اقلام صادراتی معادن استان مطرح می‌باشد این است که اکثر معادن استان صرفاً در حد استخراج هستند که بیشتر کاربر می‌باشد و فرآوری زیادی روی آن‌ها به دلیل کمبود سرمایه انجام نمی‌شود. لذا مواد معدنی صادراتی استان (به دلیل عدم فرآوری زیاد آنها) غالباً کاربر هستند. همچنین صیفی جات جز کالاهای کاربر می‌باشند. در عوض، اقلام وارداتی استان اغلب ماشین آلات مربوط به معادن هستند که فقط این قلم حدود ۶۸ درصد از واردات استان را در سال ۱۴۰۱ به خود اختصاص داده است. این اقلام بیشتر کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستند که بیشتر

جنبه کالاهای سرمایه‌بر طبقه بندی می‌شوند. بنابراین مطابق با نظریه هکشر-اوهلین خراسان جنوبی به دلیل کمبود منابع درآمدی و سرمایه‌ای اقدام به واردات کالاهای سرمایه‌بر می‌کند و در عوض به دلیل فراوانی نیروی کار، کالاهای کاربر را صادر می‌نماید که با نظریه هکشر-اوهلین تطابق زیادی دارد.

اقلام عمده کالای وارداتی استان در سال ۱۴۰۱ (هزار دلار)



اقلام عمده کالای صادراتی استان در سال ۱۴۰۱ (هزار دلار)



منبع: اداره کل گمرکات استان

### معمای لئونتیف؛ آزمون نظریه هکشر-اوهلین

#### بررسی یک نظریه

یکی از نظریات مطرح در حوزه تجارت بین‌الملل نظریه هکشر-اوهلین است که اولین آزمون تجربی این مدل با استفاده از جدول داده - ستانده اقتصاد آمریکا توسط واسیلی لئونتیف انجام شد. از آنجا که

آمریکا نسبت به سایر کشورهای جهان کشوری با وفور نسبی سرمایه محسوب می‌شد وی انتظار داشت صادرات آمریکا کالاهای سرمایه‌بر و واردات آن کالاهای کاربر باشد؛ اما نتیجه آزمون مغایر با آنچه هکشر - اوهلین پیش بینی می‌کرد، کسب شد که این مغایرت به «معمای لئونتیف» معروف شد. برای حل این معما تلاش‌های زیادی توسط لئونتیف صورت گرفت. بعدها اقتصاددانان گوناگونی از جمله پیتر کتن درصدد رفع این معما برآمدند و علت تناقض را بیشتر در مورد سرمایه انسانی یا نیروی کار متخصص در آمریکا دانسته‌اند.

لئونتیف بیان کرد که این نتیجه ممکن است ناشی از این حقیقت باشد که نیروی کار آمریکا (سه برابر) کارآمدتر یا ماهرتر از نیروی کار در بقیه جهان است. بنابراین، اگر نیروی کار برحسب واحدهای کارایی محاسبه شود؛ در این صورت آمریکا نیروی کار فراوان تری نسبت به بقیه جهان دارد. گرچه

بعدها خود وی این دلیل را قانع کننده ندانست؛ اما پژوهشگران بعدی بر مفهوم سرمایه انسانی انگشت تأکید نهادند. این پژوهشگران اصلی ترین علت بروز معمای لئونتیف را عدم تفکیک دقیق بین سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی دانستند. نتیجه آنکه چون نیروی کار آمریکا دارای سرمایه انسانی بیشتری نسبت به سایر کشورهاست، افزودن عامل سرمایه انسانی به سرمایه فیزیکی باعث می شود صادرات آمریکا نسبت به واردات رقابتی، بیشتر سرمایه بر شود. بررسی آزمون های تجربی نظریه هکشر - اوهلین تاحدودی درباره معمای لئونتیف و تحلیل آن صورت گرفته است.

### استراتژی های توسعه اقتصادی<sup>۱</sup>

استراتژی به مفهوم دستورالعمل بلندمدت و فراگیر است. سیاست به معنی دستورالعمل کوتاه مدت، غیر فراگیر و محدود است که گاهی به جای استراتژی بکار می رود. بیشتر استراتژی ها پسوندی از تجارت خارجی دارند. ایده پردازان این استراتژی ها معتقدند بدون تجارت خارجی توسعه اقتصادی ممکن نیست. زیرا اصل مزیت نسبی موجب بهبود شیوه های تولید و تخصیص بهینه منابع می شود و یک نوع تقسیم کار بین المللی صورت می گیرد. همه این استراتژی ها از بخش صنعت نشأت می گیرند و این یک دلیل تاریخی دارد زیرا کشورهای توسعه یافته در تولید کشاورزی به حد اشباع رسیده اند (لشکری، ۱۳۹۲).

### استراتژی جایگزینی واردات

جایگزینی واردات مستلزم کوشش برای جانشین کردن کالاهای صنعتی که قبلاً وارد می شده از طریق استفاده از منابع تولید و عرضه داخلی است. اولین استراتژی که بشر استفاده کرد استراتژی جایگزینی واردات و اولین کشور انگلستان بود. جایگزینی واردات به معنی توسعه صنعتی از طریق حمایت می باشد. در طول این استراتژی به تدریج کشور تولید داخلی را جایگزین تولیدات مشابه خارجی می کند این عمل لزوماً به معنی محدود کردن واردات نیست بلکه امکان دارد در کوتاه مدت حجم واردات افزایش یابد. در ابتدا هزینه اولیه تولید ممکن است از قیمت کالاهای وارداتی بیشتر باشد. لذا با حمایت گمرکی، تشویق مالیاتی و سرمایه گذاری باید استراتژی را ادامه داد تا به مرحله سود آوری تولید به مقیاس وسیع

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب اقتصاد توسعه لشکری، ۱۳۹۲ مراجعه فرمایید.

و هزینه‌های کم دست یافت. استراتژی جایگزینی واردات لازمه اش آزادی اقتصادی در داخل و کنترل شدید خارجی است.

### تقسیم بندی استراتژی جایگزینی واردات

این استراتژی از دو بعد تقسیم بندی می‌شود یکی از نظر جامعیت و فراگیری و یکی از نظر تأثیر بر نرخ رشد.

#### تقسیم بندی استراتژی جایگزینی واردات از نظر جامعیت و فراگیری

الف) از نظر جامعیت و فراگیری این استراتژی سه نوع است

۱. استراتژی جایگزینی واردات نسبی: کشور از این استراتژی برای تولید یک یا چند محصول استفاده می‌کند و یا برای تولید یک محصول ابتدا بخشی از آن را تولید و مابقی را وارد می‌کند تا پس از طی مراحل بعدی کالا را به طور کامل در داخل تولید نماید.

۲. استراتژی جایگزینی واردات گام به گام: کشور از یک نقطه جایگزینی واردات را شروع می‌کند و به تدریج یک بخش و بعد سایر بخش‌ها را به طور کامل جایگزین واردات مینماید مثلاً ابتدا در صنعت سیمان یا فولادسازی جایگزینی واردات را انجام می‌دهد سپس با استفاده از سیمان، جاده، پل، سد و امور زیربنایی را ایجاد می‌کند و یا با استفاده از صنعت فولاد صنعت اتومبیل را توسعه می‌دهد.

۳. استراتژی جایگزینی واردات مطلق: کشور در یک لحظه تصمیم می‌گیرد تمام کالاها را خودش تولید کند و هیچ کالا یا ماده اولیه ای وارد ننماید. این استراتژی را معمولاً کشورهای انقلابی پس از سقوط دولتهای وابسته و تحت سلطه استعمار اتخاذ می‌نمایند.

#### ب) تقسیم بندی استراتژی جایگزینی واردات از نظر تأثیر بر نرخ رشد

از نظر تأثیر بر نرخ رشد این استراتژی سه نوع است:

۱. استراتژی جایگزینی واردات در جهت تولید کالاهای مصرفی: کشور کالای سرمایه ای و واسطه ای را از خارج وارد و با عوامل تولید داخلی ترکیب و کالای مصرفی مورد نیاز را تولید می‌کند این استراتژی سریع به مرحله تولید می‌رسد و اثر آن بر روی نرخ رشد خیلی سریع ظاهر می‌شود. کشورهایی می‌توانند از این استراتژی استفاده نمایند که ویژگی‌های زیر را دارا باشند:

- منابع ارزی سرشار داشته باشند.
- تقاضا به سرعت در حال افزایش باشد.
- بعضی از منابع تولید مانند نیروی کار متخصص در آن‌ها وجود داشته باشد.
- کشور هدفش تبدیل شدن به سکوی صادرات باشد.

۲. استراتژی جایگزینی واردات در جهت خودکفایی: کشور کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای را از خارج وارد و با استفاده از عوامل تولید داخلی کالای مصرفی و واسطه‌ای را تولید می‌کند. این استراتژی نسبت به استراتژی جایگزینی واردات در جهت تولید کالاهای مصرفی از پشتوانه بیشتری برخوردار است ولی از نظر تأثیر بر روی نرخ رشد به علت تنگنای تولید نسبت به حالت اول کندتر است.

۳. استراتژی جایگزینی واردات در جهت خوداتکایی: کشور فقط کالای سرمایه‌ای وارد می‌کند و با استفاده از عوامل تولید داخلی به تولید کالای سرمایه‌ای در داخل می‌پردازد و با کالای سرمایه‌ای تولید داخل به تولید کالای مصرفی واسطه‌ای و سرمایه‌ای مبادرت می‌نماید. معمولاً کشورها یکی از تقسیم‌بندیهای مربوط به تأثیر بر روی نرخ رشد و یکی از تقسیم‌بندیهای مربوط به جامعیت و فراگیری را انتخاب می‌نمایند.

### استراتژی تشویق صادرات

در این استراتژی بخش صادرات رهبری رشد اقتصادی را بر عهده دارد. کشور تا جایی که امکان دارد تلاش می‌کند مواد اولیه و کالاهای ساخته و نیم ساخته را صادر و ارز لازم برای واردات کالاهای مورد نیاز را تأمین نماید. بخش مجزایی از اقتصاد به نام سکوی صادرات کالاهایی را تولید و صادر می‌کند. ارتباط این بخش با کل اقتصاد ضعیف است. در کشورهای غربی استراتژی تشویق صادرات دنباله استراتژی جایگزینی واردات بوده است. یعنی ابتدا کالا را خودشان مصرف می‌کردند بعد مازاد آن را به سایر کشورها می‌فروختند در حالی که کشورهای جنوب شرقی آسیا مثل کره و هنگ کنگ خودشان مصرف‌کننده نیستند بلکه صادرات مستقل از بخش داخلی اقتصاد صورت می‌گیرد. کشورهای غربی هم سرمایه لازم و هم مواد اولیه لازم را دارند در حالی که کشورهای جنوب شرقی آسیا فاقد مواد اولیه کافی هستند و به علت مزیت نیروی انسانی کمبود مواد اولیه و سرمایه را جبران می‌کنند در این استراتژی کنترل دستمزد در اولویت هر برنامه‌ای قرار دارد پایین بودن دستمزد موجب افزایش عرضه و کاهش تقاضای داخلی می‌شود. استراتژی تشویق صادرات لازمه اش کنترل شدید و انتخاب موضع تک حزبی

در داخل و لیبرال بودن در خارج است یعنی هر کشوری خریدار باشد باید به آن بفروشد. به عبارت دیگر، استراتژی تشویق صادرات لازمه اش آزادی اقتصادی در خارج و کنترل شدید داخلی است.

### استراتژی جایگزینی صادرات

در این استراتژی کشور به جای صدور مواد اولیه مثل نفت به صورت خام، آن را به کالای ساخته و نیم ساخته تبدیل و سپس صادر می نماید تا ارزش افزوده بیشتری به دست آورد. این استراتژی از اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط یونیدو معرفی شد. این استراتژی موردی است و برای همه کشورها قابل توصیه نیست. مزایای آن این است که اولاً ارزش افزوده زیادی ایجاد می کند، ثانیاً قیمت محصولات که تولید می کند از حاشیه امنیت بیشتری برخوردار است، به طور مثال نفت یا هر ماده اولیه اگر به صورت خام صادر شود قیمت را مشتری تعیین می کند ولی اگر به کالای ساخته شده تبدیل شود قیمت را فروشنده تعیین می کند.

در این استراتژی دو مسئله خیلی مهم است:

۱. هزینه تولید: برای تولید کالاهای ثانویه مثل بنزین یا کالاهای پتروشیمی اگر هزینه تولید داخلی از هزینه متوسط جهانی کمتر باشد استراتژی موفق خواهد بود. همچنین هرچه هزینه های مربوط به حمل و نقل کمتر باشد استراتژی موفق تر است.

۲. نوع ماده اولیه: تاکنون سه ماده اولیه چوب، قلع و نفت در استراتژی جایگزینی صادرات موفق بوده اند و بقیه مخصوصاً مواد فسادپذیر ناموفق بوده اند.

### استراتژی اقتصاد باز

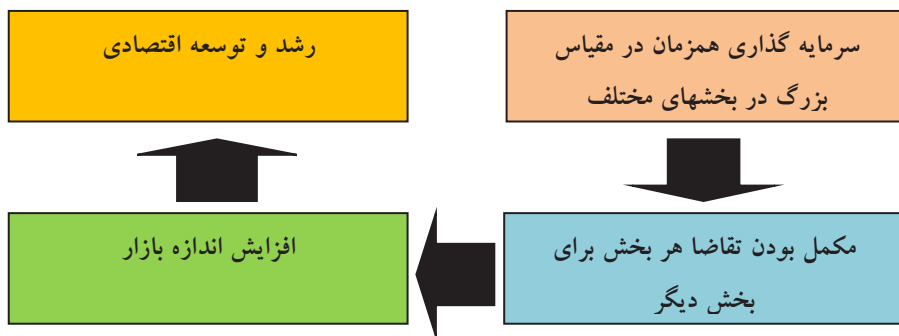
این استراتژی نگاه به خارج دارد. این استراتژی برای تخصیص منابع، متکی به نیروهای بازار و بخش خصوصی است (که نقش برجسته ای را برای آن ایفا می نمایند). اما تاکید بیشتر بر سیاست هایی که مستقیماً بخش تجارت خارجی را تحت تاثیر قرار می دهند، می باشد (مثل سیاست های نرخ مبادله ارز، مقررات تعرفه ای، سهمیه ها و موانع غیرتعرفه ای بر تجارت، و سیاست هایی که سرمایه گذاری خارجی و بازگشت سود این سرمایه گذاری ها به خارج را تنظیم می کنند). تجارت خارجی که اغلب با سرمایه گذاری مستقیم بخش خصوصی خارجی تکمیل می شود، به عنوان بخش پیشتاز یا موتور رشد در نظر گرفته می شود. استراتژی هایی که دارای جهت گیری صادراتی اند، به دنبال استفاده از مزیت نسبی بین المللی

کشور هستند و در همین راستا، به استفاده کارا و اثربخش منابع دست می‌یابند. فشار رقابت بین‌المللی امری حیاتی برای اقتصاد تلقی می‌شود چون انگیزه‌ای قوی در تولیدکنندگان ایجاد می‌کند. استراتژی توسعه با سمت‌گیری خارجی، باید نه تنها سطح درآمد را ارتقا دهد بلکه باید بتواند سطح پس‌اندازها و احتمالاً میزان پس‌اندازها را نیز افزایش دهد. این امر به نوبه خود، نرخ سریع‌تر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد سریع‌تر را امکان‌پذیر می‌نماید. اقتصاد باز نه تنها بر روی تجارت خارجی باز است بلکه بر روی حرکت‌ها و جابجایی‌های عوامل تولید (یعنی سرمایه و کار) نیز باز است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی و کمک‌های خارجی همگی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. نه صرفاً انتقال بین‌المللی سرمایه، بلکه انتقال دانش، فناوری و مهارت‌های مدیریتی به کشورهای درحال توسعه نیز به عنوان افزایش بهره‌وری تلقی می‌شود، چون از این طریق می‌توان به افزایش سطح تولید و رشد سریع‌تر درآمدها دست یافت.

### نظریه فشار بزرگ یا رشد متعادل (متوازن) اقتصادی روزن اشتاین رودن

این نظریه روزن اشتاین اشاره دارد که با سرمایه‌گذاری کم در تمامی بخش‌ها یا سرمایه‌گذاری زیاد تنها در یک بخش اقتصاد رشد و توسعه پیدا نمی‌کند و برای رشد باید فشار بسیار بزرگی به اقتصاد وارد بشود تا بتوان به نتیجه مطلوب برسد. نظریه رشد متعادل یا فشار بزرگ به معنی برنامه ریزی جامع و کامل سرمایه‌گذاری برای رفع موانع موجود بر سر راه توسعه اقتصادی کشورهای در حل گذر است. البته رودن فعالیت اقتصادی دولت را مشروط و موقتی می‌داند و می‌گوید وقتی دولت اقتصاد را از رکود خارج کرد و دوران شکوفایی اقتصاد آغاز شد بخش خصوصی جایگزین دولت می‌شود. رشد بخش‌های اقتصادی به یکدیگر ارتباط دارد و هر کدام از بخش‌ها می‌توانند محصولات بخش‌های دیگر را جذب نمایند. رودن معتقد بود که برای طی فرایند توسعه، یک حداقل سرمایه لازم است. وی برنامه توسعه را به هواپیما تشبیه می‌کند و می‌گوید برای پرواز یک هواپیما یک باند فرودگاه، برج مراقبت، خلبان، کمک خلبان و سایر نیروهای خدماتی لازم است و بدون آن‌ها هواپیما پرواز نمی‌کند لذا برای توسعه اقتصادی یک حداقل سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های زیر بنایی شبکه راه‌ها، مخابرات، برق، آب، گاز و بهداشت لازم است. به این دلیل نظریه وی را نظریه فشار بزرگ می‌گویند چون موجب رشد تمام بخش‌ها می‌شود. این نظریه به نظریه رشد همه جانبه معروف است (نورکس، ۱۹۹۶؛ هالیس چنری، ۱۹۸۸).

روند توسعه اقتصادی طبق نظریه رشد متوازن



منبع: نورکس، ۱۹۹۶

### نظریه رشد نامتعادل (نامتوازن) هیرشمن

هیرشمن، تئوری رشد متعادل را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او در تئوری رشد نامتعادل خود عنوان می‌کند که هیچ کشور در حال توسعه‌ای وجود ندارد که به اندازه کافی سرمایه و دیگر منابع را در اختیار داشته باشد که آن را صرف سرمایه‌گذاری هم‌زمان در تمام بخش‌های اقتصادی کند. هیرشمن اعتقاد دارد که سرمایه‌گذاری بایستی در صنایع یا بخش‌های منتخب اقتصادی صورت گیرد. در این شرایط منافع سرمایه‌گذاری در آن دسته از صنایع و بخش‌های اقتصادی که حداکثر فایده اجتماعی را ایجاد می‌کنند، می‌تواند منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها را فراهم کند. در این شرایط، اقتصاد به طور سیستماتیک و تدریجی رشد خواهد کرد. بنا بر این، سرمایه‌گذاری در وهله اول باید در آن دسته از بخش‌های اقتصاد که پیوندهای پسین و پیشین بیشتری با سایر بخش‌ها دارند، صورت گیرد و، سپس، این بخش‌ها سایر بخش‌های اقتصاد را به دنبال خود خواهند کشید. سیاستی که برای گذار از تنگنای توسعه در این میان توصیه می‌شد، سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های اجتماعی بالاسری بود که به نوبه خود موجب ایجاد فضایی برای فعالیت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود و افزایش بهره‌وری کل ساختار اقتصاد را در پی خواهد داشت. این فرآیند در نهایت موجب تقویت و گسترش تقاضا و سرمایه‌گذاری مکمل می‌شود.

## استراتژی سوسیالیستی توسعه

وجه تمایز این استراتژی با دیگر استراتژی‌ها در کمرنگ بودن نقش مالکیت خصوصی تولید است. تقریباً تمامی شرکت‌های بزرگ، دولتی هستند و شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند براساس اصول تعاونی‌ها سازماندهی گردند و به فعالیت بپردازند. مالکیت خصوصی تنها در کسب‌وکارهای کوچک (خدماتی یا فروشگاهی) وجود دارد. در کشاورزی نیز، مزارع دولتی، اشتراکی، تعاونی و جمعی وجود دارند، هرچند در بعضی کشورها همچون چین، زمینی که مالکیت جمعی دارد منفرداً توسط خانوارهای روستایی مورد کشت قرار می‌گیرد.

مالکیت دولتی و اشتراکی دارایی‌های مولد معمولاً با برنامه‌ریزی متمرکز اغلب فعالیت‌های اقتصادی همراه است. از بعد تاریخی، اکثر برنامه‌ریزی‌ها برحسب کالاها و اجناس انجام می‌شود (سهیمیه‌ها و کنترل‌های مقداری، ابزار سیاستی اصلی هستند)، اما برخی تجربیات جدید نیز وجود داشته است که در آن‌ها به جای هدف‌های مقداری، از قیمت‌ها برای هدایت اقتصاد استفاده شده است. کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر تفاوت دارند بطوریکه می‌توان چهار روش مختلف توسعه اقتصادی را که از سوی حکومت‌های سوسیالیستی در زمان‌های مختلف پذیرفته شده است، شناسایی نمود. این چهار روش عبارتند از:

- الگوی کلاسیک شوروی (یا استالینیست)، که در آن به منظور تامین مالی گسترش سریع صنایع مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، کشاورزی تقویت می‌گردد.
  - الگوی خودگردانی کارگران یوگسلاوی، که درجه بالایی از عدم تمرکز با خود دارد.
  - الگوی چینی (مائوئیست)، که تاکید عمده آن بر توسعه روستایی در قالب مزارع اشتراکی است.
  - الگوی کره شمالی، که مبتنی بر خودکفایی (اتکا به خود) است.
- علی‌رغم تنوع موجود، تمامی این استراتژی‌های توسعه را می‌توان با نرخ‌های بالای سرمایه‌گذاری شناخت.

## استراتژی بهره‌برداری از منابع

یکی دیگر از استراتژی‌های مربوط به توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه استراتژی بهره‌برداری از منابع است. این استراتژی منجر به تحکیم روابط بین صنایع می‌گردد. کشورهای در حال توسعه پس از شناخت امکانات و منابع خود می‌توانند این استراتژی را برگزینند و از آنجائیکه اتکاء این استراتژی به منابع

است، باعث خوداتکایی و رشد خودنگهدار می‌شود. مهم‌ترین رشته ای که در استراتژی بهره‌برداری از منابع مطرح است صنایع مربوط به کشاورزی است. این صنایع به دلیل اینکه مواد اولیه آن حتماً باید در کشور موجود باشد از اولویت برخوردارند ولی موضوعیت ندارند. استراتژی بهره‌برداری از منابع مانند استراتژی نیازهای اساسی به تأمین اساسی ترین نیازها جمعیت اهمیت می‌دهد. برنامه‌ریز در توصیه این استراتژی باید به نکات زیر توجه داشته باشد

۱- اطلاعات پایه اساسی هر نوع تصمیم‌گیری در مورد این استراتژی است. گاهی هزینه دستیابی به اطلاعات لازم بسیار سنگین است. اولین چیزی که برنامه‌ریز باید اطلاع داشته باشد پایه منابع است که عبارتست از مواد معدنی محصولات کشاورزی و جنگلی منابع دامی منابع مربوط به اقیانوسها و دریاها منابع تجدید پذیر و تجدید ناپذیر.

۲ - آمایش سرزمین باید بر اساس اطلاعات دقیق باشد. در آمایش باید از نظر اطلاعاتی به یک سطح معین برسیم.

اهمیت استراتژی بهره‌برداری از منابع در این است که باید در آن اطلاعات فراوانی را در اختیار داشته باشیم. استراتژیست باید در توصیه هر نوع کاربردی از منابع، همه راههای کاربرد آن منبع را کم و بیش شناسایی کرده باشد. این موضوع در باره بهره‌برداری از منابع معدنی بسیار پیش می‌آید. مثلاً ممکن است در یک معدن تنها ۱۰ درصد مس پیش بینی شود ولی در ۹۰ درصد دیگر کاربرد بیشتری وجود داشته باشد.

انقلاب تکنولوژیها تعداد نهادهها و تعداد کالاهای قابل استحصال از آنها را به شدت بالا برده است و هر روز کاربرد جدیدتری از منابع قدیم معرفی می‌گردد. مثلاً کاهی که از گندم و برنج بدست می‌آید در گذشته فقط به عنوان خوراک دام کاربرد داشت ولی حالا در تولید کاغذ هم از آن استفاده می‌شود. در مجموع در تعقیب این استراتژی، برنامه‌ریز باید مطمئن گردد که نسبت ارزش افزوده ناشی از تولید داخلی به ارزش تولید داخلی در حد بالایی است.

$$X = \frac{\text{ارزش افزوده تولید داخلی}}{\text{ارزش تولید داخلی}}$$

هر چه این مقدار بیشتر باشد نتیجه بهتر است. معمولاً نسبت فوق بین ۳۰ تا ۴۰ است. ولی در صنایع نفت و گاز این نسبت گاه به بالای ۹۰ هم می‌رسد. فرآیند ریشه دار کردن تولید و بالا بردن فن کار باعث بالا رفتن این نسبت می‌شود.

### **کدام استراتژی برای توسعه استان خراسان جنوبی پیشنهاد می‌شود؟**

نمی‌توان به صورت دقیق گفت که برای کل استان و همه صنایع یک نوع استراتژی در نظر گرفته شود. بلکه باید بسته به هر نوع بخش با توجه به میزان فراوانی منابع، امکانات موجود، منابع مالی و غیره استراتژی آن بخش را ارائه داد. با این حال به طور خلاصه برای توسعه استان می‌توان از استراتژی‌های زیر بهره گرفت:

## استراتژی‌های پیشنهادی برای توسعه تجارت استان خراسان جنوبی

### استراتژی جایگزین واردات:

بخش قابل توجهی از واردات استان مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌باشد (در سال ۱۴۰۱ حدود ۷۵ درصد از ۵ قلم برتر اقلام وارداتی مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است). با توجه به اینکه استان صنعتی نیست و این کالاها برای تولید ضروری هستند این استراتژی توصیه نمی‌شود مگر برای حمایت از صنایع نوپا.

### استراتژی جایگزین صادرات:

عمده صادرات استان به صورت مواد خام معدنی و فرآوری نشده بخش کشاورزی و معدن می‌باشد. لازم است بجای صادرات این مواد خام یا کالاهای فرآوری نشده، ابتدا آنها را فرآوری و سپس مجدداً صادر گردد. بنابراین این استراتژی می‌تواند برای استان مناسب باشد.

### رشد نامتعادل هریشمن با اولویت ایجاد

#### صنایع سنگین و مادر:

با توجه به اینکه استان خراسان جنوبی چندان استان صنعتی نیست و توسعه صنعت از ملزومات توسعه اقتصادی است؛ لازم است به دلیل محدودیت منابع درآمدی استان، اعتبارات بیشتر به سمت صنایعی که دارای پیوند پیشین، پسین و هم سطح بیشتری هستند هدایت شود.

### استراتژی بهره‌برداری از منابع:

بخش قابل توجهی از منابع معدنی در استان هستند که ناشناخته‌اند و یا از ظرفیت آنها به طور کامل استفاده نشده است و فقط چند محصول مورد توجه قرار گرفته‌اند. این درحالی است که می‌توان از این منابع در جهت افزایش درآمد و توسعه اقتصادی بهره برد.

(البته نباید این استراتژی در قالب خام فروشی صورت پذیرد)

## چین؛ سیاست تجارت آزاد

بررسی تجربه  
موفق

از سال ۱۹۴۹، دولت چین نظام اقتصاد دستوری را اجرا می‌کرد و ارگان‌های مخصوص دولت برنامه‌ریزی و تنظیم اهداف در زمینه‌های مختلف توسعه اقتصادی را بر عهده داشتند. امر توسعه اقتصادی با

رویکرد کمونیستی و اقتصاد متمرکز برنامه‌ریزی شده نتوانست به اهداف جهش اقتصادی برسد. این موضوع باعث تغییر مسیر از اقتصاد برنامه‌ریزی دولتی به سمت اقتصاد آزاد در اواخر قرن ۲۰م در دوره دنگ شیائوپینگ شد. در اواخر دهه ۷۰، چین اصلاحات نظام اقتصادی را آغاز کرد. در سال ۱۹۷۸، چین در روستاها نظام مسئولیت‌شناسی با محور تولید مشترک و مقاطعه کاری توسط خانواده‌ها را اجرا کرد. در سال ۱۹۸۴، اصلاحات نظام اقتصادی از روستاها به شهرها منتقل شد و در سال ۱۹۹۲، اصلاحاتی دیگر برای پیاده سازی نظام اقتصاد بازار سوسیالیستی اجرا شد. در ادامه، در اکتبر سال ۲۰۰۳، چین اهداف مربوط به تکمیل نظام اقتصاد بازار سوسیالیستی را مشخص کرد که برحسب نیازهای توسعه شهری و روستایی، توسعه مناطق، توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه هماهنگ انسان و طبیعت، توسعه کشور و اصلاحات درهای باز رو به خارج؛ ضمن ایفای بیشتر نقش اساسی بازار در تقسیم منابع و تقویت نیروی حیاتی و توانایی رقابتی موسسات، کنترل کلان کشور و وظایف مدیریت اجتماعی و خدمات عمومی دولت را تکامل بخشید. علاوه بر این، وظایف عمده تعیین شده عبارت بودند از تکمیل نظام اقتصادی اساسی حاکی از توسعه مشترک اقتصاد با مالکیت گوناگون با محور مالکیت عمومی، ایجاد نظام مساعد برای تغییر تدریجی ساختار اقتصادی، شکل‌گیری یک مکانیسم مساعد برای توسعه هماهنگ اقتصادی مناطق، تاسیس نظام بازار مدرن یکپارچه، باز و دارای رقابت منظم، تکمیل سیستم کنترل کلان، نظام مدیریت اداری و نظام قوانین اقتصادی، تکمیل نظام اشتغال، تقسیم درآمد و تأمین اجتماعی و ایجاد نظام مساعد برای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی. طبق برنامه تعیین شده، باید تا سال ۲۰۱۰، چین نظام اقتصاد بازار سوسیالیستی را در همه بخش‌ها گسترش می‌داد و تا سال ۲۰۲۰، این نظام را به تکامل کامل می‌رساند (دینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ وگل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ برمر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹ و هوانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

قبل از اصلاحات شرکت‌های دولتی چین بر اقتصاد ملی تسلط داشتند و سه چهارم ارزش تولید صنعتی را تولید می‌کردند لیکن بعد از اصلاحات دهه ۱۹۸۰ به بعد تا سال ۲۰۰۲م، شرکت‌های دولتی فقط ۲۵ درصد از تولید صنعتی را به خود اختصاص می‌دادند و طیف وسیعی از شرکت‌های خصوصی فعال شدند و باعث افزایش شغل وسیع در بخش خصوصی شد. همچنین، اصلاحات منجر به افزایش

صادرات و تراز تجاری مثبت گردید. در سال ۱۹۸۰م چین حدود ۲ درصد از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داد که در سال ۲۰۱۸م این میزان تقریباً به ۱۶ درصد رسید (سونگ، ۲۰۱۹). رشد اقتصادی بر استانداردهای زندگی مردم نیز تاثیر داشته است. سطح زندگی کارگران شهری و دهقانان افزایش یافته است. بین سالهای ۱۹۸۰م تا ۲۰۰۰م متوسط درآمد هر فرد چینی از ۱۳۹۴ دلار به ۳۹۷۶ دلار رسیده است؛ یعنی تقریباً سه برابر شده است و حدود ۱۳۰ میلیون نفر بالای خط فقر آمده اند (حاجی ناصری و جباری، ۱۴۰۱).

### توصیه های سیاستی این فصل

بر اساس مطالبی که ارائه گردید توصیه های سیاستی زیر مطرح می گردد:

- یکی از موانع توسعه صادرات استان؛ فراهم نبودن زیرساخت های گمرکی در مرزهای استان می باشد. برای بسط و توسعه همکاری تجاری بین دو کشور ایران و افغانستان ضروری است برنامه ایجاد و توسعه زیرساخت های لازم در منطقه ویژه ماهیروود و بازارچه های مرزی استان از جمله ساخت جاده ماهیروود (جاده مواصلاتی بین بیرجند و شهر فراه)، ایجاد دفتر صدور روادید، راه اندازی صراف، تامین برق گمرک، استقرار آزمایشگاه، افزایش نیروی انسانی گمرک و تامین مسکن کارکنان در دستور کار قرار گیرد. قابل ذکر است که ساخت جاده مواصلاتی بین بیرجند و شهر فراه که نقش مهمی در توسعه ترانزیت دارد، سال هاست که به علت عدم تامین بودجه، به تاخیر افتاده است که در این خصوص نیاز است بودجه کافی تخصیص پیدا کند.
- انعقاد تفاهم نامه تجاری در خصوص تعرفه های ترجیحی در مبادلات تجاری با کشورهای همسایه
- توسعه ترانزیت محور شرق با سرمایه گذاری در حوزه تیر پارک ها و مجتمع های خدماتی و رفاهی در مرز جهت افزایش ظرفیت ترانزیت از استان به کشور افغانستان و کشورهای همسایه
- تامین منابع مالی لازم جهت دوبانده شدن راه های مواصلاتی استان و اجرای ایستگاه های راه آهن و خطوط فرعی
- توسعه صادرات مواد معدنی در کریدور محور شرق کشور با شناسایی معادن و بارهای ریل پسند با همکاری استان های همجوار

- ایجاد و توسعه زیرساخت های گمرکی از جمله ساخت آزمایشگاه های تعیین ماهیت کالاهای صادراتی و وارداتی، قرنطینه محصولات کشاورزی و دامی در گمرک ماهیرود
- ایجاد و توسعه سیستم تبادل مالی بین استان و کشور افغانستان با ایجاد باجه بانکی (ارزی) و ایجاد صرافانی در گمرک ماهیرود
- اختصاص خط اعتباری ویژه ارزی به بانک های استان جهت تسریع در تخصیص ارز
- انعقاد معاهدات و پروتکل های دوجانبه با کشورهای همسایه بویژه افغانستان به منظور توسعه صادرات مصالح ساختمانی از جمله کاشی و سرامیک، سیمان و سنگ های ساختمانی با کشورهای افغانستان، عراق، پاکستان، چین و ترکمنستان؛
- فعال شدن اتاق مشترک ایران و مقاصد صادراتی و توسعه روابط و همکاری های دوطرفه
- سرمایه گذاری جهت احداث شرکت های حمل و نقل داخلی و خارجی (ترانزیت به افغانستان) و با توجه به رشد قابل ملاحظه ترانزیت از مرزهای استان
- اختصاص مشوق های خاص برای استان های کمتر توسعه در حوزه تجارت استان.
- پیگیری در خصوص تصمیم گیری در رابطه با امور مرزی گمرک ماهیرود و عملیاتی نمودن درب واحد صادرات بین منطقه ویژه و بازارچه
- پیگیری در خصوص استفاده بیشتر از ظرفیت بازارچه های مرزی غیر فعال یا نیمه فعال
- تدوین ساز و کار خرده فروشی کلیه اقلام مجاز در بازارچه های منتخب بصورت یکسان در استان
- توسعه کشت فراسرزمینی با کشور افغانستان و حذف تعرفه ورودی کالاها و محصولاتی که توسط تولید کنندگان ایرانی در خاک افغانستان تولید می شود و بالعکس
- توسعه صادرات سوخت اعم از گازوئیل و بنزین و صادرات گاز به صورت کپسولی با توجه با نیاز بازار افغانستان و تأثیرگذاری این موضوع در رونق بازارچه های مرزی
- فعال شدن هیأت های تجاری با هماهنگی وزارت امور خارجه و سازمان توسعه تجارت به منظور حفظ و توسعه بازار های صادراتی کشور های همسایه مثل پاکستان و افغانستان
- تشکیل ستاد هماهنگی جهت حضور موثر تولیدات استان در نمایشگاه های استانی، ملی و بین المللی
- به منظور هم افزایی و تقسیم هزینه ها به منظور به صرفه و منطقی شدن هزینه های نمایشگاه ها
- واردات برخی اقلام و تولیدات کشور افغانستان و درج در فهرست کالاهای مشمول معافیت با نظر مستقیم استان ها برای مرزنشینان تا زمینه تأمین معیشت و فعالیت مجدد تعاونی های مرزنشینان، اشتغالزایی و نگهداشت ساکنین مناطق مرزی و جلوگیری از مهاجرت آنان فراهم گردد.

- ارائه معافیت مالیاتی به تعاونی های مرزنشین
- اصلاح قوانین و رویه های گمرکی که منجر به کاهش تجارت و افزایش بروکراسی اداری می شود.
- یکی از مشکلات اساسی تجاری دو طرف در مبادلات تجاری، بحث انتقال پول و دریافت آن می باشد. به دلیل فقدان ارتباط بانکی بانک های دو کشور و خلأ موجود، نقل و انتقال پول از طریق صرافی ها و گاهاً صرافی های غیر مجاز صورت می گیرد و کارمزدهایی که توسط صرافان از تجار گرفته می شود، در برخی موارد از سود حاصل از مبادله اقتصادی نیز بیشتر است. سیستم بانکی دو کشور هیچگاه نتوانسته اند خدمات لازم را به فعالین اقتصادی ارائه کنند و این یکی از مهم ترین مشکلات تجاری ایران و افغانستان است. با توجه به اینکه صادرات از طرف ایران بیشتر بوده و برگشت پول از طرف افغانستان به ایران، این موضوع به ضرر تجار ایرانی تمام می شود. با توجه به ظرفیت مناسب بازار افغانستان، لازم است که از این ظرفیت به طور کامل استفاده شده و مسئولان استانی با طرف افغان هر چه سریع تر جهت باز شدن بازارچه های مرزی حداکثر تلاش خود را انجام دهند.
- نزدیک به ۶۰ درصد از صادرات استان مربوط به ۵ قلم کالا می باشد که نشان می دهد صادرات استان خراسان جنوبی محدود به چند کالا هست و تجارت استان از انعطاف پذیری کافی برخوردار نیست و تنوع صادراتی وجود ندارد. هر چه تعداد کالاهای صادراتی کم و تنوع صادراتی محدودتر باشد، در زمان بروز حادثه یا هرگونه اتفاقی مانند تحریم یا خشکسالی، درآمد حاصل از صادرات استان آسیب بیشتری خواهد دید. با وجود مزیت های نسبی فراوانی که در استان وجود دارد، عدم تنوع کالاهای صادراتی قابل قبول نیست. بطور مثال، استان خراسان جنوبی تنها تولید کننده زرشک دنیا می باشد. اما صادرات زرشک به خارج از کشور بسیار محدود و جزء اقلام اصلی صادراتی استان نیست. این شرایط برای اکثر مواد معدنی نیز وجود دارد. بنابراین باید تنوع صادراتی در تجارت خارجی مورد توجه قرار گیرد.
- مقصد صادراتی استان خراسان جنوبی را بیشتر کشور افغانستان تشکیل می دهد. این در حالی است که استان خراسان جنوبی به دلیل اینکه استان مرزی است و با کشورهای آسیای جنوبی و آسیای میانه نسبت به بسیاری از استان ها فاصله کمتری دارد، دارای مزیت نسبی فاصله می باشد و می تواند از این ظرفیت ها در جهت افزایش تجارت و توسعه استان بهره گیرد. بنابراین، لازم است در برنامه ریزی و سیاست گذاری استان به افزایش مقاصد صادراتی توجه گردد.
- استقرار کنسولگری کشور افغانستان در مرکز استان.

- ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بین دو کشور.
- اختصاص یارانه به شرکت های صادراتی استان جهت میسر شدن امکان حضور در نمایشگاه ها و همایش های بین‌المللی برای یافتن بازار های هدف جدید.
- تامین نقدینگی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و صادراتی توسط شبکه بانکی
- ایجاد واحدهای فراوری محصولات کشاورزی و معدنی به منظور جلوگیری از خام فروشی مواد معدنی.
- بسیاری از واحدهای تولیدی، به دلیل قطعی گاز و عدم در اختیار قرار گرفتن به موقع سوخت جایگزین گاه‌ها نمی‌توانند با تمام ظرفیت تولید نمایند و این مسئله نه تنها بر صادرات اثر گذاشته، بلکه تامین بازار داخلی را نیز دچار چالش نموده است. بنابراین، توجه به مسائل و مشکلات واحدهای تولیدی از جمله تامین سوخت جایگزین در جهت عدم تعطیلی این واحدها و توسعه صادرات استان موثر خواهد بود.
- پوشش ریسک تجاری توسط صندوق ضمانت صادرات
- سیاست‌گذاری و جهت دهی بازارچه های مرزی به سمت مشاغل خدماتی که می‌تواند راهگشایی مناسب برای ارتقای شغلی مرزنشینان باشد.
- مشارکت دادن افراد بومی و محلی نیز در مبادلات تجاری به گونه ای که تمام افراد و گروه ها از فعالیت‌های بازارچه سود ببرند.
- ایجاد، توسعه و تقویت خوشه های صادرات‌گرای محصولات استراتژیک استان ضمن بکارگیری فنون نوین بازاریابی و تولید براساس استانداردهای روز دنیا و مطابق با نیاز مصرف کننده از جمله توسعه خوشه های صادراتی فرش دستباف (فرش دستباف مود) و سنگ به عنوان قابلیت‌های صادراتی شهرستان
- رایزنی با دولت افغانستان برای موافقت با بازگشایی بازارچه های مرزهای ۳ گانه مسدود شده گلورده، دوکوهانه و یزدان.
- ثبت برند شرکت‌های تولیدی و محصولات کشاورزی استان مانند زرشک، عناب، زعفران و غیره و ایجاد نمایندگی فروش در کشور افغانستان در سه سطح محصول بنگاه و ملی و بالعکس تسهیل و عملیاتی گردد.

- ایجاد دفتر صادرات خدمات فنی - مهندسی و انتقال دانش و تکنولوژی با مشارکت کلیه سازمان های نظام مهندسی، اتاق اصناف، بنیاد نخبگان، شرکت های دانش بنیان استان و سایر دستگاه های ذیربط.
- راه اندازی پرواز مستقیم به کشور افغانستان.
- گسترش فعالیت های تولیدی کوچک مقیاس مطابق با ویژگی های انسانی و محیطی منطقه از جمله صنایع فرآوری محصولات کشاورزی، صنایع دستی و غیره می تواند از طریق صادرات محصولات به کشورهای همجوار و مسئله اشتغال زایی خانوارهای روستایی و مرزنشینان را تا حدودی برطرف نماید.
- برگزاری نشست های مشترک اقتصادی با کشور افغانستان با همکاری و هماهنگی بیشتر اتاق های بازرگانی دو طرف و برگزاری نمایشگاه های محصولات تولیدی و فرصت های سرمایه گذاری.
- تدوین برنامه عملیاتی توسعه صادرات به افغانستان با هماهنگی استان های خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان
- توجه به بازاریابی فعال، تحقیقات بازار و شناسایی رفتار مصرف کننده در بازار افغانستان
- توسعه صدور خدمات فنی و مهندسی در بخش های مختلف اقتصادی
- انعقاد توافقنامه بانکی بین دو کشور برای ایجاد شعب بانک رسمی در مرزهای استان و همچنین تأسیس شعبات بانک های ایران در کشور افغانستان
- ایجاد شرکت های بیمه ای مشترک در دو کشور
- ایجاد شرکت حمل و نقل بین المللی مشترک بین دو کشور
- استفاده از معادن بکر و غنی افغانستان از جمله ذخایر آهن، مس و غیره به منظور انتقال دانش و توسعه تولید.
- مکانیزه نمودن تمام رویه های مختلف گمرکی از قبیل واردات، صادرات، خروج موقت و غیره.
- نظر به این که توسعه نیافتگی مناطق مرزی ضمن ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای موجب افزایش روی آوردن مردم در این گونه مناطق به جنبه های مختلف اقتصاد پنهان از جمله پدیده قاچاق می شود، مطالعه نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و رفاه منطقه ای و استانی از جمله اقدامات ضروری و پایه ای جهت برنامه ریزی و اصلاحات برای دستیابی به رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و رونق اقتصاد منطقه ای است که باید در مناطق مرزی با کشور افغانستان مورد توجه قرار گیرد.

- در حال حاضر حجم زیادی از آبهای سطحی در مناطق مرزی بدون هیچ گونه استفاده ای از طریق مرز افغانستان از کشور خارج می‌شود که بهره‌برداری از آن ضمن رونق تولید و اشتغال، زمینه افزایش امنیت در مرزها را فراهم خواهد نمود و با استفاده از این ظرفیت می‌توان اقدام به ایجاد و توسعه باغات و بیابانزدایی کرد.
- توانمند سازی جامعه روستایی و ایجاد اشتغال پایدار در محدوده روستاها و مناطق مرزی از طریق پرداخت تسهیلات اشتغالزایی روستایی و عشایری ارزان قیمت و بلاعوض
- توانمند سازی شرکت‌های تعاونی مرزنشینان استان با استفاده از پرداخت تسهیلات بانکی ارزان قیمت و معافیت های مالیاتی
- نظر به اینکه تبادلات تجاری بین ایران و افغانستان با استفاده از پول ملی دو کشور صورت می‌گیرد؛ به منظور جلوگیری از خروج ارز از کشور و بهبود وضعیت تراز تجاری دو کشور پیشنهاد می‌گردد ضمن احصاء نیازهای وارداتی کشور که از طریق افغانستان قابل تامین می‌باشد، برنامه‌ریزی و زمینه سازی لازم به منظور انجام واردات این گونه کالاها بعمل آید.
- ساماندهی بخش کشاورزی در مناطق مرزی و تبدیل آن به کشاورزی تجاری و پیشرفته (ترویج کشت محصولات کم آب بر، ساماندهی اراضی خرده مالکی، ارتقای ضریب مکانیزاسیون)
- ایجاد زنجیره ارزش فراوری خشکبار و میوه های خشک افغانستان؛ از آنجا که افغانستان یکی از تولیدکنندگان عمده میوه و خشکبار در منطقه بوده و از مزیت صادراتی نیز برخوردار است بایستی مورد توجه استان خراسان جنوبی قرار گیرد.
- نظر به آمار بالای بیکاری در مناطق مرزی و عدم تناسب درآمد با هزینه ها در اینگونه مناطق پیشنهاد می‌گردد با تسهیل روند سرمایه‌گذاری در این گونه مناطق از طریق تعدیل موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاران، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، فراهم نمودن بستر قانونی لازم، شناسایی و معرفی مزیت ها و توانمندی های اینگونه مناطق زمینه جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی فراهم گردد تا ضمن ایجاد رونق اقتصادی در مناطق مرزی زمینه افزایش اشتغال و سطح درآمد افراد در این مناطق فراهم گردد.
- سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم جهت افزایش صادرات خدمات به کشور افغانستان
- تحرک بازارچه ها به سمت وسوی مشاغل خدماتی که می‌تواند راهگشایی مناسب برای ارتقای شغلی روستاییان و مرزنشینان باشد، که لازمه این امر بهبود زیرساخت‌هایی همچون راه‌های ارتباطی به بازارچه ها، ایجاد غرفه‌های متعدد، تامین اعتبارات لازم به منظور استقرار خدمات رفاهی در

بازارچه ها و همچنین تامین سرمایه کافی برای روستاییان به صورت وام های بلندمدت و کم بهره است.

- توسعه کریدور شرق کشور و سرمایه گذاری در حوزه تیر پارک ها و مجتمع های خدماتی و رفاهی در مرز جهت افزایش ظرفیت ترانزیت از استان به کشور افغانستان و کشور های همسایه.

## فهرست منابع

## مقالات و کتب

افشاری، زهرا و سلیمانی‌موحد، مریم. (۱۳۸۹). آزمون تئوری هکشر-اوهلین-ساموئلسن در تجارت درون صنعت ایران) رویکرد داده های ترکیبی پویا. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۴(۵۴)، ۲۳-۱.

بدری، سیدعلی، دربان آستانه، علیرضا و سعدی، سیما. (۱۳۹۶). تأثیر بازارچه های مرزی بر ارتقاء شاخص های اقتصادی-اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان. برنامه ریزی فضایی، ۷(۳)، ۶۲-۴۱.

حاجی ناصری، سعید و جباری، محمد حسن، (۱۴۰۱)، مقایسه دولت اقتدارگرا و گذار به دموکراسی در چین و ایران. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۲).

رزمی، سیدمحمدجواد، شهرکی، سارا و کلایی، محمدرضا. (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین تجارت بین الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب، شماره ۵۹، صص ۱۶۲-۱۳۷.

لشکری، محمد، (۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی (برای رشته های غیر اقتصاد)، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.

متقی، ا.، متقی، س. (۱۳۹۳). سنجش برخورداری و توسعه مناطق مرزی بر اساس روش های تصمیم گیری چندمعیاره (نمونه موردی؛ شهرستان های مرزی استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه مطالعات مرزی، (۳) ۲، ۸۲-۶۳.

Bremmer, Ian. "State capitalism comes of age: The end of the free market?." Foreign Aff. 88 (2009): 40.

Chandoevrit, Worawan, Yongyuth Chalamwong, Srawooth Paitoonpong, (2004), Thailand's Cross BORDER ECONOMY, A Case Study of Sa Kaeo and Chiang Ra; Thailand Development Resource Institute (TDRI), 21 (11), 231-245.

Ding, X. (2009). The socialist market economy: China and the world. Science & Society, 73(2), ۲۴۱-۲۳۵.

Hollis Chenery; T.N. Srinivasan, eds. (1988). Handbook of Development Economics, Vol. 1. North Holland. p. 882.

Huang, Y. (2022). China's Sanctions Strategy and Its Implications, Interview in National Bureau of Economic Research.

Nurkse, Ragnar (1961). Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries. New York: Oxford University Press. p. 163. Archived from the original on 14 April 2009. Retrieved 10 May2020.

Pena, Sergio., (2005), Recent Development in Urban Marginality Along Mexico, s Northern border, Journal of Habitat International, 29(34), 258- 301.

Vogel, E. F. (2011). Deng Xiaoping and the transformation of China (Vol. 10). Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.

#### سایت و منابع آماری

- مرکز آمار ایران
- بانک مرکزی ایران
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی
- اداره کل گمرک خراسان جنوبی
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- بانک جهانی
- صندوق بین‌المللی پول

# فصل چهارم:

## زیر ساخت

### هدف کلی

هدف کلی فصل چهارم آشنایی خواننده با زیرساخت‌های استان خراسان جنوبی است.

### هدف‌های جزئی

- اهمیت زیرساخت‌ها و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی
- اهمیت حمل و نقل در توسعه اقتصادی
- بررسی بخش حمل و نقل استان
- مشکلات حمل و نقل استان
- بررسی بخش انرژی استان
- بررسی بخش فناوری و ارتباطات
- بررسی بحران آب استان
- بررسی مدل‌های توسعه اقتصادی برای خراسان جنوبی
- ارائه توصیه‌های سیاستی جهت بهبود زیرساخت‌های استان

زیرساخت‌ها هر کشوری، داراییهای بلندمدت تحت مالکیت دولت و مجموعه تسهیلات عمومی، با سرمایه‌گذاری خصوصی یا عمومی می‌باشند که امکان ارائه خدمات ضروری و استاندارد زندگی را فراهم می‌کنند و شامل بزرگراه‌ها، پل‌ها، راه آهن‌ها، جاده‌های حمل کالا (ترانزیت)، شبکه فاضلاب، سیستم آب رسانی، مخازن تأمین آب، سدها، آب بندها، راه‌های آبی، بنادر، برق، گاز و غیره هستند. هدف این فصل بررسی شرایط زیرساخت‌های استان خراسان جنوبی، اهمیت آن در توسعه اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای رفع چالش‌های زیرساختی می‌باشد.

### زیرساخت‌ها و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی

اولین و مهم‌ترین مولفه برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی، ایجاد زیرساخت‌ها و زیربنای موردنیاز است. تا زمانی که پی یک ساختمان به خوبی ریخته نشود، هرگونه اقدام بعدی می‌تواند منجر به ریزش ساختمان و هدر رفت منابع شود. بدون فراهم سازی زیرساخت‌ها، توسعه اتفاق نخواهد افتاد.

در راه رسیدن به توسعه توجه به وجود زیرساخت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر چه احداث و ایجاد بسیاری از زیرساخت‌ها نقش چندانی درافزایش میزان مطلق رشد اقتصادی ندارد و ایجاد حجم بالایی این زیرساخت‌ها در یک مقطع زمانی کوتاه به شدت تورم‌زا است، اما نبود این زیرساخت‌ها به شدت مانع رسیدن به توسعه است. از طرف دیگر، وجود زیرساخت‌ها برای دستیابی به رشد بالا در بلند مدت و حفظ رشد اقتصادی به مدت طولانی‌تر ضروری است. اهمیت و اولویت وجود این زیرساخت‌ها به نوبه خود در مسیر و حرکت به سوی توسعه برای هرکدام از زیرساخت‌ها و هر کشوری متفاوت است. اسکروبوگاتوا و مرلین<sup>(۲۰۱۷)</sup> بیان می‌کنند که زیرساخت‌ها عمومی دو اثر اصلی دارند که ماهیت های کلان و خرد اقتصادی دارند.

### اثرات خرد:

۱. **اثر مقداری:** سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌ها کمیت و کیفیت کالاها و خدمات عمومی را افزایش می‌دهد. از آن جایی که کالاهای عمومی عموماً توسط دولت تولید می‌شوند، در ابتدای امر این کالاها بین خانوارها و بنگاه‌ها سهمیه بندی می‌شوند. با سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در زیرساخت‌های عمومی، افزایش در کالاهای سهمیه بندی شده هم افزایش می‌یابد که به نفع خانوارها و بنگاه‌ها می‌باشد. در این مورد وجود زیرساخت‌های عمومی بیشتر، اثرات رفاهی به شکل افزایش کمیت و کیفیت کالاها و خدمات نهایی به دنبال دارد.

۲. **اثر قیمتی:** اثر قیمتی، تغییرات قیمت کالاها و خدمات مختلف بازار می‌باشد که توسط خانوارها و بنگاه‌ها استفاده و یا تولید می‌شوند. و این اثر زمانی اتفاق می‌افتد که کالاهای عمومی هم به عنوان کالای جانشین و هم به عنوان کالای مکمل کالاها و خدمات دیگر بازار که توسط بنگاه‌ها و خانوارها استفاده می‌شوند، تولید شوند و یا زمانی که کالاها و خدماتی که توسط دولت تولید می‌شوند و کالاهای عمومی خالص نیستند، منحصرأ به تولید بخش خصوصی کمک می‌کند.

### اثرات کلان اقتصادی:

اثرات کلان اقتصادی، تمرکز بر روی زیرساخت‌های عمومی می‌باشد که بر اقتصاد در سطح کلان تاثیر می‌گذارد که به آن اثر نهایی بر روی رشد گفته می‌شود. اثرات کلان اقتصادی سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌های عمومی از طریق پنج مسیر اصلی بر روی رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. آن‌ها معتقدند که سرمایه‌گذاری عمومی مکمل سرمایه‌گذاری خصوصی است و ادغام بازارها را افزایش می‌دهد و باعث افزایش تقاضای کل و پس‌انداز ملی می‌شود و باتوجه به افزایش تقاضای کل و با فرض این که پس‌اندازهای ملی به سرمایه‌گذاری تبدیل شوند، رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد.

منبع: اسکروبوگاتوا و مرلین (۲۰۱۷)

مؤسسه توسعه ملی بریتانیا<sup>(۲۰۰۲)</sup> کانال‌های مختلف را که توسعه زیرساخت‌ها می‌تواند به رشد پایدار کمک کند به صورت زیر معرفی می‌نماید:

— کاهش هزینه‌های حمل و نقل و تسهیل جریان تجاری در داخل و خارج از مرزها

- توانمندسازی فعالان اقتصادی یا افراد، بنگاه ها و دولت برای پاسخ دادن به انواع تقاضا در موقعیت های مختلف
- کاهش هزینه های عوامل تولید برای کارآفرینان یا ایجاد تجارت سودآور تر
- ایجاد اشتغال، شامل امور عام المنفعه (هم به عنوان حمایت اجتماعی هم یک سیاست ضد ادواری در زمان بحران اقتصادی).
- ارتقاء سرمایه انسانی برای مثال با بهبود دسترسی به مراکز بهداشتی و مدارس و غیره
- بهبود شرایط سازمانی، که منجر به بهبود معیشت، سلامت بهتر و کاهش آسیب پذیری فقرا می شود.

بنابراین، زیرساخت ها باعث توسعه بازارها می شوند و به عنوان عاملی برای کاهش موانع تجاری عمل می کنند. این موضوع در مناطق شهری می تواند به این صورت نشان داده شود که زیرساخت ها به توسعه مؤثر بازار کار و بازار کالاها کمک می کند. بنابراین منجر به افزایش بهره وری و تولید می شود سازمان های مختلف تاثیر مستقیمی بر روی کارایی اجتماعی اقتصادی زیرساخت ها دارند و این به این خاطر است که زیرساخت ها همیشه بعد دولتی داشته اند که البته در سال های اخیر بعد خصوصی آن هم مطرح شده است.

علاوه بر موارد مطرح شده، زیرساخت ها از طریق هم خانوارها و هم بنگاه ها می تواند روی توسعه تاثیر بگذارد و این مهم از طریق چند مکانیزم انجام می شود:

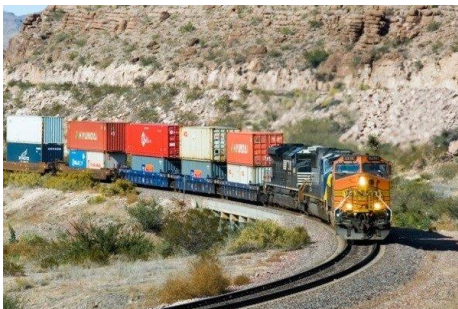
اولاً، زیرساخت ها و خدمات وابسته اغلب از طریق عرضه آب و فاضلاب، عرضه برق و حمل و نقل مخصوصاً در شهرها رفاه خانوارها را افزایش می دهد. این بهبود در رفاه خیلی نمی تواند به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کند. اگرچه، می تواند این گونه بحث شود که آن ها کیفیت نیروی کار را افزایش می دهند و از این رو به بهبود بهره وری کمک می کند، اکثر اقتصاددانان بهبود رفاه را به عنوان قسمتی از توسعه مدنظر قرار می دهند حتی اگر به رشد اقتصادی کمک نکنند.

دو مکانیزم دیگر که مناسبات مشترک دارند، تأثیر مستقیمی بر روی تولید ناخالص داخلی دارند. اولاً، عرضه زیرساخت ها هزینه اکثر عوامل تولیدی را که توسط بنگاه استفاده می شوند کاهش می دهد. در مورد زیرساخت های برق، حمل و نقل و ارتباطات می توان گفت که از طریق افزایش بهره وری هزینه ها را کاهش می دهد. در مورد انجام کار زیرساخت ها دقیقاً مانند پروژه ها عمل می کنند. هزینه های عوامل پایین تر به معنی هزینه کل پایین تر است که به نوبه خود بازار بزرگتر و بنابراین کاهش هزینه ها را

دربردارد. ثانیاً، عرضه زیرساخت‌ها باعث توسعه بازارها می‌شود. این معنی برای بازار کالا و بازار نیروی کار و حتی بازار سرمایه استفاده می‌شود. همان طور که آدام اسمیت در بیش از دو قرن پیش بیان کرد که زیرساخت حمل و نقل، بازار کالا را با کاهش هزینه‌های حمل و نقل و با افزایش سرعت در معرض فروش گذاشتن کالاهای فاسد شدنی، توسعه می‌بخشد. گسترش زیرساخت‌های ارتباطات تلفنی رقابت صرفه‌های مقیاس اقتصادی و تخصص بیشتر در بازارها را تشدید کرده است. بهبود زیرساخت‌ها دقیقاً شبیه کاهش تعرفه‌ها عمل می‌کند. این بهبود به تغییرات اقتصادی کمک می‌کند. نوعی از منافع اقتصادی حاصل می‌شود. منافع اقتصادی حاصل از افزایش تجارت می‌تواند نشان دهنده اثر بهبود زیرساخت‌ها برای رشد باشند (عالی زاده و همکاران، ۱۴۰۱). در ادامه به بررسی مهم‌ترین زیرساخت‌های مورد نیاز برای حرکت به سمت توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود.

## (۱) حمل و نقل

### اهمیت حمل و نقل در توسعه اقتصادی



از دیرباز توسعه اقتصادی در گرو توسعه بازرگانی بوده و توسعه بازرگانی نیز وابسته به پیشرفته تکنولوژی حمل و نقل بوده است. شواهد موجود در داخل کشور و حتی کشورهای خارجی نشان‌دهنده این حقیقت است که وجود امکانات حمل و نقل کارا در اندازه‌گیری میزان رفاه اجتماعی اهمیت قابل توجهی دارد. برای مثال قرن حاضر افزایش میزان حمل و نقل

که با واحد تن کیلومتر سنجیده می‌شود در کشورهای توسعه‌یافته به صورت چشم‌گیری بستگی به رشد ناخالص ملی داشته و معمولاً رشد فعالیت‌های مربوط به حمل و نقل بیشتر از رشد تولید ناخالص ملی بوده است. امروزه حمل و نقل یکی از اجزا مهم اقتصاد ملی محسوب می‌گردد و بدلیل داشتن نقش زیربنایی تاثیر فراوانی بر فرایند رشد اقتصادی کشور دارد. این بخش در برگیرنده فعالیت‌هایی است که به شکلی گسترده در تمامی زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات جریان داشته و در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی نقش غیر قابل انکاری بر عهده دارد.

در حقیقت، حمل و نقل بخش‌های مختلف اقتصاد را به سمت توسعه پایدار سوق می‌دهد. حمل و نقل واسطه‌ای میان فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی در سطح ملی و بین‌المللی است.

همچنین حمل و نقل در توزیع درآمدها و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و کاهش آثار فقر و اختلاف درآمد روستائیان و شهرنشینان نقشی موثر دارد. بدون وجود شبکه حمل و نقل، تاسیسات و تجهیزات جانبی و ناوگان مطلوب تصور رشد و توسعه عمومی کشور غیرممکن به نظر می‌رسد. در رشد و توسعه اقتصاد و تجارت جهانی در مقطع زمانی فعلی و روند گسترش آن نمی‌توان نقش سیستم‌های حمل و نقل در بهینه‌سازی هزینه‌ها، زمان سفر، سرعت جا به جایی، ایمنی و سطح خدمات ارائه شده را انکار کرد. مطالعات در سطح کلان نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در حمل و نقل باعث افزایش رشد اقتصادی کشورها شده و با افزودن بازدهی اجتماعی در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی موجب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل می‌شود.

برخی بر این باورند که جهش اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته به دلیل اتخاذ روش‌های صحیح حمل و نقل بوده است؛ به این معنی که رشد و توسعه اقتصادی در ایجاد یک سیستم مطلوب حمل و نقل حائز اهمیت است و توسعه شبکه حمل و نقل نیز در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور تاثیر می‌گذارد. در ادبیات اقتصادی، توسعه حمل و نقل مانند گردش خون در کالبد اقتصادی هر کشور است و با تسریع در این گردش نیازهای حیاتی و اولیه اقتصادی در جامعه سریع‌تر برآورده می‌شود. قطعاً هرگونه بی‌نظمی و کندی در آن، ضررهای فراوانی به رشد و توسعه وارد می‌کند؛ لذا زمان و میزان سرمایه‌گذاری در بخش حمل و نقل به طور مستقیم و غیر مستقیم، روند توسعه را تحت تاثیر قرار خواهد داد. این نکته که تعدادی از اقتصاددانان و برنامه‌ریزان، توسعه رشد اقتصادی را مشروط و منوط به توسعه حمل و نقل (تجهیزات زیر بنایی) و وجود وسائل نقلیه کافی (انواع ناوگان ترابری) و تسهیلات ارتباطی و خدمات وابسته به آن دانسته و بطور کلی فعالیت‌های حمل و نقل را از جمله فعالیت‌های اساسی و زیربنایی رشد اقتصادی و لازمه تحول اقتصادی جامعه به حساب می‌آورند، ناشی از همین وابستگی و ارتباط تنگاتنگ بین تحولات حمل و نقل و کل اقتصاد است. حمل و نقل به معنای جامع آن شامل مدیریت زیر بنا، روبنا (ناوگان) از نیازهای اساسی جوامع امروزی است بطوری‌که در هر کشوری برای اعتلای توان اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی داشتن شبکه حمل و نقلی گسترده و قابل اطمینان از نیازهای اولیه محسوب می‌گردد. حتی برخی بر این باورند که حمل و نقل از ابزارهای ابتدایی توسعه می‌باشد.

با توجه به موقعیت منطقه‌ای و جغرافیایی، ایجاد سیستم حمل و نقل کارآمد در توسعه اقتصادی و اجتماعی، جایگاه و نقش ویژه‌ای برای ایران دارد. همانطور که اشاره شد بخش حمل و نقل تاثیر بسزایی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اساس توسعه اقتصادی هر کشور دارد. حمل و نقل از

شاخص‌های مهم توسعه یافتگی محسوب شده و نقش مهمی در توسعه دارد. بخش حمل و نقل به صورت کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت بر متغیرهای اصلی اقتصاد کشور مانند تولید کل، تولید در بخش‌های اقتصادی، اشتغال کل، اشتغال در بخش‌های اقتصادی، قیمت در بخش‌های مختلف اقتصادی و شاخص هزینه زندگی اثر می‌گذارد. آثار کوتاه مدت شامل آثار مربوط به افزایش یا کاهش هزینه زندگی به طور مستقیم از طریق هزینه‌های حمل و نقل هر خانواده و به طور غیرمستقیم از طریق تاثیر روی قیمت سایر کالاها و خدمات متأثر از قیمت‌های حمل و نقل است. آثار میان مدت شامل تاثیر قیمت‌های حمل و نقل روی مصرف خدمات جایگزین از قبیل ارتباطات بوده و آثار درازمدت مربوط به تغییر مبانی محاسبات اقتصادی طرح‌های تولیدی و عمرانی است. به طور کلی ترکیب فعالیت‌های تولیدی در هر منطقه و به تبع آن ترکیب بافت تولید، ترکیب اشتغال، حجم تولید، حجم درآمد سرانه و سایر متغیرهای اقتصادی می‌توانند از تغییرات قیمت خدمات حمل و نقل تاثیر بپذیرند.

## مشکلات زیرساختی حمل و نقل استان و ارائه راهکارهایی برای حل آن‌ها

توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل در راستای پاسخگویی به اهداف رشد اقتصادی و توسعه صادرات، با تنگناها و موانع متعددی مواجه است.

### مهم‌ترین مشکلات زیرساختی حمل و نقل استان خراسان جنوبی



همانطور که از شکل فوق مشخص است یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در زیرساخت‌های حمل و نقل، مساله تامین مالی است. بطوریکه که اگر این مشکل رفع گردد می‌تواند بسیاری از مشکلات دیگر را برطرف کند. از طرفی، با توجه به گستردگی ابعاد مختلف زیرساخت‌های حمل و نقل از جمله حمل و نقل ریلی، بنادر، بزرگراه‌ها، حمل و نقل هوایی و انواع خدمات وابسته به آنها، امکان توسعه همه‌جانبه این زیرساخت‌ها منحصراً با تکیه بر بودجه‌های عمرانی دولت فراهم نیست. از سوی دیگر با توجه به موانع و تنگناهایی که وجود دارد، مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در طرح‌های بزرگ زیرساختی در حد کافی نبوده است. بنابراین، از جمله مهم‌ترین راهبردهایی که دولت برای توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل باید اتخاذ کند، جلب مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. بدون مشارکت عمده بخش خصوصی و بدون جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، امکان توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل فراهم نخواهد شد. از این‌رو مشارکت بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی نقشی بسیار کلیدی ایفا می‌کند. این مشارکت‌ها در سطوح مختلف قابل طرح است. به عنوان مثال در حوزه حمل و نقل ریلی، بخش خصوصی و سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند در تامین مالی و همچنین اجرای طرح‌های احداث خط آهن مشارکت گسترده‌ای داشته باشد. همچنین می‌توان ناوگان ریلی را در قالب قراردادهای بلندمدت لیزینگ نوسازی کرد.

در سایر کشورها، مساله تامین مالی پروژه‌های حمل و نقل را از طریق تشکیل کنسرسیوم‌های بزرگ بین‌المللی با مشارکت بانک‌ها و شرکت‌ها و تا حدی هم بخش دولتی، حل کرده‌اند. در بسیاری از کشورها، از جمله ترکیه، هند، چین و حتی پاکستان، طرح‌های بسیار عظیم حمل و نقل با اعتباری در ابعاد ده‌ها میلیارد دلار تعریف شده و در مرحله اجراست. در اغلب این طرح‌ها، سازوکارهایی برای تامین مالی پروژه‌ها تعریف شده است که در آن بخش غیردولتی داخلی و سرمایه‌گذار خارجی نقش اصلی را بر عهده دارد. در واقع در اغلب کشورها، ترکیبی از تمامی شکل‌های تامین مالی برای پروژه‌های حمل و نقل به کار گرفته می‌شود. در ایران نیز لازم است در طرح‌های بزرگ حمل و نقل، ترکیبی از انواع روش‌های مشارکت بین بخش خصوصی، دولت، بخش خارجی و سیستم بانکی به کار گرفته شود. این مدل تامین مالی، با شیوه سنتی تامین مالی پروژه‌های حمل و نقل در ایران تفاوت دارد. در ایران اغلب پروژه‌های بزرگ حمل و نقل با اتکا به منابع دولتی اجرا شده است.

در طرح‌های بزرگ حمل و نقل، امکان به‌کارگیری ترکیبی از قراردادهای BOT و سرمایه‌گذاری مشترک برای توسعه زیرساخت‌ها و قراردادهای لیزینگ و فاینانس برای توسعه ناوگان وجود دارد. در مورد

طرح‌های بزرگراهی، توسعه ایستگاه‌های راه‌آهن، توسعه فرودگاه‌ها و بنادر هم، چاره‌ای جز به‌کارگیری ظرفیت بخش خصوصی داخلی و جذب مشارکت خارجی وجود ندارد<sup>۱</sup>.

همچنین، لازم است مسئولین استانی پیگیری‌های لازم را برای ایجاد و راه‌اندازی خطوط ریلی و گسترش حمل و نقل هوایی استان به کار گیرند. بدون شک گسترش خطوط ریلی، علاوه بر افزایش رفاه عموم مردم می‌تواند در امر جابجایی و نقل و انتقال کالاها مفید باشد و رشد تولید و گسترش بازارها را به همراه داشته باشد.

### مطالعه موردی کشور ترکیه

**بررسی یک  
تجربه موفق**

تا اواخر قرن بیستم کشورهای مختلف جهان صنعت هوایی را به عنوان یک صنعت استراتژیک می‌دانستند و روی همین اصل نیز حاضر به پذیرش بخش خصوصی در این زمینه نبودند. ماهیت

ویژه صنعت حمل و نقل هوایی و ارتباط وسیع آن با کشورهای مختلف جهان تغییر در این نگرش را ضروری می‌کرد و کشورها برای بهره‌گیری از این بازار مجبور به دادن امتیازهای ویژه به صورت متقابل شدند و در این راستا انعطاف‌های بیشتری از خود نشان دادند. صنعت هوایی ترکیه در ۲۰ سال گذشته رشد چشم‌گیری داشته و شرکت نیمه دولتی ترکیش ایر توانسته است نام خود را به عنوان شرکت هوایی که بیشترین خطوط هوایی را در سطح جهان دارد ثبت کند. بررسی روند توسعه ناوگان حمل و نقل مسافر در ترکیه نشانگر تاثیر مستقیم سیاست‌گذاری‌های دولت در حمایت‌های عمده‌ترم‌افزایی از این بخش است. تا سال ۱۹۸۰ دولت‌ها سفرهای هوایی را به عنوان یک خدمت عمومی می‌دیدند و تلاش داشتند در این بازار ثبات ایجاد کرده و شرکت‌های هوایی دولتی خود را در مقابل رقابت‌های تخریب‌کننده حفظ کنند. به عقیده آن‌ها امنیت هوانوردی را فقط با اتخاذ تدابیر سخت می‌توانستند ایجاد کنند و از طرفی بیم آن بود که شرکت‌های هوایی به رغم داشتن آرم شرکت‌های غیر نظامی فعالیت‌های نظامی نیز داشته باشند. دولت ترکیه در سال ۱۹۸۳ توسعه صنعت توریسم را به عنوان یک هدف اصلی مدنظر قرار داد و در کنار دادن امتیازهای بزرگ به سرمایه‌گذاران، توسعه ناوگان حمل و نقل هوایی را ضروری دانست و برای جذب سرمایه‌گذاران در این حوزه اقدام به تغییر قانون در راستای شکستن انحصار دولتی در بخش حمل و نقل هوایی کرد. دولت وقت ترکیه

۱. آذرمند، حمید، (۱۳۹۶)، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تنگنای توسعه صادرات، تجارت فردا

(<https://www.tejaratefarda.com/fa/tiny/news-24306>)

کاملاً متوجه بود که بدون توسعه مخابرات و حمل و نقل و به ویژه حمل و نقل هوایی تحقق اهداف در صنعت توریسم غیرممکن است. در سال ۱۹۸۳ براساس سیاست‌های درهای باز تورگوت اوزال نخست وزیر وقت ترکیه مجوز فعالیت برای شرکت‌های بخش خصوصی در خطوط داخلی داده شد تا به عنوان یکی از اهرم‌های کارآمد در حمایت از سیاست توسعه صنعت توریسم که آرزوی وی بود عمل کند. خصوصی‌سازی جدی در صنعت هوانوردی از سال ۱۹۸۵ آغاز شد و تا سال ۲۰۰۲ بیش از ۱۳۰ کشور آمادگی خود را برای واگذاری ۱۹۰ شرکت هوایی دولتی را به بخش خصوصی اعلام کردند که از این تعداد حدود ۹۰ شرکت به صورت کامل و تعداد دیگری نیز به صورت سهام به بخش خصوصی واگذار شد. بعد از آغاز به کار شرکت‌های غیردولتی فشار برای کاهش حمایت‌های دولتی از شرکت‌های هوایی دولتی به منظور جلوگیری از رقابت ناسالم افزایش یافت. از سال ۱۹۹۲ بعد از اعلام ورشکستگی شرکت‌های مختلف دولت ترکیه محدودیت‌های بیشتری برای تاسیس شرکت‌های بخش خصوصی در حوزه حمل و نقل هوایی ایجاد کرد که تعیین حداقل تعداد هواپیما، افزایش میزان سرمایه اولیه پرداخت شده، گرفتن برگه‌های بانک گرانتی از جمله آن‌ها بود<sup>۱</sup>(گرد، ۲۰۱۵).

#### تغییرات تعداد مسافران حمل و نقل هوایی شامل مجموع داخلی و بین‌المللی کشورهای ایران و ترکیه



۱ برگرفته از: <https://www.tinn.ir/fa/tiny/news-209540>

## (۲) انرژی

### اهمیت انرژی در توسعه اقتصادی



انرژی یک واسطه معمول و عامل شتاب دهنده در فرایند تولید محسوب می‌شود و به عنوان یک عامل غیرقابل چشم پوشی در اقتصاد منظور می‌شود. آیرس و وار (۲۰۱۲) در مدل فیزیولوژیکی، رشد انرژی را اساس و بنیاد بقای بشر معرفی نموده‌اند و از آن به عنوان شاهراه توسعه اقتصادی نام می‌برند. از طرفی برخی

محققین معتقدند که یکی از راه‌های جبران کمبود انرژی استفاده از تکنولوژیهای انرژی اندوز می‌باشد. تکنولوژیهای انرژی اندوز پیشرفت‌های فن آورانه است که مصرف انرژی را در ازای مقدار مشخصی از تولید کاهش می‌دهد. با این حال، توسعه مفهومی فراتر از رشد اقتصادی دارد.

توسعه حائز ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. نقش انرژی در توسعه اقتصادی مانند شمشیر دولبه می‌باشد که اگر به درستی مدیریت نشود نه تنها باعث توسعه اقتصادی نمی‌شود بلکه منجر به عقب ماندگی کشورها می‌شود. متأسفانه علی‌رغم ارزش فراوان و حیاتی منابع انرژی و منابع طبیعی، نقشه توسعه یافتگی جهانی انطباق اندکی با نقشه توزیع منابع طبیعی دارد. هنوز نیز بسیاری از کشورهای غنی از انرژی و منابع طبیعی مانند دوران استعمار به خام فروشی ثروت‌های طبیعی خود مشغول‌اند. اینکه اصولاً منابع طبیعی فراوان می‌توانند موتور توسعه یک کشور باشند یا خیر بحث جالبی است که موضوع نظریه نفرین منابع را مطرح می‌کند. طبق این نظریه (نفرین منابع) فراوانی منابع طبیعی در یک کشور لزوماً به توسعه یافتگی آن کشور کمک نمی‌کند حتی ممکن است مانع توسعه یافتگی شود. بعد اقتصادی این نظریه بیشتر بر نظریه بیماری هلندی مبتنی است. بعد فرهنگی این نظریه بر این دلالت دارد که در کشورهای غنی از منابع طبیعی بازده سرمایه‌گذاری روی آموزش، نیروی انسانی و فرهنگ طی یک دوره بلند مدت محقق می‌شود و بازدهی هنگفت سرمایه‌گذاری روی منابع طبیعی (به ویژه نفت و گاز) به سرعت عاید حکومت می‌شود؛ بنابراین سرمایه‌گذاری روی آموزش و فرهنگ ظاهراً سودآور نیست و توسعه فرهنگی به کندی محقق می‌شود. در بعد توسعه سیاسی نیز نظریه نفرین منابع نشان می‌دهد که بسیاری از حکومت‌های کشورهای غنی از منابع طبیعی، بر عواید حاصل از فروش این منابع متکی‌اند و نه بر مالیات‌های جمع‌آوری شده از مردم. بنابراین عنصر پاسخگویی دولت در قبال

جامعه، که سنگ زیربنای حقوق سیاسی جامعه و توسعه یافتگی سیاسی است، وجود ندارد یا کم اثر است (مصلی نژاد، ۱۳۹۷).

### بررسی رابطه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی؛ خراسان جنوبی

در خصوص رابطه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی چهار فرضیه به شرح زیر مطرح می‌شود:



Source: Mamkhezri, Manochehri & Fatemi Zardan

بر اساس آنچه که در فصل اول بحث گردید، یکی از چالش‌های اساسی خراسان جنوبی برای توسعه اقتصادی، مشکلات بخش انرژی می‌باشد. این مشکلات در حوزه‌های مختلف، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌های فسیلی وجود دارد و باعث شده است که مشکلات گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ایجاد کند. بنابراین، عدم وجود انرژی کافی یکی از دلایل عقب ماندگی استان در حوزه اقتصادی است. این درحالی است که کشور ایران یک کشور غنی از منابع انرژی می‌باشد و کمبود این منابع برای تولید قابل قبول نمی‌باشد. بسیاری از کشورها با وجود منابع انرژی بسیار کمتر نسبت به ایران، توانسته‌اند محدودیت انرژی خود را بهتر مدیریت نمایند. از طرفی دیگر، با تأسیس و راه اندازی صنایع جدید در استان و با توجه به اینکه بیشتر صنایع قدیمی از تکنولوژی‌های به روز استفاده نمی‌کنند، نیاز به مصرف انرژی در بخش تولید افزایش پیدا خواهد کرد. بر این اساس، فرضیه بازخورد برای استان خراسان جنوبی نسبت بقیه فرضیه‌ها بیشتر قابل قبول می‌باشد.



### آشنایی با تجربیات مدیریت انرژی کشورهای ژاپن، کره جنوبی، انگلیس؛ نیم نگاهی به مصرف انرژی نو در خراسان جنوبی

امروزه صنایع تولیدی بیش از یک سوم انرژی‌های اولیه در سراسر جهان را مصرف می‌کنند. این موضوع بر قیمت انرژی، تولید گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن کره زمین و قوانین کشورها در حوزه انرژی تأثیر می‌گذارد. همچنین، ضرورت صرفه جویی در مصرف انرژی در صنایع تولیدی را مشخص می‌کند. در ادامه به بررسی تجربه چند کشور موفق در این زمینه اشاره می‌شود.

#### آشنایی با تجربیات مدیریت انرژی در ژاپن<sup>۱</sup>

ژاپن دارای منابع انرژی طبیعی محدودی است و به همین دلیل، در این کشور قوانینی در حوزه انرژی وضع شده است که در دو دسته انرژی الکتریکی و منابع گاز جای می‌گیرند. پس از وقوع زلزله شدید در شرق ژاپن و در پی آن بروز حادثه در نیروگاه هسته ای فوکوشیما در سال ۲۰۱۱، کشور ژاپن تحولات زیادی در سیاست‌های خود در زمینه انرژی ایجاد کرد. از سال ۲۰۱۹ فعالیت تمام ۴۸ نیروگاه هسته ای در این کشور به جز نه مورد به حالت تعلیق درآمد و استانداردهای جدیدی جهت ایمنی نیروگاه‌های هسته ای تدوین شد. به طور کلی، سیاست‌ها و قوانین انرژی در ژاپن بر اساس

محورهای امنیت انرژی، حفاظت از محیط زیست و راندمان بیشتر، توسعه اقتصادی و اصلاح ساختار صنایع انرژی تدوین شده است. برخی از اقدامات انجام گرفته در این کشور به شرح زیر است:

- تامین منابع جایگزین ایمن تر مانند انرژی های تجدیدپذیر
- توسعه نیروگاه های حرارتی
- صرفه جویی در منابع انرژی موجود
- افزایش تولید انرژی محلی

سیاستمداران ژاپنی سه تغییر عمده در قوانین حوزه انرژی این کشور ایجاد کردند. در گام اول، صنعت خرده فروشی برق به طور کامل آزاد سازی شد و یک نهاد نظارتی جدید برای نظارت بر آن تاسیس شد. در گام دوم، به طور رسمی بخش انتقال را از بخش تولید برق جدا کردند و در گام سوم، سیاست خرید تضمینی برق را اتخاذ نموده و صنعت انرژی های تجدید پذیر را توسعه دادند و به صورت همه جانبه از آن حمایت کردند. همچنین، صنعت گاز در ژاپن را می توان به دو حوزه زیر دسته بندی کرد:

- صنعت گاز شهری که منبع اصلی آن گاز طبیعی است و از طریق خطوط لوله کشی در دسترس مشترکان قرار می گیرد.
- گاز مایع یا الپی جی که گاز مایع را از طریق سیلندره های گاز برای مصرف کنندگان نواحی کمتر توسعه یافته فراهم می کند.

ژاپن در زمینه آزاد سازی صنایع خرده فروشی گاز اقدام کرد و تشویق های مالی و مالیاتی برای شرکت هایی در نظر گرفت که قصد دارند در این زمینه فعالیت کنند. علاوه بر این برای اجرای این پروژه ها، یارانه هایی نیز در نظر گرفت. در بخش صنعت با به کارگیری اجباری متخصصین صرفه جویی انرژی در کارخانه ها، گزارش میزان صرفه جویی انرژی توسط صنایع تولیدی و مدیریت هوشمند انرژی را دریافت و ارزیابی کرد و اقداماتی را در جهت بهبود مصرف انرژی در بخش صنعت در نظر گرفت. در بخش مصرف خانگی، اقدام به ارائه راهنمایی و مشاوره به خانواده ها جهت مصرف بهینه انرژی، تدوین دستورالعمل برای احداث ساختمان ها و الزام به اجرای آن ها، گسترش ساختمان هایی با مصرف انرژی کمتر مانند استفاده از منابع طبیعی تولید انرژی مانند خورشید، سیستم های سرمایشی و تهویه هوای کم مصرف و غیره نمود. در بخش حمل و نقل نیز اقدام به اصلاح الگوی رانندگی، توسعه ماشین های الکتریکی و غیره کرد.

### آشنایی با تجربیات مدیریت انرژی در کره جنوبی<sup>۱</sup>

در سال های اخیر، مردم کره بارها در خصوص کیفیت نامطلوب هوا ابراز نارضایتی کرده اند و علت اصلی آن را وجود نیروگاه های زغال سنگ می دانند که منبع اصلی تولید ریز ذرات موجود در هوا هستند. علاوه بر این، فاجعه هسته ای فوکوشیما دایچی ژاپن در سال ۲۰۱۱ منجر به تضعیف حمایت از انرژی هسته ای و همچنین افزایش آگاهی عمومی در مورد خطرات ایمنی مرتبط با تولید انرژی هسته ای شده است. جهت پاسخ به افکار عمومی، دولتمردان کره تصمیم گرفتند که میزان بهره گیری از نیروگاه های هسته ای و زغال سنگ را تا میزان زیادی کاهش دهند و آن ها را با گاز طبیعی مایع یا ال ان جی و منابع انرژی های سبز جایگزین کنند. در راستای این تصمیم، چندین نیروگاه زغال سنگ در این کشور تعطیل شد و برخی نیز به نیروگاه گاز طبیعی مایع تبدیل شد. همچنین در خصوص استفاده از منابع انرژی هسته ای نیز تجدید نظر شد و دولت اعلام کرد دیگر مجوزی جهت آغاز پروژه هسته ای جدید صادر نمی کند. از طرف دیگر، دولت کره جنوبی سهم انرژی های تجدید پذیر در تولید برق را بهبود بخشید و آن را از حدود ۵ درصد به ۲۰ درصد افزایش داد، ضمن اینکه میزان انتشار آلاینده های زیست محیطی را ۵۰ درصد کاهش داد. دولت کره جنوبی جهت مدیریت انرژی در صنایع تولیدی خود اقدامات زیر را انجام داد:

- توقف توسعه نیروگاه های هسته ای و زغال سنگ و جایگزینی آن ها با نیروگاه های سازگار با محیط زیست
- توجه به حفاظت از محیط زیست، ایمنی و همچنین بهره وری اقتصادی در سیاست های تولید انرژی
- حمایت از بخش خصوصی و مشارکت آن در بخش های مختلف صنعت برق شامل تولید، انتقال، توزیع و خرده فروشی
- تدوین برنامه های تشویقی و ایجاد انگیزه برای افراد و شرکت ها جهت توسعه منابع انرژی جدید و تجدید پذیر

### آشنایی با تجربیات مدیریت انرژی در انگلستان<sup>۱</sup>

در انگلستان میزان مصرف انرژی از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۷ افزایش زیادی یافته است که باعث بروز نگرانی مسئولین این کشور شده است. این موضوع به دلیل استفاده بیشتر از وسایل الکتریکی و توسعه صنایع بوده است. در سال‌های اخیر، استفاده از انرژی باد، خورشید و دیگر منابع تجدید پذیر به جای سوخت‌های فسیلی و گاز طبیعی در بریتانیا افزایش یافته است و امروزه بخش زیادی از نیازهای این کشور با استفاده از انرژی‌های پاک تامین می‌شود. مزرعه‌های بادی که در کنار دریا ساخته شده اند، میزان زیادی از برق بریتانیا را تولید می‌کنند. استفاده از منابع تجدید پذیر، برق مصرفی حدود ۴.۵ میلیون خانوار را تامین کرده است. علاوه بر این، استفاده از انرژی‌های پاک سبب کاهش هزینه‌ها و در نتیجه ارزان‌تر شدن برق مصرفی مشترکین شده است. همچنین آسیب‌های وارده به محیط زیست نیز کاهش یافته است. امروزه در انگلستان، استفاده از منابع تجدید پذیر بیش از انرژی هسته‌ای است و حجم سرمایه‌گذاری در این بخش رو به افزایش است. برخی از اقدامات دولت انگلیس در جهت مدیریت مصرف انرژی به شرح زیر است:

- مدیریت بهینه منابع تولید برق به عنوان راهکاری جهت مقابله با تهدید کمبود نیروی الکتریسته
  - پیشگیری از بروز نوسانات برقی از طریق بهینه سازی ساعات مصرف مشترکان خانگی و صنعتی
  - استفاده بیشتر از پنل‌های خورشیدی جهت تامین بخشی از انرژی مورد نیاز خانه‌ها و صنایع
  - تشویق خانواده‌ها و صنایع به کاهش مصرف برق در زمان اوج مصرف
  - استفاده از فناوری اینترنت اشیا جهت بهینه سازی مصرف
- در سال‌های گذشته، حدود ۴۰ درصد از برق مورد نیاز انگلستان از طریق سوخت‌های فسیلی تامین می‌شد، اما امروزه این رقم به ۷ درصد کاهش یافته است.

## نیم نگاهی به مصرف انرژی نو در خراسان جنوبی

تکیه بر انرژی‌های نو و تجدید پذیر همواره جزو دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) بوده است. در بند ۱۳ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که سال ۹۴ از سوی معظم‌له به قوای سه‌گانه ابلاغ شد، «افزایش سهم انرژی‌های تجدید پذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک‌مقیاس» مورد تاکید ایشان قرار گرفت. در سال‌های بعدتر نیز ایشان به این موضوع تاکید داشتند. خراسان جنوبی با توجه به شرایط اقلیمی، ظرفیت ۳۲۰ روز آفتابی، وزش بادهای ۱۲۰ روزه و شناسایی دالان‌های بادی می‌تواند قطب تولید انرژی‌های نو در کشور باشد اما این ظرفیت‌ها مغفول مانده است. براساس تحقیقات به‌عمل آمده، میانگین سرعت باد برای به صرفه بودن تبدیل انرژی باد به برق حدود ۲۳ کیلومتر در ساعت است که این میانگین سرعت باد در برخی از کشورهای دنیا حدود ۱۶ کیلومتر در ساعت است. در این بین خراسان جنوبی به عنوان قطب منابع عظیم طبیعی از جمله تابش آفتاب، باد، زغالسنگ و غیره بایستی سهم قابل توجهی هم در تولید انرژی و همچنین پیشرفت اقتصادی منطقه داشته باشد. بر اساس مطالعات، سرعت باد در برخی از مناطق خراسان جنوبی نزدیک به ۳۳ کیلومتر در ساعت که بهترین تُرم است، وجود دارد. در این استان به طور متوسط ساعات آفتابی به ۳۲۰۰ ساعت در سال و حتی بیشتر نیز می‌رسد. به‌طوریکه در برخی از شهرستان‌های خراسان جنوبی از جمله طبس مقدار تابش ۴۸۱ (کالری بر سانتیمتر مربع در هر روز) است. این نرم مقدار تابش تقریباً در شهرستان‌های سرایان، بیرجند، قاین، بشرویه، ارسک، نهبندان نیز بین ۳۵۰ تا ۴۸۱ است. در بخش باد نیز وجود حداقل سه دالان بادی در مناطق نهبندان، آفریز، کجه و چهنوی فردوس بهترین پتانسیل برای اجرای طرح نیروگاه‌های بادی و خورشیدی در این استان است.

خراسان جنوبی دارای ۳۱۳ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان و از بالاترین ظرفیت امنیتی در این منطقه برخوردار است. طی این سال‌ها یکی از درخواست‌های اصلی این کشور تأمین برق از سوی ایران بوده است که می‌تواند ارزآوری خوبی برای کشور و استان به همراه داشته باشد. لزوم توجه و سرمایه‌گذاری جدی در حوزه انرژی‌های نو می‌تواند این بستر را برای رشد و پیشرفت اقتصادی خراسان جنوبی در حوزه صادرات برق به کشور افغانستان که نیاز فراوانی دارد، فراهم آورد. شکی نیست که در صورت حمایت از سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی و بهره‌برداری از نیروگاه‌های خورشید و بادی علاوه بر تولید برق ارزان قیمت برای مردم منطقه، انتقال و صادرات آن به کشورهای همسایه ارزش افزوده و ارزآوری قابل توجهی را به ارمغان خواهد آورد.

### ۳) فناوری و ارتباطات

جهان پس از گذر از انقلاب کشاورزی که منبع کلیدی در آن زمین بود، و انقلاب صنعتی که سرمایه و نیروی کار منبع اصلی تامین ثروت آن بود، شاهد انقلاب اطلاعاتی است که در آن منبع ارزشمند خلق ثروت و درآمد، دانش است.

پایه انقلاب اطلاعاتی را می‌توان فناوری اطلاعات دانست. این انقلاب نحوه زندگی، کار و یادگیری مردم را دچار تحول نموده است. دنیای مدرن امروز در حال تجربه یک دگرگونی اساسی از اقتصاد تولید محور به اقتصاد دانش محور و اطلاعات محور است. برخی اقتصاد دانش محور را اقتصادی میدانند که در آن تولید، توزیع و استفاده از دانش منبع اصلی رشد و ایجاد ثروت است. اقتصاد دانش محور که گاهی از آن به عنوان اقتصاد جدید نام برده می‌شود، بر اثر دو نیروی عمده به وجود آمده است:

۱. افزایش جهانی شدن امور اقتصادی به دلیل قانون زدایی جهانی و از بین رفتن تعرفه ها و موانع سرمایه‌گذاری خارجی.

۲. افزایش درجه دانش در فعالیتهای اقتصادی به دلیل انقلاب فناوری اطلاعات و افزایش نرخ تغییرات فناوری.

بنابراین لازم است برای حرکت به سمت اقتصاد دانش محور اقدام به توسعه ارتباطات نمود. در اهمیت پیوند بین ارتباطات و توسعه اقتصادی، می‌توان به چند مورد در سطح خرد و کلان اشاره کرد:

۱. ارتباطات و توسعه در سطح کلان به عنوان تسهیل‌کننده هدف‌های ملی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و همچنین تمامیت اجتماعی شناخته می‌شوند. ارتباطات و توسعه در سطح خرد به اهداف مشابه اما در سطح کوچک‌تر اجتماعی (محلی) در نظر گرفته می‌شود.

۲. کاربرد فزاینده ارتباطات در سطح خرد، منجر به آگاهی بیشتر مردم به خصوص روستاییان و کشاورزان، در امر تولید می‌شود و می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد.

۳. توسعه رسانه‌های ارتباطی، به ویژه گسترش زیرساخت در سطح ملی، پیش شرط اقتدار و امنیت است. چنین قابلیتی اتکاء به خود را تضمین و در مسائل دفاع ملی، احساس امنیت را، چه صوری و چه واقعی، تقویت می‌کند. همین احساس در سطح روستا نیز ظاهر می‌شود و آن هنگامی است که رسانه‌های ارتباطی، حکم رابط مردم را پیدا می‌کنند و باعث می‌شوند تا جامعه به خود تکیه کند.

۴. مشارکت فرهنگی از نتایج دیگر ارتباطات و توسعه است. مشارکت فرهنگی از طریق پروژه‌هایی که تکنولوژی و شیوه‌های ارتباطی را به خدمت می‌گیرند، تسهیل می‌شود.
۵. زیرساخت ارتباطی باعث کاهش بوروکراسی در ادارات و سازمان‌ها می‌شود.
۶. برنامه‌ریزی اجتماعی و اجرایی پروژه‌های آموزشی، بهداشتی و رفاهی، چه در سطح کلان و چه در سطح خرد از طریق ارتباطات تسهیل می‌شود.

### بررسی یک نظریه اقتصاد توسعه در باب گسترش ارتباطات

در زمینه مباحث توسعه ارتباطات، نخستین دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی که به نقش ارتباطات در توسعه توجه کردند در چارچوب مدل‌های نوسازی قرار می‌گیرند. این نظریه‌ها طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر عرصه‌های آکادمیک و علمی دنیا و سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطات و توسعه در کشورهای توسعه نیافته حاکم بودند و چون ارتباطات را علت و عامل توسعه فرض می‌کردند به «نگرش‌های علی ارتباطات و توسعه» شهرت دارند و از آنجایی که خاستگاه این نظریه‌ها غرب و جوامع سرمایه‌داری (به‌خصوص ایالات متحده آمریکا) بود بر چارچوب‌های فلسفی، شناخت‌شناسی و تجربی غرب مبتنی بودند. دانیل لرنر<sup>۱</sup> از اولین محققان و نظریه پردازان بنام و مطرح در این حوزه بود. وی نظریاتی مبتنی بر تغییرات فردی و توسعه دارد. به اعتقاد او طرح نظریه توسعه بخشی ارتباطات، زمینه لازم را برای تحرک روحی و رفتاری افراد به منظور ایجاد تحرک اجتماعی به وجود می‌آورد.

در الگوی لرنر، چهار مرحله مطرح است. وی با طرح نظریه «گذر از نظام سنتی، نوسازی خاورمیانه» براساس تحقیق و پژوهش خود در کشورهای ایران، ترکیه، مصر، سوریه، اردن و لبنان، نتیجه می‌گیرد که ارتباطات جمعی عامل مهم تحرک جوامع سنتی و تبدیل انسانها از حالت سنتی به متجدد و نوآور می‌باشد. وی در این زمینه، تحرک جغرافیایی، سوادآموزی، استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اقتصادی و سیاسی را مهم‌ترین مراحل نوسازی کشورهای در حال توسعه معرفی می‌نماید. توجه به آثار ارتباطات جهت توسعه اقتصادی از دهه ۱۹۵۰، موردنظر کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. مراحل اولیه که لرنر معرفی می‌کند عبارتند از:

- ۱- تحرک جغرافیایی: هر جامعه برای نوسازی باید به نسبت معینی از شهرنشینی عبور کند. به نظر او هر گاه جامعه‌ای بیش از ۱۰ درصد جمعیت خود را به شهرهای بیش از ۵۰ هزار نفر

بکشاند، روند توسعه کند پیش می رود و حال آنکه اگر این میزان از رقم ۲۵ درصد تجاوز کند، روند نوسازی با میزان برابری از افزایش جامعه رشد می کند و موجب ارتقای آموزش و پرورش می گردد و از اینجا مرحله دوم توسعه آغاز می شود.

۲- سواد آموزی: مهاجرت افراد به شهرها، نیازهای شغلی جدید و مناسبات اجتماعی را متحول می سازد و نیاز به علم اندوزی را در زندگی شهری ایجاد می کند.

۳- استفاده از رسانه و گسترش ارتباطات: افزایش سطح معلومات افراد، امکان استفاده از رسانه ها را بیشتر می کند و همدلی را که همانند جویی و به کارگیری شیوه زیست جوامع غربی است، میسر می سازد.

۴- مشارکت اقتصادی و سیاسی: با بهره گیری از رسانه ها و گسترش ارتباطات، تحول درک افراد و شناخت جامعه و آگاهی سیاسی بیشتر شده و مشارکت اقتصادی و دخالت در سرنوشت سیاسی را برای افراد ضروری می نماید.



لرنر عقیده دارد نظام ارتباط سنتی مبتنی بر نظام شفاهی، باید به نظام رسانه ای کشورهای پیشرفته تغییر یابد. دانیل لرنر بعد از بررسی مباحث خود، نتیجه خود را اینگونه ارائه می دهد:

**ترکیه:** از شاخص های روانی مایل به کامیابی و پیروزی برخوردار است و از نظر نوگرایی، آینده خوبی در پیش دارد.

**لبنان:** از آن دسته کشورهایی است که تعدد قوم در آن زیاد است و چندین قوم در کنار هم زندگی می کنند؛ بنابراین می توان گفت تبدیل به متحول ترین کشورها خواهد شد.

**اردن:** این کشور از فرهنگ قومی سنتی برخوردار است، که درواقع جلوگیری کننده و بازدارنده مهمی در برابر توسعه است.

**مصر:** دارای دیرینه امپراتوری باستان که در حقیقت، به پان عربیسم (ملی گرایی عرب) هم، دچار شدند و نمی توانند با این ملیت به نوسازی دست یابند.

**سوریه:** به خاطر تلفیق فرهنگ سورانی و اعراب مهاجر شرایط توسعه را ندارد و چشم انداز آینده آن، واضح و روشن نیست.

**ایران:** به گذشته خود افتخار می‌کند اما تاللو و پرتویی از آن گذشته را، شاهد نیستیم، به لحاظ سواد، فاصله و تفاوت میان مردم و نخبگانش، زیاد است و در رابطه با توسعه، با مردم روراست نیستند.

با این حال، این مدل همانند بسیاری از مدل‌های توسعه‌ای دارای انتقاداتی می‌باشد. بطور نمونه چودری عنایت‌الله محقق پاکستانی بیان می‌کند که الگوی لرنر مبتنی بر تجربه تاریخی غرب است. در حالیکه الگوهای توسعه باید مبتنی بر خصائص بومی و داخلی هر کشور باشند و به قول اورت راجرز الگوها می‌باید متناوب و منطبق با شرایط خاص کشورهای جهان باشند. اما نباید از اهمیت توسعه ارتباطات در فرآیند توسعه اقتصادی غافل شد چرا که ارتباطات باعث تسریع مبادلات، ایجاد تغییرات شناختی، نگرشی و رفتاری بخصوص در بلندمدت می‌شوند و افزایش تولید را به دنبال دارند. خراسان جنوبی نیز از این قاعده مستثنی نیست. شاید آن روزی که دانیل لرنر مباحث توسعه‌ای ارتباطات را مطرح می‌کرد هیچوقت فکر نمی‌کرد که در جوامع محلی نیز این رشد ارتباطات می‌تواند آنچنان گستره‌ای از فعالیت‌های ارتباطی را همگن سازی کند که در ضروری ترین فعالیت‌ها به عینه دیده می‌شود. خراسان جنوبی علیرغم همه پیشرفت‌های علمی و اجرایی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی داشته است، اما به دلیل فراهم نبودن برخی زیرساخت‌های ارتباطی لازم، خیلی از فرصتهایی که می‌تواند باعث رشد و تعالی استان شود را از دست داده است. همانطور که در فصل اول نیز بررسی شد متأسفانه وضعیت استان در حوزه ارتباطی چندان مناسب نیست. بنابراین لازم است برای بهبود فرآیند توسعه اقتصادی مقوله بهبود زیرساخت‌ها و نوسازی آن‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های استان در نظر گرفته شود.

## (۴) منابع آبی

### آب و توسعه اقتصادی

"وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ"

«و هر چیز زنده ای را از آب آفریدیم»

(آیه شریفه ۳۰ سوره انبیاء).

این آیه شریفه اهمیت بیش از اندازه آب برای انسان و نقش آن را در توسعه کنونی بیان می‌کند. افزون بر این که آب مهم‌ترین عنصر حیاتی بدن انسان است، این ماده یکی از مهم‌ترین بنیادهای زندگی اجتماعی وی را نیز تشکیل می‌دهد. امروزه جوامع بین‌المللی از اهمیت آب در جهت داشتن رشد اقتصادی پایدار در زمان حال و آینده آگاه شده‌اند. در سطح ملی سهم زیادی از سرمایه‌گذاری‌ها صرف زیرساخت‌ها و امور زیربنایی و بهبود مدیریت منابع آب می‌شود که بیانگر اهمیت بخش آب در سطح ملی است. در این خصوص، نقش آب در توسعه از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است که به‌طور خلاصه به برخی از این موارد پرداخته می‌شود:

۱. آب به‌عنوان یک نهاده تولید، نقش مهمی در تولید محصولات (کشاورزی، صنعت، معدن، پتروشیمی، فولاد، معدن و غیره) دارد و دسترسی آسان به منابع آبی می‌تواند هزینه‌های تولید را به مقدار زیادی کاهش دهد.

۲. وجود منابع آبی پایدار سبب افزایش تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی شده، به‌طوری که مازاد تولیدات کشاورزی سبب انباشت سرمایه ملی می‌شود.

۳. توسعه مراکز جمعیت روستایی مستلزم وجود منابع آبی است، در حالی که در بسیاری از کشورها، توسعه روستاها نقش بسزایی در رشد و توسعه کشور دارد. مطابق گزارش‌های سازمان ملل متحد در کشورهای در حال توسعه حدود ۵۴ درصد جمعیت آن‌ها در روستاها ساکن هستند که سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی روستاها می‌تواند نقش پررنگی در توسعه آن‌ها داشته باشد.

۴. شیوع بسیاری از بیماری‌هایی که از طریق آب آلوده انجام می‌شود تاثیر منفی بر رشد دارد و آسیب‌های اجتماعی و مالی بسیاری به‌بار می‌آورد. آمارهای ارزیابی مشترک سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی درخصوص سطح بهداشت و دسترسی به آب در تمام قاره‌ها، نشان می‌دهد که بیماری اسهال

دومین عامل بیماری جهانی حتی بیشتر از ایدز جهان را تهدید می‌کند. گزارش فوق نشان می‌دهد که هر ساله بیش از ۱.۵ میلیون کودک در سراسر دنیا بر اثر مبتلا به بیماری اسهال خونی فوت می‌کنند. هزینه‌های مراقبت، بیمارستانی و دارویی بیماری‌هایی که منشأ آن‌ها آب است در کشورهای کم درآمد بسیار حائز اهمیت است. بار مالی و اقتصادی بیماری‌های ناشی از آب از طریق شاخص دایلی «سال‌هایی از عمر که به ناتوانی می‌گذرد» قابل اندازه‌گیری است. تامین آب شرب بهداشتی (شاخص بهره‌برداری آب) از جمله شاخص‌های اصلی توسعه پایدار بر اساس اصول و معیارهای پذیرفته شده جهانی است. افزایش تامین و توزیع آب با کیفیت منجر به ارتقای رفاه نسبی و در نهایت توسعه پایدار با رویکرد عدالت اجتماعی خواهد شد. بنابراین سرمایه‌گذاری در افزایش و بهبود کیفیت آب توسط دولت‌ها در مناطق روستایی و دورافتاده می‌تواند تاثیر مثبتی در مخارج دولت داشته باشد. به‌طوری که به اعتقاد کارشناسان سازمان ملل متحد، هر دلار سرمایه‌گذاری در بخش آب ۷ دلار بازده سرمایه‌گذاری دارد.

۵. بحران‌های ناشی از کمبود آب تاثیر منفی بر رشد دارد. یک نمونه از بحران‌های کمبود آب، مهاجرت یا رشد منفی روستاها به مناطق شهری است که تداوم آن سبب سالخوردگی، نابودی پتانسیل‌های تولیدی و اقتصادی در مناطق روستایی است (داودآبادی، ۱۳۹۶).<sup>۱</sup>

### مهم‌ترین چالش‌های بحران آبی در خراسان جنوبی



بحران آبی باعث چالش‌های بسیار زیادی برای استان خراسان جنوبی شده است و بخش‌های مختلف اقتصادی را درگیر کرده است. در این بین شاید بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها، تاثیر بیشتری را از بحران آبی دریافت کرده است. در حقیقت، آب از مهم‌ترین عوامل تولید در کشاورزی است. همانطور که در

فصل اول بحث شد، میزان بارندگی در استان خراسان جنوبی بسیار اندک هست که باعث شده است این استان جزء استان‌های با خشکسالی بسیار شدید طبقه بندی شده است. وضعیت منابع آبی نشان می‌دهد که بخش کشاورزی استان و حتی کشور نه تنها در اراضی دیم، حتی در اراضی آبی که

۱. داودآبادی، محمود، (۱۳۹۶)، جایگاه آب در توسعه اقتصادی (<https://donya-e-qctesad.com>)

آب کافی دریافت می کنند؛ عملکرد قابل قبولی در مقایسه با سایر کشورها نداشته باشد. با توجه به اینکه کشاورزی استان به شدت به آبیاری وابسته است؛ چنانچه نقش آب در توسعه استان در نظر گرفته نشود؛ بدون شک استان با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. در ادامه به مهم ترین چالش های موجود در حوزه آب استان خراسان جنوبی و همچنین کشور اشاره می شود<sup>۱</sup>:

۱. خشکسالی های متوالی: خشکسالی متوالی در چند سال گذشته باعث عدم توازن در میزان آب و در نتیجه آن کمبود آب، نابودی گیاهان، کم شدن شدت جریان آب، کاهش عمق آب های سطحی و خاک مرطوب، افزایش مهاجرت و غیره شده است.

۲. عدم تعادل در عرضه و تقاضای آب: جمعیت درحال افزایش است. بنابراین تقاضا برای غذا، خدمات بهداشتی، مسکن، کالاهای بادوام مصرفی و سرمایه ای نیز بالا می رود. توسعه بخش های کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات به سهم خود تقاضا برای آب را افزایش می دهند. اگر این افزایش در حجم تقاضا به شکل صحیحی مدیریت نشود، ممکن است بخش آب با افزایش تقاضای اضافی مواجه و ناچار با تعارضات و مشکلات مرتبط با تخصیص آب به شکل گسترده تری روبرو شود. بدیهی ست که این رویداد مانع توسعه ای پایدار بخش آب می شود. افزایش تقاضا تاکنون با افزایش عرضه ای آب تأمین شده است. بخش خصوصی به استحصال آب از منابع زیرزمینی پرداخته و بخش عمومی به احداث سدهای مخزنی، انحرافی و شبکه های انتقال آب اقدام کرده است. منابع زیرزمینی بیشتر از جریان تغذیه طبیعی خود مورد بهره برداری قرار گرفته اند. اضافه ای برداشت باعث تخریب مخازن زیرزمینی آب و نشست سطح زمین شده است. بر اثر حفر چاه های متعدد و تجاوز به آبخوان های قنات ها، بسیاری از آنها خشک شده و زمین های مشروب از یک جریان پایدار آب محروم شده اند. از سوی دیگر مکان های مناسب برای احداث سد در طول رودخانه ها مورد استفاده قرار گرفته اند. لازم به یادآوری است احداث سدهای جدید نیازمند به کارگیری مکان های نامناسب تر و صرف هزینه ی بیشتر است؛ بنابراین عرضه ای آب اضافی از منابع سطحی و یا منابع زیرزمینی با هزینه های فزاینده ای در آینده همراه خواهد بود. با این وصف مدیریت عرضه آب در آینده از طریق استحصال آب های جدید از منابع سطحی یا زیرزمینی و یا از طریق تصفیه ی پس آب ها و آب های آلوده بسیار پرهزینه خواهد بود؛ بنابراین به نظر می رسد چالش های

۱. با اقتباس از مطالعه؛ قنبری شیر سوار، علی، (۱۴۰۰)، اهمیت آب در اقتصاد کشور،

(<https://www.iribnews.ir/00Dk10>)

تقاضای آب را از طریق مدیریت تقاضا و توجه به عواملی که بر تقاضای آب مؤثر است می‌توان مرتفع کرد.

۳. قیمت ناچیز آب کشاورزی: بر اساس برخی آمار وزارت نیرو در سال ۱۳۹۸ حدود ۹۰ درصد آب‌های استحصال شده در بخش کشاورزی مصرف شده است. به رغم تقاضای بسیار زیاد این بخش، قیمتی که کشاورزان برای مصرف آب می‌پردازند بسیار ناچیز است. عدم پرداخت قیمت متعادل ممکن است به متقاضی القا کند که ارزش آب واقعا برابر همان قیمت اندکی است که می‌پردازد. بنابراین، ارزانی آب هیچ انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی مصرف آب پدید نمی‌آورد. همین‌طور بنگاه‌های کارگزار را تشویق به سرمایه‌گذاری در منابع آب نمی‌کند، چراکه منافع حاصل از این فعالیت بسیار ناچیز است.

۴. تلفات آب هنگام آب‌رسانی: متأسفانه فرآیند آب‌رسانی و مصرف آب در هر دو بخش کشاورزی و شهری با اتلاف بسیار زیاد همراه است. بر اساس آمار، در بخش نخست، انتقال آب از سد به شبکه‌ها و سپس آبیاری در مزارع موجب هدر رفتن بخش اعظمی از آن می‌شود. در بخش شهری نیز بخش قابل توجهی از آب ضمن انتقال هدر می‌رود. جلوگیری از این اتلاف منابع آبی باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های ساختن سدها برای تأمین آب کشاورزی و جلوگیری از قطع آب آشامیدنی در شهرها می‌شود.

۵. ناکارآمدی نظام تخصیص: همان‌طور که اشاره شد، افزایش تقاضا در مصارف شهری و صنعت باید با افزایش عرضه آب به این مصارف همراه باشد. اهمیت مصارف شرب و بهداشتی آب و نیز ارزش افزوده آب در فرآیندهای صنعتی، اولویت مصرف آن را نسبت به کشاورزی روشن می‌گرداند. در هر صورت، باید زمینه اختصاص آب از مصرف کشاورزی به غیر آن با تمایل و رضایت کشاورزان به تدریج فراهم آید. به‌رغم اختلاف در تراکم جمعیت و نیازهای صنعتی و خدماتی زمینه لازم برای بهترین مصرف آب، یعنی کاربردی که بیشترین نیاز برای آن وجود دارد و بالاترین ارزش افزوده را ایجاد می‌کند وجود ندارد و هنوز بخش اعظمی از منابع آبی در بخش کشاورزی و با روش غرقابی استفاده می‌شود.

۶. الگوی کشت نامناسب: حتی در مصارف کشاورزی نیز آب در بسیاری از مناطق و دشت‌ها به بهترین مصرف اجتماعی خود نمی‌رسد، کمبود آب در دشت‌های خشک و گرم، ایجاب می‌کند که محصولاتی کشت شوند که آب کمی مصرف می‌کنند. برای نمونه مشاهده می‌شود که در خراسان جنوبی چغندر قند که نیاز زیادی به آب دارد کشت می‌شود. در خوزستان که ذخایر آب فراهم‌تر است این محصول به شکل فراوان کشت نمی‌شود و به جای آن نیشکر کاشته می‌شود که دارای نیاز آبی زیادی در دوره کم‌آبی

رودخانه‌هاست. در مجموع مشاهده می‌شود که در استان و به طور کل در دشت‌های ایران از یک الگوی کشت مناسب پیروی نمی‌شود. یکی از دلایل به‌کارگیری الگوی کشت نامناسب، کم بودن قیمت آب کشاورزی است که ضرورت صرفه‌جویی در مصرف آن را آشکار نمی‌سازد.

۷. کمبود منابع مالی: یکی دیگر از چالش‌های بخش آب، فراهم نشدن منابع مالی برای سرمایه‌گذاری جهت تأمین آب است. در حال حاضر اغلب طرح‌های آبی از طریق بخش عمومی تأمین مالی می‌شود؛ بنابراین ایجاد زمینه برای سودآور شدن سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و خود گردان شدن سرمایه‌گذاری بخش عمومی یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها تأمین و متنوع شدن منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در این بخش است. عدم تنوع منابع مالی به معنی کاهش مشارکت بخش خصوصی و اختصاص پس‌اندازهای آنان به سرمایه‌گذاری برای توسعه منابع آب است. محدودیت بزرگی که نوآوری مالی و مدیریت عرضه آب را با چالش روبه‌رو می‌کند، قیمت پایین آب کشاورزی و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در طرح‌های آب است.<sup>۱</sup>

۸. افزایش مهاجرت: افزایش خشکسالی، بیابان‌زایی، از بین رفتن پوشش گیاهی و افزایش گرد و خاک و مسائلی از این دست باعث شده است تا مهاجرت از روستا به شهر و از استان به سایر استان‌های روند افزایشی داشته باشد که می‌تواند مشکلات جدی جمعیتی را در آینده به همراه داشته باشد.

### مدیریت بهینه آب؛ مطالعه موردی چاه نیمه‌های استان سیستان

#### و بلوچستان و کشور فرانسه

بررسی تجربه

موفق

#### چاه نیمه‌های استان سیستان و بلوچستان

چاه نیمه‌ها، چاله‌ها و گودال‌های طبیعی بزرگی هستند که در فاصله

۵۰ کیلومتری شهر زابل و ۵ کیلومتری شهرستان زهک و در کنار روستای قلعه نو قرار دارند. آب مازاد رودخانه هیرمند توسط کانالی به آن هدایت می‌شود. گنجایش این مخازن ۷۰۰ میلیون متر مکعب است که به صورت دریاچه مصنوعی درآمده است. در مواقع کم آبی، آب شرب و قسمتی از آب کشاورزی سیستان و بلوچستان از این دریاچه مصنوعی تأمین می‌گردد. در حاشیه آبهای زلال چاه نیمه، پارک جنگلی و باغ وحشی احداث شده که منظره زیبایی را به وجود آورده است و بزرگ

۱. با اقتباس از مطالعه؛ قنبری شیر سوار، علی، (۱۴۰۰)، اهمیت آب در اقتصاد کشور،

(<https://www.iribnews.ir/00Dk10>)

ترین تفریحگاه جنوب شرق کشور به حساب می آید. مناطق سیستان و بلوچستان سالهاست که با خشکسالی دست و پنجه نرم می کند. به همین منظور چندین دریاچه مصنوعی بسیار بزرگ (چاه نیمه) در این منطقه ایجاد شده تا آب اضافی رودخانه هیرمند به آن ها هدایت شود. استفاده از این تجربه ملی و میهنی با کمترین هزینه می تواند به عنوان یک راهکار برای رفع چالش های کم آبی استان خراسان جنوبی مخصوصاً در مناطق روستایی مورد استفاده قرار گیرد.

### کشور فرانسه

فرانسه کشوری در شمال غرب اروپاست که وسعت آن یک سوم مساحت ایران و جمعیت آن ۶۷ میلیون نفر است. این کشور با متوسط ۲۱۱ میلیارد مترمکعب، یک و نیم برابر کشورمان آب تجدیدپذیر سالانه دارد که با توجه به جمعیت کمتر در مقایسه با ایران، سرانه آب تجدیدپذیر فرانسه ۱.۹ برابر کشورمان است. قدمت فعالیت های کشاورزی و صنعتی در فرانسه بالاست، به نحوی که وسعت اراضی کشاورزی هیچ کشوری در اتحادیه اروپا بیش از سهم ۱۷ درصدی این کشور نیست. توسعه صنعتی در فرانسه نیز نسبت به سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا به نحوی است که این کشور را در زمره سه کشور برتر صنعتی این قاره قرار می دهد. اما توسعه صنعتی نیز نیازمند تخصیص آب است. در ادامه به برخی از نکات آموزنده ای مدیریت منابع آبی فرانسه پرداخته می شود:

۱. مدیریت آب؛ براساس تقسیمات حوضه آبریز، نه مرزهای استانی: فرانسه از دسامبر سال ۱۹۶۴، مبنای مدیریت آب کشور خود را مستقل از تقسیمات سیاسی و مرزهای استانی و ایالتی؛ بر اساس تقسیمات حوضه آبریز قرار داده است. این مبنای مدیریت آب، یکی از اصولی ترین مدل های مدیریت مبتنی بر آمایش صحیح و ظرفیت های طبیعی و اقلیمی است. امروزه تقریباً همه کشورهای عضو کمیسیون آب اتحادیه اروپا به تبعیت از فرانسه، چنین مبنایی را در مدیریت منابع آبی رعایت می کنند. گفتنی است حوضه آبریز محدوده جغرافیایی مشخصی است که در آن کلیه ریزش های جوی از طریق رواناب های سطحی و سفره های زیرزمینی به سمت یک خروجی مشخص زهکش می شود. مرز بین حوضه های آبریز را معمولاً خط الرأس کوهستان ها تشکیل می دهد. در شکل زیر محدوده حوضه های آبریز فرانسه را می توان مشاهده کرد.

۲. مدیریت از پایین به بالا: قانون قدیم آب فرانسه که در دسامبر ۱۹۶۴ به تصویب رسید، ساختار مدیریت آب را بر اساس حوضه های آبریز رسماً به تصویب رساند که بر اساس آن هر کدام از شش

حوضه آبریز اصلی این کشور، آژانس آب جداگانه‌ای را متشکل از کلیه گروداران و آب‌بران محلی از بخش‌های مختلف به رأی ساکنان همان حوضه تشکیل می‌دهد. آژانس‌های آب در حقیقت به مثابه یک پارلمان و نهادی قانون‌گذار درباره مسائل آب محدوده همان حوضه آبریز عمل می‌کنند. کلیه سیاست‌گذاری‌های مربوط به تولید، تخصیص، مصرف و بازچرخانی آب و همچنین قاعده‌گذاری پیرامون توسعه بخش‌های مختلف آب‌بر نظیر الگوی آمایش شهرها، توسعه بخش‌های صنعتی و کشاورزی و غیره در هر حوضه آبریز تماماً توسط آژانس آب مربوطه تدوین می‌شود. اعضای این آژانس‌ها در حقیقت نمایندگان تشکلهای و اصناف مردمی در حوزه‌های مختلف شهری، کشاورزی، صنعتی، گردشگری، محیط‌زیست، بهداشت، خدمات و به طور کلی هر بخشی است که آب‌بر محسوب می‌شود.

۳. نقش پررنگ دولت در مدیریت منابع آب: دولت مرکزی فرانسه صرفاً با تدوین سیاست‌ها و قواعد فرادستی که هر ۱۵ سال یکبار در قالب برنامه‌ای موسوم به طرح جامع بهبود منابع آب (SDAGE) به روز رسانی می‌شود، شاخص‌ها و معیارهای کلان مدیریت منابع آب فرانسه را تعیین می‌نماید. معیارهای SDAGE نظیر استاندارد بیلان منابع و مصارف آب، کیفیت و حدود آلاینده‌گی آب و شاخص‌های زیست‌محیطی و اقتصادی کلان، در واقع آژانس‌های آب را در روند تدوین قوانین پایین‌دستی هدایت می‌کند. این در حالی است که اختیار قانون‌گذاری پایین‌دستی به طور گسترده به آژانس آب برآمده از جوامع محلی تفویض شده است. از جمله قواعد فرادستی حاکم بر سیاست‌گذاری‌های آب، دو اصل عمومی است که به اختصار WPW و PP نامیده می‌شود. اصل اول بیان می‌کند که سیاست‌گذاری‌های قیمتی و مالیاتی در هر طرح استحصال و توسعه منابع آب فرانسه باید بتواند هزینه طرح مشابه بعدی را تأمین کند. اصطلاحاً می‌توان این اصل را چنین تعبیر کرد که «آب، هزینه خودش را درآورد». اصل دوم تأکید می‌کند آن‌که بیشتر آب را آلوده می‌کند، سهم بیشتری در پرداخت هزینه‌ها خواهد داشت.

### توصیه‌های سیاستی این فصل

- با توجه به مباحثی که در این فصل ارائه گردید، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
- مشارکت بخش خصوصی در ایجاد و توسعه زیرساخت‌های استان (بطور مثال، سهم بخش خصوصی در تولید برق استان بسیار اندک است. در صورتی که این بخش پتانسیل بالایی در

سرمایه‌گذاری و تولید برق دارد. لذا، تدوین سیاست‌های مناسب در جهت افزایش مشارکت بخش خصوصی در تولید برق ضروری می‌باشد).

- تسریع در اجرای پروژه انتقال آب از دریای عمان به استان با توجه به کمبود منابع آبی پایدار و عدم تخصیص منابع آبی موردنیاز
- مدیریت روان آب‌ها و سیلاب‌های فصلی در سطح استان به ویژه مناطق مرزی
- بازچرخانی آب و استفاده از پساب آب
- مسلوب‌المنفعه نمودن چاه‌های آب غیر مجاز در بخش کشاورزی و تخصیص آب آنها به بخش شرب و صنعت
- یکپارچه سازی مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی
- عزم ملی و همکاری همگانی برای مواجهه با چالش تغییرات اقلیمی و آب و هوایی و کاهش آلودگی‌های زیست محیطی (آب، خاک و هوا)
- غربال و اولویت بندی پروژه‌های استان بر اساس آب قابل برنامه ریزی و اهداف طرح
- همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی استان در جهت اعمال قوانین و استقرار حکمرانی خوب و مؤثر آب در استان
- وضع قوانین سختگیرانه و بازدارنده در زمینه جلوگیری از آلودگی منابع آب
- ارتقای بهره‌وری آب بخصوص بخش کشاورزی با استفاده از تمام ساز و کارهای لازم
- پیگیری برای ایجاد و توسعه زیرساخت‌های استان از جمله تامین آب، برق، گاز و همچنین در بخش حمل و نقل مانند دوبانده شدن راه‌های مواصلاتی استان و اجرای ایستگاه‌های راه آهن و خطوط فرعی مورد نیاز برای پروژه‌های اولویت‌دار استان
- ایجاد و توسعه زیرساخت‌های گمرکی از جمله؛ ساخت آزمایشگاه‌های تعیین ماهیت کالاهای صادراتی و وارداتی، قرنطینه محصولات کشاورزی و دامی، ایجاد باجه بانکی (ارزی) و صرافی در گمرک ماهیرود و سایر بازارچه‌های مرزی، احداث درمانگاه در مرز ماهیرود و غیره؛
- تأسیس نمایندگی بیمه محصولات صادراتی تجار به منظور کاهش ریسک تجار و فعالان اقتصادی طرفین.
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های توسعه‌ای و نهادهای تسهیل‌گر به سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی و توسعه‌ای استان

- ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز بهش گردشگری؛ یکی از بخشهایی که می‌تواند توسعه استان را رقم بزند، توسعه صنعت گردشگری است که متأسفانه این موضوع در استان کاملاً مغفول مانده است.
- توسعه زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های مرزی به ویژه شبکه حمل و نقل؛ در این خصوص لازم است سرمایه‌گذاری در اجرای پروژه راه آهن و سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع جوار ریلی در استان و مخصوصاً شهرستان‌های مرزی صورت پذیرد. همچنین، با توجه به موقعیت استراتژیک استان و قرار گرفتن در دالان ترانزیتی محور شرق (بندر چابهار- افغانستان- ازبکستان- آسیای میانه) و وجود منطقه ویژه اقتصادی بیرجند، اهمیت پایانه مرزی ماهیرود دو چندان می‌شود و می‌بایست زیرساخت‌های لازم در این پایانه مرزی انجام گیرد و با توجه به اینکه روزانه شاهد تردد انواع تریلی در این جاده مرزی هستیم می‌بایست نسبت به دو بانده کردن آن اقدام شود.
- توسعه آزمایشگاه‌های مورد نیاز محصولات استراتژیک صادراتی؛ به دلیل نبود آزمایشگاه استاندارد برای صادرات محصولات استراتژیک استان، محصولات صادراتی از گمرکات و سایر مبادی صادراتی، به کشورها صادر می‌گردد که باعث بی نصیب ماندن تولیدکنندگان و صادرکنندگان از ارزش افزوده صادراتی و جلوگیری از شکل‌گیری فعالیت‌های خدماتی مرتبط در استان می‌گردد. با توجه به گسترش مبادلات تجاری و ترانزیت در گمرک ماهیرود و بازارچه های مرزی، کمبود نیروی انسانی متخصص وجود دارد.
- ایجاد حساب ویژه برای مناطق کمتر توسعه‌یافته در صندوق توسعه ملی به منظور انجام سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مورد نیاز
- کاهش هزینه‌های برق، گاز، حق بیمه تامین اجتماعی در مناطق کم برخوردار؛ با توجه به هزینه‌های زیادی که واحدهای تولیدی برای ایجاد کار در مناطق کمتر برخوردار متحمل می‌شوند و مزایای بسیار زیادی که ایجاد اشتغال در این مناطق ایجاد می‌کند، انتظار می‌رود به منظور رقابت پذیر کردن فعالیت اقتصادی در این مناطق، هزینه‌های برق، گاز، حق بیمه تامین اجتماعی در این مناطق کمتر باشد تا ایجاد اشتغال را اقتصادی نماید. در غیر این صورت نه تنها رشد اقتصادی در این مناطق اتفاق نخواهد افتاد، بلکه همچنان شاهد تعطیلی یا تولید کمتر از ظرفیت واحدهای تولیدی موجود خواهیم بود.
- برگشت درآمد حاصل از عملکرد بازارچه های مرزی استان جهت هزینه کرد در تکمیل زیرساخت‌های تجاری و امنیتی بازارچه ها

- در نظر گرفتن اعتبارات ملی در رابطه با ترمیم و توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای و رفاهی برای تجار و رانندگان ترانزیت به افغانستان
- توسعه زیرساخت ارتباطی و اینترنتی در داخل و همچنین مرز استان
- پیگیری جهت تاسیس مراکز تجاری در کشور افغانستان در زمینه معرفی و بازاریابی محصولات صادراتی استان، امکان ارائه خدمات مشاوره‌ای و تجاری و برقراری ارتباط میان تجار کشور افغانستان؛
- ایجاد خط پروازی با کشور افغانستان با توجه به این که موقعیت استراتژیک استان و همسایگی با این کشور
- تکمیل زیرساخت‌های مواصلاتی و تاسیساتی استان.
- برقراری مشوق‌های خاص جهت جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی و خارجی در ایجاد و ساخت زیرساخت‌ها.
- استفاده از ناوگان با فناوری جدید در حمل و نقل جاده‌ای (تقلیل آلودگی محیط زیست و افزایش ایمنی).
- ایجاد مقدمات لازم جهت تبدیل فرودگاه بیرجند به هاب هوایی منطقه شرق کشور.
- پیگیری افزایش پروازهای داخلی استان.
- توجه ویژه به حمل و نقل ریلی با توجه به ایمنی بالا و آلودگی کمتر محیط زیست.
- با توجه به کمبود انرژی که وجود دارد لازم است راهکارهای جهت بهینه‌سازی مصرف انرژی در نظر گرفته شود.
- با توجه به زمینه مساعد استان در خصوص استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و تعداد بالای درخواست‌های سرمایه‌گذاری در این زمینه پیگیری افزایش ظرفیت اتصال نیروگاه‌های تجدیدپذیر به شبکه برق سراسری ضروری است.
- با توجه به تأمین هشتاد درصد برق کشور افغانستان از سایر کشورها از جمله ایران و پتانسیل‌های بالای این استان جهت تولید انرژی برق، ایجاد بستر انتقال و صادرات برق تولیدی از انرژی‌های تجدیدپذیر این استان کمک شایانی به پیشرفت این صنعت در استان خواهد نمود و علاوه بر ارزآوری بالا زمینه اشتغال فراوانی را نیز فراهم می‌کند.

- بسترسازی ورود شرکت‌های بیمه خصوصی در سطح استان و تنوع بخشیدن به شیوه های وصول حق بیمه از بیمه شدگان، بویژه استفاده از تکنولوژی جدید از جمله استفاده از کارت و پول الکترونیکی؛
- استفاده از تجربه سایر کشور ها در رفع چالش‌های زیرساختی با اعزام کارشناسان به کشورهای دیگر جهت بازدید و یا آموزش؛
- استفاده از ظرفیت‌های قانونی؛ بطور مثال، بر اساس ماده ۵۴ قانون احکام دائمی کشور، در راستای حمایت از استقرار صنایع در شرکتها و نواحی صنعتی و رقابت پذیری تولیدات صنعتی و معدنی به دولت اجازه داده می‌شود در قالب بودجه های سنواتی کمکهای لازم را به شرکتها و نواحی صنعتی دولتی و غیردولتی به ویژه در امور تامین راه، آب، برق، گاز و تلفن تا ورودی واحدهای مستقر در این شرکتها انجام دهد. همچنین بر اساس ماده ۸۱ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت وزارتخانه های نیرو، نفت، ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف هستند نسبت به تامین آب، برق، گاز و امکانات مخابراتی شهرکهای صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی تا درب واحدهای صنعتی و معدنی مستقر در شهرکها و نواحی صنعتی و معدنی و منطقه ویژه اقتصادی اقدام کنند. این در حالی است، علی رغم تصویب قوانین مختلف، هنوز اقدام جدی در این خصوص انجام نشده است. لذا ضروری است اعتباراتی در جهت رفع مشکلات زیرساختی این نواحی در نظر گرفته شود.

- تودارو، مایکل و اسمیت، استیفن، (۱۳۹۳)، توسعه اقتصادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات نگاه دانش، چاپ دوم.
- خداداد کاشی، فرهاد، (۱۴۰۱)، اقتصاد صنعتی (نظریه و کاربرد)، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- جی.ال. کرامر، سی.دبلیو. جنسن، دی.دی ساوتگیت، (۱۳۸۶)، اقتصاد کشاورزی کاربردی، تهران، ترجمه: محمد قربانی و زکریا فرج‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
- شهیکی تاش، محمدنبی و عزیزاده، صدیقه، (۱۴۰۱)، اقتصاد صنعتی، تهران، انتشارات نور علم
- کریم، محمدحسین، عباسیان، مجتبی و سردار شهرکی، علی، (۱۳۹۹)، اقتصاد کشاورزی کاربردی، تهران، انتشارات دانشگاه خوارزمی، چاپ اول.
- عالی زاد، فرزانه، خلیلی، فرزانه و عسکری، فرید. (۱۴۰۱). زیرساخت‌های اقتصادی و نقش آن بر توسعه اقتصادی ایران. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۵(۵۷)، ۳۳-۵۲.
- گیلیس، مالکوم؛ پرکینز، دوايت‌اچ؛ رومر، مایکل و اسنودگراس، داندل‌آر، (۱۳۹۱)، اقتصاد توسعه، تهران، انتشارات نشر نی، چاپ چهارم.
- مصلی‌نژاد، عباس، (۱۳۹۷)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.
- مولانا، حمید، (۱۳۷۲)، گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- Gerede, E. (2015). Havayolu taşımacılığı ve ekonomik düzenlemeler teori ve Türkiye uygulaması. Ankara: Sivil Havacılık Genel Müdürlüğü Yayınları.
- Mamkhezri, J., Manochehri, S., & Fatemi Zardan, Y. (2023). Assessing economic growth-energy consumption-CO2 nexus by climate zone: international evidence. Environmental Science and Pollution Research, 30(8), 21735-21755.

## سایت و منابع آماری

- مرکز آمار ایران
- بانک مرکزی ایران
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان خراسان جنوبی
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان جنوبی
- اداره کل گمرک خراسان جنوبی
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- بانک جهانی
- صندوق بین‌المللی پول

# فصل پنجم:

## تامین مالی

### هدف کلی

هدف کلی این فصل آشنایی خواننده با روش های تامین مالی است.

### هدف های جزئی

- بررسی اهمیت تامین مالی در توسعه اقتصادی
- مهم ترین چالش های تامین مالی استان
- بررسی راهکارهای تامین مالی استان خراسان جنوبی

## مقدمه

همواره موضوع تامین مالی یکی از چالش‌های توسعه اقتصادی بوده است، به طوری که در چند دهه اخیر توجه زیادی به این موضوع شده است (آیگاری و همکاران، ۲۰۰۷). تحریم‌های ظالمانه و شرایط اقتصادی کشور، تنگنای زیادی را برای کشور و واحدهای تولیدی در تامین مالی ایجاد کرده که برون رفت از آن‌ها نیازمند توجه به راهکارهای جدید در این زمینه است. امروزه از نگاه بنگاه‌های اقتصادی، تامین نقدینگی و سرمایه ثابت و در گردش به یک گلوگاه مهم تبدیل شده که می‌تواند حیات و بالندگی یا مرگ و نابودی را برای یک واحد تولیدی به دنبال داشته باشد (مومنی و طبیان، ۱۳۹۴). مسائل امروز کشورها و سازمان‌ها با راه حل‌های دیروز حل شدنی نیست و پیش‌بینی آینده، مشکلات آتی را حل نمی‌کند، بلکه باید برای ساختن آینده اقدام کرد و امروزه شرایطی محیطی و قواعد بازی رقابت به حدی پیچیده و مبهم شده که کشورها و سازمان‌ها دیگر نمی‌توانند تنها با تغییرات اندک در روش‌ها، ساختار، فناوری و عواملی نظیر این، بقای بلندمدت خود را تضمین کنند. بنابراین شناسایی روش‌های تامین مالی برای واحدهای تولیدی و صنایع راکد اهمیت پیدا می‌کند که در این فصل نیز هدف بررسی مباحث پیرامون تامین مالی خواهد بود.

## اهمیت تامین مالی در توسعه اقتصادی

یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی و صنعتی، مباحث مرتبط با تامین مالی است؛ به این صورت که در شرایط برابر هرچه دسترسی به ابزارها، منابع و روش‌های تامین مالی بیشتر باشد، جذابیت، امکان و احتمال سرمایه‌گذاری فعالان بخش خصوصی بیشتر خواهد بود. در حقیقت، تامین مالی از موضوعاتی است که در بحث راه اندازی هر سرمایه‌گذاری جدید مطرح می‌شود و به خصوص در کشور های در حال توسعه از اهمیت دو چندانی برخوردار است. بخش مالی هر کشوری وظیفه انتقال پس‌اندازها و تخصیص آن‌ها به عنوان منابع سرمایه‌گذاری را برعهده دارد که نحوه انتقال وجوه پس‌انداز و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری موجب شکل‌گیری بازارهای مالی می‌شود. موفقیت هر سیستم واسطه مالی به میزان بسیار زیادی بستگی دارد به اینکه چگونه سیستم کارآمد اقدام می‌کند و پس‌انداز را در اقتصاد به کار می‌گیرد. واسطه های مالی با جذب سپرده ها از واحدهای اقتصادی و تامین مالی پروژه های

سرمایه‌گذاری، سطوح بالاتری از رشد اقتصادی را رقم می‌زنند، از بنگاه‌های وابسته به تأمین مالی خارجی حمایت می‌کنند و محدودیتهای مالی شرکتهای کوچک و متوسط را کاهش می‌دهند.

در صورت تداوم عدم تحقق تأمین مالی، شاهد ایجاد ارزش افزوده و ثروت واقعی از بخش‌های حقیقی اقتصاد و در نتیجه اشتغال‌زایی پایدار نخواهیم بود که این امر به معنای گسترش فقر و بیکاری به جای ثروت و کارآفرینی خواهد بود و در این فضا صحبت از توسعه اقتصادی و صنعتی با ابهام مواجه می‌شود. در واقع توسعه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سودده اقتصادی و انباشت سرمایه به بهبود رفاه مردم و توسعه فعالیت‌های اقتصادی کارفرمایان و فعالان اقتصادی منجر خواهد بود که این منافع مشترک، کشور را در مسیر رشد اقتصادی مستمر قرار خواهد داد. به عبارتی، کمبود سرمایه به عنوان یکی از فاکتورهای مهم تولید، مانعی جدی در مسیر توسعه کشورهای در حال توسعه تلقی می‌گردد. به طور کلی چگونگی تأثیر سیستم تأمین مالی در رشد اقتصاد بر این پایه استوار است که چنانچه این سیستم بتواند به وظایف اصلی خود در خصوص بررسی دقیق تر هزینه‌ها، تسهیل مبادلات و جذب حداکثری سرمایه‌ها عمل کند، منجر به افزایش رشد اقتصادی خواهد شد.

### برخی از مهم‌ترین مشکلات تأمین مالی استان خراسان جنوبی

با وجود اینکه استان خراسان جنوبی به لحاظ اقتصادی دارای پتانسیل‌های و فرصت‌های مناسبی جهت سرمایه‌گذاری می‌باشد اما صرفاً وجود این فرصت‌ها، انگیزاننده سرمایه‌گذاری در استان نبوده است و از جمله دلایل آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کمبود یا نبود زیرساخت‌های لازم از جمله برق، گاز، راه آهن، بزرگراه، خطوط هوایی و همچنین پروژه‌های آبرسانی جهت اجرای طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری در استان.
- از آنجا که دفاتر و حساب برخی شرکت‌ها و واحدهای تولیدی در مرکز (تهران) مستقر است موجب خروج منابع مالی از استان می‌گردد. این در حالی است که همین شرکت‌ها درخواست تسهیلات از شبکه بانکی استان را دارند که به دلیل محدودیت منابع بانک‌های استان، جهت تجهیز منابع تسهیلاتی برای طرح‌های بزرگ و عدم توازن بین منابع و مصارف بانک‌ها، قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند.
- کمبود سرمایه در گردش جهت تأمین واردات قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز خط تولید، مشکل تأمین وثایق و نپذیرفتن محل اجرای طرح به عنوان وثیقه؛ این مشکلات باعث می‌گردد بیشتر واحدهای تولیدی زیر ظرفیت تولید کار کنند و درآمدزایی و بهره‌وری بنگاه کاهش پیدا کند.

- عدم وجود و استقرار واحدهای بزرگ و مادر صنعتی و معدنی در استان و همچنین دوری از مرکز و قطب های صنعتی کشور.
- عدم تجهیز مناسب گمرکات استان به لحاظ امکانات زیربنایی (راه اندازی آزمایشگاه های تخصصی، سیستم های اظهار کالاهای صادراتی).
- ناکارآمدی بسته های حمایتی تشویقی برای جذب سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته به ویژه خراسان جنوبی
- کمبود نقدینگی بانک های استان جهت تجهیز منابع تسهیلاتی برای طرح های بزرگ و عدم توازن بین منابع و مصارف بانک ها
- شرایط اقلیمی نامناسب، وجود خشکسالی طی سالیان متوالی، بروز بحران کم آبی، تشدید فرسایش بادی و آبی حاکم در اراضی بیابانی و پیشروی آن به اراضی مستعد کشاورزی
- بالا بودن ریسک سرمایه گذاری به دلیل متغیر بودن شرایط (قوانین و مقررات و سیاستگذاری و غیره)
- افزایش ریسک سرمایه گذاری به دلیل بالابودن هزینه های اجرایی و افزایش هزینه های سربار به علت دوری از مرکز خرید مواد اولیه و فروش محصول نهایی
- هزینه بالای توسعه زیرساخت ها به دلیل وسعت بالای استان و پراکندگی کانون های زیستی و مراکز جمعیتی.
- عدم رغبت سرمایه گذاران خارجی و داخلی برای حضور و گاه حتی بررسی ظرفیت ها و فرصت های استان به دلیل عدم وجود حمل و نقل ریلی و محدودیت پروازی در حمل و نقل هوایی
- مجاورت با کشور ناامن افغانستان و قاچاق گسترده سوخت و کالا
- انزوای جغرافیایی و دوری از مراکز عمده تولید توزیع و بازارهای مصرف همچنین مراکز تصمیم گیری ملی
- وجود کمیته ها و کمیسیون های موازی، اضافی و زائد مرتبط با مسائل سرمایه گذاری در درون دستگاه ها.
- وجود موانع مقرراتی شامل؛ تعدد قوانین، بخشنامه ها، آیین نامه ها، آرای شوراها و مقررات اداری و عدم وجود وحدت رویه و تشخیص کارشناسی، وجود قوانین موازی و مخل سرمایه گذاری و غیره

- عدم وجود مشوق های جذاب لازم و ویژه به منظور تشویق و جذب سرمایه گذاری در استان های کمتر توسعه یافته در مقایسه با استان های برخوردار.
- عدم تفویض اختیار فرآیندهای صدور برخی مجوزها از سوی دستگاه های اجرایی مرکز به استان ها.
- وجود مشکلات در تأمین مواد اولیه وارداتی و فرآیند ثبت سفارش و تخصیص ارز برای برخی از واحدهای تولیدی.
- افزایش قیمت مواد اولیه واحدهای کوچک به دلیل فراهم نبودن تهیه این مواد از بورس قیمتی بیش از قیمت بازار از طریق واسطه ها
- وجود تحریم های بانکی و نگرانی سرمایه گذاران خارجی از بلوکه شدن سرمایه در حین انتقال به بانک های ایرانی توسط آمریکا
- عدم افتتاح حساب بانکی برای سرمایه گذاران خارجی در برخی از کشورها بواسطه همکاری با ایران
- فرآیند طولانی انتقال پول از کشورهای مقصد صادراتی توسط صرافی های بانک
- طولانی بودن مراحل واگذاری زمین برای سرمایه گذاران و عدم تأمین زیرساخت های اولیه (آب، برق و گاز)
- نامساعد بودن شاخص های محیط کسب و کار از جمله می توان به غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، رویه های سختگیرانه اداره های کار و بیمه تأمین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی و دشواری تأمین مالی از بانک ها اشاره کرد. یکی از دلایل نامساعد بودن فضای کسب و کار در اقتصاد مساله، مقررات دست و پاگیر و وجود نهادهای مشابه و موازی صدور مجوز های کسب و کار است. در شرایط فعلی برخی قوانین و مقررات با شرایط روز اقتصادی تناسبی نداشته و بدون توجه به شرایط اقلیمی و بومی مناطق کشور وضع می شوند.

### نگاهی به تأمین مالی استان

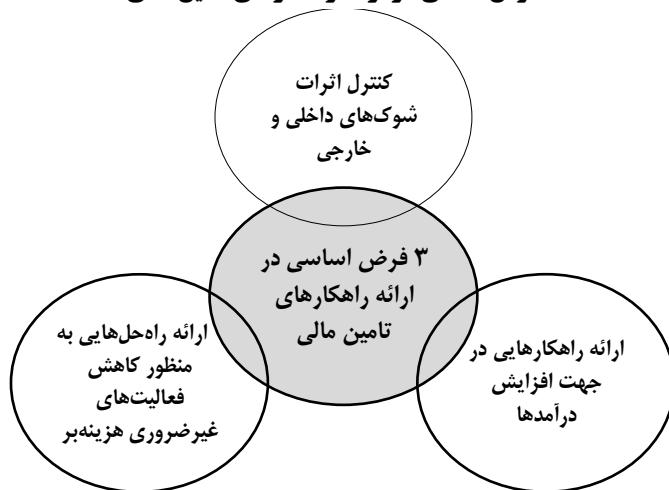
گزارش های منتشر شده نشان می دهد از منظر فعالان بخش خصوصی دشواری تأمین مالی استان همواره بعنوان یکی از موانع کسب و کار مطرح بوده است. یکی از مواردی که منجر به عدم تأمین مالی مناسب برای واحد های تولید استان شده است بانک محور بودن مسأله تأمین مالی و عدم تنوع روش های تأمین مالی می باشد. نتایج اجرای طرح های رونق تولید استان نشان می دهد که نظام تأمین مالی طرح ها و پروژه های سرمایه گذاری استان بانک محور بوده و تأمین سرمایه در گردش و سرمایه ثابت بنگاه ها از سیستم بانکی صورت گرفته است. به طوری که بیش از ۸۰ درصد بنگاهها مشکل کمبود سرمایه در

گردش، ۴۲ درصد کمبود سرمایه ثابت برای توسعه و ارتقای تکنولوژی تولید، ۳۸ درصد مشکل در تامین وثیقه و ۱۶ درصد ناتوانی در دریافت تسهیلات از موسسات مالی و اعتباری داشته‌اند. با توجه به ارزان تر بودن و کم ریسک بودن تامین مالی از محل وجوه داخلی، این نوع تامین مالی در اولویت صاحبان بنگاه های اقتصادی استان قرار دارد. با این حال بالابودن نرخ بهره و مشکلات تامین وثایق از دشواری های تامین مالی از سیستم بانکی در استان می‌باشد.

## راهکارهایی تامین مالی استان

راهکارهایی که در ادامه به آن پرداخته شده است شامل راهکارهای برگرفته شده از بررسی مطالعات، تجربه سایر کشورها در این زمینه و استفاده از نظرات و پیشنهادات اساتید و کارشناسان متخصص در این حوزه بوده است. با توجه به شرایط موجود لازم است ارائه راهکارهای تامین مالی استان مبتنی بر سه فرض اساسی باشند: ۱. کنترل اثرات شوک‌های داخلی و خارجی حاصل از تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی، ۲. ارائه راهکارهایی در جهت افزایش درآمدها استان و ۳. ارائه راه‌حلهایی به منظور کاهش هزینه فعالیت‌های غیرضروری استان.

### سه فرض اساسی در ارائه راهکارهای تامین مالی



راهکارهای ارائه شده در ادامه با تکیه بر سه فرض فوق بیان شده‌اند.

## تعامل با مقامات در خصوص بودجه‌ریزی

بودجه‌ریزی کشور یکی از مسائل بسیار مهم در راستای پیشبرد اهداف بحساب می‌آید؛ لذا میزان بودجه و مقدار تخصیص آن، اهمیت ویژه‌ای برای هر استان دارد. اگر به میزان بودجه اختصاص داده شده به استان خراسان جنوبی در چند سال گذشته توجه شود، خواهیم دید که این بودجه نسبت به مساحت استان اندک می‌باشد. مسلماً هرچه مساحت افزایش پیدا کند، برای ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی نیاز به منابع اعتباری بیشتری می‌باشد. این در حالی است که استان خراسان جنوبی نسبت به بسیاری از استان‌ها بودجه کمتری می‌گیرد ولی از نظر مساحت رتبه سوم کشوری را دارا می‌باشد و حدود ۹.۳ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. بر این اساس ایجاد یک کانال تعامل و گفتگو بین نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط استانی و کشوری به منظور پیگیری این موضوع، ضروری می‌باشد.

## کاهش وابستگی استان به خام‌فروشی و متنوع کردن تولید و صادرات

بخش اعظمی از درآمدهای استان از خام‌فروشی مواد معدنی و کشاورزی تامین می‌شود. خام‌فروشی و عدم تنوع تولیدات می‌توانند به اقتصاد استان لطمه وارد کنند. از آنجایی که کنترل قیمت مواد خام، در فضای رقابتی به وسیله تولیدکنندگان استانی انجام نمی‌شود زمانی که قیمت‌ها به دلایل مختلفی کاهش می‌یابد، بدون شک ارزش افزوده استان نیز کاهش پیدا می‌کند. کاهش درآمدهای باعث خواهد شد تا بجای اینکه منابع استانی صرف توسعه و پیشرفت بخش‌های مختلف اقتصادی شود، صرف جبران و یا کاهش آسیب‌های وارده به تولیدکنندگان و حفظ وضع موجود گردد نه توسعه استان. بنابراین از آنجا که بخش زیادی از ارزش افزوده استان از طریق فروش مواد معدنی و محصولات کشاورزی به صورت خام تامین می‌شود، وابستگی زیاد تولید ناخالص داخلی استان به این مواد باعث می‌شود که درآمدهای استانی وابسته به فروش منابعی باشد که کنترل آن خارج از توان تولیدکنندگان استانی هست. بنابراین لازم است با توجه به ظرفیت‌ها موجود، تا جایی که امکان دارد وابستگی درآمدهای حاصل از خام‌فروشی به حداقل برسد و بر روی مواد معدنی و محصولات کشاورزی استان فرآوری لازم صورت گیرد تا هم صادرات استان متنوع شود و هم آسیب‌پذیری صادرات استان کاهش یابد.

## صندوق توسعه استانی

لازم است بخشی از درآمدهای هر استان به صندوقی تحت عنوان صندوق توسعه استانی اختصاص داده شود تا این منابع در جهت توسعه استانی بکار گرفته شود. لازم به ذکر است منابع اختصاص یافته از درآمدهای حاصله باید برای استان‌های کم‌برخوردارتر بیشتر باشد. این صندوق‌ها

می‌تواند در صورت بروز شرایطی مانند رکود و یا تحریم که درآمدهای دولت کاهش می‌یابد و کفاف مخارج جاری را نمی‌دهد، جهت تامین مالی استان‌ها بکار گرفته شود و استان‌ها از توسعه خود عقب نمانند. بعبارتی، حقیقت امر اینست که توسعه استانی قابل چشم‌پوشی نیست و ضروری است تا صندوقی مختص به توسعه استان‌ها ایجاد گردد تا استان‌ها را (با توجه به منابعی که ایجاد می‌کنند) از شوک‌های حاصل از تحریم و کاهش درآمدهای دولت ایمن بدارد و در شرایط بد اقتصادی و کمبود منابع درآمدی نیز امکان پیشرفت استان‌ها فراهم باشد. ایجاد این صندوق متناسب با بند ۱۲ (افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور) و بند ۱۳ (مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز می‌باشد. از جمله نقاط قوت این صندوق می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. محدود شدن هزینه‌های حاصل از شوک‌های داخلی و خارجی و پوشش ریسک‌های مختلف
۲. استفاده از منابع صندوق برای توسعه استان مانند ایجاد زیرساخت‌ها یا تامین مالی و اعطای تسهیلات به پروژه‌ها و واحدهای تولیدی استان
۳. استفاده از منابع صندوق به عنوان اهرم مالی جهت مراودات منطقه‌ای
۴. امکان سرمایه‌گذاری با منابع صندوق در داخل و خارج از کشور و کسب سود

#### کشور ترکیه؛ تشکیل صندوق حمایت از صنایع دفاعی

بررسی تجربه  
موفق

از جمله کشورهایی که از طریق صندوق اقدام به مقابله با شوک‌ها و تامین مالی کرده است (البته برای یک صنعت خاص)، می‌توان به کشور ترکیه اشاره کرد. مطالعات نشان می‌دهد که منابع مالی اضافی برای هزینه‌های نظامی در ترکیه از طریق

صندوق حمایت از صنایع دفاعی<sup>۱</sup> تامین می‌شود. این صندوق به موجب ماده ۱۲ قانون اساسی از سال ۱۹۸۵ و در کنار هیئت توسعه صنایع نظامی ترکیه<sup>۲</sup> شروع به فعالیت کرده است. هدف اصلی از تشکیل این صندوق تامین بودجه اضافی برای نوسازی و توسعه صنایع تولیدات نظامی، خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی و تامین هزینه‌های مربوط به پروژه‌های صنعت نظامی ترکیه است. منابع مالی صندوق حمایت از صنایع دفاعی از محل کمک هزینه‌های اختصاص یافته در بودجه سالیانه برای صندوق، سهمی از درآمدهای مالیاتی در بودجه وزارت دفاع، پنج درصد از مالیات بر درآمد

1 . Defense Industrial Support Fund(DISF)

2 . Directorate of Defense Industry(DDI)

اخذ شده، ۵.۸ درصد از مالیات بر مصرف سوخت، ۱۰ درصد از مالیات بر الکل و سیگار، انتقال وجوه از بنیادهای ایجاد شده برای حمایت از نیروهای مسلح ترکیه<sup>۱</sup>، درآمدهای حاصل از خدمات نظامی ارائه شده، کمک‌های مالی، درآمد حاصل از دارایی‌های صندوق، سهم درآمد حاصل از شرط بندی های مسابقات ملی و سهم درآمدهای حاصل از قرعه کشی و لاتاری تامین می‌گردد(عصمت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰، اوسلره<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). سازوکار هزینه‌های صندوق حمایت از صنایع دفاعی به این ترتیب است که پروژه‌های بهسازی، بازسازی، توسعه صنایع دفاعی و خرید تسلیحات توسط این صندوق تأمین مالی در یک چرخه، خرید و بازپرداخت اعتبار تخصیص یافته قرار می‌گیرد(دشتبانی و ملابهرامی، ۱۳۹۷). بر اساس اطلاعات رسمی منتشر شده، طی دوره زمانی ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۰، در حدود ۸۶ درصد از هزینه‌های نظامی ترکیه از محل بودجه دولت تأمین می‌شده است و ۱۴ درصد دیگر از محل منابع صندوق حمایت از صنایع دفاعی اختصاص پیدا کرده است.

### افزایش صادرات محصولات مزیت دار و دانش محور استان

امروزه به دلیل اینکه محور اصلی رشد و توسعه‌یافتگی بخش صادرات مبتنی بر دانش، استفاده از فناوری روز دنیا در تولیدات داخلی است و فناوری‌های جدید به طور پیوسته زمینه را برای تقاضاهای جدید فراهم می‌کند، این تقاضا خود محرک سرمایه‌گذاری و تضمین کننده رشد و شکوفایی صادرات شده است که در دنیای صنعتی امروز دارای اهمیت زیادی است(وانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). دانش و فناوری مهم‌ترین نیروی ارتقاء توسعه اقتصادی و اجتماعی است؛ لذا دانش و فناوری، تمامی ابعاد اقتصادی به ویژه تولیدات صادراتی را با تقویت تقاضا برای استعدادها، منابع فیزیکی، انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری در صنایع صادراتی مواجه می‌سازد. در این راستا، نه تنها صنایع با فناوری بالا موتور رشد اقتصادی جهان خواهند بود، بلکه این صنایع امتیاز مهمی در راستای باقی ماندن کشورها در بازار رقابتی صادرات جهان هستند. از این رو، سطح صنایع با فناوری عامل تعیین‌کننده سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور و نوع نقش آن در اقتصاد جهانی است(لارنس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸). البته همانطور که در فصل دوم نیز بحث شد سهم صنایع با فناوری بسیار بالای خراسان جنوبی، اندک و در حدود ۲.۲ درصد می‌باشد که نیازمند توجه ویژه است. بر این اساس، لازم است اولاً شرایط لازم جهت دانش محور کردن صنایع استان فراهم

- 1 . Turkish Armed Forces(TAF)
- 2 . Ismet
- 3 . Ucler
- 4 . Wang
- 5 . Lawrence

گردد و در مرحله بعد اقدامات لازم به منظور افزایش صادرات استان صورت گیرد. افزایش صادرات می‌تواند درآمدهای استان را افزایش دهد. این موضوع در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز به شرح زیر مشهود می‌باشد:

- پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارز آوری مثبت از طریق: ... برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه ... با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- مقابله با ضربه‌پذیری در آمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق ... (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بندهای ۲، ۱۰ و ۱۳، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹).
- از سوی دیگر و بنا به الزام انطباق با الگوهای مبنایی بالا دستی، به سهولت نشان داده می‌شود که صادرات به دلیل انطباق بالا برای حداقل سه رویکرد «درونزایی»، «برونزایی» و «دانش‌بنیان» بودن از میان پنج رویکرد اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کاملاً همسو با این الگو است.

### تأمین مالی به کمک بازار سرمایه

استفاده از بازار سرمایه برای تأمین مالی مخارج از جمله قدیمی‌ترین و متداول‌ترین شکل مبادلات مالی است. اتکای به بازار سرمایه در اغلب اقتصادهای مدرن نه تنها از این جهت مهم است که دولت‌ها غالباً اوراق بدهی منتشر می‌کنند تا بخش عمده هزینه‌های خود را تأمین مالی نمایند، بلکه استقراض دولت غالباً حجم عظیمی از کل وجوه عرضه شده در بازار توسط وام‌دهندگان را جذب می‌کند. شرکتهای استانی نیز می‌توانند از این سازکار بهره‌گیرد و برای تأمین مالی خود از این بازار استفاده کنند. از جمله ابزارهایی که استان می‌تواند از طریق بازار سرمایه، تأمین مالی کند عبارتند از:

### الف- انتشار سهام شرکت‌های استانی

یکی از راهکارهای اصلی تأمین مالی در بازار سرمایه انتشار سهام شرکت‌های استانی در بازار بورس اوراق بهادار می‌باشد.

## ب- صندوق سرمایه‌گذاری استان

از میان ابزارهای مختلف بازار سرمایه، صندوق سرمایه‌گذاری به دلیل مزایای متعددی که دارد، جهت تامین مالی پروژه‌های استانی نسبت به سایر ابزارها و روش‌ها، ارجحیت دارد. صندوق سرمایه‌گذاری پروژه فرآیندی در بستر بورس اوراق بهادار با محوریت یک پروژه است که سرمایه لازم برای اجرای آن، از طریق جلب مشارکت آحاد مردم و صاحبان سرمایه تامین می‌شود. به این منظور، مالکیت پروژه و منافع حاصل از آن به سهام قابل عرضه در بازار سرمایه تبدیل می‌شود و مردم سهامدار پروژه می‌شوند و از محل عواید پروژه و بالا رفتن ارزش سهام آن، به سود خواهند رسید (محمدی نسب و مستوفی، ۱۳۹۶). در این صندوق، یک شرکت سهامی خاص به نام شرکت پروژه ایجاد و عملیات اجرایی پروژه را براساس طرح توجیهی به عهده می‌گیرد. صندوق و شرکت پروژه پس از تکمیل و آغاز مرحله بهره‌برداری منحل شده و یک شرکت سهامی عام پس از آن تاسیس می‌گردد. در واقع پس از ساخت پروژه، فعالیت صندوق و شرکت پروژه پایان پذیرفته و تمامی دارایی‌ها و بدهی‌های صندوق به شرکت سهامی عام منتقل می‌شود و سهام این شرکت جدید، به دارندگان واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق به همان نسبت، واگذار می‌گردد. با استفاده از این ابزار، سرمایه جذب شده در نهایت تبدیل به سهام خواهد شد و نیازی به بازگرداندن اصل سرمایه نیست (سعیدی و مقدسیان، ۱۳۸۹). در واقع مردم و صاحبان سرمایه با خرید سهام صندوق پروژه، صاحب پروژه خواهند شد و از سود آن نیز استفاده می‌کنند؛ همچنین هر زمانی که بخواهند می‌توانند سهام خود را از طریق بازار سرمایه به فروش برسانند. با توجه به سودآوری قابل توجه پروژه‌های این بخش، ضمانت حداقل سود این پروژه‌ها در این سازوکار امکان پذیر است (همان). بر این اساس، شرکت‌های استانی می‌توانند از این طریق با جذب سرمایه، کسب درآمد کنند. بدین منظور برای بهبود فرآیند تامین مالی از در این بازار پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- تسهیل بیشتری در مورد قواعد پذیرش، افشا و حاکمیت شرکتی شرکت‌های کوچک و متوسط از طرف سازمان بورس اعمال شود.
- حمایت سازمان بورس از این بنگاه‌ها به ویژه در مشاوره پذیرش، خدمات حقوقی و خدمات حسابرسی توسعه یابد.
- موانع معامله سهام این بنگاه‌ها در بازار حذف شود.
- بازار بدهی مخصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد شود.

- با تأسیس پایگاه داده‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط و استفاده از خدمات مؤسسات رتبه بندی اعتبار و به پشتوانه دارایی‌های این بنگاه‌ها، امکان انتشار اوراق بدهی برای ایشان فراهم شود.
- با اعلام رتبه اعتباری اوراق منتشره این بنگاه‌ها، ریسک نکول به سرمایه‌گذاران منتقل شود.
- تعیین نرخ سود با رعایت الزاماتی که در گزارش به آن اشاره می‌شود، به بازار واگذار شود.

### ج) انتشار اوراق توسعه استانی<sup>۱</sup>

بسته به شرایط هر استان و اولویت‌هایی که بر اساس آمایش سرزمینی هر استان دارد، دولت می‌تواند در قالب اوراق استانی از مردم قرض بگیرد و اقدام به توسعه آن استان نماید. به عنوان مثال، ساخت مدرسه یا بیمارستان که امری پسندیده در دین اسلام هم می‌باشد، از طریق اوراق توسعه می‌تواند تامین مالی گردد. از آنجا که مردم ایران بارها نشان داده اند که در امور خیریه و خدایپسندانه همیشه حضور پرشور داشته‌اند، افراد با خرید این اوراق می‌توانند در کنار تامین مالی پروژه‌های بزرگ، در کارهای عام المنفعه نیز شرکت نمایند و از ثواب آن نیز بهره‌مند شوند.

#### کشور آمریکا؛ انتشار اوراق

بررسی تجربه  
موفق

در گذشته برخی از کشورها برای تامین مالی برخی صنایع یا بخش‌های خاص اقدام به انتشار این گونه اوراق کرده‌اند. به عنوان مثال کشور آمریکا برای تامین مالی بخش نظامی خود در دوران جنگ از اوراق بدین شکل تحت عنوان اوراق جنگ استفاده کرد. این اوراق، ابزار بدهی (اوراق قرضه) بودند که توسط دولت‌ها برای تامین مالی عملیات نظامی در زمان جنگ صادر می‌شد. در این شرایط افراد بر حسب حس میهن پرستی و اینکه تامین مالی بخش دفاعی یک وظیفه مدنی است اقدام به خرید این اوراق می‌کردند. بعبارتی، از آنجا که این اوراق قرضه، بازدهی کمتر از نرخ بازدهی بازار ارائه می‌دادند، با درخواست‌های عاطفی از شهروندان میهن دوست برای وام دادن پول به دولت، سرمایه‌گذاری حاصل می‌گردید. بطور نمونه، در طول جنگ جهانی اول، دولت ایالات متحده اوراق قرضه آزادی را منتشر کرد، که برای کمک به هزینه‌های گران جنگ استفاده می‌شد. انتشار اوراق قرضه آزادی با سرمایه‌گذاری گسترده در تبلیغات برای جلب نظر میهن پرستی آمریکا همراه بود. با این حال، بیشتر خرید اوراق قرضه توسط بانک‌ها و سایر موسسات مالی انجام می‌شد که آن‌ها را به

۱. این نام بر حسب نظر نویسنده انتخاب شده است.

عنوان فرصت‌های جذاب سرمایه‌گذاری می‌دانستند. بین سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۹، دولت ایالات متحده از طریق انتشار چهار اوراق قرضه آزادی مختلف بیش از ۲۰ میلیارد دلار جمع‌آوری کرد (چیونگ، ۲۰۰۲). در طول جنگ جهانی دوم نیز، ایالات متحده اوراق قرضه جنگی را منتشر کرد که نام آن‌ها را اوراق قرضه دفاع نامید. بعداً، پس از حمله به پرل هاربر، برچسب جنگی به آن اضافه شد و به اوراق قرضه جنگی تغییر یافت و توانست تا حدود ۱۸۵ میلیارد دلار جمع کند. اوراق قرضه جنگی توسط بیش از ۸۴ میلیون آمریکایی خریداری شدند. در دوران مدرن، دولت‌ها از اوراق قرضه برای کاهش تورم استفاده می‌کنند. در واقع، برای تأمین مالی عملیات نظامی، دولت‌ها پول بیشتری چاپ می‌کنند و سپس از اوراق قرضه برای کاهش میزان پول در اقتصاد استفاده می‌کنند. در حال حاضر در دو کشور آمریکا و چین اوراقی برای بخش نظامی منتشر می‌شود (چیونگ، ۲۰۰۲).

### اجاره و واگذاری حق امتیاز

تعداد محدودی از صاحبان حقوق مالکیت فکری منابع لازم جهت تولید، توزیع و فروش آثار و کالاهایشان در سایر کشورها را دارا می‌باشند، به همین دلیل اکثریت صاحبان مالکیت فکری، مجوز بهره‌برداری از حقوقشان را به دیگران می‌دهند تا توان اقتصادی خود را به حداکثر برسانند. در واقع، قراردادهای واگذاری حق امتیاز شکلی از قرارداد بین صاحب حقوق مالکیت فکری (مجوزدهنده) و طرف دیگر (مجوزگیرنده) که خواستار اجازه قانونی جهت استفاده از حقوق مجوزدهنده که به موجب قانون حقوق مالکیت فکری حمایت می‌شود، است. برخی از شرکت‌های استان که توان تأمین مالی ندارند می‌توانند با کمک این نوع قراردادها از این طریق کسب درآمد کنند. علاوه بر این قرارداد می‌توان از قرارداد اجاره نیز جهت تأمین مالی نام برد. بدین صورت که می‌توان بخشی از معادن یا سایر بخش‌ها را بصورت اجاره در اختیار شرکت‌های داخلی و یا کشورهای خارجی قرار داد، تا در قبال استفاده از این موارد، مبلغی را پرداخت کنند. البته از طریق اجاره گرفتن نیز می‌توان کسب درآمد نمود. بدین صورت که متخصصان استان زیر نظر دستگاه‌های ذی‌ربط، اقدام به اجاره پروژه‌ها و طرح‌های مختلف در سایر کشورها مخصوصاً کشور افغانستان کنند و از این طریق سود کسب نمایند.

### کشور هند و آمریکا؛ استفاده از قراردادهای واگذاری

بررسی تجربه  
موفق

در هند، واگذاری بخش حمل و نقل به بخش خصوصی صورت گرفت. وزارت هندوستان تصمیم گرفته است تا این بخش را در قالب برون‌سپاری واگذار نماید. این فرآیند ضمن کاهش تعداد پرسنل مورد نیاز برای نگهداری، باعث آزادسازی رانندگان مربوطه شد تا بتوانند در بخش‌های ضروری دیگر به کار گرفته شوند. از طرف دیگر، تعداد تجهیزات، کامیون و وسایط حمل و نقل مورد نیاز کاهش چشمگیر پیدا کرد و در عین حال خدمات با کیفیت‌تر از بخش خصوصی اضافه شد (سومان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). نمونه دیگر می‌توان کشور آمریکا را نام برد. به عنوان مثال، آمریکا در چهارچوب یک توافق مشترک توسعه و تحقیقاتی با یک شرکت خصوصی تجاری و مرکز بیوتکنولوژی دانشگاه کرنل، به بررسی ویژگی‌ها و کاربردهای پروتئین ابریشم عنکبوتی پرداخت. این قرارداد مشارکتی به آمریکا حق داشتن درصدی از حق امتیاز حاصل از نتایج و تلاش‌های تحقیقاتی را می‌دهد. بدون در نظر گرفتن صاحب ثبت اختراع، اگر یک پیشرفت یا اختراع مهم رخ دهد، این قرارداد مشارکتی توانست یک منبع بالقوه کسب درآمد برای آمریکا باشد (دشتبانی و ملابهرامی، ۱۳۹۷).

### خصوصی سازی و یا انعقاد قراردادهای مشارکتی (PPP) بصورت داخلی و بین‌المللی

خصوصی سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا درمی‌آورند. استان نیز می‌تواند به منظور کاهش هزینه‌های اداری خود، در صورت امکان شرکتهای دولتی را به بخش خصوصی واگذار نماید تا از این طریق هزینه‌ها کاهش پیدا کند. البته باید توجه کرد که عملکرد بخش خصوصی در بیشتر اوقات قابل قبول و موفق بوده است. بطور نمونه، نتایج پژوهش روستم و جورگویچ<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) حاکی از آن بود که ساختار شرکت‌های در آمریکا و روسیه متفاوت است. در ایالات متحده، بیشتر شرکت‌های خصوصی بر بازار تسلط دارند، اما در روسیه بزرگ‌ترین شرکت‌ها متعلق به دولت هستند. با توجه به تجزیه و تحلیل، معلوم شد که برخی شرکتهای روسیه سودآور نیستند و ثبات در عملکرد مالی ندارند، زیرا وابستگی زیادی به هزینه‌های دولت دارند. نمونه‌های بسیاری در کشورها مختلف وجود دارد که به منظور کاهش هزینه‌ها، اقدام به خصوصی سازی کرده‌اند. البته در ایران مواردی در این خصوص انجام

1 . Suman

2 . Rustem & Georgievich

شده است. بطور مثال می‌توان به خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران اشاره نمود. در این زمینه رهبر معظم انقلاب نیز تاکید داشته‌اند که فعالیت‌های غیرمرتبط و پرهزینه واگذار شود.<sup>۱</sup>

انعقاد قرارداد مشارکتی با بخش خصوصی تحت عنوان قرارداد مشارکتی<sup>۲</sup> راه‌حل دیگری هست که می‌توان از آن استفاده نمود. قرارداد مشارکتی یک قرارداد بلندمدت بین یک طرف خصوصی و یک نهاد دولتی به‌منظور تامین مالی، بهره‌برداری و ساخت پروژه‌های سرمایه‌گذاری از جمله احداث شبکه‌های عمومی حمل و نقل، جاده، راه‌آهن و ... می‌باشد. تفاوت مشارکت عمومی - خصوصی با قراردادهای پیمانکاری در میزان ریسک و مسئولیت منتقل شده به بخش خصوصی و همچنین در نحوه پرداخت به او می‌باشد. پرداخت در قراردادهای پیمانکاری بر اساس حجم عملیات انجام شده<sup>۳</sup> بوده اما در مشارکت عمومی - خصوصی بر اساس نتایج حاصل شده<sup>۴</sup> می‌باشد. بعنوان مثال در پروژه احداث تصفیه‌خانه فاضلاب در حالت پیمانکاری بر اساس میزان پیشرفت مستحدثات پروژه به پیمانکار پرداخت صورت می‌گیرد (فارغ از اینکه پروژه با چه هزینه یا زمانی تکمیل و به بهره‌برداری برسد) اما در حالت مشارکتی تنها در صورتی که پروژه تکمیل و بهره‌برداری شود و محصول پروژه (پساب) با کیفیت مطلوب عینیت پیدا نماید، بازپرداخت سرمایه بخش خصوصی از محل عواید پروژه یا خرید خدمت بخش عمومی تأمین می‌شود. به بیان دیگر در روش پیمانکاری تکیه بر روی انجام عملیات عمرانی بوده اما در روش مشارکتی تکیه بر روی انجام فعالیت‌های توسعه‌ای و افزایش کمیت و کیفیت ارائه خدمات زیربنایی است (سازمان برنامه و بودجه کشور<sup>۵</sup>).

### مولدسازی دارایی‌های مازاد

در بعضی مواقع می‌توان با مولدسازی یا فروش زمین یا ساختمان یا حتی ماشین آلات مازاد بر نیاز، اقدام به تامین مالی نمود. این اقدام تحت عنوان مولدسازی توسط دولت نیز معرفی شده است. این روش در حال حاضر توسط دولت پیگیری می‌شود که با چالش‌ها و ضعف‌هایی همراه بوده است. برخی از این چالش‌ها را می‌توان به صورت زیر نام برد:

- عدم وجود اموال مازاد در بسیاری از دستگاه‌ها
- نبود اطلاعات کافی در خصوص دارایی‌های مازاد دولت

۱. منبع: <https://www.isna.ir/news>; کد خبر: ۹۶۱۰۳۰۱۶۲۳۷.

2. Public-Private Partnership (PPP)

3. Output

4. Outcome

5. <https://ppp.mporg.ir/>

- نبود معیاری برای تشخیص دارایی مازاد دولت
- خام فروشی دارایی دولت به دلیل وجود مقررات دست و پاگیر
- عدم تنوع شیوه‌های تامین مالی
- وجود نیاز مبرم دستگاه‌ها به اموال مازاد سایر دستگاه‌های استانی
- نگرش منفی و عدم آگاه سازی کافی مردم نسبت به مولدسازی اموال مازاد دولت
- بخشی نگرى مدیران دستگاه های دولتی و مقاومت برای نگه داشتن اموال
- گستردگی و پراکندگی قوانین و مقررات و وجود قوانین و مقررات مزاحم
- عدم وجود دستگاه سیاست گذار واحد در مدیریت ، مولد سازی و واگذاری اموال مازاد و راکد
- سیستم‌های استانی برای فروش دارایی‌ها نابالغ است.
- کوتاه مدت بودن تامین مالی با این روش؛ این روش به صورت مستمر نمی تواند یک منبع درآمدی باشد و صرفا یک بازه کوتاه مدت می توان به آن تکیه کرد.
- ریسک پیگردهای قضایی تصمیمات.

بر این اساس پیشنهاداتی برای بهبود فرآیند مولد سازی اموال مازاد دولت به صورت زیر ارائه می گردد:

- تهیه فهرست کاملی از اموال مازاد دولت
- تعیین معیار و شاخص‌های مناسب برای تشخیص دارایی مازاد
- آگاه سازی مردم و مدیران دستگاه های دولتی نسبت به مزایا و اهمیت مولدسازی اموال مازاد دولت
- انتقال بخشی از منابع حاصل از مولدسازی اموال مازاد دولت در استان های برخوردار به استان های محروم و کم برخوردار
- پایش و حذف قوانین مزاحم و موازی با فرآیند مولد سازی
- تعیین یک دستگاه سیاست گذار واحد در مدیریت، مولد سازی و واگذاری اموال مازاد و راکد
- نیاز سنجی و انتقال اموال مازاد بین دستگاه ها بجای خام فروشی اموال
- متنوع سازی شیوه های مولدسازی با ابزارهای نوین مالی

## لیزینگ امکانات و تجهیزات دولتی استان

لیزینگ را می‌توان به عنوان یک حالت خدمات "پرداخت به ازای استفاده" توصیف کرد که به موجب آن هزینه طراحی، ساخت و تهیه یک قابلیت خاص و خطرات مربوط به آن در ازای پرداخت هزینه استفاده از قابلیت مذکور به بخش خصوصی منتقل می‌شود. به عبارتی، قرارداد اجاره به شرط تملیک یا لیزینگ به قراردادی اطلاق می‌شود که به موجب آن مورد معامله اجاره داده می‌شود و در آن شرط می‌شود که در صورت انجام تمامی شروط عقد، مالکیت مورد معامله در پایان مدت اجاره و پرداخت همه اقساط توسط مستأجر به نام وی انتقال یابد، که در این صورت مؤجر حق امتناع از انتقال مالکیت را ندارد. در این قرارداد عین مال تا پایان مدت در اجاره مستأجر است و پس از پرداخت آخرین قسط به ملکیت مستأجر در می‌آید و البته چگونگی رفتار مستأجر تعیین‌کننده آن است که مالک نهایی چه کسی خواهد بود. کشورها تجربه گسترده‌ای در استفاده از لیزینگ دارند. به عنوان مثال، توافق نامه چندملیتی به عنوان مرجع پیمانکاری کشورهای شرکت‌کننده و دو شرکت آنتونوف سالیس جیامبیایچ و روسلان سالیس جیامبیایچ<sup>۱</sup> بین آژانس پشتیبانی و تدارکات ناتو امضا شده است که هدف آن پر کردن شکاف‌های موجود برای حمل و نقل استراتژیک هوایی برای محموله‌های بزرگ بود.

لیزینگ دارایی‌ها و امکانات استان، یکی دیگر از روش‌های مولدسازی دارایی‌ها است. طی این فرآیند، فضاهای آزمایشگاهی یا تحقیق و توسعه یا تجهیزات و ماشین‌آلات که کمتر استفاده می‌شود طی یک قرارداد اجاره به شرکت‌های خصوصی واگذار می‌شود. این فرآیند از یک طرف امکان دسترسی سریع به دارایی را برای شرکت‌های خصوصی فراهم می‌سازد و از طرف دیگر امکان کسب درآمد از دارایی‌های بلا استفاده را برای استان فراهم ساخته است.

## تامین مالی جمعی (کرافاندینگ)<sup>۲</sup>

تامین مالی جمعی روشی نوین در حوزه تامین مالی است. این روش در جهان بسیار مورد توجه کسب و کارها و همچنین سرمایه‌گذاران قرار گرفته و مدتی است در ایران نیز رونق پیدا کرده است. تامین مالی جمعی روشی است که با مشارکت تعداد زیادی سرمایه‌گذار، تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک طرح، پروژه یا یک فعالیت مشخص جمع‌آوری می‌شود. وجوه جمع‌آوری شده در نهایت در اختیار متقاضی تامین مالی قرار می‌گیرد.

1 . ANTONOV SALIS GmbH and RUSLAN SALIS GmbH

2 . Crowdfunding

## تأمین مالی فاکتورینگ<sup>۱</sup>

فاکتورینگ یک شیوه تأمین مالی مبتنی بر قرارداد است؛ که طی آن، بنگاه اقتصادی حساب های دریافتنی خود را طی یک قرارداد به یک نهاد مالی واگذار می کند؛ و نهاد مالی نیز در مقابل یکی یا چند مورد از خدمات زیر را به بنگاه ارائه می دهد:

- پرداخت درصدی از مطالبات واگذار شده
- مدیریت حساب های دریافتنی
- وصول حساب های دریافتنی
- پذیرش ریسک پرداخت حساب های دریافتنی توسط کارفرما.

طبق قوانینی که برای پیاده سازی فاکتورینگ در کشورها وضع شده است؛ پیمانکار از لحظه انعقاد قرارداد با کارفرما حق دارد مطالبات قراردادی خود را (بدون نیاز به توافق با کارفرما) به نهادهای مالی واگذار نماید. لازم به ذکر است که طی قرارداد فاکتورینگ، امکان واگذاری تمام یا بخشی از مطالبات قراردادی وجود دارد. همچنین بنگاه اقتصادی می تواند مطالبات قراردادی محقق شده یا محقق نشده خود را به نهاد تأمین مالی واگذار نماید و کارفرما را نسبت به واگذاری انجام شده متعهد کند.

## انعقاد قرارداد موازی

منظور از این قرارداد این است که تلاش شود با فروش یک محصول یا دانش، کشور موردنظر را بصورت کاملاً غیرمستقیم وادار به اجرای قرارداد و یا دریافت محصولات دیگر نماییم. بطور مثال، صادرات دانش و تخصص به معنای ارائه دانش به دیگران است که فقط در صورت دسترسی به وسایل همان کشور می تواند انجام شود. بهتر است مثال مطرح شود تا مطلب بهتر روشن شود. زمانی که کلمبیا اقدام به آموزش نظامیان هندوراس کرد، از آنجا که تخصص نظامیان کلمبیا روی تولیدات داخلی خودشان بود، دولت هندوراس مجبور بود علاوه بر وارد کردن دانش نظامیان کلمبیا، تجهیزات آن ها را نیز وارد کند. یکی از موفقیت هایی که کلمبیا بدست آورد این بود که به بهانه آموزش به نظامیان هندوراس، تجهیزات دریایی کوتکمار<sup>۲</sup> برای فروش یک کشتی<sup>۳</sup> فرود دوزیست آبی-خاکی ۱۳،۵ میلیون دلاری از دولت هندوراس گرفت. کلمبیا فقط با هدف آموزش به نظامیان هندوراس وارد عمل شد؛ اما، آیا برای آموزش نیاز به تجهیزات نبود؟ درآمد اصلی این قرارداد از طریق آموزش نبود بلکه آموزش بهانه ای بود

1 . Factoring

2 . COTECMAR

3 . amphibious landing ship

برای فروش سلاح بیشتر. درآمد اصلی این قرارداد فروش سلاح و تجهیزات کلمبیا به هندوراس بود<sup>۱</sup> (گروه سیاست و روابط بین‌الملل، دانشگاه آکسفورد<sup>۲</sup>). بنابراین می‌توان به کمک قراردادهایی بدین صورت اقدام به جذب منابع مالی نمود<sup>۳</sup>.

### تأمین مالی به کمک ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)

مطالعاتی نظیر هستیانی و شاهنوش فروشانی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که با آگاهی از ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) می‌توان از آن‌ها برای تأمین مالی استفاده کرد. صکوک نقش بزرگی در رشد و توسعه بازار سرمایه اسلامی و همچنین سهم به سزایی در رسیدن به اهداف والایی که شریعت مقدس اسلامی در نظر گرفته ایفا می‌کند؛ زیرا علاوه بر اینکه از قابلیت بالای عملیاتی و توجیه اقتصادی برخوردار است، بهترین شکل تأمین سرمایه پروژه‌های اقتصادی بزرگ مثل پروژه‌های صنعتی است که خارج از توان مالی یک فرد یا شرکت خصوصی می‌باشد (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۳). سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی<sup>۴</sup> انواع صکوک را در چهار گروه به شکل زیر تقسیم کرده است:

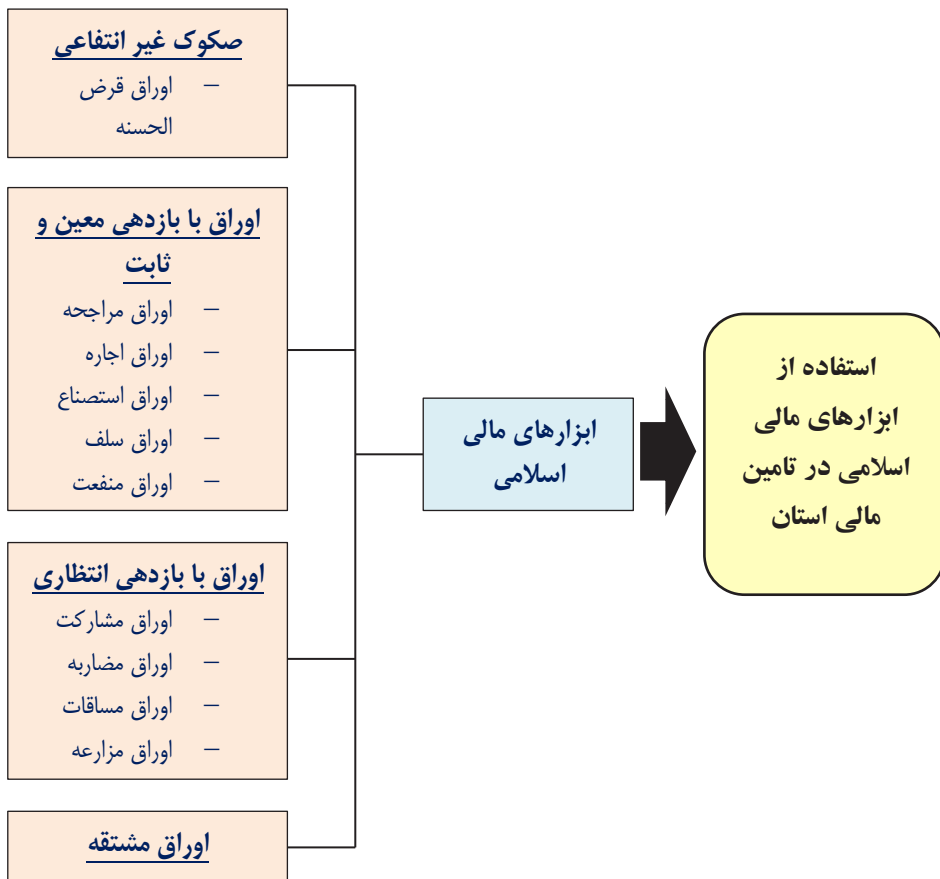
1 . <https://blog.politics.ox.ac.uk/>

2 . Department of Politics and International Relations, University of Oxford.

۳ . نامگذاری این قرارداد برحسب نظر نویسنده انجام شده است.

4 . Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institution

## ابزارهای تامین مالی اسلامی



منبع: سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی

با توجه به گستردگی بالای ابزار مالی اسلامی و همچنین تایید آنها توسط علماء و فقهای اسلام می تواند به تامین مالی استان کمک کنند. برخی از مهم ترین ابزارهای مالی می توان در استان به کاربرد بصورت زیر توضیح داده می شود:

**اوراق مرابحه:** این اوراق بالتبع به شکل قرارداد مرابحه منتشر می شوند و دارای انواع مختلفی از جمله: اوراق مرابحه تأمین مالی، اوراق مرابحه تأمین نقدینگی، اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت های تجاری و اوراق مرابحه رهنی می باشند (موسویان و همکاران، ۱۳۹۱). این اوراق با ارزش یکسان برای تجميع وجوه لازم برای ساخت کالاها استفاده می شوند در نتیجه کالاهای ساخته شده متعلق به دارندگان اوراق

صکوک است. دستگاه‌های اجرایی استان می‌توانند به کمک این اوراق و با توجه به ظرفیت‌های بالایی که دارا می‌باشد اقدام به تامین مالی نمایند.

**اوراق اجاره:** اوراق اجاره، نشان‌دهنده مالکیت مشاع دارندگان آن، در دارایی مبنای انتشار اوراق است که اجاره داده می‌گردد. انواع مهم این اوراق که قابلیت انتشار دارد عبارتند از: اوراق اجاره تأمین دارایی، اوراق اجاره تأمین نقدینگی، اوراق اجاره رهنی و اوراق اجاره شرکت‌های لیزینگ (کاوند، ۱۳۸۶). صکوک اجاره دارای دو امتیاز مهم است: اول اینکه به دلیل انتشار آن با پشتوانه دارایی، مخاطره آن کم است، دوم به دلیل قابلیت فروش آن توسط سرمایه‌گذاران در بازار ثانویه، قابلیت نقدشوندگی مناسبی دارد. بنابراین، دستگاه‌های اجرایی استان از این طریق می‌توانند با بکارگیری اوراق اجاره تامین مالی نمایند.

**اوراق مشارکت:** این اوراق، اسناد و گواهی‌های دارای ارزش یکسان هستند و برای تجمیع وجوه لازم جهت راه‌اندازی طرح‌های جدید، توسعه طرح‌های موجود با تأمین مالی کسب و کارهای مبتنی بر مشارکت استفاده می‌شود. این گواهی‌ها با ارزش یکسان با هدف استفاده از وجوه تجهیز شده برای ساخت یک پروژه جدید، توسعه یک پروژه موجود یا تأمین مالی فعالیت‌های کسب و کار بر اساس هر یک از قراردادهای مشارکت منتشر می‌شود، در نتیجه دارندگان گواهی مالکان پروژه یا دارایی‌های فعالیت در حال انجام به نسبت سهم خود هستند (کاوند، ۱۳۸۶). در این حالت، دستگاه‌های اجرایی استان می‌توانند در طرح‌ها و تجهیزاتی که به منابع مالی نیاز دارند اقدام به انتشار این اوراق نمایند و منابع درآمدی لازم را از این طرق تجمیع کنند.

**اوراق سلف:** سلف از اقسام بیع و عکس نسبه است. هنگامیکه شخصی تولید یا ارائه کالای معینی را مورد هدف قرار می‌دهد، با انتشار این نوع صکوک قادر خواهد بود تا منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کند. در واقع سرمایه‌گذاران در این اوراق، کالای موردنظر را پیش خرید کرده‌اند. ناشر با انتشار اوراق سلف، محصولات را مستقیماً به مردم پیش‌فروش می‌کند و در زمان سررسید به وکالت از طرف صاحبان اوراق محصولات یا مواد خام را در بازار نقداً به فروش می‌رساند و از این راه با صاحبان اوراق تسویه می‌کند؛ در این فرایند تفاوت قیمت نقد و سلف در غالب سود به مردم تعلق می‌گیرد (عبدی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۸).

**اوراق استصناع:** این اوراق، اوراقی هستند که دولت یا شرکت‌های دولتی یا خصوصی پس از انتشار آن‌ها، در ازای ساخت دارایی مشخصی نظیر ساختمان، کارخانه، کشتی، هواپیما و ...، از این اوراق به جای پرداخت پول به پیمانکار سازنده استفاده می‌کنند و پیمانکار سازنده نیز می‌تواند در زمان تعیین

شده نسبت به دریافت مبلغ اسمی آن‌ها اقدام کند و یا قبل از سررسید، آن را در بازار اوراق بهادار به فروش برساند. دارنده این اوراق در سررسید مشخص، مبلغ اسمی آن را دریافت می‌کند و یا می‌تواند قبل از سررسید آن را در بازار بورس اوراق بهادار تنزیل نماید. این اوراق نیز به مانند اوراق قبل دارای بازدهی ثابتی هستند. انواع مختلف این اوراق عبارتند از: استصناع مستقیم و استصناع غیرمستقیم. دستگاه‌های اجرایی استان از این اوراق می‌توانند هم در زمانی که پیمانکاران خصوصی استخدام کرده‌اند استفاده کنند و هم زمانی که فعالیت‌های دولتی بصورت مشارکتی در اقتصاد دنبال می‌شود.

**اوراق منفعت:** ورق منفعت سند مالی بهاداری است که بیانگر مالکیت دارنده آن بر مقدار معین خدمات یا منافع آینده از یک دارایی بادوام می‌باشد که در ازای پرداخت مبلغ معینی به وی منتقل شده است. صاحبان دارایی‌های بادوام گاهی به نقدینگی احتیاج دارند و حاضرند برای تأمین آن، بخشی از منافع حاصل از دارایی‌های بادوام خود را از پیش واگذار کنند؛ یعنی صاحبان دارایی برای بخشی از منافع دارایی، اوراق منفعت منتشر و سپس آن‌ها را در مقابل مبلغ معینی به متقاضیان واگذار می‌کنند. دارندگان اوراق می‌توانند صبر کنند و در زمان معین از آن منافع بهره ببرند؛ کما اینکه می‌توانند قبل از فرا رسیدن مدت آن را به دیگران واگذار کنند. همانند صاحبان دارایی‌های بادوام، شرکت‌ها و مؤسسه‌های خدماتی نیز گاهی برای تأمین سرمایه در گردش یا توسعه فعالیت‌های اقتصادی، نیازمند پول می‌شوند و حاضرند بخشی از خدمات آینده خود را با اوراق منفعت از پیش واگذار کنند. این اوراق دارای دو نوع اوراق منفعت واگذاری منافع آتی دارایی‌های بادوام و اوراق منفعت واگذاری خدمات آینده هستند (کاوند، ۱۳۸۶).

#### کشور ترکیه و مالزی؛ استفاده از صکوک برای تأمین مالی

بررسی تجربه

موفق

از جمله کشورهایی که در این زمینه تجربه موفق داشته‌اند می‌توان ترکیه و مالزی را نام برد. مالزی یکی از پیشتازان انتشار صکوک اسلامی و اولین منتشرکننده صکوک بین‌المللی می‌باشد. وجود بازار سرمایه اسلامی متشکل همراه با صندوق سرمایه‌گذاری زیاد باعث شده است تا ابزارهای مالی یکی از منابع مهم تأمین مال این کشور باشند (هو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). ترکیه نیز جزء کشورهایی هست که سالیان زیادی است از این ابزار برای تأمین مالی استفاده می‌کند. نه تنها انتشار صکوک بصورت داخلی در این کشور انجام می‌شود بلکه در سطح بین‌المللی نیز اقدام به انتشار صکوک اسلامی کرده است و هدف آن تلاش برای افزایش مشارکت با شرکت‌های پیمانکاری خارجی می‌باشد (یلدیریم<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

1 . Hou

2 . Yildirim

## تأمین مالی زنجیره‌ای<sup>۱</sup>

طبق تعریف، تأمین مالی زنجیره عبارت است از بکارگیری روش‌ها و عملیات تأمین مالی و کاهش ریسک در جهت بهبود مدیریت سرمایه در گردش و فرایندهای زنجیره تأمین. تأمین مالی زنجیره تأمین شیوه‌ای از تأمین مالی است که در آن، شیوه جدید «تأمین مالی مبتنی بر جریان واقعی کالا و خدمت و تأمین اعتبار در طول زنجیره»، جایگزین شیوه سنتی «پرداخت تسهیلات رو در رو و به پشتوانه دارایی» می‌شود. تأمین مالی زنجیره به معنای فراهم کردن پول و جریان‌های نقدی جهت انجام فرایندهای مختلف سازمانی است. تفاوت اصلی روش‌های تأمین مالی زنجیره تأمین با شیوه‌های سنتی در آن است که در روش‌های زنجیره‌ای، کل زنجیره تأمین به صورت پیوسته، تحت پوشش ابزارهای تأمین مالی و مدیریت ریسک قرار می‌گیرد. در این زیست‌بوم جدید، طراحی مدل‌های تأمین مالی و مدیریت ریسک به صورت پیوسته برای حلقه‌های مختلف زنجیره‌های تأمین اجرا می‌شود. توسعه روش‌های تأمین مالی زنجیره تأمین، علاوه بر کمک به تولید، از زاویه اصلاح نظام بانکی نیز حائز اهمیت است. توسعه شیوه‌های مذکور، به واسطه کاهش مطالبات غیرجاری، بهبود گردش نقدینگی بانک‌ها، مدیریت اقلام زیرخط ترازنامه بانک‌ها و استفاده از شیوه‌های تعهدی در تأمین مالی تولید، می‌تواند به بهبود شاخص‌های سلامت بانکی و پایدارسازی ترازنامه بانک‌ها کمک کند. بکارگیری و توسعه روش‌های تأمین مالی زنجیره تأمین، مزایا و منافع گسترده‌ای برای بنگاه‌های اقتصادی و بخش واقعی اقتصاد خواهد داشت که مهم‌ترین آن به شرح زیر است<sup>۲</sup>:

- تسریع و تسهیل فرایند تأمین مالی سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی
- کاهش نیاز به دریافت تسهیلات جدید برای تأمین مالی سرمایه در گردش
- تقویت روابط پایدار بین تولیدکننده و تأمین‌کننده
- کاهش مطالبات غیرجاری بانک‌ها
- کاهش انحراف منابع و افزایش کارایی تخصیص منابع مالی
- افزایش شفافیت و نظارت‌پذیری جریان مالی اقتصاد
- کاهش هزینه تأمین مالی و کاهش هزینه تمام‌شده محصول
- کمک به بهبود شاخص‌های سلامت بانکی
- افزایش تنوع و تعمیق بازارهای مالی

1 . Supply chain finance

2 . cbi.ir

– کمک به رفع چرخه‌های ناترازی در نظام مالی کشور

### استفاده از معاملات تجارت متقابل

معاملات تجارت متقابل انواع مختلف دارند که دستگاه‌های اجرایی استان می‌توانند با بهره‌گیری از آنها اقدام به تامین مالی کنند. مهم‌ترین معاملات تجارت متقابل به شرح زیر است<sup>۱</sup>:

#### الف) معاملات تهاتری ساده

معاملات تهاتری ساده در مقایسه با روش‌های دیگر تجارت متقابل – پیچیدگی کمتری دارند. در این روش، مقدار مشخصی از کالا و خدمات به طور مستقیم با مقدار مشخصی از کالا یا خدمات دیگر مبادله می‌شوند، بدون اینکه ضرورتی وجود داشته باشد تا برای تسهیل معامله، مؤسسات اعتباری و بانک‌ها دخالت کنند. این نوع از معامله معمولاً در یک دفعه انجام می‌گیرد؛ همچنین در این قراردادها، پول به عنوان وسیله پرداخت وجود ندارد. معاملات تهاتری ساده به عنوان یک روش تجارت متعارف محسوب نمی‌شوند و معمولاً در شرایط خاصی مثل جنگ، انزوای سیاسی و وجود انحصارات و تحریم‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند و عمدتاً بین کشورهای همسایه با کشورهای متعلق به یک طرز فکر ایدئولوژیکی یا سیاسی خاص انجام می‌گیرند (مکری و جنگی، ۱۳۹۷).

#### ب) خرید متقابل

خرید متقابل یک روش تجارت متقابل است که بر اساس آن، یک طرف قرارداد کالاها یا خدماتی را به طرف دیگر صادر می‌کند و متقابلاً توافق می‌کند تا مقدار مشخصی از کالاهایی را که در کشور واردکننده تولید شده است، خریداری و صادر نماید. خرید متقابل در واقع بر مبنای همان معاملات تهاتری ساده ولی با ساختاری جدید بنا شده است تا برای تجارت بین‌المللی جدید و نیازهای عصر حاضر مناسب باشد. انعقاد این قرارداد با سایر کشورها می‌تواند برای شرایط تحریمی حال حاضر، در تامین نیازها استان کشور کارساز باشد (همان).

### ج) قراردادهای آفست

قراردادهای آفست به قراردادهایی اطلاق می‌شود که بر طبق آن، دولت یا نهادی پروژه‌ها و یا اقلام گران قیمت و کاملاً تخصصی را از یک کشور صنعتی خریداری می‌کند، مشروط به این که صادر کننده یک یا چند مورد از تعهدات زیر را تقبل نماید (مکری و جنگی، ۱۳۹۷):

- با صنایع داخلی کشور خریدار، همکاری نموده تا بعضی از قطعات یا بخش‌هایی از پروژه در داخل از کشور تولید شود؛
- از پیمانکاران داخلی کشور خریدار، در ساخت پروژه استفاده کند؛
- پرسنل داخلی کشور خریدار را استخدام کند یا به آن‌ها آموزش دهد؛
- تکنولوژی و مهارت لازم را به کشور خریدار منتقل نماید؛
- در زمینه پروژه و یا در بخش اقتصادی دیگر در کشور خریدار سرمایه‌گذاری کند؛
- بخشی از تولیدات پروژه را از کشور خریدار وارد کند؛
- به کشور خریدار در فعالیتهای اقتصادی مرتبط با پروژه خریداری شده یا فعالیتهای اقتصادی دیگر، کمک فنی، مالی یا مدیریتی نماید.

### د) قراردادهای تسویه تهاتری

قراردادهای تسویه تهاتری در واقع قراردادهای دو جانبه تجاری و مالی هستند که بین دو دولت یا نهاد منعقد می‌شوند و بر اساس آن طرفین توافق می‌کنند تا مبالغ معینی کالا یا خدمات را در یک دوره زمانی مشخص تبادل کنند، بدون این که در این بین عملاً پولی رد و بدل کنند. بر اساس این روش، هر کشور در بانک مرکزی خود یک حساب تسویه به نام طرف دیگر باز کرده، به اندازه مبلغ مقرر در قرارداد، حساب مزبور را طلبکار می‌کند. مبالغ این دو حساب معمولاً مساوی و به یک ارز معتبر خارجی است. صادر کنندگان هر کشور به کشور دیگر ثمن معامله خود را از بانک مرکزی کشور خود و به پول داخلی خود دریافت کرده و بانک مرکزی مربوطه به اندازه هر پرداخت، حساب مزبور را بر اساس نرخ تبدیل ارز مقرر در قرارداد بدهکار می‌کند تا مبلغ حساب باز شده به صفر برسد. در صورتی که در پایان مدت قرارداد، در حساب‌ها مبالغی باقی بماند که تسویه نشده باشد، دو بانک مرکزی این باقیمانده را تسویه خواهند کرد.

## ه) قرارداد واگذاری تهاتری

در قرارداد واگذاری تهاتری، طبق یک قرارداد تجارت متقابل، صادر کننده خارجی متعهد به خرید متقابل کالا یا خدماتی شده است که به آن‌ها نیازی ندارد. به عنوان مثال، یک شرکت تولید کننده آلمانی، در مقابل خریدار ایرانی متعهد شده است از ایران کالاهایی را خریداری و صادر نماید و این در حالی است که این فروشنده آلمانی، به کالاهای مندرج در قرارداد، نیازی ندارد و در نتیجه این قرارداد خرید متقابل را به طرف دیگری واگذار می‌کند که به این کالاها نیاز دارد و یا توانایی دارد آن‌ها را در بازارهای بین‌المللی به فروش رساند. یکی از روش‌های که با توجه به شرایط تحریمی می‌تواند به صادرات استان کمک کند و از طریق آن منابع درآمدی کسب شود، این نوع قراردادها می‌باشد.

## و) قراردادهای تعویض

در روش تعویض، کالاهای مشابه که در محل‌های فیزیکی متفاوتی قرار دارند با یکدیگر معاوضه می‌شوند تا مخارج حمل و نقل کاهش پیدا کند و یا موانع حمل و نقل برطرف گردد.

## سرمایه‌گذاری خارجی

برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعاریف مختلفی ارائه شده است. از جمله به نظر آنکتاد<sup>۱</sup>، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌ای که متضمن مناسبات بلندمدت و منعکس کننده کنترل و سود مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی (بنگاهی) بیرون از وطنش سرمایه‌گذار باشد. همچنین در کتاب جامع پالگریو<sup>۲</sup> سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به معنی تملک دارائی‌ها توسط سرمایه‌گذار در خارج از وطن خود تعریف شده است (فیصل، ۲۰۱۹). از آنجا که از طریق تجمع سرمایه خارجی می‌توان بخش زیادی از منابع مورد نیاز را تامین کرد؛ استان می‌تواند از روش برای کسب درآمد کمک بگیرد. در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان بر اساس مبانی تعدد، تقسیمات مختلفی را اعمال کرد؛ اما بطور معمول سرمایه‌گذاری خارجی را به شرح ذیل در سه دسته تقسیم بندی می‌کنند:

**سرمایه‌گذاری مستقیم:** سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نوعی از سرمایه‌گذاری فرامرزی است که توسط شخص مقیم یک اقتصاد (که به او سرمایه‌گذار مستقیم می‌گویند) در یک موسسه اقتصادی مقیم در

- 1 . United Nations Conference on Trade and Development
- 2 . palgrave
- 3 . Faisal

اقتصادی جز اقتصاد متبوع سرمایه‌گذار (که به آن موسسه سرمایه‌گذاری مستقیم می‌گویند) با هدف برقراری علاقه پایدار در آن موسسه اقتصادی به عمل می‌آید. انگیزه سرمایه‌گذار مستقیم از این عمل یک رابطه درازمدت و استراتژیک با موسسه سرمایه‌گذاری مستقیم می‌باشد و درصدد است نفوذ خود را به نحو قابل ملاحظه‌ای در مدیریت آن موسسه تضمین نماید. موسسات سرمایه‌گذاری مستقیم به سه صورت شرکت‌های کاملاً وابسته، شرکت‌های فرعی و شرکت‌های پیوسته وجود دارند.

**سرمایه‌گذاری غیر مستقیم (بور تفولیو):** گاهی سرمایه‌گذار سهام شرکت‌ها و سایر اوراق بهادار را در بازار بورس خریداری می‌کند. از این طریق مبالغی وجه نقد وارد کشور شده و صرف خرید سهام می‌شود اما چون هدف، به دست آوردن مالکیت یا کنترل قسمتی از شرکت نیست سرمایه‌گذاری در سبد سهام یا سرمایه‌گذاری غیر مستقیم نامیده می‌شود. در این نوع از سرمایه‌گذاری عنصر متمایز کننده این است که کنترل و مدیریت شرکت از داشتن سهام مالکیتی در آن جدا و مجزا است.

**سرمایه‌گذاری از طریق ترتیبات قراردادی:** گاهی سرمایه‌گذاری خارجی از طریق ترتیبات قراردادی صورت می‌گیرد؛ بدین ترتیب که سرمایه‌گذار حاضر می‌شود طی قراردادی مانند بیع متقابل، قرارداد بی . او . تی ، جوینت ونچر و یا موافقت نامه های مشارکت در تولید و غیره واحد تولیدی ساخته و در اختیار طرف مقابل قرار دهد.

**الف) بیع متقابل:** اصطلاح (buy-back) اکثراً در ادبیات حقوقی ایران و متون قانونی تحت عنوان بیع متقابل ترجمه شده است. در تعریف این قرارداد می‌توان گفت که بیع متقابل مجموعه‌ای از روش‌های قراردادی است که در آن یک طرف تسهیلات تولیدی را در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد و در مقابل تعهد می‌نماید که تمام یا قسمتی از محصولات ناشی از آن تسهیلات تولیدی را از طرف مقابل خریداری نماید. در این قرارداد، سرمایه‌گذار خارجی (بخش خصوصی) تعهد می‌کند که یک پروژه را با تامین منابع مالی، فناوری و دانش فنی، ارائه تجهیزات و موارد لازم توسعه دهد. هزینه سرمایه‌گذاری و حق‌الزحمه او نیز از طریق اختصاص بخشی از کالای تولیدی به سرمایه‌گذار بازیافت می‌شود.

**ب) قرارداد بی.او.تی.بی.او.تی (bot) ، مخفف سه واژه ( build . operate and transfer )** به معنای (ساخت، بهره‌برداری و واگذاری) است و به قرارداد هایی اطلاق می‌شود که در آن طرحی با مجوز دولت و از طرف دستگاه دولتی، برای ساخت به یک شرکت خصوصی واگذار می‌گردد؛ پس از ساخت، امتیاز بهره‌برداری از طرح برای مدتی به شرکت سازنده داده شده و او مالک طرح و منافع

حاصل از آن می‌گردد و بعد از انقضای مدت قرارداد مالکیت طرح به دولت طرف قرارداد انتقال می‌یابد. بدین ترتیب شرکت خصوصی تامین مالی طرح زیر بنایی را بر عهده گرفته، آن را ساخته و پس از مدتی بهره‌برداری، مالکیت طرح را به طور مجانی یا معوض به دولت منتقل می‌کند تا از آن به بعد دولت به عنوان مالک آن را در راستای منافع عموم مورد بهره‌برداری قرار دهد. منعی وجود ندارد که در بی. او. تی یک طرح از جانب بخش خصوصی به بخش خصوصی دیگر واگذار شود.

**ج) جوینت ونچر (Joint venture):** جوینت ونچر، یک برنامه‌ریزی مشترک میان دو یا چند نهاد تجاری برای رسیدن به یک هدف خاص و یا شرکت در پروژه‌های تازه است که می‌تواند در صورت اشتراک منابع و فناوری با موفقیت بیشتری دنبال شود. تقسیم خطرات ناشی از شکست به طرفین این انگیزه را می‌دهد که با اعتماد بیشتری وارد پروژه‌های متفاوت شوند، در حالی که تحمل زیان به تنهایی طرف را نسبت به سرمایه‌گذاری دلسرد می‌کند. می‌توان جوینت ونچر به طور مختصر و مفید نوعی از همکاری تجاری تلقی کرد که طی آن طرفین، مدیریت فعالیت خاصی را به نحو مشترک بر عهده می‌گیرند و در سود و زیان حاصله شریک می‌شوند بدین ترتیب بسیاری از انواع قرارداد های انتقال تکنولوژی و اعطای لیسانس و غیره از حیطه شمول اصطلاح جوینت ونچر خارج می‌شوند.

**د) مشارکت در تولید:** این گونه از موافقت نامه‌ها عمدتاً در حوزه منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز مورد استفاده قرار می‌گیرد. دلیل آن هم این است که سرمایه‌گذاری در این بخش نیاز به منابع عظیم مالی دارد که از عهده کشورهای محل وقوع آن منابع خارج است و خصیصه مهم این قرارداد ها این است که ریسک سرمایه‌گذاری کلاً از آن سرمایه‌گذار خارجی است. قراردادهای مشارکت در تولید بر این مبنا استوار است که مالکیت همیشه با دولت است و همیشه دسترسی به آن را داراست. در واقع این قرارداد ها بازتاب اصل حاکمیت دائمی دولت بر منابع طبیعی است. در جایی که شرکت خارجی مجوز اکتشاف بخشی از زمین یا دریا را اخذ می‌کند، خطر و ریسک عدم کشف منابع وجود دارد. وقتی که منابع پیدا شد ممکن است شرکت خارجی آن را استخراج کند و درصد خاصی از آن به او تعلق یابد که هم هزینه‌هایش جبران شود و هم به سود معقولی دست یابد. درصدی از منابع که به شرکت خارجی تعلق می‌یابد به تدریج کاهش پیدا می‌کند و هزینه‌ها از طریق فروش آن جبران می‌شود تا اینکه نهایتاً کل پروژه توسط شرکت داخلی انجام شود. مالکیت دولت بر منابع به شرط پرداخت سهم شرکت خارجی در تولید باقی خواهد ماند.

هم قرارداد های جوینت ونچر و هم مشارکت در تولید تکنیک های قانونی هستند که در آن ها کشور میزبان قدرت خود را بر سرمایه گذاری های دریافتی اعمال می کند. میزان قدرت یک کشور در سرمایه گذاری به قدرت چانه زنی طرفین و امنیت آن کشور برای سرمایه گذاری بستگی دارد. این قرارداد ها به گونه ای هستند که نسبت به روش های قدیمی مانند امتیاز نامه ها، دولت کنترل بیشتری بر روی سرمایه گذاری حتی در مرحله انعقاد قرارداد و ورود سرمایه گذاری اعمال می کند.

ه) سایر روش ها عبارتند از:

- ساخت، بهره برداری، مالکیت (BOO)
- ساخت، اجاره، انتقال (BLT)
- ساخت، اجاره، بهره برداری (BLO)
- طراحی، ساخت، بهره برداری، نگهداری (DBOM)
- احیاء، بهره برداری، انتقال (ROT)
- احیاء، بهره برداری، مالکیت (ROO)

### استفاده از منابع بانک ها برای تامین مالی

بانک ها به عنوان واسطه گران مالی، منابع را از پس اندازکنندگان (غیرآگاه به چگونگی سرمایه گذاری) جذب می کنند و با ضوابط و مقررات خاص در اختیار تولیدکنندگان (توانا در تولید اما بدون امکانات مالی) قرار می دهند. این امر در یک نظام مالی سالم و کارآمد باعث افزایش دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی، کاهش هزینه تامین مالی تولید و افزایش رشد و توسعه اقتصادی کشور می شود. البته سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی توسط خود بانک ها نیز انجام می شود و می توانند در قالب قراردادهای مختلفی کسب سود کنند (موسویان و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، از آنجا که بانک ها به طرق مختلفی می توانند تامین مالی را انجام دهند؛ این منابع منجر به متنوع تر شدن منابع درآمدی می گردد و باعث می شود در شرایط تحریمی نیز فشار کاهش منابع درآمدی متوجه این بخش نشود. بنابراین، می توان از منابع مالی بانک های استان در پروژه های مختلف اقتصادی استفاده کرد و به تامین مالی استان پرداخت.

## حذف و یا تخفیف بخشی از تعرفه ها و مالیات های مختلف برای استان های کم برخوردار و

### محروم

از آنجا که استان خراسان جنوبی یک استان مرزی و دارای سطح توسعه پایینی است، لازم است در دریافت تعرفه و مالیات مشمول مقداری تخفیف گردد تا هزینه های این استان کاهش یابد.

### استفاده از تسهیلات داخلی و خارجی

یکی از راهکارهای شایع در تامین مالی بهره گیری از تسهیلات سازمان ها و صندوق های داخلی و خارجی است. این روش ها می تواند به تامین مالی دستگاه های استان کمک نمایند. البته تسهیلات خارجی روش های مختلفی دارد که مهم ترین آنها فاینانس، ری فاینانس و یو زانس است. هر کدام از این روش ها سرمایه یا ماشین آلات را در اختیار دستگاه های استان قرار می دهند. البته طی قرارداد مطالباتی را نیز از آن دستگاه دارند. هر چند مطالعاتی نظیر برزوسکا (۱۹۸۴) و لونی و فردریکسن (۱۹۸۶)<sup>۱</sup> ادعا می کنند در شرایط تحریم این اقدام برای تامین مالی می تواند اثرات منفی نیز در پی داشته باشد. با این حال، از این روش نیز در سطح جهانی به عنوان یکی از راه های تامین مالی یاد می شود.

### احداث کنسولگری افغانستان در بیرجند

کنسولگری ها فعالیت سیاسی نداشته و فقط در گسترش روابط تجاری و توریستی فعالیت دارند و این مورد مهم ترین تفاوت سفارت و کنسولگری است. همچنین کنسولگری هر کشور، مسئول حفاظت از منافع و رسیدگی به امور شهروندانش در کشور میزبان است که به طور موقت یا دائم در آن کشور ساکن هستند. از این طریق می توان بسیاری از هزینه ها را کاهش داد و در تامین مالی به استان کمک نمود.

### قراردادهای مشارکت بین المللی تولیدات با کشورهای مختلف

یکی از راهکارهایی که می توان به کمک آن هزینه ها را کاهش و به نوعی سرشکن کرد بحث مشارکت در تولید می باشد. به کمک این روش می توان با کشورهایی که خود درگیر تحریم هستند؛ همکاری نمود. در رابطه با اهمیت این موضوع مقام معظم رهبری می فرمایند: «من نمی گویم با دنیا قطع رابطه کنید، این اصلا نظر بنده نیست. از اول انقلاب، بنده جزو آن آدم هایی بودم که اصرار داشتم بر ارتباط ارتباط با اطراف دنیا - الان هم همان عقیده را دارم»<sup>۲</sup>. مقام معظم رهبری صراحتا به تعامل گسترده توأم با دوستی

1 . Brzoska, 1983; Looney & Frederiksen, 1986

و احترام اشاره دارند که می‌تواند در سه سطح روابط با کشورهای اسلامی، روابط با کشورهای دوست و روابط با کشورهای غیرمتخاصم به مورد اجرا در آید. چرا که بر اساس منطق همزیستی مسالمت‌آمیز، کشورها در عین حفظ هویت و پیگیری اصول و منافع ملی خود، هویت و منافع دیگران را به رسمیت شناخته و با پرهیز از مطلق انگاری سیاسی تلاش می‌کنند هویت خود را نه بر پایه کشمکش با دیگران، بلکه بر مبنای منافع مشترک و همسانی با آن تعریف کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۹۷ - ۳۹۹).

استان خراسان جنوبی به دلیل عدم دسترسی به سرمایه کافی، فناوری و دانش فنی مناسب و توان مدیریتی لازم دارای بنیه ضعیف اقتصادی هست. بنابراین با همکاری با سایر کشورها می‌تواند بسیاری از هزینه‌ها را کاهش دهد. مزیتی که این روش دارد این است که در این روش انتقال دانش و فناوری نیز انجام می‌شود و هر کدام از شرکا می‌توانند در این زمینه با به اشتراک گذاشتن دانش، فناوری و تجهیزات خود، در به سرانجام رسیدن هدف موردنظر نقش ایفا کنند. با توجه به شرایط ویژه این قراردادها و نیاز کشورهای دارای بنیه اقتصادی ضعیف به این مشارکت‌ها، باعث دسترسی بالای استان به درآمدهای ارزی حاصل این همکاری‌ها خواهد شد.

### تولید محصول و تجهیزات بصورت فرامرزی

استان از نظر مهندسی و امکانات دارای امکانات بالایی هست که می‌تواند از این امکانات در سایر استان‌ها و کشورهای دیگر از طریق تولید محصول کسب درآمد نماید. به عنوان مثال اغلب کشورهای همسایه ایران در زمینه ساخت و سازهایی مانند سد چندان موفق نیستند و یا از نظر کشاورزی و تجهیزات این بخش در سطح پایین‌تری نسبت به ایران قرار دارند. بر این اساس مهندسين این بخش با توجه به دانشی که در این حوزه دارند می‌توانند به تولید محصول بپردازند و با فروش آن در بازارهای داخلی آن کشور بخشی از درآمد را کسب کنند. البته در زمینه‌های دیگری نیز نظیر نظامی، صنعتی، پزشکی، فرهنگی و غیره این اقدام قابل اجرا هست. نکته‌ای قابل تأملی که در این زمینه وجود دارد اینست که از طریق این اقدام، می‌توان تحریم‌ها را نیز دور زد. بدین صورت که، با تولید محصول و تجهیزات در کشورهای دیگر و فروش آن‌ها به آن کشور و یا صادرات آن به سایر کشورها می‌تواند منبع درآمد مناسبی برای استان باشد. همچنین، احداث کارخانه‌های فراسرزمینی که تولیدات استراتژیک ندارند می‌تواند با توجه به ارزان بودن نیروهای انسانی تعدادی از کشورها، ضمن کاهش قیمت و هزینه تولید، راه صادرات را میانبر و تسهیل سازد.

## کاهش هزینه‌های دولتی استان از طریق برون‌سپاری

امروزه، برون‌سپاری به مسئله بسیار مهمی برای بسیاری از کسب و کارها تبدیل شده است؛ زیرا اگر چه در گذشته نیز بسیاری از شرکت‌ها بخش‌هایی از فعالیت‌های خود را برون‌سپاری می‌کردند، اما امروزه بخش بزرگ‌تری از فعالیت‌ها برون‌سپاری می‌شود. برون‌سپاری فقط یک راه‌کنش (تاکتیک) بدیع کسب و کار نیست که هر وقت شرکت‌ها از انجام بخشی از کار خود ناتوان می‌شدند به آن پناه می‌بردند؛ برون‌سپاری امکان انتخاب و استفاده از الگوهای مختلف انجام کسب و کار را به شرکت‌ها می‌دهد. برون‌سپاری به شرکت‌ها کمک می‌کند تا نه تنها شرایط بد اقتصادی را تحمل کنند، بلکه به مزیت رقابتی در بازار حتی در شرایط سخت امروزی دست‌یابند. به همین دلیل، به اعتقاد بسیاری از خبرگان امر مدیریت زنجیره تأمین، امروزه مهم‌ترین تصمیم برای هر عملکرد زنجیره تأمین، این است که آن عملکرد برون‌سپاری شود یا درون شرکت انجام شود (اسلاک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷ و منطقی و همکاران، ۱۳۹۳). گسترش روند جهانی‌سازی منجر به افزایش روزافزون رقابت در سطح بین‌المللی شده است؛ به گونه‌ای که اگر صنعتی از قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای حضور در این رقابت فشرده بین‌المللی برخوردار نباشد، ضمانتی برای بقا در اقتصاد پویا و پیچیده امروز نخواهد داشت. بر مبنای همین اصل، صنایع مختلف برای رقابت پذیر شدن، حجم بسیار زیادی از فعالیت‌های تولیدی و حتی تحقیقاتی خود را به دیگر صنایع کشور و حتی صنایع و مراکز تحقیقاتی در سطح جهان، برون‌سپاری کرده‌اند (اسلاک و همکاران، ۲۰۰۷).

برای تحقیق و توسعه نیز می‌توان برون‌سپاری را انجام داد. وجود دانشگاه‌ها، مراکز علمی و فنی، مراکز پژوهشی و نیروهای مستعد و نخبه در سطح کشور که توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالای این منابع، نقش مهمی در ارتقای قابلیت‌های توسعه فناوری‌های دارد. این عامل تمایل به برون‌سپاری طرح‌های تحقیقاتی را تقویت می‌کند. استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و استعدادها، کشور برای بومی‌سازی فناوری‌های مورد نیاز، راهکار مناسبی در برون رفت از شرایط تحریم می‌باشد و از این طریق می‌توان بخش قابل توجهی از هزینه‌ها را کاهش داد.

1 . Slack and et al.

## توسعه بازارهای استان

یکی از محدودیت‌های اساسی پیش روی صنایع استان، کوچک بودن بازار و ضعف در بازاریابی، بازاریابی و بازاریابی آن‌هاست. در حقیقت بازارهای صنایع استان معطوف به داخل بوده و از ظرفیت بازار بیرونی استفاده چندانی نکرده است. بازار کوچک منجر به محدود بودن تقاضا می‌شود. در تحقیقات انجام شده، اثبات گردید که تقاضا یک عامل مهم و پیشرانی برای توسعه است (گرن، ۱۳۹۳: ۳۱۳) که در عمل صنایع استان از این پیشران محروم می‌باشند که به واسطه آن امکان تأمین هزینه‌های تحقیق و توسعه به واسطه فروش بسیار اندک، یا مقدور نبوده یا به سختی قابل دستیابی است. افزون بر کوچک بودن بازار تقاضای محصولات، نبود تنوع تقاضای مشتریان به واسطه بروز شکل‌های مختلف تهدید در داخل و بیرون از کشور و فقدان تقاضای پایدار بلندمدت از دیگر چالش‌های صنایع استان می‌باشد (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین همانطور که بحث شد می‌توان با فراهم سازی بسترهای مناسب صادرات محصولات، بازار فروش این محصولات را توسعه و گسترش داد و از این طریق کسب درآمد نمود.

## استفاده از تجار موفق در بخش بازار یابی بین‌المللی

بدون تجربه و تخصص افراد موفق در زمینه‌ای خاص، به راحتی نمی‌توان در آن حیطه موفق شد. بر این اساس، استان می‌تواند با بکارگیری تجار و بازرگانان موفق که دارای دانش، تخصص و تجربه کافی در زمینه‌های مختلف هستند استفاده کرده و با سرمایه‌گذاری‌هایی به کمک این افراد اقدام به تأمین مالی نماید.

## توجه ویژه به اقتصاد گردشگری

امروزه صنعت گردشگری به عنوان یک تجارت پرسود و یک شاخه از اقتصاد جهانی در زمینه خدمات مورد توجه و در حال توسعه می‌باشد. این ادعا با این حقیقت که گردشگری بیش از ۱۰ درصد از درآمدهای ملی برخی کشورهای دنیا را شامل می‌شود، تأیید می‌گردد. توسعه گردشگری نقش مهم و اساسی را در توسعه اقتصادی بازی می‌کند. بنابراین استان می‌تواند با توسعه گردشگری بخشی از منابع مورد نیاز خود را تأمین نماید.

## انتقال دانش و فناوری به سایر کشورها

یکی از راه‌ها مرسوم در تامین مالی، بصورت انتقال دانش و فناوری به سایر کشورها انجام می‌شود. با توجه به شرایطی که کشور افغانستان دارد و در خیلی از زمینه‌ها نتوانسته است پیشرفت چندانی داشته باشد، با انتقال دانش و فناوری به این کشور می‌توان کسب درآمد نمود.

علاوه بر مواردی که مطرح گردید؛ موارد زیر نیز جهت بهبود وضعیت تامین مالی استان پیشنهاد می‌شود:

- تدوین بسته تشویقی و حمایتی ویژه مناطق کمتر توسعه‌یافته و کم‌برخوردار و اعطای تسهیلات برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و همچنین هدایت سرمایه‌گذاران برای انجام پروژه‌های زیرساختی، مولد و دارای ارزش افزوده با اولویت حوزه بانکی (کاهش نرخ بهره بانکی و تسهیل وثایق) و مالیاتی (کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها و ارزش افزوده) به تناسب ضریب توسعه نیافتگی استان‌ها.
- متمرکز شدن حساب شرکت‌ها و واحد‌های تولیدی استان در داخل بانک‌های استان و ارائه مشوق‌هایی در جهت حمایت از این صنایع
- ایجاد ردیف اعتباری تأمین مالی طرح توسعه و تسهیل سرمایه‌گذاری توسعه‌ای برای استان
- هدایت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به سرمایه‌گذاری و مشارکت در واحدهای نیمه فعال و تعطیل شهرک‌های صنعتی استان به منظور تأمین مالی تقویت واحدهای تولیدی استان
- تسریع در اصلاح قوانین و مقررات شناسایی شده به عنوان مخل و کندکننده سرمایه‌گذاری
- ایجاد ارتباط جهت مشارکت بین فعالان اقتصادی داخلی با سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانیان مقیم خارج از کشور به منظور مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های واحدهای تولیدی استان
- اجرای طرح‌های زیرساختی سرمایه‌گذاری و پروژه‌های نیمه تمام در استان‌ها در قالب مشارکت عمومی - خصوصی (PPP)
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های توسعه‌ای در اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری، توسعه‌ای، زیرساختی و نوسازی صنایع استان.
- هدایت منابع تسهیلاتی استان به محصولات استراتژیک و مزیت‌های اقتصادی آن استان با رویکرد و توجه ویژه به بازارهای فروش داخلی و خارجی و حمایت از محصولات و صنایعی که اولویت استان

- استفاده از ظرفیت نهادهای سرمایه‌گذاری خطرپذیر و صندوق‌های حمایت از نوآوری جهت عملیاتی نمودن طرح‌هایی مبتنی بر فناوری‌های نو و دانش‌بنیان.
- تدوین نقشه راه تامین مالی طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری استان.
- تشکیل کارگروه تخصصی به منظور بررسی و بازنگری نحوه تامین وثایق و ضمانت‌ها جهت اخذ تسهیلات بانکی بویژه در بخش معادن در جهت تسهیل فرآیند تامین مالی در استان
- اجرای معافیت مناطق محروم موضوع ماده ۹۲ قانون مالیات‌های مستقیم برای شهرستان‌های بیرجند و قاین (طبق این ماده شهرستان بیرجند و قاین جزء منتطق محروم نیستند).
- بازنگری و اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی، تعیین نرخ ضریب مالیاتی به صورت استانی در جهت تسریع و تسهیل کسب و کار.
- شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و تهیه طرح‌های توجیهی اولویت‌دار به تفکیک شهرستان‌ها جهت ارائه به متقاضیان سرمایه‌گذاری در استان.
- ورود جدی شرکت‌های معدنی بزرگ به سرمایه‌گذاری در استان
- توجه به بخش فروش محصولات تولیدی، ایجاد حلقه اتصال بین تولید و توزیع (فروش) و ایجاد کنسرسیوم صادرات محصولات تولیدی استان
- ایجاد شبکه خواهرشهرها با سایر استان‌ها و کشورها در راستای جذب سرمایه‌های موجود در آنان.
- فراهم سازی پیش شرط‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی من جمله بستر سازی حقوقی و تسهیل گری، ایجاد امنیت، ایجاد بسترهای مناسب فرهنگی، برند سازی و تبلیغات به صورت جدی در تمامی بخش‌های اقتصادی
- فروش اعتباری مواد اولیه توسط صنایع بالادستی به بنگاه‌های راکد استان مشروط به حفظ نیروی کار؛
- تامین مالی بنگاه‌های راکد استان از طریق ابزارهای اعتباری بانکی برای تولیدکنندگان در قالب اعتبار اسنادی داخلی؛
- تامین مواد اولیه خط تولید از بورس کالا و اختصاص سهمیه برای بنگاه‌های راکد مناطق کمتر توسعه‌یافته؛
- فراهم کردن امکان مشارکت نهادهای حمایتی مانند بنیاد مستضعفان و بنیاد برکت؛
- فراهم کردن امکان تجدید ارزیابی پروژه‌ها توسط بانک‌ها و تهیه طرح توجیهی جدید و متناسب سازی وام مورد نیاز طرح با شرایط موجود

- تامین سرمایه در گردش از محل منابع صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری: از آنجا که واحدهای بزرگ با تجدید منابع خود در بانک‌ها امکان تأمین مالی را دارند لذا تامین سرمایه در گردش به‌ویژه در صنایع کوچک استان از محل منابع صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در دستور کار قرار گیرد؛

دشتبانی، یاور و ملابهرامی، احمد، (۱۳۹۷)، الگوی مطلوب تأمین مالی نیروهای مسلح در ایران: کاربرد روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بر اساس تجربه کشورهای منتخب، فصلنامه اقتصاد دفاع، سال ۳، شماره ۹، صص ۳۸-۹.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه گرا، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۳۸۰-۳۶۲.

سعیدی، علی و مقدسیان، ایمان، (۱۳۸۹)، ارزیابی عملکرد صندوق های سرمایه‌گذاری سهام در ایران، بورس اوراق بهادار، دوره ۳، شماره ۹، صص ۵-۲۴.

طهماسبی، سیامک؛ اصلی‌پور، حسین؛ فرتوک‌زاده، حمیدرضا و بوشهری، علیرضا، (۱۳۹۶)، سیاست‌گذاری صنعتی جهت ارتقای قابلیت‌های صنایع دفاعی راهبردی، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، دوره ۱۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۵۸، صص ۱۶۵-۱۹۹.

عبدی، مجید و مبینی دهکردی، مصطفی، (۱۳۹۸)، بررسی و اولویت‌بندی روش‌های تأمین مالی اسلامی جهت تأمین مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه اقتصاد دفاع دوره ۴، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۸، صفحه ۹-۳۸.

کاوند، مجتبی (۱۳۸۶). طبقه‌بندی ابزارهای مالی اسلامی (صکوک). مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار. کد گزارش: ۹۶-۱۴-۲۰۱۷.

محمدی نسب، مهدی و مستوفی، کامران، (۱۳۹۶)، بررسی نقش صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک در توسعه اقتصادی کشور، مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، سال دوم، شماره ۶، صص ۳۲-۱۷.

مکری، فرانک و جنگی، امیر هوشنگ، (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر سودآوری صنایع مختلف با تأکید بر روش‌های تأمین مالی (منتخبی از شرکت‌های فعال در بازار بورس اوراق بهادار)، فصلنامه اقتصاد دفاع، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۱۰۸-۸۱.

منطقی، منوچهر، نیکزاد، امیر، طبائیان، سید کمال و منطقی، علی، (۱۳۹۳)، طراحی و تولید تسلیحات و تجهیزات نظامی بدون کارخانه، فصلنامه راهبردی دفاعی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۱۸-۸۹.

موسویان، سید عباس و حدادی، جواد، (۱۳۹۱). کاربرد ابزارهای پروژه‌محور اسلامی (صکوک) در تأمین مالی سرمایه‌گذاریهای بخش نفت و گاز. فصلنامه معرفت اسلامی، شماره ۱، صص ۷۲-۴۷.

نظری‌پور، محمدنقی؛ فاضلیان، سیدمحسن و مؤمنی نژاد، ناهید، (۱۳۹۳)، ارائه الگوی مطلوب تأمین مالی صنعت نفت ایران بر پایه صکوک استصناع و رتبه بندی ریسک‌های آن با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی، دوفصلنامه تحقیقات مالی-اسلامی، سال ۳، شماره ۲، صص ۹۶-۶۵.

هستیانی، اصغر ابوالحسنی و شاهنوش فروشانی، محمدصابر، (۱۳۹۷)، مدل به‌کارگیری صکوک در تأمین مالی صنایع دفاعی، فصلنامه اقتصاد دفاع، دوره ۳، شماره ۱۰، صفحه ۹-۲۲.

Brzoska, Michael, (1983), The Military Related External Debt of Third World Countries, Journal of Peace Research, Vol.20, No.3: 271-277.

Cheung, T.M. (2002). China's Entrepreneurial Army (Studies on Contemporary China), 1st Edition.

Chang, I.Y. Galing, S., Wong, C., Yee, H., Axelband, E.I., Ones, M. and Horn, K.P. (1999). Public-Private Partnerships to Meet Future Army Needs, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data, Published by RAND.

Faisal Z. Ahmed, (2019), The Perils of International Capital, Princeton University, New Jersey, pp 167-180.

Hou, Na. (2009). Arms Race, Military Expenditure and Economic Growth in India, University of Birmingham Research Archive.

Ismet, A. (2010). Military-Economic structure in Turkey: present situation, problems and solutions, Turkish Economic and Social Studies Foundation.

Looney, Robert E. & P. C. Frederiksen, (1986), Defense Expenditures, External Public Debt and Growth in Developing Countries, *Journal of Peace Research*, Vol.23, No.4: 329–338.

Rustem, N., & Georgievich, B. E. (2017). The Russian defense industry complex in the conditions of economic sanctions. *The Business & Management Review*, Vol.9, No.2, 175-188.

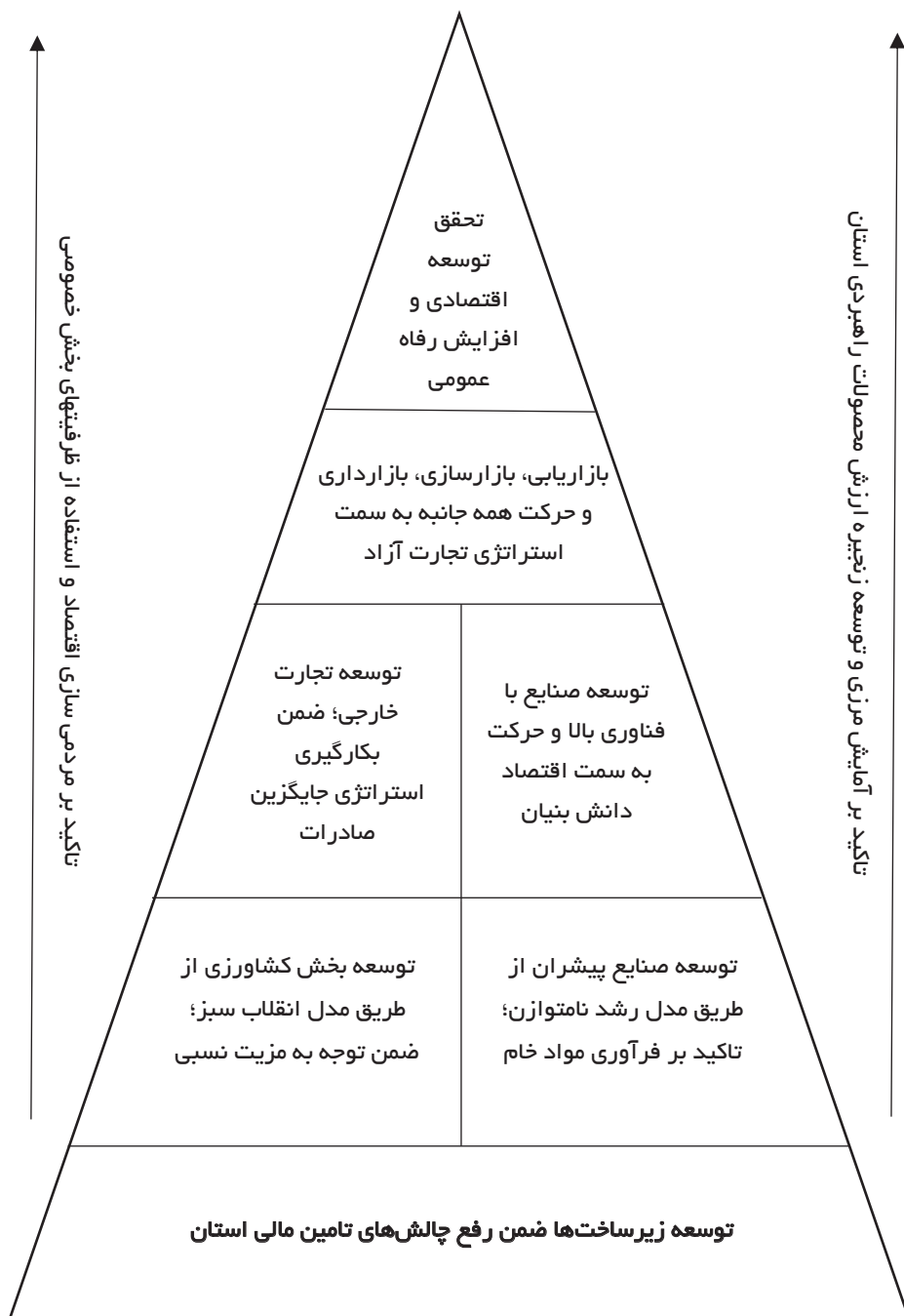
Suman, M. (2007). Outsourcing of Defence Logistics in the Indian Armed Forces, *Strategic Analysis*, Vol.31, No.4: 603-624.

Ucler, G. (2016). Testing the relationship between military spending and private investment: evidence from Turkey, *Theoretical and applied Economics*, Vol.3, No.608: 307-318.

Yildirim, J., S. Sezgin and N. Öcal. (2005). Military Expenditure and Economic Growth in Middle Eastern Countries: A Dynamic Panel Data Analysis, *Defence and Peace Economics*, Vol.16, No.4.

Wang, Y. (2013). Determinants of Southeast Asian military spending in the post-cold war era: a dynamic panel analysis. *Defence and peace economics*, Vol.24, No.1, 73-87.

## مدل پیشنهادی توسعه اقتصادی استان



مدل پیشنهادی  
توسعه اقتصادی استان



Directorate General of Economic and Financial Affairs of  
South Khorasan Economic Deputy